بسم الله الرحمن الرحیم

موسسه فرهنگی تقلین
- ۳۸ -

فرهنگ مسجد

[مشتمل بر مهمترین مصطلحات و کلید واژه‌ها در باب مسجد]

دفتر مطالعات و پژوهش‌های
مرکز رسیدگی به امور مساجد

فرهنگ مسجد: مشتمل بر مهمترین مصطلحات و کلید واژه‌ها در باب مسجد
دفتر مطالعات و پژوهش‌ها، مرکز رسیدگی به امور مساجد. قم: انتشارات ثقلین، ۱۳۸۵ .
۳۲۸ ص ـ (انتشارات ثقلین ؛ ۳۷)
964 - 9960 - 04 - X
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا
کتابنامه: ص. ۳۱۷ ـ ۳۲۸ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. مسجدها ـ دایرة المعارف‌ها. الف. دفتر مطالعات و پژوهش‌ها. مرکز رسیدگی به امور مساجد.
ب. عنوان: مصطلحات و کلید واژه‌ها در باب مسجد.
۲۹۷ / ۷۵ BP ۲۶۱ / ف ۴

▣ فرهنگ مسجد ▣

ناشر: انتشارات ثقلین

مؤلف: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

صفحه‌بندی و ناظر چاپ: عباس رحیمی

لیتوگرافی و چاپ: نینوا

قطع: وزیری ـ ۳۲۸ صفحه

شمارگان: چاپ اول ـ ۵۰۰۰ نسخه

تاریخ: آبان‌ماه ۱۳۸۵

نشانی :

دفتر مرکزی: **تهران ـ تهرانپارس ـ بین فلکهٔ دوم و سوم ـ خیابان ۱۸۲ غربی ـ پلاک ۶**

تلفن ۷۷۷۰۲۳۱۲ ـ نمابر ۷۷۸۸۱۴۵۲

مرکز انتشارات: **قم ـ خیابان انقلاب ـ چهارراه سجادیه ـ کوچهٔ شماره ۳۳ ـ پلاک ۱۳**

تلفن ۷۷۳۴۴۶۷ ـ نمابر ۷۷۳۲۸۶۴

شماره شابک ۹۶۴ـ۹۹۶۰ـ۰۴ـX

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

همکاران «فرهنگ مسجد»

رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد: حجةالاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

اشراف نهایی‌وریاست دفترمطالعات وپژوهش‌ها: حجةالاسلام والمسلمین محسن غرویان

ناظر علمی: حجةالاسلام والمسلمین مرتضی رستگار

دبیر جلسات: حجةالاسلام والمسلمین سید مهدی اجاق

نویسندگان:

مرتضی رستگار، محمّدرضا فیّاض، ابوالفضل نجادی، علی اکبر گندمکار،

غلامرضا حاجبی، یعقوب بهمنیاری.

با همکاری آقایان: محمّدهادی یعقوب‌نژاد، محسن محمّدی، محمّد هاشم‌پور.

ویراستار: سید محمّدتقی مرتضوی‌زاده

فهرست مطالب

سخن ناشر ۱۵
مقدمه ۱۷
پیش‌گفتار ۲۵

« آ »

آثار مسجد رفتن ۳۱
آداب مسجد ۳۴
آسیب‌شناسی مسجد ۳۶
آیات احکام مسجد ۳۷
آیات قبله ۴۰
آیات مسجد ۴۹
آیات مسجد الحرام ۵۱

« الف »

اجرای حدود در مسجد ۵۵
احکام مساجد ۵۶
اذان ۵۷
استفادهٔ شخصی از امکانات مسجد ۶۰

استقبال در مسجد ۶۱
اطعام در مسجد ۶۲
اعتکاف ۶۲
اقامه ۶۵
امام جماعت ۶۷
انواع مسجد ۷۱
اهل مسجد ۷۲
ایوان مسجد ۷۵

« ب »

بانیان مسجد ۷۷
بزاق و خلط انداختن در مسجد ۷۸
بدعت در مسجد ۸۱
بستن درِ مسجد ۸۲
بلند کردن صدا در مسجد ۸۳
بنای مسجد ۸۴
بوی خوش در مسجد ۸۶
بوی نامطبوع در مسجد ۸۷
بهداشت در مسجد ۸۸
بیرون بردن اموال مسجد ۸۹
بیهوده نشستن در مسجد ۹۰

« پ »

پایگاه بسیج در مسجد ۹۳
پوشش در مسجد ۹۴

« ت »

تاریخ مسجد ۹۷
تحوّلات مسجد ۱۰۱
تحیّت مسجد ۱۰۲
تخریب مسجد ۱۰۴
تذهیب مسجد ۱۰۵
ترک مسجد ۱۰۶
تصویر در مسجد ۱۰۸
تعزیه در مسجد ۱۰۹
تعمیر مسجد ۱۱۱
توسعهٔ مسجد ۱۱۳

« ج »

جایگاه مسجد ۱۱۵
جذّابیت مسجد ۱۱۷
جشن در مسجد ۱۱۹
جُنُب در مسجد ۱۲۱

« چ »

چراغ مسجد ۱۲۳

« ح »

حائض و نفساء و مستحاضه در مسجد ۱۲۵
حرف‌های دنیوی در مسجد ۱۲۶
حریم مسجد ۱۲۶
حضور زنان در مسجد ۱۲۷

حفظ حرمت مسجد ۱۳۱
حفظ وقار در مسیر مسجد ۱۳۲
حق اولویت در مسجد ۱۳۳

« خ »

خادم مسجد ۱۳۷
خروج از مسجد ۱۳۸
خرید و فروش مسجد و وسایل آن ۱۳۹
خواب در مسجد ۱۴۰
خوش‌بو کردن مسجد ۱۴۲

« د »

درخت‌کاری در مسجد ۱۴۳
دعا در مسجد ۱۴۴
دعای خروج از مسجد ۱۴۶
دعای ورود به مسجد ۱۴۷
دفن میّت در مسجد ۱۴۸
دیوار مسجد ۱۴۹
دیوانگان و مسجد ۱۵۰

« ذ »

ذکر خدا در مسجد ۱۵۱

« ر »

رفتن به مسجد ۱۵۳
روایات مسجد ۱۵۵

« س »

ستون حنّانه ۱۶۵
سقایت در مسجد ۱۶۶
سقف مسجد ۱۶۶
سلاح در مسجد ۱۶۷
سلام کردن در مسجد ۱۶۹
سنگ پرتاب کردن در مسجد ۱۷۰

« ش »

شبستان مسجد ۱۷۱
شعر در مسجد ۱۷۳
شعور مسجد ۱۷۴
شکایت مسجد ۱۷۵

« ص »

صنعتگری در مسجد ۱۷۷

« ط »

طهارت در مسجد ۱۷۹
طهارت مسجد ۱۸۰

« ظ »

ظلم به مسجد ۱۸۳

« ع »

عناصر تزیینی در معماری مساجد ایران ۱۸۵

« غ »

غصب در مسجد ۱۹۱
غیرمسلمان در مسجد ۱۹۱

« ق »

قبله ۱۹۵
قرآن در مسجد ۲۰۰
قصّه‌گویی در مسجد ۲۰۲

« ک »

کارکرد آموزشی ـ تربیتی مسجد ۲۰۳
کارکرد اقتصادی مسجد ۲۰۵
کارکرد درمانی مسجد ۲۰۷
کارکرد رسانه‌ای مسجد ۲۰۸
کارکرد سیاسی ـ اجتماعی مسجد ۲۰۹
کارکرد عبادی مسجد ۲۱۰
کارکرد فرهنگی مسجد ۲۱۱
کارکرد قضائی مسجد ۲۱۲
کارکرد مدنی مسجد ۲۱۳
کارکرد نظامی مسجد ۲۱۴
کارکردهای مسجد ۲۱۵
کارکرد هنری مسجد ۲۱۶
کانون فرهنگی در مسجد ۲۱۷
کتاب‌خانهٔ مسجد ۲۱۸
کتیبه‌های مسجد ۲۲۱
کنگره ساختن بر مسجد ۲۲۲
کودکان در مسجد ۲۲۳

« گ »

گذرگاه قرار دادن مسجد ۲۲۵
گم‌شده در مسجد ۲۲۶
گناه در مسجد ۲۲۷
گنبد ۲۲۸

« م »

مأذنه ۲۳۱
متولّی مسجد ۲۳۲
محراب ۲۳۵
محرّمات مسجد ۲۳۷
مراسم ترحیم در مسجد ۲۳۸
مستحبّات مسجد ۲۳۹
مَست در مسجد ۲۴۰
مسجد ۲۴۱
مسجد در عصر ظهور ۲۴۳
مسجد ضرار ۲۴۸
مشاهد مشرّفه ۲۵۰
مصلاّ ۲۵۳
معامله در مسجد ۲۵۳
معماری مسجد ۲۵۵
مقصورهٔ مسجد ۲۸۶
مکان مسجد ۲۸۷
مکروهات مسجد ۲۸۸
منبر ۲۸۹
میراث فرهنگی مسجد ۲۹۰

« ن »

نام‌گذاری مسجد ۲۹۳
نجس کردن مسجد ۲۹۴
نذر برای مسجد ۲۹۴
نشستن در مسجد ۲۹۴
نظافت مسجد ۲۹۷
نقاشی مسجد ۲۹۸
نماز جماعت در مسجد ۲۹۹
نماز جمعه در مسجد ۳۰۲
نمازخانه ۳۰۴
نماز در مسجد ۳۰۴
نماز میّت در مسجد ۳۰۵

« و »

ورود به مسجد ۳۰۷
وضوخانهٔ مسجد ۳۰۸
وقف بر مسجد ۳۰۸
وقف مسجد ۳۱۰

« هـ »

هتک حرمت مسجد ۳۱۳
هشتی ورودی ۳۱۴
همسایهٔ مسجد ۳۱۴
هیأت امنای مسجد ۳۱۶

فهرست منابع و مآخذ ۳۱۹

سخن ناشر

مسجد قلب تپندهٔ جامعهٔ اسلامی در تمامی امور و مسائل بوده و به اتفاق مؤرخان خشت اوّل تشکیل جامعهٔ اسلامی در صدر اسلام با بنای مسجد در شهر مدینه (یثرب) نهاده شد. پیامبر اکرمﷺ با وحی الهی تعریف جدیدی از دین‌داری ارائه نمود و جامعهٔ نوینی را براساس شریعت اسلام پایه‌گذاری کرد و محور این حرکت را مسجد قرار داد. ایشان همراهی دین و سیاست، دنیا و آخرت مردم‌داری و خداباوری را در یک نهاد جمعی و اجرایی به‌نام «مسجد» سامان بخشید و مسجد را به عنوان نقطهٔ تعامل، توسعه، محبت، مودّت، انس و اخوت در بین امت مسلمان مطرح ساخت. مسجد نه فقط به حیات دینی انسان معنا بخشیده بلکه نقش ژرف و عمیق در صحنهٔ سیاست و اجتماع ایفا کرده، ایمان و اعتقاد و اخلاص و ایثار را در خدمت به جامعه و توسعه سیاسی و اسلامی به‌کار گرفته است. انقلاب اسلامی ایران نیز به دلیل داشتن خاستگاه و محتوای دینی فرزند و مولود مسجد است و بی‌شک ادامه حیات آن نیز جز در سایه مسجد امکان‌پذیر نیست. از این‌رو پرداختن به معارف و ابعاد و زوایای مختلف مسجد گاهی محکم و استوار در راستای استمرار و بقای این نهضت مقدس است. فرهنگ‌ها منابعی دقیق و موثق و معتبر در پاره‌ای واژگان با اصطلاحات تمام یا بخشی از زبان و یا رشته‌ای خاص از علوم و معارف هستند. امروزه به دلیل گسترش علوم و فنون و پیدایش شاخه‌های متعدد علمی، افراد فرصت زیادی برای شناخت تفصیلی مطالب مورد نیاز خود ندارند. از این‌رو نوشتن فرهنگ‌ها اهمیت و جایگاه خاصی پیدا کرده است. مسجد به‌عنوان تنها نهادی که از آغاز تأسیس تاکنون مرکز و محور تحولات عظیمی در جامعهٔ اسلامی بوده و دارای ابعاد و جهات گوناگون و گسترده‌ای است از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

مؤسسه فرهنگی ثقلین افتخار دارد تا در سالی که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مدظله‌العالی» به‌نام «پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله» نام‌گذاری گردیده است. نشر کتاب حاضر را با عنوان «فرهنگ مسجد» که توسط کارشناسان و محققین دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد تدوین و تألیف شده است به حضور فرهیختگان تقدیم نماید. امید است زحمات مسؤول محترم دفتر، جناب حجةالاسلام والمسلمین محسن غرویان و پژوهشگران دفتر و کلیه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر ارزشمند تلاش کرده‌اند مورد عنایت حضرت حق قرار گیرد.

مؤسسهٔ فرهنگی ثقلین

مقدمه

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از نگاه دیگران

مقام معظم رهبری «دام ظله‌العالی» سال ۱۳۸۵ هـ ش را به نـام مـبارک «پـیامبر اعـظم صلی الله علیه و آله» مزین فرمودند. این تدبیر حکیمانه، برای پاسخ‌گویی به یاوه‌سرائی‌ها و سخنان سست و واهی پاره‌ای از دشمنان اسلام بخصوص در برخی کشورهای غربی بود. بی‌تردید شخصیت والای حضرت محمد صلی الله علیه و آله بسی بالاتر و ارجمندتر از آن است که در پس پردهٔ ابهام باقی مانده باشد. انقلاب فرهنگی و نهضت فکری‌ای که توسط پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از خاک حجاز آغاز شده امروزه تمامی نقاط جهان را تحت تأثیر قرار داده است. امروزه در هر کجای عالم که مسجدی بـرپاست، نـام زیـبای «مـحمد صلی الله علیه و آله» از مأذنـه‌اش بگـوش مـی‌رسد. دو شـعار «لا اله الا الله» و «محمّدٌ رسول الله» در جای جای کرهٔ زمین، نشان از گسترش فرهنگِ اسلام و آئین محمّدی است. آئین پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و «مسجد» پیوندی دیرینه و ناگسستنی دارند. حضور «مسجد» در هر نقطهٔ جهان، حضور «اسلام» است.

مستشرقان فراوانی در طول تاریخ، در بارهٔ اسلام و قرآن و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سخنانی گفته و مطالبی نوشته‌اند. ما در مقدمهٔ این کتاب که با عنوان «فرهنگ مسجد» به حضور شما فرهیختگان و فرزانگان تقدیم می‌شود، مناسب دیدیم اعترافات برخی از شخصیت‌های برجستهٔ عـلمی و شرق‌شناسان مشهور را در بارهٔ پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله نقل کـنیم. پـیشتر اعـتراف مـی‌کنیم که شخصیت برجستهٔ حضرت محمّد صلی الله علیه و آله فراتر از آن است که این مشاهیر بتوانند به عمق و کنه آن پی ببرند، امّا به مصداق «الفضل ما شهدت به الاعداء» ملاحظهٔ نظرات این‌گونه افراد و رجال علمی، خالی از فائده نیست:

سرپرسی سایکس

عقیده شخصی من این است که [حضرت] محمدﷺ در میان مشاهیر عالم بزرگ‌ترین انسانی است که با یک مرام عالی تمام هم خود را مصروف این داشت که شرک و بت‌پرستی را از ریشه منهدم ساخته و به جای آن افکار بلند اسلام را برقرار سازد و او خدمت وافر و نمایانی که از این راه به نوع بشر نموده خدمتی است که من آن را ستایش نموده و سرتعظیم فرود می‌آورم.

رینولد الین نیکلسون

با ظهور [حضرت] محمدﷺ پرده نفوذناپذیر ظلمت آن عهد ناگهان کنار زده شد و مردم جزیرةالعرب، براساس محکم سنن تاریخی پیداکردند.

توماس کارلایل

دشمنان اگر به نظر حقیقت بنگرند خواهند فهمید در نفس این مرد بزرگ افکاری فوق طمع و دنیوی و جاه و سلطنت بوده است.

گرچه قرآن مشتمل بر آیات بلیغه توحید و تمجید مقام ارجمند خداوندیست ولیکن یگانه چیزی که در رأی من سزاوار تقدیس و تقدیر و مورد اعجاب است همانا شعاع نظرهای نافذ محمدﷺ است به اسرار امور، که در میان آیات قرآنی ساطع و نمایان و تأثیر عمیقی در آیینه دل‌های بی‌رنگ دارد و این بزرگترین مزیتی است که حقاً باعث تقدیس و اعجاب است و اگر بدیده عقل بنگریم این معنی موهبت و فضل خداوندیست که به محمدﷺ از طرف خداوند حکیم اعطاء گردیده است.

خوشا به محمدﷺ با لباس خشن و طعام خشن سعی در اصلاح عالم و تبلیغ توحید خداوند حق نموده روز و شب در رنج و تعب کوشش در نشر عدل و فضائل اخلاق می‌کرد و ابداً مانند اشخاص ضعیف‌النفس در تحمل شدائد و رنج‌ها طمع و میل به شهرت اسم یا نیل به سلطنت نداشت و هرگز نمی‌خواست هیچ قسم سیطره در عالم داشته باشد بلکه نشر دین توحید و عدل را در عالم، وظیفه روحی و انسانی خود می‌شمرد.

لرد درهن

پیش‌گویی‌هایی که (قرآن) در باره آینده کرده است اطلاعات درست و شگفت‌انگیزی که دارد آن چنان است که حضرت محمد ﷺ که استادی ندیده است به هیچ وجه نمی‌تواند از پیش خود آنها را فراهم ساخته و انشاء کند.

آلفونس دولامارتین (شاعر و نویسنده فرانسوی)

اگر بزرگی هدف، کمی وسایل و عظمت نتیجه را برای یک نابغه بشری مقیاس بگیریم در تاریخ نظیری مانند حضرت محمد ﷺ نمی‌توان یافت، وی در ثلث اراضی مسکونی امپراطوری‌ها، ارتش‌ها، قوانین، خاندان‌ها و توده‌های عظیم بشری را به حرکت درآورد، بیشتر و با عظمت‌تر از آن این است که عقل‌ها، اندیشه‌ها، عقیده‌ها و روان‌ها را به نهضت درآورد. هیچ فردی داوطلبانه یا از روی اجبار هدفی عالی‌تر از هدف پیامبر اسلام نداشته است زیرا دین اسلام موجب از بین بردن موهوم پرستی گردیده است، همان موهوم‌پرستی که بین خدا و مخلوقش به وجود آمده بود و همچنین باعث نزدیک کردن انسان به خدا و توسعه عقیده معقول خداپرستی می‌باشد و در میان آن همه هرج و مرج و بی‌نظمی و اغتشاش بت‌پرستان و معتقدین به خدایان متعدد، اسلام تنها فکر منطقی می‌باشد. هیچ پیامبری نتوانسته است مانند پیامبر اسلام انقلابی آن چنان مقدس و طولانی و پراهمیت در آن مدت خیلی کم به مرحله عمل درآورد زیرا هنوز دو قرن از آغاز کار پیامبر اسلام نگذشته بود که دین او نضج گرفت و اول بار در سه ناحیه عربستان و سپس در سایه کلمه توحید سواحل رود سیحون و هند غربی و مصر و حبشه و تمام آفریقای شمالی و بیشتر جزایر مدیترانه و قسمتی از خاک فرانسه و قسمت عمده سرزمین اسپانیا گسترش یافت.

بارتلمی هیلر

[حضرت] محمد ﷺ از همه اعراب با هوش‌تر بوده و در دین‌داری از همه‌کس محکم‌تر و نسبت به مردم مهربان‌تر بوده است، و به واسطه همین برتری بود که بدان قدرت و عظمت فوق‌العاده

رسید، ما این دین بزرگی که او آورد و مردم را بدان دعوت کرد را برای پیروانش یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند می‌شماریم.

گوستاولوبون

اضافه برآنچه گفته شد طبق گفته تاریخ‌نویسان عرب حضرت محمدﷺ بسیار خوددار و متفکر، کم‌حرف، احتیاط کار، خوش قلب، در رفتار و کردار خود بسیار مراقب ادب و پاکیزگی خویش بود تا پس از اینکه به ثروت و اقتدار نیز رسید هیچ‌گاه کارهای خود را به دیگری واگذار نکرد. او مردی بود بردبار در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها خوددار و متحمل، دارای همتی بلند و در برخوردها مهربان و خوش‌رو بود یکی از خدمت‌گذارانش نقل می‌کند که هجده سال تمام خدمت او را انجام می‌داد و در طول این مدت هیچ‌گاه سخن تند یا کردار ملال‌آوری حتی برای تنبیه کردن من نیز از او ندیدم. حضرت محمدﷺ جنگ‌جویی دلاور و ماهر در فنون جنگی بود اگر احساس خطری می‌نمود فرار نمی‌کرد و بدون جهت نیز خود را به مهلکه نمی‌انداخت. پیامبر اسلام توانست یک هدف مقدس واحدی برای تمام ملت‌های عرب بناکند. ملت‌هایی که هدف و ایده، در آن‌ها وجود نداشت و همین بنای عالی پیامبر بود که توانست به خوبی عظمت و شخصیت او را آشکار نماید. ما اگر بخواهیم ارزش اشخاص را به کردار و آثار نیک‌شان بسنجیم به‌طور مسلم حضرت محمدﷺ بزرگترین مرد تاریخ است.

معجزه کبرای پیامبر این بود که توانست پیش از مرگ خود قافله پراکنده عرب راگردهم آورد و از این کاروان سرگردان و پریشان ملت واحدی تشکیل دهد، بدانسان که همه را در برابر یک دین خاضع کرده فرمانبر و مطیع یک پیشوا گرداند.

مکس مولر

مکس مولر (۱۹۰۰ ـ ۱۸۱۳) لغوی و زبان‌شناس و مستشرق آلمانی انگلیسی است. او می‌گوید: نزدیک است که مسیحیان بفهمند که پیامبر یکی از مصدقین و یاری‌کنندگان آیین و تعلیمات

مسیح بوده و آن وقت دهشت خواهند کرد از دشمنی و خصومتی که بنام دین در قرن‌های گذشته مسیحیان مرتکب آن شدند.

نوفالیس

رسیدن انسان به حقیقتی از حقایق و درک سری از اسرار قوانین جامعه بشری بزرگترین معجزه می‌باشد و از این مقام ارجمند و مرتبه رفیعه به این کلمه تعبیر می‌شود: محمد، پیامبر حق از طرف خداوند قادر دانا و فرستاده اوست.

جان دیون پورت

جان دیون پورت (۱۷۸۹ ـ ۱۸۷۷) اسلام‌شناس معروف انگلیسی در کتاب «**یک منقبت درباره محمد و قرآن**» چاپ لندن سال ۱۹۸۶ چنین می‌نویسد:

«حضرت محمد ﷺ را باید یک مصلح دینی و قانون‌گذاری دانست که در قرن هفتم میلادی در عربستان ظهور کرده است».

تولستوی

لئو تولستوی (۱۹۱۰ ـ ۱۸۲۸) نویسنده مشهور روسی در کتاب خود به‌نام محمد ﷺ می‌گوید: جای هیچ‌گونه شبهه و تردید نیست که پیامبر اسلام از بزرگان و مصلحین دنیاست، آن هم مصلحی که به جامعه بشریت خدمات شایانی کرده است و این فخر و مباهات برای او بس است که یک ملت خون‌ریز و وحشی را از چنگال اهریمنان عادات زشت و شنیع برهانید و راه ترقی را بر روی آنان بازکرد و حال آن که هر مرد عادی نمی‌تواند به چنین کار شگرفی اقدام کند و نتیجه بگیرد.

بنابراین شخص شخیص پیامبر اسلام، سزاوار همه‌گونه احترام و اکرام می‌باشد شریعت پیامبر اسلام به علت توافق آن با عقل و حکمت در آینده عالم‌گیر خواهد شد.

ادوارد کیب بن (مورخ انگلیسی)

شخص محمدﷺ از نظر جمال و زیبایی صوری امتیازاتی داشت و این امتیازات را جز از نظر کسانی که فاقد آنند، نمی‌توان ناچیز انگاشت. او پیش از آن‌که به سخنرانی بپردازد چه شنونده یک نفر بود و چه جمعی بودند همه مجذوب لطف و محبت او می‌شدند و توجه همه به سوی او جلب می‌شد. صورت آراسته و آمرانه، سیمای موقر و با شکوه، چشمان نافذ، تبسم ملیح و جاذب، محاسن پر مو، قیافه‌ای که نماینده تمام احساسات روحی وی بود و سرانجام نکات و لطائفی راکه در محاوره به‌کار می‌برد، همه را وادار می‌کرد که در برابر او صدای هلهله و تکریم را بلند کنند.

در امور اجتماعی و کارهای مربوط به زندگی، کلیه آداب و رسوم کشورش را دقیقاً رعایت می‌کرد. تواضع و احترام او در برابر اغنیا و بینوایان یکسان بود. وضوح و صراحتی که در گفتار نشان می‌داد، جای اختفایی برای مقاصد نهایی او نمی‌گذاشت. آداب معاشرتی راکه در برابر دوستان، از نظر رفاقت و سابقه نشان می‌داد، همان بود که به عموم مردم، از نظر بشر دوستی رعایت می‌کرد.

حافظه‌اش قوی و پردامنه و هوش و ادراکش سهل و اجتماعی بود. نیروی تصورش عالی، قضاوتش صریح و روشن و سریع و قاطع بود، هم دارای قدرت فکر و اندیشه بود و هم دارای قدرت عمل و اقدام.

وگرچه نقشه او به تدریج با موفقیت توسعه پیدا می‌کرد. با این حال، اولین فکر رسالت الهی وی دارای نشان نبوغ اصیل و عالی است.

استانلی لین‌پول

از نظر قدرت اندیشه و علو فکر و زیبایی و صفای احساس، دارای موهبت خاصی بود. بیمار را عیادت می‌کرد و هر جنازه‌ای را تشییع می‌کرد. دعوت هر غلامی را برای شام می‌پذیرفت. جامه‌اش را خودش رفو می‌کرد. بزهایش را خودش می‌دوشید و کارهای خانه‌اش را شخصاً

انجام می‌داد. گفته‌های گذشتگان را به‌طور خلاصه نقل می‌کرد. وقتی که با کسی دست می‌داد هیچ وقت زودتر از طرف مقابل دستش را عقب نمی‌کشید. از کسانی که تحت حمایت و سرپرستی او می‌زیستند، او با وفاترین حمایت‌کننده بود. هر کسی او را می‌دید، خود به خود به او احترام می‌کرد، هر کس به او نزدیک می‌شد، او را به شدت دوست می‌داشت. هر کس او را دیده چنین توصیف کرده و گفته است.

نه بیشتر از آن تاریخ و نه بعد از آن تاریخ، کسی را مانند او ندیده‌ام. هیچ کس به سکوت و کم حرفی او دیده نشده است و هر وقت حرف می‌زد استحکام و متانت و حزم بود. آن چه را می‌گفت، هیچ وقت کسی نمی‌توانست آن را فراموش کند.

پیامبر اسلام یکی از بزرگترین و عالی مقام‌ترین شخصیت‌های تاریخ جهان است و کتابش همان قرآن می‌باشد که مجموعه‌ای از وحی‌های الهی و شاهکار زبان عربی است.

پیامبر اسلام، مردی بسیار شجاع بود و در ضمن تواضع ایمانی بس قوی داشت و خود را بنده خدا می‌دانست او بسیار نماز می‌خواند و بسیار روزه می‌گرفت و در هر حال، عادل و منصف و نسبت به همه مهربان و با محبت بود.

پیامبر اسلام با شخصیت بارز و قوت کلام و اخلاق و رفتارش توانست یکی از بزرگترین مذاهب روزگار را پایه گذاری کند و یکی از کامل ترین تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را بنیان‌گذاری نماید. وی یکی از بزرگ‌ترین قانون‌گذاران و مربیان مذهبی و سیاستمداران و مردان کارزار می‌باشد. در حالی که مدرسه ندیده و درس نخوانده بود.

در مغرب زمین، مسیحیان عموماً تصورات واهی و خطائی از پیامبر اسلام دارند و حال آن که وی مردی، بسیار قانع و متواضع و متین و محجوب بود. به ابلاغ رسالت‌اش، ایمانی فوق‌العاده داشت و در حین پیامبری دائم این نکته را به مردم گوش زد می‌کرد که بنده و فرستاده خداست و با این که نفس خود را به سختی رنج می‌داد، ولی با همه مردم، مهربان و رئوف بود.[۱]

---

۱. ن، ک: اعترافات مستشرقان در باره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، روزنامه رسالت ۱۳۸۵/۴/۲۶.

پیشگفتار

فرهنگ مسجد

«فرهنگ» منبعی دقیق، موثّق و معتبر در بارهٔ واژگان یا اصطلاحات تمام یا بخشی از زبان و یا رشته‌ای خاص از معارف و علوم است که براساس نظمی خاص و معمولاً الفبایی مرتّب می‌شود.[۱] فرهنگ‌ها به دو دستهٔ عمومی و تخصصی تقسیم می‌شوند. فرهنگ‌های عمومی، که به آن‌ها «واژه‌نامه» یا «لغت‌نامه» نیز گفته می‌شود، منابعی‌اند که در آن‌ها واژگان و تعابیر یک زبان یا گویش خاص از یک زبان به همراه معانی و وجه دستور آن‌ها گرد آمده است. پیشینهٔ لغت‌نامه‌ها در زبان فارسی، به ***فرهنگ*** یا ***لغت‌نامهٔ فُرس*** تألیف ابومنصور علی بن احمد اسدی طوسی در قرن پنجم هجری، باز می‌گردد که تاکنون چندین بار چاپ شده است.[۲] امروزه فرهنگ‌های عمومی بسیاری، از جمله ***لغت‌نامه*** و ***فرهنگ معین*** در دسترس است.

فرهنگ‌های تخصصی منابعی هستند که در آن‌ها واژگان و اصطلاحات یک رشتهٔ خاص از معارف و علوم به همراه معانی آن‌ها و توضیحات لازم گرد آمده است. سابقهٔ تألیف این فرهنگ‌نامه‌ها در زبان فارسی چندان طولانی نیست. نخستین فرهنگ تخصصی مانند ***فرهنگ نظامی***، نگاشتهٔ سروان ضرغامی و سروان زرگر خوشنویسان؛ ***فرهنگ بازرگانی*** نگاشتهٔ ینکار؛ و ***فرهنگ حقوقی***، نگاشتهٔ جعفری لنگرودی، از ترتیب شصت سال پیش به این طرف تألیف

---

۱. فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۵۰، به نقل از: تاریخچهٔ دائرة المعارف‌نگاری در جهان، ص ۳۰.

۲. فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۵۱، به نقل از: فرهنگ‌های فارسی، ص ۱۳۶.

شده‌اند.[۱] امروزه فرهنگ‌های تخصصی بسیاری در دسترس دانش‌پژوهان هر یک از علوم قرار دارد.

دائرةالمعارف تنها منبعی است که در آن، مهم‌ترین و اساسی‌ترین اطلاعات لازم در همهٔ رشته‌های معارف بشری یا رشته‌ای خاص براساس نظمی منطقی و بیشتر الفبایی فراهم آمده است.[۲] مشابهت «**فرهنگ**» با «***دائرة المعارف***» در سه چیز است:

۱. هر دو کتاب مرجع محسوب می‌شوند و خواننده هنگام نیاز، به آن‌ها مراجعه می‌کند.

۲. دائرةالمعارف‌ها از نظر شمول، همانند فرهنگ‌ها، عمومی یا تخصصی‌اند.

۳. نظم هر دو غالباً الفبایی است.

تفاوت عمدهٔ این دو در این است که هدف در فرهنگ‌نویسی، ارائهٔ اطلاعات پایه و اساسی اما به اختصار است، ولی در دائرةالمعارف‌نویسی، ارائهٔ اطلاعات گسترده‌تر، عمیق‌تر و دسته‌بندی شده‌تر است.[۳]

معرفی «فرهنگ مسجد»

فرهنگ مسجد ـ کتاب حاضر ـ فرهنگی تخصصی و با نظم الفبایی است که در آن، عناوین مرتبط با مباحث مسجد، همراه معنا و توضیحات لازم و مستندگرد آمده است. برای استفادهٔ بهینه از این کتاب، توجه به نکات ذیل، ضروری است:

۱. محققان محترم تلاش کرده‌اند تا در ذیل هر مدخل، شناسهٔ مدخل قرار گیرد و اطلاعاتی اجمالی در اختیار مخاطب قرار دهد. «شناسه» تعریفی کوتاه با عباراتی غالباً بدون فعل است که در برابر هر یک از عناوین و مدخل‌ها می‌آید.

---

۱. فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۵۱، به نقل از: کتاب‌شناسی فرهنگ‌های فارسی، ص ۲۷۳.

۲. تاریخچهٔ دائرةالمعارف نگاری در جهان، ص ۳۰.

۳. فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۵۱ ـ ۵۲.

۲ . به دلیل آنکه ذکر جزئیات احکام فقهی در مباحث مربوط بـه احکـام مسـجد، مخالف غرض تدوین فرهنگ‌نامه است، از این رو، تنها به‌کلیات موارد پرداخته شده و در موارد اختلاف، یا ملاحظهٔ شهرت یک قول، آن قول به مشهور نسبت داده شده است.

۳. سعی شده است مطالبی که در این فرهنگ تدوین گردیده، از منابع معتبر باشد و برای اتقان و اعتبار بیشتر و همچنین تسهیل پژوهش‌های گسترده‌تر برای خوانندگان ارجمند، در پایان هر مقاله، به نام کتاب، شمارهٔ جلد و صفحهٔ آن اشاره شده و در پایان کتاب نیز مشخصات کامل کتاب‌شناختی منابع و مآخذ به‌طور مبسوط ذکر گردیده است.

اهمیت و ضرورت تدوین

امروزه با توجه به گسترش علوم و فنون و پیدایش شاخه‌های متعدد علمی، افراد فرصت زیادی برای شناخت تفصیلی مطالب مورد نیاز خود ندارند وگرفتاری‌های روزه‌مرّه بسیاری را به خود مشغول ساخته است. از این‌رو، نوشتن فرهنگ‌ها اهمیت و جایگاه خاصی پیدا کرده است. «مسجد» به عنوان تنها نهادی که از آغاز تأسیس تاکنون مرکز و محور تحوّلات عظیمی در جامعهٔ اسلامی بوده و دارای ابعاد و جهات گوناگون وگسترده‌ای است، از این قاعده مستثنا نمی‌باشد.

مراحل تدوین

تا آنجا که می‌دانیم، این نخستین بار است که کتابی با عنوان «**فرهنگ مسجد**» نوشته می‌شود، از این‌رو، نگارش و تدوین این اثر معضلات و مشکـلات خـاصی بـه هـمراه داشـته است. به هر روی، برای آماده‌سازی این کتاب، مراحل زیر به دقت پشت سر گذاشته شده است:

الف. فیش‌برداری مجموعهٔ آثار و کتاب‌ها و مقالاتی که در ارتباط با مسجد نگاشته شده‌اند.

ب. گزینش واژه‌های محوری و خاص به عنوان «مدخل» فرهنگ‌نامه؛

ج. نگارش مقالات متناسب ذیل هر مدخل، توسط محققان و نویسندگان محترم؛

د. بررسی ساختاری و محتوایی مقالات پس از تدوین: در بعد ساختاری نوشته‌ها، حجم، قواعد درست‌نویسی، تنظیم و چینش مطالب و اعتبار منابع مورد نظر بوده و در نگاه محتوایی، درستی مطالب، مطابقت آن‌ها با منابع مورد استناد، و جامعیت مقالات لحاظ شده است.

هـ. نظارت بر مقالات توسط مسئول «دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد» یا کارشناس مورد تأیید ایشان؛

و. ویرایش مقالات؛

ز. بازبینی نهایی و مقابله توسط ناظر علمی مقالات.

ویژگی‌ها

فرهنگ مسجد دارای چند ویژگی است:

الف. نخستین فرهنگ مسجد است که توسط گروهی از محققان شیعه نوشته شده است.

ب. به زبان فارسی نگارش یافته و برای همهٔ طبقات فارسی زبان قابل استفاده است.

ج. از جامعیت و گستردگی نسبی برخوردار است.

د. مستند به منابع معتبر است و زمینه را برای تحقیق بیشتر در موضوعات مداخل فراهم می‌آورد.

هـ. روان و ساده و در عین حال، علمی و متقن نوشته شده است.

و. براساس حروف الفبای فارسی مرتّب شده است.

سخن آخر

خداوند سبحان را سپاس می‌گوییم و ستایش می‌کنیم که نعمت جمهوری اسلامی را به ما ارزانی داشت و انقلاب اسلامی را به دست با کفایت فقیه و فیلسوف کبیر حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی قدس‌سره به پیروزی رسانید و سکّان‌داری کشتی پرشتاب این انقلاب الهی را به دست پرتوان

مقام معظّم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «دام‌ظله الوارف» سپرد. بجاست از شهیدان گران‌قدر این انقلاب سرخ حسینی علیه‌السلام یادکنیم و نام و راه و آرمان‌شان راگرامی بداریم و توفیق پیمودن طریقشان را از خدای منّان طلب کنیم.

در پایان، از مساعدت‌های بی‌شائبه ریاست «مرکز رسیدگی به امور مساجد» حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین ابراهیمی «دام عزّه» کمالِ تشکر را داریم و برای همگان توفیق انجام خدمات علمی و فرهنگی در جهت اهداف متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران را از خداوند بزرگ مسئلت می‌کنیم. «و آخر دعوانا ان الحمدلله ربّ العالمین».

قم

دفتر مطالعات و پژوهش‌های

مرکز رسیدگی به امور مساجد

تابستان ۱۳۸۵

« آ »

آثار مسجد رفتن

آثار مسجد رفتن: فواید دنیوی و پاداش‌های اخروی رفت و آمد به مسجد

در متون روایی شیعه و سنّی، برای رفت وآمد به مساجد، فواید و آثار دنیوی و اخروی بیان شده است. این آثار سازنده و پاداش‌ها عبارت است از:

۱. پیداکردن برادر و دوستی که در مسیر اطاعت خداوند از وی بهره گیرد.

۲. فراگیری علم و دانش جدید و سودمند؛

۳. عقاید خود را با دلیل و برهان، محکم و استوار می‌سازد.

۴. شنیدن سخنی که او را به سوی نیکی رهنمون گردد.

۵. رحمتی از خداوند که منتظرش باشد.

۶. سخنی که او را از بدی بازدارد.

۷. گناهی را از روی شرم و حیا ترک نماید.

۸. گناهی که در اثر خوف و خشیت، آن را ترک کند.[۱] (ر.ک. اهل مسجد.)

۹. مؤمن بودن؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هنگامی که دیدید مردی بر رفت وآمد به مسجد مداومت دارد، او را مؤمن بدانید؛ زیرا مسجد خانهٔ اجتماع و آمد و شد انسان‌های با تقوا و صالح است.[۲] همچنین فرمودند: به سوی مسجد گام برنمی‌دارد، مگر مؤمنی از اهل بهشت.[۳]

---

۱. در روایتی از حضرت علی علیه السلام این هشت مورد ذکر شده است. (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۷۱۳.)

۲. مستدرك الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۳۷۸۶.

۳. جامع الأخبار، ص ۶۸ / بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۵۴.

۱۰ . ضمانتِ ورود به بهشت؛ از رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است: شش حالت است که هر کس در یکی از آن حالات بمیرد خداوند ـ عزّوجل ـ ضمانت نموده است او را وارد بهشت کند. یکی از آن‌ها وقتی است که انسان نیکو وضو بگیرد، سپس به سوی مسجد و مصلاّی نماز حرکت کند ولی در بین راه، مرگش فرا رسد.[۱]

۱۱ . شفاعت‌کنندهٔ هشتاد هزار نفر؛ پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: خداوند به سه گروه وعده داده است بدون حساب وارد بهشت شوند و هر یک از این سه گروه می‌تواند هشتاد هزار نفر را شفاعت کند؛ آن‌ها عبارتند از: مؤذّن، امام جماعت، و کسی که وضو بگیرد سپس داخل مسجد شود و نماز را به جماعت بجای آورد.[۲]

۱۲ . همردیف بودن با مقام و منزلت صدّیقان و شهدا و حضور در محفل پیامبر الهی؛ رسول اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: قدم برداشتن به سوی مسجد اطاعت از خداوند و پیامبر اوست، و هر که از خدا و رسولش اطاعت کند خداوند او را همراه صدّیقان و شهدا وارد بهشت خواهد کرد و همنشین حضرت داودعلیه‌السلام است و مثل او پاداش می‌گیرد. این مقامات در سایهٔ آمد و شد به مسجد به دست می‌آید.[۳]

۱۳ . طلب آمرزش و دیدار و انس فرشتگان با او در قبر؛ نبی اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: کسی که به قصد شرکت در نماز جماعت، به سوی مسجد قدم برمی‌دارد، خداوند متعال در برابر هر گامی که برمی‌دارد، هفتاد هزار حسنه به او پاداش می‌دهد و نیز به همین میزان درجات و تقرّب وی به خدا بالا خواهد رفت، و اگر در چنین حالی بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته را مأمور می‌کند تا در قبر به دیدارش بروند و وی را بشارت دهند و در تنهایی قبر أنیس او باشند و تا روز قیامت برایش طلب آمرزش کنند.[۴]

---

۱ . الدعوات، ص ۱۰۴ / مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۴، ح ۳۷۹۱ .

۲ . مستدرک‌الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۹، ح ۷۲۰۳ .

۳ . همان، ج ۳، ص ۳۶۵، ح ۳۷۹۳ / جامع الأخبار، ص ۷۹ .

۴ . وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۲۸۷، ح ۱۰۶۸۱ / بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۷۳، ش ۳۸ و نیز ر.ک. همان، ج ۵، ص ۲۱۰، ح ۶۳۲۸ / صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۲۹ / صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۲۲ و ۱۵۸ و ۴۲۶ / سنن نسائی، ج ۲، ص ۴۲ .

۱۴ . برخوردار شدن از آرامش فکری و روحی؛ بنا به برخی روایات، هنگام گرفتاری و غم و اندوه و مشکلات و یا موقع حوادث یا رخدادهای طبیعی (کسوف و خسوف)، به مسجد رفتن و نماز خواندنِ در آن، آرامش روانی در پی دارد.[۱]

۱۵ . تسبیح تمامی موجودات برای نمازگزار در مسجد؛ امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: کسی که به سوی مسجد گام برمی‌دارد بر هیچ تَر و خشکی قدم نمی‌گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفتگانه‌اش برای او (به جای او برای خدا) تسبیح می‌گویند.[۲]

۱۶ . ایمنی از بلا؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: آنگاه که اهل زمین در گناه و بدی‌ها غوطه‌ور می‌شوند، خداوند قصد می‌کند تمامی آنان را بدون استثنا عذاب کند و چون می‌بیند سال‌خوردگان برای نماز به مساجد قدم برمی‌دارند و فرزندان (نوجوانان) به آموختن قرآن می‌پردازند بر همه رحم می‌کند و عذاب را به تأخیر می‌اندازد.[۳]

۱۷ . نجات از آتش سوزان؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: در قیامت، دستور داده می‌شود برخی مردان را به سوی آتش ببرند. خداوند ـ عزّوجل ـ به مالک (نگهبان دوزخ) می‌فرماید: بگو به آتش که قدم‌های آنان را نسوزان؛ زیرا آنان به سوی مساجد گام برمی‌داشتند.[۴]

۱۸ . پاداش حج و عمرهٔ مستحبی؛ پیامبر می‌فرماید: کسی که برای شرکت در نماز جماعت پیاده به سوی مسجد برود ثوابش همانند یک حج است، و آنکه صرفاً برای شرکت در نمازی به سوی مسجد گام بردارد ثوابش همانند عمرهٔ مستحبی است.[۵]

همچنین در روایات آمده است: آنان که شبانگاهان به مساجد می‌روند، در قیامت، پرچمدار و جلودار بهشتیان هستند و در جوار عرش الهی ساکن می‌گردند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: بشارت باد کسانی را که در تاریکی شب به مساجد می‌روند! در روز

---

۱ . شیخ صدوق، الامالی، ص ۴۶۵ .
۲ . من لایحضره‌الفقیه، ج ۱ ، ص ۲۳۳ ، ح ۷۰۱ .
۳ . همان، ج ۱ ، ص ۲۳۹ ، ح ۷۲۳ .
۴ . علل‌الشرائع، ج ۲ ، ص ۴۶۶ .
۵ . کنزالعمّال، ج ۷ ، ص ۵۵۷ ، ح ۲۰۲۳۴ .

قیامت، از نوری فروزان و درخشنده در پیشاپیش خود برخوردارند[۱] و اینان در رحمت الهی غوطه‌ورند.[۲] در بیان دیگری فرمودند: کسی که در دل شب در حالی که مردم به خواب رفته‌اند، طهارت و وضویش را نیکو بجا آورد و به سوی خانه‌ای از خانه‌های خدا حرکت کند در زیر سایهٔ عرش الهی است و گناهانش آمرزیده می‌شود.[۳] در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر می‌فرماید: ای ابوذر! خوشا به‌حال پرچم‌داران روز قیامت که پرچم‌ها را به دوش گرفته و پیش از دیگران وارد بهشت می‌شوند! آنان همان کسانی‌اند که در سحرگاهان و دیگر اوقات در رفتن به مساجد بر دیگران پیشی می‌گیرند.[۴]

فقها با استناد به این‌گونه روایات، یکی از اعمال مستحب را زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از آنجا خارج شدن ذکر کرده‌اند.[۵]

آداب مسجد

آداب‌مسجد: مجموعه‌اعمالی که شایسته است به احترام مسجد رعایت شود.

در منابع اسلامی، برای حفظ حرمت مسجد، آدابی ذکر شده که رعایت آن‌ها مستحب و ترک آن‌ها با جایگاه مساجد منافی است. برخی از این آداب، از مقدّمات ورود و حضور در مسجد، برخی ویژهٔ ورود و حضور در مسجد، و برخی نیز از آداب خروج از مسجد است.

آدابی که رعایت آن‌ها برای رفتن به مسجد پسندیده است، عبارت است از: طهارت و نظافت،[۶] پوشش نیکو،[۷] پیاده

---

۱. من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۷۲۰ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۷۸.

۲. سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۵۶، ح ۷۷۹.

۳. دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۴.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۳.

۵. الروضة‌البهیّة فی شرح‌اللمعة‌الدمشقیة، ج ۳، ص ۲۹۳ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

۶. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۹، ح ۶۳۲۴ / تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۳، ح ۶۳ / الکافی، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۷.

۷. التبیان، ج ۴، ص ۳۸۶ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۱۸.

رفتن و حفظ وقار در مسیر مسجد،[۱] استفاده از بوی خوش (برای مردان)[۲] و ذکر خدا.[۳]

آداب ویژهٔ ورود و حضور در مسجد نیز عبارت است از: دعاهای هنگام ورود،[۴] وارد شدن با پای راست،[۵] سلام کردن به حاضران،[۶] تحیّت مسجد،[۷] استقبال،[۸] نینداختن آب دهان و بینی و اخلاط سینه در فضای مسجد،[۹] و پرهیز از کارهایی که از انجام آن‌ها در مسجد نهی شده است (ر.ک. مکروهات مسجد)، ترک نکردن مسجد بدون عذر پس از شنیدن صدای اذان،[۱۰] روشن ساختن مسجد،[۱۱] نشستن هدفمند،[۱۲] جلوگیری از ورود دیوانگان و کودکان غیر ممیّز که احتمال داده می‌شود مسجد را آلوده کنند.[۱۳]

آداب خروج از مسجد نیز عبارت است از: خواندن دعاهای هنگام خروج[۱۴] و خروج از مسجد با پای چپ.[۱۵]

در روایات به چند نکته که ویژهٔ بانوان است نیز اشاره شده. این موارد عبارت است

---

۱. مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۲۶۳، ذیل آیهٔ شریفه: ﴿انّا نحنُ نُحْی الموتی و نکتب ما قَدّموا و آثارهم﴾ (یس: ۱۲) وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۳، ح ۶۳۳۲.

۲. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

۳. همان.

۴. التهذیب، ج ۳، ص ۲۶۳، ح ۶۴ و ۶۵ و ج ۲، ص ۶۵، ح ۱.

۵. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۸، ح ۱.

۶. وسائل‌الشیعة، ج ۷، ص ۲۷۰ ـ ۲۷۱، ح ۹۳۱۰ و ۹۳۱۱.

۷. همان، ج ۵، ص ۲۴۸، ح ۱ / صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۴ / صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۵۵ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۰۱۱.

۸. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۳، ح ۶۳.

۹. همان، ج ۳، ص ۲۵۶، ح ۳۳ و ۳۴ / وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۲، ح ۶۳۸۹ و ۶۳۹۰ و ۶۳۹۵.

۱۰. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۲، ح ۶۰.

۱۱. من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۷۱۶ / تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۳۶۱، ح ۵۳.

۱۲. وسائل‌الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۴۶۶۹.

۱۳. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۲۲.

۱۴. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۴.

۱۵. همان، ج ۳، ص ۳۰۸، ح ۱.

از: حضور زن،[۱] رعایت حجاب و عفّت کامل،[۲] استفاده نکردن از بوی خوش[۳] و عدم اختلاط با مردان.[۴] همچنین برای بنا و معماری مسجد نیز آدابی ذکر شده است. (ر.ک. معماری مسجد.)

آسیب‌شناسی مسجد

آسیب‌شناسی مسجد: شناخت عوامل تهدیدکنندهٔ مسجد و مانع نقش آفرینی آن.

مساجد در صدر اسلام، نماد وحدت مسلمانان و پایگاه اصلی حکومت اسلامی بودند، ولی امروزه مساجد جهان اسلام از این نقش اساسی به دور مانده‌اند. آسیب‌های متعددی در شرایط امروزی مساجد را تهدید می‌کند که عبارت است از:

۱ . جریانات فکری ضد دین مثل سکولاریسم و لیبرالیسم که دین را به عنوان عامل مخدّر، و افراد دیندار را به عنوان مرتجع معرفی می‌کنند.

۲ . گسترش ارزش‌های مادی و رواج فرهنگ دنیازدگی و مصرف‌گرایی؛

۳ . وجود تشکیلات موازی با کارکردهای مسجد؛ (ر.ک. کارکردهای مسجد.)

۴ . بی‌توجهی در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای امور مسجد و عدم تخصیص بودجهٔ لازم برای آن؛

۵ . فقدان آموزش‌های روزآمد برای عوامل و کارگزاران مساجد؛

۶. ناکارایی مساجد در مقایسه با نیازهای اجتماعی دورهٔ معاصر و اکتفا به فعالیت‌های عبادی که منجر به عدم حضور مردم و بی‌تفاوتی نسبت به مسجد و برنامه‌های آن می‌شود.

۷. نداشتن تبلیغات روشمند دینی و استفاده نکردن از ابزار تبلیغاتی مناسب و روزآمد؛

۸ . نبودن مدیریت واحد در مساجد

---

۱ . صحیح بخاری، ج ۱ ، ص ۲۱۰ و ۲۱۱ / صحیح مسلم، ج ۲ ، ص ۳۲ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱ ، ص ۸ / سنن ابی‌داود، ج ۱ ، ص ۱۳۷ ، ح ۵۶۷ .

۲ . سنن ابن‌ماجه، ج ۲ ، ص ۱۳۲۶ ، ح ۴۰۰۱ .

۳ . صحیح مسلم، ج ۲ ، ص ۳۳ / سنن ابن‌ماجه، ج ۲ ، ص ۱۳۲۶ / سنن ابی‌داود، ج ۲ ، ص ۲۸۴ ، ح ۴۱۷۴ .

۴ . سنن ابی‌داود، ج ۲ ، ص ۵۳۳ ، ح ۵۲۷۲ .

و نظام مهندسی معماری مسجد.

عوامل مزبور از جمله موارد آسیب‌های مسجد به شمار می‌آید.[۱]

آیات احکام مسجد

آیات احکام مساجد: آیاتی که احکام مطلق مساجد و مسجد الحرام را بیان می‌کند.

مفاد آیاتی از قرآن کریم که دربارهٔ احکام مسجد، به ویژه در مورد مسجد الحرام، سخن گفته، عبارت است از:

۱. از دخول در مساجد در حال جنابت ـ جز در مورد عبور ـ نهی شده است.[۲]

۲. ورود کفّار به مسجد الحرام ممنوع و حرام است. به قول شیعه و امام مالک، ورود آنان به سایر مساجد نیز حرام است، و چون علت نجاست مشرکان همان شرک به خداست، مشهور امامیه دخول اهل کتاب را هم به مسجد جایز نمی‌دانند. از اینکه سبب حرمت ورود مشرکان نجاست است، می‌توان استنباط کرد که داخل کردن مطلق نجاسات به مسجد جایز نیست.[۳]

۳. مسلمانان در هر مسجدی که حاضر می‌شوند رو به قبله آورند یا به عبادت حق مشغول شوند. قول دیگر آن است که در وقت سجود یا در نماز ـ که شامل سجده است ـ رو به قبله نمایند.[۴]

۴. در دستور به مؤمنان ﴿یَا بَنِي آدمَ خُذوا زینتَکُم عِندَ کُلِّ مسجدٍ﴾، از کلمهٔ ﴿زینت﴾ به «لباس» تعبیر شده است و مطلق استحباب پوشیدن لباس نیکو در نماز و اجتماعات استفاده می‌شود و مراد از ﴿مسجد﴾ نمازی است که در مسجد اقامه می‌شود.[۵]

۵. از آیهٔ ۱۰۴ سورهٔ بقره ـ آنچنان که در کتاب‌های آیات الاحکام آمده است ـ دو مطلب به دست می‌آید:

الف. حرمت خراب کردن مساجد، چه از بین بردن اصل بنا و چه فرش و سایر اسباب مسجد، که بالملازمه، وجوب

---

۱. مجلهٔ مسجد، ش ۴۵، ص ۷۲ـ ۷۳ و ش ۷۰، ص ۲۴ ـ ۲۵.

۲. نساء: ۴۳.

۳. توبه: ۲۸.

۴. اعراف: ۲۹.

۵. اعراف: ۳۱.

نگه‌داری و عمارت مساجد را می‌رساند؛ زیرا عمارت مساجد را خاص مؤمنان و نشان دهندهٔ ایمان شمرده است.

ب. محبوبیت اشتغال به ذکر خداوند در مساجد و ترغیب به آن استفاده می‌شود، ولی وجوب ساختن مسجد یا وجوب ذکر خدا در مسجد یا استحباب خضوع در مساجد ـ چنان که بعضی از آیه استفاده کرده‌اند ـ روشن نیست.

۶. خداوند متعال می‌فرماید ﴿ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّهِ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلاَةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلاَّ اللّهَ فَعَسَى أُوْلَـئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴾؛[1] مساجد خدا را فقط کسانی بنا می‌کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند و نماز (پنج‌گانه) بپامی‌دارند و زکات مال خود را می‌دهند و از غیر خدا نمی‌ترسند ولی آنان امیدوار باشند که از هدایت یافتگانند.

تفسیر آیهٔ شریفه: إشعار آیه به این است که خداوند نسبت به مساجد عنایتی خاص دارد. از این رو، کسانی راکه مساجد را آباد سازند به صفات کمالیه، که ایمان به خدا و روز جزا، اقامهٔ نماز، پرداخت زکات و خوف و خشیت از حق تعالی است، توصیف نموده.

مفسّران گفته‌اند: ممکن است مراد از «عمارت مسجد» پاکیزه نگاه داشتن، فرش نمودن، روشن نگاه داشتن چراغ مسجد و مانند آن باشد، و امکان دارد که مراد اقبال به عبادت خداوند و دوری از اشتغال به امور دنیوی باشد.

۷. خداوند متعال می‌فرماید:﴿ وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً﴾[2] مراد از مساجد، محل‌های سجدهٔ خود مکلّف است، نه محل سجدهٔ وی بر زمین. سه قول دیگر نیز در تفسیر این آیه نقل شده‌اند.

الف. مراد کل زمین است که سجدگاه آدمی است.

ب. مراد مسجد الحرام است. (چون کعبه قبلهٔ همهٔ مساجد است، از آن تعبیر به جمع شده است.)

ج. «مساجد» جمع مسجد، (مصدر،

---

۱. توبه: ۱۸.

۲. جن: ۱۸.

نه اسم مکان به معنای محل سجده) به‌معنای سجود است؛ یعنی سجده از آنِ خداست و به خاک افتادن برای غیر او روا نیست.

آیات هفت‌گانهٔ مزبور مربوط به تمام مساجد است.

تعدادی از آیات قرآن کریم به طور خاص، احکام مسجدالحرام را بیان می‌کند؛ مانند:

۱. ﴿ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاء الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾؛[1]

و آنان که به خدا کافر شدند و مردم را از راه دین خدا منع کردند و نیز از مسجد الحرام، که ما برای مردم ـ چه اهل آن شهر و چه مسافران و بادیه‌نشینان ـ یکسان قرار دادیم، مانع شدند و کسی که از حق مایل شده، بخواهد در حرم مرتکب ظلمی شود او را عذابی دردناک می‌چشانیم.

بعضی از مفسّران «الحاد» را به معنای بی‌ادبی دانسته‌اند؛ همچون آب دهان افکندن در مسجد. در تفسیر «ظلم»، وجوه ذیل ذکر شده است:

الف. تجاوز از قوانین شرع؛ همچون انجام مکروهات و محرمات؛

ب. گفتن «لاوالله» و «بلی و الله»؛

ج. ورود به مسجد بدون احرام.

در تفسیر «مسجد الحرام»، دو قول نقل شده است:

۱ ـ مراد فقط محوطّهٔ اطراف کعبه است که عرفاً بدان «مسجد» گفته می‌شود؛ چنان‌که شافعی چنین عقیده دارد.

۲ ـ به نظر بعضی از امامیه و ابوحنیفه، مراد تمام مکّه است؛ زیرا در سورهٔ اسراء «مسجد الحرام» را بر مکّه اطلاق نموده: ﴿سُبحانَ الّذی اَسریٰ بِعبدِه لَیلاً مِن المسجد الحرامِ﴾ که مسلّماً معراج پیامبر از خانهٔ امّ‌هانی، که خارج از مسجد و جزو بیوت مکّه بوده، واقع شده است.

بعضی از این آیه استفاده کرده‌اند که کسی حق ندارد به عنوان مالک شخصی، زائران را از سکونت در خانهٔ خود، که در مکّه واقع شده است، منع نماید؛[2] به دلیل

---

۱. حج: ۲۵ .

۲. الکشّاف ذیل آیهٔ شریفهٔ این قول را به ابوحنیفه نسبت داده است.

﴿سواءِ العاکفُ فیهِ و البادُ﴾ (مکّه را برای ساکنان و مسافران مساوی قرار دادیم) و بنابراین، خرید و فروش خانه‌های مکّه جایز نیست و فقط اولویت در سکونت ملاک است.

استدلال به چند مطلب:

اول. کسی را که به مسجد الحرام پناه آورد نمی‌توان از آنجا اخراج کرد، گرچه مستحق حد و مجازات باشد؛ چون خداوند مسجد را، که جزئی از بلد است، ایمن قرار داده، اما سایر اماکن مکّه به واسطهٔ دلیل خارجی از این حکم مستثنا شده‌اند.

دوم. قتال در مکّه جایز نیست.

سوم. جواز مسئلت رزق و توسعهٔ رفاه زندگی و طلب معیشت از خداوند به دلیل ﴿و ارزُقْهم مِن الثمراتِ﴾؛ چون «ثمرات» غیر از امور ضروری است.

چهارم. فضیلت و شرف مکّه.[۱]

۲. از جملهٔ ﴿رَبّنا تَقَبَّلْ مِنّا﴾ استفاده می‌شود که بنیان کعبه برای عبادت حق تعالی گذاشته شده است، نه برای سکونت؛ زیرا آنچه برای خدا انجام می‌گیرد تقاضای قبول آن از درگاه احدیّت رواست.[۲]

۳. پایمال کردن حرمت مسجد الحرام و بیرون کردن اهلِ مسجد الحرام (کاری که مشرکان نسبت به مسلمانان مرتکب شدند) گناه بزرگ‌تری است.[۳]

۴. اگر کفّار ابتدا در مسجد الحرام اقدام به جنگ کردند شما نیز با آنان نبرد کنید.[۴]

۵. هنگام اعتکاف در مساجد (برای عبادت) با زنان خود میامیزید.[۵] (ر.ک. آیات مسجد / آیات مسجد الحرام.)

آیات قبله

دوازده آیه از قرآن کریم دربارهٔ «قبله» و توجه به آن و تغییر قبله از «بیت المقدّس» به سوی «کعبهٔ مکرّمه» و پاسخ به معترضان مسئلهٔ تغییر قبله آمده است. ترتیب آیات بنا به نقل مرحوم مجلسی در *بحارالأنوار* بدین

---

۱. بقره: ۱۲۶.

۲. بقره: ۱۲۷.

۳. بقره: ۲۱۷.

۴. بقره: ۱۹۱.

۵. بقره: ۱۸۷. نیز ر.ک. آیات الاحکام، ص ۱۲، ۱۴، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۹، ۸۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۸).

گونه است:

۱. ﴿وَلِلّهِ المَشرِقُ وَ المَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّهِ اِنَّ اللّهَ واسِعٌ عَلِيْمٌ﴾؛[۱]

مشرق و مغرب از آن خدایند و به هر سو رو کنید خدا آنجاست. خداوند بی‌نیاز و داناست.

فاضل مقداد می‌نویسد: مفاد این آیه (جز در مواردی که مسلّماً طرف قبله شرط است) در همه جا جاری است؛ مانند نماز بیمار یا کسی که در شدت خوف نماز می‌گزارد و کسی که قبله را نمی‌داند و به چهار جانب نماز می‌گزارد و کسی که به گمان قبله به جانبی نماز می‌خواند و در نماز یا پس از انجام آن متوجه می‌شود که به سمت قبله نماز نخوانده، ولی پشت به قبله هم نبوده است که در تمام این موارد و همچنین در دعاها و نوافل، توجه به قبله شرط نیست و به هر جانب که نماز یا دعا خوانده شود، رو به خداست.[۲]

۲. ﴿سَيَقُولُ السُّفَآءُ مِنَ النّاسِ مٰا وَلّٰيهُم عَن قِبْلَتِهِمُ الّتى كَانُوا عَلَيْها قُل لِلّهِ المَشْرِقُ و المَغْرِبُ يَهدى مَنْ يَشاءُ إلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾؛[۳]

این مردان خواهند گفت: چه موجب شده است که مسلمانان از قبله‌ای که بر آن بودند (بیت‌المقدس) به کعبه روی آورند؟ بگو (ای پیغمبر): مشرق و مغرب از آن خداست. خدا هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

«سفهاء» جمع «سفیه» به معنای کم عقل یا جاهل که گفته شده: مراد یهودیان مدینه‌اند یا منافقان یا کفّار قریش. بعید نیست که این سرزنش نخست از جانب یهودیان عنوان شده و سپس منافقان و کفّار قریش به متابعت آنان، این تغییر را دستاویز حمله به مسلمانان ساخته باشند.

علی بن ابراهیم می‌نویسد: آیهٔ ﴿سيقولُ السّفهاء...﴾ متقدّم است [در قرآن به شمارهٔ ۱۴۲] برآیهٔ ﴿قد نرى تقلّب وجهك فى السماء...﴾،[۴] و حال آنکه نخست آیهٔ ﴿قد نرى...﴾ نازل شده و پس از آن، آیهٔ ﴿سيقولُ السُّفهاء...﴾ نزول یافته است،

---

۱. بقره: ۱۱۵.

۲. آیات الاحکام، ص ۲۸.

۳. بقره: ۱۴۲.

۴. بقره: ۱۴۴.

و علتش آن بوده که یهودیان مدینه رسول خداﷺ را سرزنش می‌کردند؛ به حضرت می‌گفتند: تو پیرو ما هستی و به سوی قبلهٔ ما نماز می‌گزاری![1] برحسب نقل دیگر، می‌گفتند: محمّد[ﷺ] قبله نداشت، تا آنکه ما بدو یاد دادیم.[2] پیامبرﷺ از گفتهٔ آن‌ها به شدت اندوهگین شد. به همین دلیل، شبانگاهان از خانه خارج می‌شد و به انتظار فرمانِ خدای تبارک و تعالی در کرانه‌های آسمان می‌نگریست. اما در پی فرمان الهی، پیامبر در مسجد «بنی سالم بن عوف» (= بنی‌سلمه) در حال گزاردن نماز ظهر، دو رکعت نماز را به جای آورده بود که جبرئیل برآن حضرت وارد شد و بازوان پیامبر راگرفت و به سمت کعبهٔ مکرّمه چرخانید و خداوند آیهٔ مبارکهٔ ﴿ قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ...﴾ را برآن حضرت نازل فرمود. آن نمازظهر، دو رکعت به جانب بیت‌المقدس و دو رکعت دیگر به سمت کعبهٔ مکرّمه خوانده شد. یهودیان و سفیهان مدینه گفتند: ﴿مَاوَلَّيٰهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ الَتِى كَانُوا عَلَيْهَا﴾؛ چه موجب شد مسلمانان از قبله‌ای که برآن بودند (بیت‌المقدس) رو به کعبه آوردند؟ این آیه دلیل بر وقوع نسخ بعض احکام اسلامی است که به مقتضای مصالح تغییر یافت.

۳. ﴿... وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنقَلِبُ عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللهُ وَمَا كَانَ اللهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾؛[3]

(ای پیغمبر) قبله‌ای راکه برآن بودی، تغییر ندادیم، مگر برای اینکه بیازماییم وگروهی راکه از پیغمبر خدا پی‌روی می‌کنند، از آنان که به مخالفت او برمی‌خیزند جدا سازیم و این تغییر قبله بسی گران است، جز بر هدایت یافتگان، و خداوند اجر (پایداری) شما را در راه ایمان تباه نمی‌گرداند؛ که خدا به خلق، مشفق و مهربان است.

از تعبیر آیهٔ شریفه ﴿و ما جَعلَنا القبلةَ الّتي كُنْتَ عَلَيْهَا﴾ دانسته می‌شود که قبله قرار

---

۱. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۶۳.

۲. تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۷۹.

۳. بقره: ۱۴۳.

گرفتن بیت‌المقدّس برای امتحان مردم بوده است؛ گویا می‌خواهد بفرماید: اصل مأموریت تو ای پیامبر! رو به کعبه نماز گزاردن است و قبلهٔ نخستین را برای منظوری خاص (امتحان مردم) قرار دادیم.

شخصی از امام حسن عسکری علیه‌السلام پرسید: چرا خداوند متعال رسول خودش را برای انجام نماز به سمت بیت‌المقدّس امر نمود؟

امام فرمود: به دلیل آنچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَ مَا جَعَلْنا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا﴾ که همانا بیت‌المقدس بود، ﴿إِلاّ لِنعلمَ مَن يَتَّبِعُ الرَّسولَ مِمّن يَنقلبُ علىٰ عَقِبيه﴾ پی‌روی از رسول را در امر قبله از ناحیهٔ مطیعان بدانیم، آن‌گونه که در کردارشان به ظهور برسد ـ پس از آنکه می‌دانستیم و در علم ما گذشته بود که چه کسانی فرمان خواهند برد و نافرمانان کیانند ـ زیرا اهل مکّه دل در هوای کعبه داشتند و خداوند متعال خواست در میان اهل مکّه، پیروان حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به وسیلهٔ متابعت از فرمان الهی و نماز گزاردن به سوی بیت‌المقدّس ـ که آن امر برخلاف خواست آنان بود ـ بازشناسد و چون اهل مدینه هوادار آن بودند که بیت‌المقدس قبله‌شان باشد و بدان دل‌شاد بودند، خداوند متعال به آنان فرمان داد: هنگام نماز، روی از آن برگیرند و برابر کعبهٔ مکرّمه بایستند تا آشکار شود که چه کسی در آنچه دوست نمی‌دارد، برخلاف میل شخصی با حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله همراهی می‌نماید و در این آزمون، نبوّت و مأموریت الهی پیامبر را صادقانه پذیرفته و با او موافقت نموده است.[1]

۴. ﴿ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوْتُواْ الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَمَا اللّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾؛[2]

ما توجه تو را بر آسمان به انتظار وحی و تغییر قبله می‌بینیم و البته روی تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی بگردانیم. پس روی کن به طرف مسجد الحرام و شما

---

۱. تفسیر الأمام العسکری، ص ۴۹۳ ـ ۴۹۴.

۲. بقره: ۱۴۴.

(مسلمانان) نیز هرجا باشید در نماز رو بدان جانب کنید و گروه اهل کتاب به خوبی می‌دانند که این (تغییر قبله) از جانب خدا به حق و درست است (نه به دلخواه کسی) و خداوند از کردار ناپسند آن‌ها غافل نیست.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدت سیزده سال اقامت در مکّهٔ مکرّمه به فرمان الهی به سوی بیت‌المقدّس نماز می‌گزارد، به گونه‌ای که کعبهٔ مکرّمه حد فاصل جایگاه نماز آن حضرت و بیت‌المقدّس قرار می‌گرفت و هرگاه ممکن نمی‌شد تنها به سمت بیت‌المقدّس می‌ایستاد. پس از هجرت به مدینهٔ منوّره، تا هفده ماه، هنگام نماز رو به مسجدالاقصی می‌ایستاد و مسلمانان نیز به طرف بیت‌المقدّس، که قبلهٔ یهود هم بود، نماز می‌خواندند.

یهودیان مدینه زبان به سرزنش گشودند که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله با دین ما مخالفت می‌کند، ولی به قبلهٔ ما نماز می‌گزارد! و بنا به نقل دیگر گفتند: به خدا سوگند! محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله راه به جایی نمی‌برد که چگونه نماز بگزارد، مگر اینکه به قبلهٔ ما روی آورد و نماز را به سوی بیت‌المقدّس ـ همان‌گونه که قبلهٔ ماست ـ به جای آورد.[1] کوتاه سخن آنکه می‌گفتند: محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله قبله نداشت تا آنکه ما بدو یاد دادیم.[2]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از این گفته سخت اندوهگین شد و از خداوند مسئلت کرد: قبلهٔ مسلمانان را به سوی کعبه، که قبلهٔ جدّش ابراهیم علیه‌السلام بود، تغییر دهد، یا[3] آن حضرت در دل شب از خانه خارج می‌شد و در انتظار وحی الهی، به کرانه‌های آسمان می‌نگریست و انتظار نزول وحی دربارهٔ قبله داشت. جبرئیل نزد آن حضرت شرفیاب شد، پیامبر فرمود: ای جبرئیل، بسیار دوست دارم که خداوند قبلهٔ مرا از بیت‌المقدّس به سمت کعبهٔ مکرّمه بگرداند. آزاری از یهود و قبله‌شان به من رسیده است که رنجیده خاطر شده‌ام.

جبرئیل گفت: از پروردگارت بخواه تو را به سوی آن برگرداند؛ چرا که او تو را از خواسته‌ات بازنمی‌دارد و از آرزویت ناکام

---

۱. دروس فی معرفة الوقت والقبلة، ص ۳۷۲.

۲. تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۶۹.

۳. آیات‌الاحکام، ص ۲۶.

نـمی‌گذارد. پـیامبر اکـرمﷺ دعـا فـرمود و جبرئیل به آسمان شد. ساعتی نگذشت که بـازگشت و گـفت: بـخوان، ای مـحمّد: ﴿ قَدْ نَرى تَقَلُّبَ وَجهَكَ...﴾[1] و این درست زمانی بود که روز به نیمه رسیده و هنگام نـماز ظـهر، پـیامبراکـرمﷺ در مسـجد «بنی‌سالم‌بن عوف» درکوی «بنی‌سلیمه» بود و دو رکعت از نماز ظهر را به جای آورده بود که جبرئیل آمد و بازوان پیامبر را به سمت کعبه گردانید. آن روز، دوشـنبه نـیمهٔ مـاه رجب سال دوم از هجرت بود که مژدهٔ تغییر قبله از بیت‌المقدّس به سـوی کـعبه رسـید و پـیامبر و مسـلمانان دو رکـعت نـماز را به سوی بیت‌المقدّس و دو رکعت دیگر را به سوی مکهٔ مکرّمه گزاردند.

تغییر قـبله از مسـجدالاقـصی بـه مکّـه بر یهود و منافقان مدینه گران آمـد؛ آنـان بر مسلمانان خرده می‌گرفتند که چرا تاکنون در نماز، بـه مسـجد اقـصی رو مـی‌کردید و اکنون قبلهٔ شما تغییر یافته است؟ آیهٔ ۱۴۲ سورهٔ بقره در پاسخ نکوهش کنندگان آمد: ﴿ قُـل لِـلّهِ المَـشرِقُ وَالمَـغرِبُ﴾،[2] اوست که مالک مشرق و مغرب است و فـرمان روگردانیدن بدان سو داد؛ چنان که پیش از آن تکلیف روی نـمودن بـه سـوی دیگـر نموده بود. او هر که را بخواهد هـدایـتش بـه راه راست مـی‌آورد؛ چـرا کـه مـصالح بـندگان در آن تـغییر است و سـرانـجام فرمان‌برداری‌شان بهشت سرشار از نعمت.

۵. ﴿و لَئِن أتَيْتَ الذّينَ اُوتُوا الكِتابَ بِكُلِّ آيةٍ ماتَبِعُوا قِبلَتَكَ وَ ما اَنتَ بِتابعٍ قِبلَتَهم وَ ما بَعْضُهُم بَتابعٍ قِبلَةَ بَعْضٍ ولَئِن اتَّبَعْتَ أهوآءَهُمْ مِن بَعْدِ ماجآءَكَ مِنَ العَلمِ إنَّك إذاً لَمِنَ الظّالِمِيْنَ﴾؛[3]

(سوگند که) اگر برای (این گروه از) اهل کتاب هرگونه آیه و دلیلی بیاوری، از قبلهٔ تو پی‌روی نخواهند کرد؛ و تو نیز هیچ‌گاه از قبلهٔ آنان پی‌روی نخواهی نمود. آن‌ها نباید تصور کنند که بار دیگر تغییر قبله امکان‌پذیر است و حـتی هـیچ یک از آن‌هـا از قـبلهٔ دیگری پی‌روی نخواهد کرد. و اگر تو پس از این آگاهی، از هوس‌های آن‌ها متابعت

---

۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۵۹.

۲. تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۶۹.

۳. بقره: ۱۴۵.

کنی، مسلّماً از ستمگران خواهی بود.

اهل کتاب (یهود و نصارا) می‌دانستند که هر شریعتی قبله‌ای دارد و در کتاب‌هایشان جزو نشانه‌های پیامبر آخر زمان، خوانده بودند که او به سوی دو قبله نماز می‌گزارد، ولی از روی دشمنی بسیاری که داشتند، بدان اعتراف نمی‌کردند. خداوند متعال با تغییر ﴿و لَئِن اتّبعتَ...﴾ امّت اسلامی را از پی‌روی خواهش‌های اهل کتاب برحذر داشته است.[۱]

۶. ﴿و لِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلّيها فَاسْتَبِقُوا الخَيْراتِ أَيْنَ ماتَكُونُوا يَأتِ بِكُمُ اللهُ جَمِيْعاً اِنَّ اللهَ عَلى كُلِّ شيءٍ قديرٌ﴾؛[۲]

هر طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است. (بنابراین، زیاد دربارهٔ قبله گفت‌وگو نکنید و به جای آن) در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید. هرجا باشید، خداوند همهٔ شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می‌کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست.

۷. ﴿و مِن حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطرَ الْمَسْجِدِالْحَرامِ و اِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنَ رِبِّكَ و مَا اللهُ بِغافِلٍ عَمّا تَعْمَلُونَ﴾؛[۳]

از هرجا (و از شهر و نقطه‌ای) خارج شدی (هنگام نماز) روی خود را به جانب مسجدالحرام کن. این دستور حقی از سوی پروردگار توست و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست.

از اینکه می‌فرماید: ﴿و اِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ﴾ (و آن از طرف خدای، حق است و درست) یعنی: تحویل قبله، به دو معناست: یکی آنکه این حکم حق است و باطل نیست و از جانب خداوند صادر شده و عمل کردن بدان واجب است. دوم آنکه ثابت و مستقر است و به قبلهٔ دیگر منسوخ نخواهد شد؛ چنان که بیت‌المقدّس به کعبه منسوخ شد.[۴]

۸. ﴿و مِنْ حَيْثُ خَرَجتَ فَوَلِّ وجهَكَ شَطرَ المَسجِدِالْحرام و حيثُ ماكُنتُم فَوَلُّوا وُجُوهَكُم شَطْرَهُ لِئلاّ يَكُونَ لِلنّاسِ عَلَيكُم حُجَّةٌ اِلاّ الّذينَ

---

۱. همان، ج ۸۴، ص ۴۱ و ۴۲.

۲. بقره: ۱۴۸.

۳. بقره: ۱۴۹.

۴. تفسیر روض‌الجنان و روح‌الجنان، ج ۲، ص ۲۲۰.

ظَلَمُوا مِنهُم فَلاٰ تَخشَوهُم وَاخشَونی ولِأُتِمَّ نِعمَتی عَلَیکُم وَ لَعَلَّکُم تَهتَدُون﴾؛[۱]

و ای رسول! از هرجا و به هر دیار بیرون شدی، رو به جانب کعبه کن، و شما مسلمانان هم به هرجا بودید، بدان جانب کنید تا مردم به حجت و مجادله بر شما زبان نگشایند، جز گروه ستم‌کار و معاند با اسلام که نباید از آنان بترسید، بلکه از نافرمانی من بترسید تا نعمت خود را بر شما تمام سازم، و باشد که به طریق حق و صواب راه یابید.

«حجّت» استدلالی است که موجب غلبه برطرف باشد. این آیه یهود را، که منکر نسخ احکامند، رد می‌کند. دیگر آنکه چون در احکام شرع احتمال نسخ وجود دارد، در تعیین قبله تأکید و مبالغه شده است تا آگاهی دهد براینکه وجوب توجه به کعبه دایمی است و منسوخ نخواهد شد. ولی به نظر می‌رسد چون در آیات قبله ـ که در پیش گذشت ـ حکم سفر به وضوح بیان نشده بود و احتمال می‌رفت که حکم مزبور مخصوص اهل مدینه باشد که مورد سرزنش یهود واقع شده‌اند، خداوند در این آیه و در آیهٔ قبلی، به صراحت، وجوب توجه به کعبه را برای مسافر و مجاور، چه مدنی و چه بدوی، بیان نموده است.[۲]

۹ . ﴿لَیْسَ الْبِرَّ أنْ تُوَلُّوا وُجوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ والمَغربِ ولٰکِنَّ البِرَّ مَن آمَنَ بِاللهِ وَالْیومِ الآخِرِ﴾؛[۳]

گفته شده است: روی سخن آیه با اهل کتاب است. چون قبله تغییر یافت آن‌ها بسیار دربارهٔ آن به گفت‌وگو پرداختند و هر طایفه‌ای ادعا داشت که نیکی روی نمودن به قبلهٔ ماست. خداوند این گفته‌شان را رد کرد و فرمود: نیکی آن نیست که شما برآنید، نیکی آن است که ما بیان کردیم و مؤمنان از آن پی‌روی می‌کنند.[۴]

﴿قُل اَمَرَ رَبّی بِالقِسطِ وَ أَقیمُوا وُجُوهَکُم عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصینَ لَهُالدّینَ کَمٰا بَدَأَکُم تعُودُون﴾؛[۵]

بگو پروردگار من (شما را) به عدل

---

۱ . بقره: ۱۵۰ .

۲ . همان.

۳ . بقره: ۱۷۷ .

۴ . بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۴۵ .

۵ . اعراف: ۲۹ .

و درستی امر کرده و نیز فرموده است: در هر عبادت، رو به قبله یا به سوی حضرت او آرید و خدا را از سر اخلاص بخوانید. همان‌گونه که در آغاز، شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) به سویش باز می‌گردید.

«قسط» به معنای عدل و عدالت، حد وسط افراط و تفریط است. در معنای ﴿أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ﴾ دو تفسیر آمده است:

الف ـ متوجه عبادت حق شوید و از راه راست روی نگردانید.

ب ـ رو به سوی قبله نمایید. همچنین در تفسیر آن گفته شده است: ﴿وَ اقيمُوا وُجُوهَكُم...﴾ یعنی: هنگام هر نمازی رو به مسجد آرید تا نماز جماعت ـ که نزد بیشتر فقیهان مستحب است و فقط اندکی از ایشان نظر به وجوب آن دارند ـ تحقق یابد.[۱]

دربارهٔ کلمهٔ ﴿عندَ كلِّ مسجِدٍ﴾ نیز دو قول گفته‌اند:

۱ ـ در وقت سجود یا در نماز، که شامل سجده است، رو به قبله نمایید.

۲ ـ در هر مسجدی که حاضر شدید، رو به قبله کنید یا به عبادت حق مشغول شوید[۲] که به هر حال، در مطلق عبادت یا در نماز، توجه به قبله دستور داده شده است.[۳]

۱۱ . ﴿وَ أَنْ أَقِم وَجْهَكَ لِلدِّين حَنيفاً وَ لاتَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكينَ﴾؛[۴]

و به من دستور داده شده است که روی خود را به آیینی متوجه ساز که از هرگونه شرک خالی است و از مشرکان مباش!

مرحوم طبرسی در *مجمع‌البیان* ذیل آیه، دو وجه گفته است: ای پیامبر، در کار دین استقامت بورز. به آنچه مأمور شده‌ای با جان و دل اهمیت بده. دیگر آنکه در نماز، با استقامت و استواری به جانب کعبه رو کن.[۵]

۱۲ . ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدّينِ حنيفاً...﴾؛[۶]

---

۱ . همان، ج ۸۴، ص ۴۶ .

۲ . تفسیر بیضاوی.

۳ . آیات‌الاحکام، ص ۳۰ .

۴ . یونس: ۱۰۵ .

۵ . مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۲۳۷ .

۶ . روم: ۳۰ .

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن.

امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ آیه فرموده است: نماز را بدون آنکه به جانب راست و چپ توجه (و نگاه) کنید بپادارید.[۱]

«دین» یعنی: نماز؛ همان‌گونه که در آیهٔ دیگر از نماز به «ایمان» تعبیر شده است: ﴿وَ مٰا كٰانَ اللهُ لِيُضِيعَ اِيمٰانَكُمْ﴾؛[۲] (ر.ک. قبله.)

آیات مسجد

آیات مسجد: آیاتی که از عمران مسجد، صلاحیت افراد بانی و نیّات آنان و احکام و کارکردهای مسجد بحث می‌کند.

قرآن کریم در آیات مربوط به مسجد، از عمران و آبادانی و توسعهٔ مسجد و اینکه به دست چه کسانی این کار باید صورت گیرد و صلاحیت آنان و حفاظت و مراقبت مقاصد عبادی، که مسجد برای آن برپا شده و نیّت بانیان و کیفیت حضور درآن و احکام و شرایط دیگر بحث نموده است.

بنا به اختیار علاّمه مجلسی، یازده آیه دربارهٔ «مسجد» وجود دارد:

بقره: ۱۱۴؛ اعراف: ۲۹؛ توبه: ۱۷ ـ ۱۹، ۲۸، ۱۰۷، ۱۰۸؛ یونس: ۸۷؛ حج: ۴۰؛ جن: ۱۸.

علاّمه مجلسی رحمه‌الله در کتاب «الصلاة» (نماز) *بحار الانوار*، باب «فضیلت مساجد و احکام و آداب آن» با استشهاد به آیات قرآن، می‌نویسد: هدف من از آوردن آیات قرآن در این فصل، استدلال بر چند امر است:

۱. قصد قربت در صحّت وقف مسجد (و فضیلت این عمل) به عنوان شرط؛

۲. جواز تخریب مساجدی که روی اغراض فاسد، بنیاد نهاده شده‌اند، بلکه وجوب آن؛

۳. جایز نبودن اقامهٔ نماز در این‌گونه ساختمان‌ها، چنانچه موجب گسترش بدعت و استواری اغراض نادرست سازندگان آن‌ها باشد.

۴. شاید بتوان در آیات اشاراتی به دو

---

۱. مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۲۳۷.

۲. بقره: ۱۴۳.

اصل ترجیحی یافت:

اول. نماز در مسجدی که بنیادگذار و همسایگان و نمازگزاران آن از اهل تقوا و طهارت و پاکیزگی‌اند، بهتر است.

دوم. شایسته است ورود به مسجد با طهارت (وضو) و پاکیزگی همراه باشد.[۱]

احکام و ویژگی‌های کلی مسجد و اهل آن در آیات قرآن کریم عبارت است از:

۱. باز داشتنِ مردم در مسجد از آنچه موجب یاد خداست ـ مانند نماز و نیایش و تلاوت قرآن و نشر علوم مربوط به دین و همانند این‌ها ـ جایز نیست.

۲. کلیهٔ فعالیت هایی که به خرابی مسجد کمک می‌کند و به ویرانی آن می‌انجامد حرام شرعی است. همچنین حرام است مسجد و یا بخشی از آن را جزو ملک شخصی درآورند و دیگر تصرفات مشابه و یا تعطیل نمودن آن و به طور کلی، هر کاری که با وضعیت و جایگاه معنوی مسجد ـ که یاد خداست ـ سازگار نباشد و مایهٔ از میان رفتن آبادانی و رونق آن گردد و یا ـ خدای ناکرده ـ بدعت و ناروایی در آن روی دهد، همگی حرام است.[۲]

۳. مسجد قبله‌گاه مسلمانان و محل عبادت و توجه قلبی به خداوند متعال است.[۳]

۴. مشرکان حق تعمیر هیچ مسجدی را ندارند، چه رسد به مسجد الحرام که قبلهٔ تمامی مساجد جهان است.[۴]

۵. کسانی که فقط به خداوند و روز بازپسین ایمان دارند به عمران و آبادانی و بنای مساجد الهی همّت می‌گمارند.[۵]

۶. منافقان (مسجد ضرار) را برای تقویت کفر و جدایی افکندن میان مؤمنان ساخته‌اند.[۶]

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چون از جنگ تبوک (سال نهم هجری) بازگشتند، افرادی را برای ویران ساختن و آتش زدن آن مسجد ضرار فرستادند.

---

۱. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۳۹.

۲. بقره: ۱۱۴.

۳. اعراف: ۲۹.

۴. توبه: ۱۷.

۵. توبه: ۱۸.

۶. توبه: ۱۰۷.

۷. مسجدی که از روز نخست بر پایهٔ تقوا بنیاد نهاده شده شایسته‌تر است که در آن نماز بپا داشته شود. [= مسجد قُبا][۱]

۸. اگر دفاع نباشد و امّت اسلامی نیرومند و پا بر جا نباشد و خداوند متعال مؤمنان را بر کافران مسلّط نگرداند، برترین مظاهر دینی، که مساجد مسلمانان و جایگاه نماز و بسیاری یاد خدا باشد، دست‌خوش ویرانی قرار خواهد گرفت.[۲]

۹. مؤمنان با زینت و جامهٔ نو و آراستگی برای نماز و اجتماعات عید و جمعه در مسجد حضور یابند.[۳]

۱۰. مساجد به خداوند متعال تعلّق دارد؛ پس غیر خدا را نباید در مسجد با خدا عبادت کرد، آنچنان که مشرکان و نصارا روا می‌شمردند.[۴] (ر.ک. آیات مسجد الحرام / آیات احکام مسجد / مسجد قبا / مسجد ضرار.)

آیات مسجد الحرام

آیات مسجد الحرام: آیاتی که از ویژگی‌های انحصاری و احکام و جایگاه مسجدالحرام بحث می‌کند.

قرآن کریم در مرتبهٔ نخست، در آیات نورانی خود، به مسجد الحرام به عنوان مسجد همهٔ امتّ‌ها و نخستین مسجد جهان، پرداخته است و بدان نگاه خاصی دارد و دربارهٔ آن، آهنگ و قصد ویژه‌ای در بیان احکام و جایگاه و بزرگی مقام و بلندای ارج و اعتبار آن به کار بسته است. خداوند متعال به این خانه نگریست و آن را گرامی داشت و برکت بخشید.

بیت عتیق،[۵] بیت‌الحرام، کعبه و به مفهوم وسیع، بلد امین، نام‌های تشریفی و گرامی مسجد الحرام است. خانهٔ خدا، خانهٔ بندگان خداست: ﴿**اِنّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذي بِبكّةَ مُباركاً**﴾؛[۶]

دومین ویژگی مسجد الحرام امن و امان بودن آن برای مردم است: ﴿**و اذِ جَعَلنا البيتَ**

---

۱. توبه: ۱۰۸.
۲. حج: ۴۰ / بحارالأنوار، ج ۸۳، ص ۳۴۷.
۳. اعراف: ۳۱ / آیات الاحکام، ص ۳۱.
۴. جن: ۱۸ / بحارالأنوار، ج ۸۳، ص ۳۴۸ / آیات الاحکام، ص ۳۹.
۵. حج: ۲۹ و ۳۳.
۶. آل‌عمران: ۹۶.

مثَابةً لِلنّاسِ و اَمناً.﴾[۱]

سومین ویژگی مسجد الحرام آن است که خداوند کعبه (بیت الحرام) را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است و می‌فرماید: ﴿جَعلَ اللهُ الْکَعْبَةَ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنّاسِ.﴾[۲]

مسجد الحرام خانهٔ توحید و یکتاپرستی است: ﴿و اِذَ بوّأنا لِابراهیمَ مکانَ البیتِ اَن لاتُشرِکَ بی شیئاً﴾؛[۳] (به خاطر بیاور) زمانی راکه جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند و به او گفتیم:) چیزی را همتای من قرار مده.

ارجمندی و بلندی جایگاه خانهٔ کعبه را از فرمان خداوند متعال به حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل علیهما السلام می‌توان دریافت؛ آنجا که فرمود: «خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.»[۴] [ای ابراهیم!] خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان (از آلودگی بت‌ها و از هرگونه آلودگی) پاک ساز.[۵]

معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مسجد الحرام آغاز شد.[۶]

حرم کعبه دومین قبلهٔ اهل ایمان قرار گرفت؛ هفده‌ماه پس از ورود رسول خدا به مدینه، روز دوشنبه نیمهٔ ماه رجب، در مسجد «بنی سالم بن عَوف»، که نخستین نماز جمعه در آنجا خوانده شد، قبله از «بیت المَقدِس» به سوی کعبه گشت و رسول خدا دو رکعت از نماز ظهر را به سوی «بیت المَقدِس» و دو رکعت را به سوی کعبه گزارد.

آیهٔ ۱۴۴ سورهٔ مبارکهٔ بقره می‌فرماید: ﴿ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوْتُواْ الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَمَا اللّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾؛

نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی

---

۱. بقره: ۱۲۵.
۲. مائده: ۱۹۷.
۳. حج: ۲۶.
۴. بقره: ۱۲۵.
۵. حج: ۲۶.
۶. اسراء: ۱.

آسمان (برای تعیین قبلهٔ نهایی) می‌بینیم. اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی، باز می‌گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن؛ و هر جا باشید روی خود را به سوی آن بگردانید. و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده به خوبی می‌دانند این فرمان حقی است که از ناحیهٔ پروردگارشان صادر شده (و در کتاب‌های خود خوانده‌اند که پیغمبر اسلام به سوی دو قبله نماز می‌گزارد) و خداوند از اعمال آن‌ها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست.

در آیات ۱۴۹ و ۱۵۰ همین سوره، دستور روی آوردن به کعبه هنگام نماز مورد تأکید قرار گرفته است.

حج از مهم‌ترین عبادات جمعی مسلمانان پس از اقامهٔ نماز و نماز جماعت است، با آیین و مناسک مخصوص به خود. اعمال حج، اعم از طواف گرداگرد کعبهٔ مکّرمه و نماز و سَعی و سایر مناسک، در مسجد الحرام و اطراف شهر مکّه انجام می‌شوند.

آیات مربوط به حج چند نوع است:

نخست آیاتی که بر وجوب حج دلالت دارد.[۱]

دوم آیاتی که درباره افعال و انواع حج و بعضی از احکام است.[۲]

سوم آیاتی که دربارهٔ اموری از احکام حج و توابع آن است.[۳]

از ورود مشرکان به مسجد الحرام نهی گردیده[۴] و از مسلمانان خواسته شده است به پیمان‌هایی که نزد مسجد الحرام بسته‌اند تا هنگامی که هم پیمانان نقض عهد نکرده‌اند، استوار بمانند و عهد خود را نشکنند.[۵]

در مجموع، ۲۴ آیه دربارهٔ مسجدالحرام وجود دارد که ۱۱ آیهٔ آن ذکر شد. برای آگاهی بیشتر، باید به تفسیر رجوع کرد. (ر.ک. آیات مسجد/ آیات احکام مسجد/ مسجد الحرام/ مسجد/ قبله.)

---

۱. آل‌عمران: ۹۷ ـ ۹۶ / حج: ۲۹ ـ ۲۶.

۲. بقره: ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۰۲، ۱۲۵، ۱۵۸، ۲۰۳ / حج: ۳۷ ـ ۳۶ / فتح: ۲۷.

۳. مائده: ۹۴، ۹۶، ۲ / حج: ۲۵، ۳۰، ۳۲ / بقره: ۱۲۶، ۱۲۷ و ۱۲۸.

۴. توبه: ۲۸.

۵. توبه: ۷.

« الف »

اجرای حدود در مسجد

اجـرای حـدود در مسـجد: اجـرای مجازات‌های شـرعی دربـارهٔ گـناه کـار و مجرم در مسجد.

به طور کلی، حدود بر دو قسم است:

الف. حدودی که مستلزم آلوده کردن مسجد به نجاست است. اجرای این دسته از حـدود در مسـجد، حـرام است؛ زیـرا از مسلّمات فقه، حرمت آلوده کردن مسجد به نجاست است. بنابرایـن، اجـرای حکـم اعدام یا قصاص در مسجد در صورتی که همراه با خون‌ریزی باشد، حرام است.

در ایـن بـاب، شیخ طوسی در کـتاب *الخلاف*، از ابوحنیفه جواز اقامهٔ حدود را نقل می‌کند.[۱] وی گفته است: فرشی از پوست در مسجد پهن کنند و حدود را بر آن اجرا نمایند که اگر خون‌ریزی شد بر آن بشود. این حکم بـر مـبنای آن است کـه ادخـال نجاست در مسجد، اگر موجب هتک نباشد، جایز است؛ چنان که به جواز ورود مجروح (کسی که جراحتی در بدن دارد که همراه با خون‌ریزی است)، مسلوس (کسـی کـه بی‌اختیار بول و غایط از او خارج می‌شود) و مستحاضه بـه مسـجد حکـم کـرده‌انـد، در صورتی که ورودشـان هـمراه بـا آلوده کردن نجاست نباشد.[۲]

ب. حدودی که مستلزم آلودگی مسجد به نجاست نباشد. اجرای این دسته از حدود بـه سـه دلیـل، کـه از کـلمات صـاحب

---

۱. الخلاف، ج ۶، ص ۲۱۱.

۲. «و قد ذکر الأصحاب جواز دخول المجروح والسلس والمستحاضة من أمن التلویث». (الذکـری، ص ۱۵۷.)

جواهر استفاده می‌شود، حرام نیست:

۱ . اصل عدم حرمت اجرای حدود در مسجد است.

۲ . اطلاق ادلّهٔ اجرای حدود الهی گویای جواز اجرای آن‌ها در همهٔ زمان‌ها و مکان‌هاست، مگر دلیل خاصی بر حرمت باشد.

۳ . دو روایتی که بر عدم جواز به آن‌ها استدلال شد اولاً ، مرسل هستند و ضعف سندی دارند؛ و ثانیاً، اصحاب از آن‌ها اعراض کرده‌اند و این موجب وهن روایت می‌شود.[۱]

در بسیاری از کتب فقهی، فقها اجرای حدود در مسجد را مکروه شمرده‌اند؛[۲] زیرا اجرای حد مستلزم اخراج حدث، فریاد وگفتارهای ناهنجار بوده و این امور مکروه است. از این رو، صاحب *جواهر* نیز پس از ذکر روایات این بحث از کتب فریقین می‌فرماید: در کراهت اجرای حدود در مسجد، بحثی نیست.[۳] (ر.ک. کارکرد قضائی مسجد / هتک حرمت مسجد / طهارت مسجد.)

احکام مساجد

احکام مساجد: مجموعه دستوراتی که برای مسجد و کارکردهای آن در فقه اسلامی ذکر شده است.

«احکام» به فتح «اَ» در لغت، به معنای فرمان‌ها و دستورها و جمع «حکم» است.[۴]

در روایات اسلامی و متون دینی، مسجد از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. از این‌رو، روایات بسیاری دربارهٔ زمین و ساختمان و نوع استفاده از مسجد وارد شده است. فقهای عظام نیز احکام مسجد را در ضمن چند فصل مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. غالب فقها آن را در قالب سه فصل بحث کرده‌اند که عبارت است از:

۱ . مستحبات مسجد؛ (ر.ک. مستحبات مسجد.)

---

۱ . جواهرالکلام، ج ۱۴ ، ص ۱۱۹ .

۲ . النهایة، ص ۱۰۹ / المهذّب، ج ۱ ، ص ۷۶ / السرائر، ج ۱ ، ص ۲۷۹ / شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۹۸ / منتهی‌المطلب، ج ۱ ، ص ۳۸۸ / الدروس، ج ۱، ص ۱۵۶ / العروة‌الوثقی، ج ۱ ، ص ۶۰۰ .

۳ . ر.ک. جواهرالکلام، ج ۱۴ ، ص ۱۱۱ ـ ۱۱۹ .

۴ . فرهنگ عمید، واژهٔ «احکام» / لغت‌نامه، واژهٔ «احکام».

۲ . مکـــــروهات مســـــجد؛ (ر. ک. مکروهات مسجد.)

۳ . محرمات مسجد. (ر. ک. محرّمات مسجد.)

برخی دیگر از احکام همچون وجوب تـطهیر مسـجد در صـورت نـجس شـدن، در بین فصول مـزبور مـطرح شـده است، ولی بـــه دلیـــل آنکـه مســاجد دارای استفاده‌های گوناگون در زمان‌های متفاوت بوده، امروز ممکن است برخی از این موارد هـــمچون پـــایگاه بسـیج در مســجد، کانون فرهنگی در مسجد، تعزیه در مسجد، مورد سؤال باشد که هر یک از این موارد باید به صورت مستقل مورد بررسی قـرار گیرد.

اذان

اذان: کلمات مخصوص برگرفته از وحی الهی برای اعلان وقت نماز.

«أذٰانٌ» و «أَذِیْـنٌ» و «تَأْذِیْـنٌ» در لغت، به معنای اعـلان، آگـاهی، اعـلام کـردن، آگـــاه کـــردن، خـــبر دادن از وقت نـماز با خواندن کلمات مخصوص به آواز بلند در ســاعت‌های مــعیّن در گـل‌دسته و مـناره یا جای دیگر و «بانگ نماز» آمـده است. همچنین به معنای «اقامه» یعنی دعوت مردم به برپایی نماز است. در معنای این کـلمه، شنواندن و به‌گوش رساندن نیز گنجانده شده است.[۱] کلمهٔ «اذان» با مشتقاتش ۱۰۱ بار در قرآن کریم تکرار شده که در شش مورد[۲] متناسب با بحث در معانی، به آواز دادن، ندا دادن، فراخواندن، اعلام کردن و آگاهی دادن تفسیر شده است.[۳]

در صدر اسلام، هـنگام رسـیدن وقت نــماز، بــا کــلمهٔ «الصـلاة جـامعة» مـردم فراخوانده مـی‌شدند تـا آنکـه ـ بـراسـاس روایــات صـحیح ـ اذان تـوسط حـضرت جـبرئیل بـر رسـول خـدا صلی الله علیه و آله وحـی شـد. در کتاب *کافی*، باب «بدء الأذان و الأقامة و فضلهما و ثوابهما»، شیخ کلینی ۳۵ روایت

---

۱ . مـعجم مـقائیس اللغة، ج ۱ ، ص ۷۷ / لسان العرب، ج ۱ ، ص ۱۰۵ ـ ۱۰۷ / فرهنگ عمید، ص ۱۳۶ .

۲ . اعراف: ۴۴ / یوسف: ۷۰ / حج: ۲۷ / توبه: ۳ / اعراف: ۱۶۷ / ابراهیم: ۷ .

۳ . مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴ ، ص ۶۴۹ و ۷۶۰ / ج ۵، ص ۸ و ۳۸۵ / ج ۶، ص ۴۶۹ / ج ۷، ص ۱۲۸ .

در این باره ذکر کرده است.[۱]

اذان دارای هجده جمله است: «**الله اکبر**» (۴ بار)، «**أشهدُ أن لااله‌الاّ الله**» (۲ بار)، «**أشهدُأنّ‌محمّداًرسولُالله**» (۲ بار)، «**حیَّ علی الصّلاة**» (۲ بار)، «**حیَّ عَلی الفلاحِ**» (۲ بار)، «**حیَّ علی خَیرِ العَمَلِ**» (۲ بار)، «**الله اکبرُ**» (۲ بار) و «**لا اله الاّ الله**» (۲ بار).

بنابر قول مشهور، جمله «**أشهدُ أنَّ علیّاً وَلِیُّ الله**» جزو اذان نیست، اما به عنوان ذکر، مستحب و مطلوب است که پس از جملهٔ «**أشهد أنّ محمّداً رسول الله**»، به عنوان شهادت به ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام ـ و سایر معصومان علیهم‌السلام نیز ـ آورده شود.[۲]

در مشروعیت اذان برای نمازهای یومیه، اعم از ادا و قضا، بحثی نیست، اما در بین فقها در وجوب و استحباب آن اختلاف است. بیشتر فقها قایل به استحباب مؤکّد اذان هستند.[۳] اذان برای غیرنمازهای یومیّه مشروعیت ندارد، ولی گفتن آن در گوش راست نوزاد در روز تولّد یا پیش از افتادن ناف وی، و در بیابان هنگام ترس از جنیّان و درگوش کسی که چهل روز گوشت نخورده و نیز درگوش انسان تندخوی و نیز حیوان چموش مستحب است.[۴]

فقها اذان را به دو قسم «اذان اعلام» و «اذان نماز» و اذان نماز را به «اذان نماز جماعت» و «اذان نماز فرادا» تقسیم کرده‌اند. مقصود از «اذان اعلام»، گفتن اذان به منظور آگاهی دادن از رسیدن وقت نماز است. این اذان در اول وقت گفته می‌شود. ولی «اذان نماز» پیش از نماز و متصل به آن است، هرچند در آخر وقت باشد. در «اذان اعلام» برخلاف «اذان نماز» قصد قربت معتبر نیست، هرچند برخی در آن تردید و اشکال کرده‌اند.[۵]

شروط صحّت اذان عبارت است از:

۱. نیّت و قصد قربت به خدا؛

۲. عقل و ایمان؛

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۲، ب «بدء الأذان و الأقامة و فضلهما و ثوابهما».

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۲ «و فصول الأذان ثمانیة عشر... .»

۳. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۵۳ «لا اشکال فی تأکدّ استحبابهما للصلوات الخمس... مطلقاً.»

۴. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۱ ـ ۶۰۲.

۵. همان و نیز ر.ک. جواهرالکلام، ج ۹، ص ۳.

۳. حفظ ترتیب بین اذان و اقامه؛

۴. موالات و پی در پی بودن جملات اذان؛

۵. به زبان عربی و درست و صحیح خواندن؛

۶. رسیدن وقت نماز.[۱]

مستحبّات و آداب اذان نیز عبارت است از:

۱. رو به قبله بودن؛

۲. ایستاده اذان گفتن؛

۳. پاک و طاهر بودن؛

۴. صحبت نکردن در بین جملات؛

۵. وقف کردن در آخر جملات با تأنّی و آرامش؛

۶. فصیح و درست گفتن جملات؛

۷. قرار دادن دو دست بر گوش‌ها هنگام اذان گفتن؛

۸. کشیدن صدا و بلند کردن آن به اذان؛

۹. فاصله انداختن میان اذان و اقامه به دو رکعت نماز یا سجده و یا یک گام به جلو برداشتن.[۲]

حکایت جملات اذان توسط شنونده همراه با موذّن به اجماع علما، مستحب است.[۳]

اذان در موارد، ذیل ساقط است:

۱. برای قضای نمازهای یومیه، جز نخستین نمازی که می‌گزارد.

۲. اذان نماز عصر برای کسی که در روز جمعه یا «عرفه»، در «عرفات» نماز جمعه یا ظهر را با اذان و اقامه گزارده و می‌خواهد میان آن دو جمع کند.

۳. اذان نماز عشا در صورت جمع آن با نماز مغرب برای کسی که شب عید قربان در «مزدلفه» نماز مغرب را با اذان و اقامه خوانده است.

۴. سقوط اذان برای کسی که به نماز جماعت نرسیده، ولی صفوف جماعت باقی است.

در اینکه سقوط اذان در این موارد، به نحو «عزیمت» ـ به معنای حرمت أذان

---

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۸ ـ ۶۰۹.

۲. همان، ص ۶۰۹ ـ ۶۱۰.

۳. جواهرالکلام، ج ۹، ص ۱۲۱ «یستحبّ لمن سمع الأذان أن یحکیه اجماعاً.»

گفتن ـ است یا «رخصت»، بین علما اختلاف است. بنابر قول اول، اذان گفتن در موارد مزبور، جایز نیست. «سقوط» به معنای «رخصت در ترک»، در مورد قضای نماز، به مشهور نسبت داده شده است.[۱] همچنین سقوط اذان در صورت جمع بین دو نماز ظهر و عصر و نیز مغرب و عشا در غیر موارد یاد شده، مورد اختلاف است. قول به «سقوط» به مشهور نسبت داده شده است.[۲]

بنا بر قول مشهور، گرفتن مزد بر اذان حرام است،[۳] اما پرداخت حقوق از بیت‌المال به مؤذّن جایز است.[۴]

نماد دینی اذان در متن آن نهفته است؛ عباراتی که دربردارندهٔ پایه‌های اعتقاد اسلامی است؛ مانند یکتایی خداوند، رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، برپا داشتن نماز و اینکه خداوند از غیر او بزرگ‌تر است. بدون شک، تکرار این عبارات در گوش مسلمان و در شبانه روز، باعث قرارگرفتن آن در جان شنونده و استواری‌اش می‌شود. ولی این امر در بارهٔ بوق یهودیان و ناقوس مسیحیان در نظر گرفته نشده است. شاید تأکید بر همراهی با مؤذّن و حکایت اذان همراه با مؤذّن بر چنین هدفی استوار است.

نماد اجتماعی نماز پی در پی بودن اوقات پنج‌گانهٔ اذان در روز و فاصلهٔ زمانی مشخص، که بین نوبت‌های آن است، مردم را در زمان‌بندی کارها و تنظیم ارتباطشان براساس زمان‌های نماز، یاری می‌کند و این در زمانی بود که ساعت هنوز متداول نشده بود.[۵]

استفادهٔ شخصی از امکانات مسجد

مساجد دارای اموال و امکاناتی هستند که استفادهٔ شخصی از آن‌ها تابع کیفیت

---

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۳ ـ ۶۰۴.

۲. مستند الشیعة، ج ۴، ص ۵۲۱ ـ ۵۲۲ و نیز ر.ک. تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۱۵۴.

۳. جواهر الکلام، ج ۹، ص ۷۲ «لکن خیرة الأکثر بل المشهور نقلاً و تحصیلاً الحرمة.»

۴. همان: ص ۷۳ «و امّا جواز ارتزاقه من بیت‌المال فلاخلاف أجده فیه».

۵. مجله مسجد، ش ۳۳، ص ۳۸.

وقف است.[۱] از این‌رو، به طور کلی، هرگونه استفاده از امکانات و اموال مسجد برای اموری که مغایر وقف‌نامه باشد جایز نیست. بنابراین، استفاده از لوازم مسجد از قبیل فرش، کولر، بلندگو، برق و مانند آن‌ها برای مراسم شخصی، برای هیچ کس، حتی کسانی که در مسجد دارای مسئولیتِ خاص نیز هستند، جایز نیست.[۲] ولی برخی از انحای استفاده را فقها با شرایطی اجازه داده‌اند؛ مثلاً، اگر کسی برای مجلس روضهٔ نذری یا اعلان اشیای گم شده و پیدا شده در مسجد، از بلندگوی آن استفاده نماید یا برای ضبط صوت شخصی از برق مسجد استفاده کند باید پول برق مصرف شده را بدهد.[۳]

استقبال در مسجد

استقبال در مسجد: سفارش معصومان علیهم‌السلام به نشستن رو به قبله در مسجد.

در روایات، سفارش شده است که محل نشستن انسان تا حدّ امکان، رو به قبله باشد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در بیشتر جاها، رو به قبله می‌نشستند.[۴] این سنّت در مسجد هم مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: از سنّت نبوی این است که شخص هنگام نشستن در مسجد، رو به قبله بنشیند.[۵]

در روایتی، امام محمّد باقر علیه‌السلام می‌فرماید: زمانی که داخل مسجد شدی و اراده کردی که بنشینی، داخل مسجد نشو، مگر اینکه با وضو باشی و سپس رو به قبله بنشین.[۶]

فقها با استناد به روایت مزبور، حکم به استحباب استقبال در مسجد داده‌اند.[۷]

---

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۳۴۴، س ۲۵.

۲. همان، ص ۳۵۰، س ۳۹.

۳. مجمع‌المسائل، ج ۱، ص ۱۷۹، س ۵۵۷ / جامع‌المسائل، ج ۱، ص ۹۶، س ۳۱۶ / استفتائات، ج ۲، ص ۲۳۴، م ۱.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۴۶۱، ب «الجلوس».

۵. دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۸ / بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۸۰، ح ۴۸.

۶. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۵، ح ۶۴۵۳.

۷. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۳ / تذکرة‌الفقهاء، ج ۱، ص ۹۰.

اطعام در مسجد

اطعام در مسجد: غذا دادن به دیگران در مسجد به مناسبت‌های گوناگون.

در سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۳۷ آمده است: هر وقت حضرت زکریّا علیه‌السلام بر حضرت مریم علیهاالسلام، که در مسجد معتکف بود، وارد می‌شد، نزد ایشان ظرفی از غذا می‌یافت.[۱] همچنین در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد همراه با فقرا غذا تناول می‌نمود[۲] و یا از ایشان با شیر و عسل پذیرایی می‌کرد.[۳] از امام کاظم علیه‌السلام نیز روایت شده است که حضرت برای یکی از فرزندانش ولیمه داد و از اهالی مدینه به مدت سه روز در مساجد و بازار پذیرایی نمود.[۴]

با توجه به آیات و روایات و همچنین مسئلهٔ اعتکاف در مسجد، غذا خوردن و غذا دادن در مسجد اشکالی ندارد، اما لازم است مؤمنان بهداشت و نظافت و حرمت مسجد را رعایت کنند. افطاری دادن در ماه مبارک رمضان و اطعام فقرا به مناسبت‌های گوناگون و یا اطعام دیگران به خاطر ولیمهٔ عروسی و یا تولّد فرزند در مسجد از جمله مواردی است که می‌توان در مسجد برگزار کرد.

اعتکاف*

اعتکاف: عبادتی مخصوص در مسجد.

به توقّف سه روز یا بیشتر در مسجد به قصد قربت و با شروط مخصوص، «اعتکاف»، و به شخص بجا آورندهٔ اعتکاف، «معتکف» گویند. این عبادت در فقه، دارای بابی مستقل به نام «اعتکاف» است.

حکم تکلیفی: اعتکاف در اصل شرع، مستحب است، اما به وسیلهٔ نذر، عهد، قسم و شرط ضمن عقدِ لازم مانند اجاره و مانند آن، واجب می‌شود. با فضیلت‌ترین زمان برای اعتکاف، ماه مبارک رمضان، به ویژه

---

۱. آل‌عمران: ۳۷ .

۲. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۹ .

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲ .

۴. همان، ج ۶، ص ۲۸۱ .

* . برگرفته‌از: فرهنگ فقه (مطابق مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام)، ج ۱، ص ۵۶۶ ـ ۵۶۹ .

دهۀ آخر آن، است.[۱]

شرایط: عقل، اسلام، قصد قربت، سه روز یا بیشتر روزه گرفتن، در مسجد بجا آوردن، باقی ماندن در مسجد و از آن خارج نشدن، اذن مولا برای مملوک و اذن شوهر برای زن و اذن پدر و مادر برای فرزند در صورت اذیّت شدن پدر و مادر، شروط صحّت اعتکاف است.

در اینکه اعتکاف در هر مسجدی صحیح است یا تنها در مسجد جامع شهر و یا تنها در مساجد چهارگانه (مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره) ـ که پیامبر یا امامان معصوم علیهم‌السلام در آن‌ها نماز جماعت یا جمعه اقامه کرده‌اند ـ اختلاف است؛ هرچند قول اخیر به مشهور نسبت داده شده است.[۲] همچنین بر شرط بودن ایمان (ایمان) در صحّت همۀ عبادت‌ها از جمله اعتکاف، ادّعای اجماع شده است.[۳]

احکام: در روزۀ اعتکاف، قصد اعتکاف شرط نیست، بلکه روزۀ ماه رمضان یا روزۀ نذری و مانند آن نیز کفایت می‌کند.[۴] در صورت صحیح نبودن روزه ـ به خاطر زمان، مانند اعیاد قربان و فطر و یا به خاطر شخص مانند حائض، نفساء، بیمار و مسافر ـ اعتکاف نیز صحیح نیست.[۵] شب‌های دوم و سوم از سه روز اعتکاف، جزو مدت اعتکاف است و به قول مشهور، شب اول جزء آن نیست. از این‌رو، مدت اعتکاف از طلوع فجر روز اول تا غروب روز سوم است.[۶]

ناتمام گذاشتن اعتکافِ واجب، درصورتی‌که‌وقتش معیّن‌باشد، جایز نیست، اما در اینکه ناتمام گذاشتن چنین اعتکافی، در صورتی که وقتش معیّن نباشد، و نیز ناتمام گذاشتن اعتکافِ مستحب، به‌طور مطلق جایز است یا به‌طور مطلق جایز نیست، و یا در دو روز اول جایز است و پس

---

۱. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲. جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۱۶۱ ـ ۱۷۳.

۳. جواهرالکلام، ج ۱۵، ص ۶۳ / مستمسک العروة الوثقی، ج ۸، ص ۵۳۹.

۴. مستندالشیعة، ج ۱۰، ص ۵۴۵.

۵. همان، ج ۶، ص ۵۴۶.

۶. همان، ج ۷، ص ۵۴۷ ـ ۵۴۹ / جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۱۶۶ ـ ۱۶۸.

از آن جایز نیست، اختلاف است، هرچند قول اخیر مشهور است.[۱]

خروج از مسجد به هنگام ضرورت ـ مانند تخلّی، غسل جنابت و استحاضه و دیگر غسل‌های واجب ـ و نیز انجام اموری مانند برطرف کردن حاجت مؤمنان، تشییع جنازه و عیادت بیمار جایز است.[۲]

محرّمات: آمیزش با همسر ـ و به قول مشهور، لمس کردن و بوسیدن او با شهوت ـ بوییدن عطر، گل و گیاهان خوش‌بو ـ به قول مشهور ـ مجادله با دیگران در امور دنیوی و دینی به قصد فضل‌فروشی و غلبه، و خرید و فروش، در شب و روز بر معتکف حرام است.[۳]

اسباب بطلان: آنچه روزه را باطل می‌کند، اعتکاف را نیز باطل می‌کند.[۴] همچنین آمیزش در شب، موجب بطلان اعتکاف است[۵] و در بطلان آن به سبب ارتکاب دیگر محرّمات یاد شده، اختلاف است.[۶]

آثار بطلان: اگر اعتکافِ باطل شده واجب معیّن باشد، قضای آن، و اگر غیرمعیّن باشد، اعادهٔ آن واجب است. همچنین اگر اعتکاف مستحب باشد و پس از گذشت دو روز باطل شود، بنابرقول به وجوب اعتکاف مستحبی پس از گذشت دو روز، قضای آن واجب است.[۷]

باطل کردن اعتکاف واجب به وسیلهٔ آمیزش، حتی در شب، موجب ثبوت کفّاره است و آن، به قول مشهور، کفّارهٔ روزهٔ ماه رمضان یعنی آزادکردن برده یا دو ماه روزه گرفتن و یا اطعام شصت فقیر است. در ثبوت کفّاره به سبب ارتکاب دیگر محرّمات یاد شده، اختلاف است. اگر اعتکاف در روزهٔ ماه رمضان یا قضای روزهٔ ماه رمضان پس از زوال به سبب جماع کردن باطل شود، دو کفّاره ثابت می‌گردد؛ یکی برای باطل کردن اعتکاف و دیگری برای باطل کردن روزه.[۸]

---

۱. مستمسک العروة الوثقی، ج ۸، ص ۵۶۰ / مستندالشیعة، ج ۱۰، ص ۵۶۱ ـ ۵۶۳.
۲. جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۱۸۰ ـ ۱۸۲.
۳. همان، ج ۱۷، ص ۱۹۹ ـ ۲۰۴.
۴. همان، ج ۱۷، ص ۲۰۷.
۵. مستندالشیعة، ج ۱۰، ص ۵۷۱.
۶. همان، ج ۱۰، ص ۵۶۸/ العروةالوثقی، ج ۲، ص ۲۶۰.
۷. العروةالوثقی، ج ۲، ص ۲۶۰.
۸. العروةالوثقی، ج ۲، ص ۲۶۱.

اقامه

اقامه: کلمات مخصوص برگرفته از وحی الهی برای شروع نماز.

«اقامه» در لغت، به معنای برپاداشتن و راست‌کردن و دعوت مردم به برپایی نماز است.[۱]

بر اساس روایات رسیده، اذان و اقامه توسط حضرت جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی شد. شیخ کلینی در کتاب *کافی* روایات مربوط به این موضوع را در باب «بدء الأذان و الأقامة و فضلهما و ثوابهما» گرد آورده است.[۲]

بنا به قول مشهور، اقامه دارای هفده جمله است: «**الله اکبر**» (۲ بار)؛ «**أشهد أن لا اله الاّ الله**» (۲ بار)؛ «**أشهَدُ أنَّ محمّداً رَسولُ‌الله**» (۲ بار)؛ «**حَيَّ عَلَى‌الصَّلاة**» (۲ بار)؛ «**حَيَّ عَلى‌الفَلاح**» (۲ بار)؛ «**حَيَّ عَلَى خيرِالْعَمَل**» (۲ بار)؛ «**الله اکبر**» (۲ بار) و «**لا الهَ الّاالله**» (یک بار).[۳]

بنا به قول مشهور، شهادت به ولایت حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام (**أشهدُ أنَّ علیّاً ولیُّ‌الله**) و دیگر امامان جزو اقامه نیست، اما ذکر آن مستحب است.[۴] در اقامه، زن می‌تواند به تکبیر و شهادتین بسنده کند[۵] و مسافر نیز می‌تواند جمله‌های اقامه را یک‌بار بگوید.[۶]

شروط صحّت اقامه

۱. عقل و ایمان (اعتقاد به ولایت امامان معصوم علیهم السلام)؛

۲. قصد تقرّب به خدا؛

۳. رعایت ترتیب بین اذان و اقامه یعنی تقدیم اذان بر اقامه؛

۴. موالات و پی‌درپی بودن جملات اقامه؛

۵. به زبان عربی و درست اداکردن؛

---

۱. لغت‌نامه / فرهنگ عمید / فرهنگ معین، واژهٔ «اقامه».

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۲، باب «بدء الأذان والأقامة و فضلهما و ثوابهما» / وسائل‌الشیعه، ج ۵، ص ۳۶۹.

۳. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۲ / جواهر الکلام، ج ۹، ص ۸۲.

۴. جواهر الکلام، ج ۹، ص ۸۶ ـ ۸۷ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۲.

۵. همان، ص ۸۷ ـ ۸۸.

۶. همان.

۶ . خواندن آن پس از رسیدن وقت نماز؛[۱]

در شرط بودن طهارت (وضو یا غسل) در صحّت اقامه، اختلاف است. شرط نبودن آن به مشهور نسبت داده شده است.

بنا به قول مشهور متأخّران، برای مرد و زن، ذکر اقامه در نمازهای یومیه همچون اذان در نمازهای فرادا و جماعت، ادا و قضا، مستحب است. برخی قُدما به شرط بودن اذان و اقامه در نماز جماعت، و برخی دیگر به وجوب اقامه برای نمازگزار مرد قایل هستند، هرچند «شرط بودن» در کلام قدما نسبت به نماز جماعت، به شرط بودن در حصول فضیلت نماز جماعت تفسیر شده است، نه صحّت آن. بنابراین، ترک اذان و اقامه، حتی به نظر آنان، موجب بطلان نماز جماعت نمی‌شود.[۲] اقامه در مواردی به تنهایی یا همراه با اذان ساقط می‌شود.[۳] (ر.ک. اذان.)

بنا به قول مشهور، اگر نمازگزار اذان و اقامه را فراموش کند و پیش از رکوع یادش بیاید، می‌تواند نماز را برای جبران آن دو، قطع کند.[۴] در جواز قطع نماز برای جبران اقامهٔ تنها، اختلاف است.[۵] رو به قبله ایستادن به قول مشهور، استقرار و طمأنینه داشتن در حال اقامه، جزم دادن به آخر هر جمله، و سریع خواندن اقامه نسبت به اذان، مستحب است.[۶] در استحباب حکایت اقامه (تکرار اقامهٔ دیگری) مانند اذان اختلاف است. قول به عدم استحباب، به مشهور نسبت داده شده است.[۷] سخن گفتن به قول مشهور[۸] و التفات به سمت چپ و راست در حال اقامه، مکروه است.[۹]

ذکر اقامه در گوش چپ و اذان در گوش

---

۱. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۸ ـ ۶۰۹.
۲. جواهرالکلام، ج ۹، ص ۵۹ و ج ۵۰، ص ۱۱.
۳. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۴ ـ ۶۰۶.
۴. جواهرالکلام، ج ۹، ص ۶۴.
۵. همان، ج ۹، ص ۷۰.
۶. همان، ص ۹۲ ـ ۹۷ / مستمسک‌العروة الوثقی، ج ۵، ص ۵۹۴ ـ ۵۹۹.
۷. مستمسک‌العروة الوثقی، ج ۵، ص ۵۷۶ ـ ۵۷۷.
۸. جواهرالکلام، ج ۹، ص ۹۷.
۹. همان، صص ۱۲۹ ـ ۱۳۰.

راست نوزاد مستحب است.[۱]

امام جماعت

امام جماعت: کسی که نمازهای واجب را به امامت او بجا می‌آورند.

«امـام» یـا «امـام جـماعت» بـه کسـی می‌گویند که پیش نمازی و امـامت جـمع (دست‌کـم دو نـفر) را در نـمازهایی کـه مـی‌توان بـه جـماعت خـوانـد، عـهده‌دار می‌شود. در فقه، در باب «صلاة» از او سخن به میان آمده و مهم‌ترین مباحث در این باب عبارت است از:

ویژگی‌های امام جماعت

۱. ایمان (شیعهٔ دوازده امامی)؛[۲]

۲. عدالت؛[۳] نماز خواندن پشت سر فاسق و کسی کـه وضـعش مـعلوم نـیست (عادل است یا نه؛ مجهول‌الحال است) جایز نیست.[۴]

۳. بلوغ؛ این در صورتی است که مأموم بالغ باشد،[۵] اما در امامت کسـی کـه بـالغ نـیست (مـمیّز در آسـتانهٔ بـلوغ: مُـراهـق) برای همسالانش، بین فقها اختلاف است. مشهور آن است کـه عـلما قـایل بـه عـدم جواز،[۶] ولی برخی آن را محلّ اشکال[۷] و برخی آن را جایز می‌دانند.[۸]

۴. عقل؛ در حال امـامت، امـام نـباید مجنون باشد. (به قول مشهور)[۹]

۵. حلال‌زادگی؛[۱۰]

۶. ذکورت (مرد بودن)؛ این در صورتی است که همه یا بعضی از نمازگزاران مـرد باشند.[۱۱] امامتِ زن برای مرد به اتفاق فقها

---

۱. همان، ص ۱۴۸.

۲. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۲۷۳ / وسائل‌الشیعة، ج ۸، ص ۳۰۹ ـ ۳۱۳.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۷۵ / تـحریرالوسـیلة، ج ۱، ص ۲۴۹.

۴. تحریرالوسیلة، ج ۱، ص ۲۴۹.

۵. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۲۵.

۶. همان.

۷. تحریرالوسیلة، ج ۱، ص ۲۴۹.

۸. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۷۹۹، م ۱۰.

۹. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۲۳.

۱۰. همان، ج ۱۳، ص ۲۷۳ ـ ۲۷۵.

۱۱. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۶.

جایز نیست.[۱] امامت زن برای زن در صورت دارا بودن سایر شروط امامت جماعت، جایز است.[۲]

امامتِ نشسته برای ایستاده[۳] (به قول مشهور)، همچنین اُمّی[۴] (کسی که قرائت نماز را به خوبی نمی‌داند) و لال برای غیر همسان خود[۵] و امامت کسی که حرفی را به جای حرفی دیگر تلفّظ می‌کند ـ مانند تلفّظ سین به جای شین ـ[۶] جایز نیست.

بنا به قول مشهور، امامت این افراد کراهت دارد:

۱. حاضر برای مسافر و به عکس؛[۷]

۲. مبتلا به بیماری خوره (جذام) و پیسی (برص)؛ برخی احتیاط را در ترک امامت آن‌ها و اقتدا نکردن دانسته‌اند؛[۸]

۳. کسی که حدّ شرعی بر او جاری شده است، پس از توبه.[۹] برخی نیز احتیاط را در ترک دانسته‌اند؛

۴. کسی که به خاطر عذری ختنه نکرده است؛[۱۰]

۵. کسی که با تیمّم نماز می‌گزارد برای کسی که با وضو نماز می‌خواند؛[۱۱]

۶. کسی که مأمومان از امامت او ناخشنودند.[۱۲] (مقبولیت اجتماعی ندارد.)

برخی امامت اسیر، بافنده، حجامتگر،

---

۱. همان، ج ۱۳، ص ۳۳۶ و ۳۴۱ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۷۹۹، م ۸.

۲. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۷ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۷۹۹، م ۸.

۳. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۷ / تحریرالوسیلة، ج ۱، ص ۲۵۰، م ۴.

۴. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۱ ـ ۳۳۳ / تحریرالوسیلة، ج ۱، ص ۲۵۰، م ۴.

۵. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۱ ـ ۳۳۳ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۷۷۹، م ۷ «فی شرایط امام‌الجماعة» / تحریرالوسیلة، ج ۱، ص ۲۵۰، م ۴.

۶. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۳۳ / تحریرالوسیلة، ج ۱، ص ۲۵۰، م ۴.

۷. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۷۴.

۸. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۸۱ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۷۹۹، م ۱۱ و ۲۰ / تحریرالوسیلة، ج ۱، ص ۲۵۲، م ۹.

۹. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۸۳.

۱۰. همان، ج ۱۳، ص ۳۸۴.

۱۱. همان، ج ۱۳، ص ۳۸۹ ـ ۳۹۰ / تحریرالوسیلة، ج ۱، ص ۲۵۲، م ۹.

۱۲. همان، ج ۱۳، ص ۳۸۶.

دبّاغ، نگه‌دارندهٔ بول خود و نیز به طور کلی، امامت ناقص برای کامل و کامل برای کامل‌تر را مکروه شمرده‌اند.[۱]

اولویت در امامت

امام راتب (امام جماعت ثابت مسجد) نسبت به دیگران، جز امام معصوم علیه‌السلام اولویت دارد، هرچند افضل از او باشند و پیشی گرفتن دیگری برای امامت، بدون اجازهٔ وی مکروه است.[۲]

اما (در صورت عدم حضور امام راتب) با رعایت شروط و عدم هتک امام راتب و فقدان مزاحمت، اجازه معتبر نیست و امامتِ جماعت جایز است.[۳]

در صورت حضور فرمانروای عادل (حاکم)، در اینکه وی مقدّم است یا امام راتب، اختلاف است.[۴]

پس از امام راتب، امیر گمارده شده از سوی امام عادل، صاحب‌خانه در منزل خود[۵] و نیز سادات هاشمی در امامت جماعت بر دیگران اولویت دارند.[۶]

اختلاف در امامت

در صورت اختلاف دو یا چند نفر دربارهٔ امامت، منتخبِ مأمومان بر دیگران مقدّم است و در فرض اختلاف مأمومان در تقدیم فردی، به مرجّحات رجوع می‌شود. در شمارهٔ مرجّحات و نیز ترتیب بین آن‌ها و تقدیم یکی بر دیگری، اختلاف است. قول مشهور، تقدیم «أقرَأْ» (آن که قرائتش نیکوتر است) بر «أفْقَه» (داناتر به مسائل و احکام شرعی) و «أفْقَه» بر سایر مرجّحات (مسن‌تر و زیباروی‌تر و مانند آن) است.[۷]

نیابت از طرف امام

در صورت مُردن یا بی‌هوش شدن امام جماعت در اثنای نماز، جایز است یکی

---

۱. همان، ج ۱۳، ص ۳۹۰ ـ ۳۹۱ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۸۰۲، ۸۰۳.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۳۴۸.

۳. استفتائات، ج ۱، ص ۲۹۷، س ۵۴۶ و ۵۴۷.

۴. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۳۴۸ ـ ۳۵۱.

۵. همان، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

۶. همان، ج ۱۳، ص ۳۵۳.

۷. همان، ج ۱۳، ص ۳۵۷ ـ ۳۶۲ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۸۰۱، م ۱۷ ـ ۱۸.

از مأمومان واجد شرایط، نماز را با دیگر مأمومان به آخر برساند. همچنین امام می‌تواند در حال ضرورت، مانند باطل شدن وضو یا ابتلا به خون دماغ در اثنای نماز، فردی را به جای خود بگمارد تا با مأمومان نماز را به اتمام برساند.[۱]

باید توجه داشت که در امامت جماعت، حتی‌الامکان از وجود اهل علم معمّم استفاده گردد؛ زیرا با وجود معمّم، امامت غیر معمّم خالی از اشکال نیست، بخصوص در مساجد. و اگر امامت غیرمعمّم موجب هتک باشد، حرام است.[۲]

مستحبّات امامت جماعت

قرار گرفتن در وسط صف، مراعات حال ناتوان‌ترین مأمومان در افعال نماز،[۳] رساندن قرائت و ذکرهای نماز به گوش مأمومان، طول دادن رکوع به دو برابرِ اندازه‌ای که انجام می‌داده است در جایی که کسی قصد پیوستن به جماعت را دارد، و برنخاستن از جای خود پس از اتمام نماز تا زمانی که نماز مأمومان تمام نشده، بر امام جماعت مستحب است.[۴]

اگر پس از نماز، بطلان نماز امام به خاطر نداشتن شرط صحّت نماز مانند طهارت و اخلال در ارکان یا بطلان امامت او به خاطر فسق یا کفر محرز گردد، نماز مأموم به قول مشهور صحیح است. اما در صحّت نماز وی (مأموم) در فرض علم به بطلانِ امامت پیش از نماز به خاطر نداشتن سایر شرایط ـ جز فسق و کفر ـ اختلاف است.[۵]

امام جماعت می‌تواند نماز جماعت را دوباره باگروه دیگری بخواند، اما نه بیش از دو مرتبه.[۶]

---

۱. همان، ج ۱۳، ص ۳۶۸ ـ ۳۶۹.

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۲۸۶، س ۵۰۹ و ص ۲۹۴، س ۵۳۶ / جامع‌المسائل، ج ۲، ص ۱۵۳، س ۳۲۵.

۳. وسائل‌الشیعة، ج ۸، ص ۴۱۹ـ ۴۲۱، ب ۶۹، ح ۲ و ۳ و ۶ و ۸.

۴. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۸۰۳، ۸۰۴.

۵. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۲ ـ ۹.

۶. استفتائات، ج ۱، ص ۲۹۴، س ۵۳۸ و ص ۲۸۰، س ۶۸۷ / رسالهٔ توضیح‌المسائل، م ۱۴۰۴.

انواع مسجد

انواع مسجد: تقسیم‌بندی مسجد از لحاظ کاربرد و نوع بنا.

با ظهور اسلام، مسلمانان با تکیه بر سیرهٔ نبوی، مساجدی برای ادای فرایض و عبادات خود بناکردند. هرچند در اوایل، تعداد مساجد کم و معدود بود، اما به واسطهٔ نشر اسلام و افزایش جمیعت مسلمانان، بر تعداد مسلمانان افزوده شد. مساجد را می‌توان به نسبت کاربرد و محل ساخت آنها به انواع گوناگون تقسیم‌بندی کرد:

الف. مسجد جامع

بزرگ‌ترین و یا مهم‌ترین مسجد هر منطقه و شهر، که در مراسم مذهبی، بیشتر اهالی شهر در آن اجتماع می‌کنند «مسجد جامع» نامیده می‌شود.[۱] مساجد جامع در طول تاریخ، معمولاً به دستور حکّام و پادشاهان ساخته می‌شدند و ادارهٔ آنها نیز از سوی بانی معمولاً به مأموران حکومتی واگذار می‌شد.[۲]

مسجد جامع مرکز فعالیت‌ها و کارکردهای مربوط به اکثریت جامعهٔ اسلامی است؛ مانند: برگزاری نماز جمعه و برگزاری مراسم مهم و تجمّع‌هایی که بیشتر مردم در آن شرکت می‌کنند. به همین دلیل، در بسیاری از شهرها، مساجدی هست که دارای عنوان «مسجد جامع» باشد.

ب. مسجد محل

مسجدی که در محلّه و یا قبیلهٔ خاصی بنا شود «مسجد محل» یا «مسجد قبیله» می‌نامند. این نوع از مساجد نسبت به مسجد جامع، هم از لحاظ بنا و هم از لحاظ کارکرد، از جایگاه پایین‌تری برخوردار است.

فعالیت‌ها و کارکردهای مسجد محل معمولاً وسیع نبوده و محدود به افراد آن محلّه یا قبیلهٔ خاص است؛ مانند برگزاری نماز جماعت، برگزاری مراسم فرهنگی و عبادی برای طبقات سنّی گوناگون، اجرای برنامه‌های اقتصادی همانند تأسیس مراکز خیریه برای ساکنان و افراد محل. (ر.ک. کارکرد مسجد.)

---

۱. شرائع‌الاسلام، ج ۱، ص ۹۸.

۲. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۸۷۹، مقالهٔ «تجلّی حقیقت در معماری خانه‌های خدا».

ج. مسجد بازار

مساجدی را که در امتداد بازارها و مراکز تجاری بزرگ ساخته می‌شود «مسجد بازار» می‌نامند. این مساجد صرفاً برای برگزاری مراسم مذهبی، مانند اقامهٔ نماز جماعت، برگزاری مراسم عزاداری معصومان علیهم‌السلام و اعیاد مذهبی و شرکت بازاریان در آن مراسم ساخته می‌شود و غالباً کارکرد دیگری ندارد.

در متون فقهی نیز به انواع مسجد اشاره شده و برای آن‌ها فضایل متفاوتی بیان گردیده است، به‌گونه‌ای اقامهٔ هر رکعت نماز در مسجد «جامع» معادل ۱۰۰ رکعت و در مسجد «محلّه»، معادل ۲۵ رکعت و در مسجد «بازار» معادل ۱۲ رکعت ذکر شده است.[۱]

در طول تاریخ، مساجد دیگری نیز ساخته شده که جزو سه نوع مسجد مذکور نبوده است. در حال حاضر، کمتر از این نوع مساجد بنا می‌شود؛ مانند: مساجد نسبتاً بزرگی که به سفارش بزرگان مملکتی و یا علما ساخته می‌شد؛ همچون مسجد «ارگ» تهران که به سفارش مادرشاه ساخته شده است.

مسجد «مدرسه» نیز از این نوع مساجد است؛ مسجدی که درکنار مدارس و مراکز آموزشی بنا می‌شد و فقط کارکرد عبادی ـ آموزشی داشت؛ مانند مسجد و مدرسهٔ «آقابزرگ» کاشان که در دورهٔ قاجاریه بنا شده است.[۲]

اهل مسجد

اهل مسجد: افرادی که بیشتر اعمال عبادی ـ اعم از واجب و مستحب ـ را در مسجد انجام می‌دهند.

«اهل» در لغت، به معانی ذیل آمده است: شایسته، سزاوار، خانواده، فامیل و کسانی که در یک جا سکونت دارند؛[۳] در اینجا، مقصود از «اهل مسجد» اشخاص مؤمنی هستند که وقت بیشتری در مسجد صرف اعمال عبادی می‌کنند و در عرف مردم، «مسجدی» هستند.

---

۱. عروة‌الوثقی، ج ۲، ص ۴۰.

۲. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۸۷۹، «تجلی حقیقت در معماری خانه‌های خدا».

۳. فرهنگ عمید / لغت‌نامهٔ واژهٔ «اهل».

امتیازات اهل مسجد

در منابع حدیثی، برای اهل مسجد امتیازاتی ذکر شده که عبارت است از:

۱ . در زیر سایهٔ خداوند قرار دارند. براساس روایات، هفت گروه در قیامت، مورد توجه و لطف خداوند متعال قرار می‌گیرند. از جملهٔ این گروه‌ها، شخصی است که وقتی از مسجد خارج می‌شود قلب و فکر او به یاد مسجد است تا زمانی که دوباره به مسجد برگردد.[۱]

۲ . اهل مسجد از بهشتیان هستند. نبی مکرّم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: کسی که ندای مؤذّن را اجابت کند رحمت الهی شامل حالش شده و پاداش او بهشت است. پس خوشا به حال کسانی که این دعوت را بپذیرند و به مسجد بروند! و به مسجد نمی‌رود، مگر مؤمنی از اهل بهشت.[۲]

۳. اهل مسجد محبوب‌ترین بندگان نزد خدایند. طبق روایات، بهترین مکان‌ها مساجد و محبوب‌ترین بندگان نزد خدای متعال، کسانی هستند که زودتر وارد مسجد می‌شوند و دیرتر از همه خارج می‌گردند.[۳]

۴ . خدای عزّوجل آرامش روحی و روانی و عبور از معرکهٔ هولناک پل صراط را برای اهل مسجد ضمانت کرده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: هرکس خانه‌اش مسجد باشد خداوند آسایش و آرامش و عبور از پل صراط را برای او ضمانت کرده است.[۴]

۵ . مردگان به مسجدی‌ها غبطه می‌خورند. در هر روز، ملکی از ملائکهٔ الهی در قبرستان ندا می‌دهد: به چه کسانی غبطه می‌خورید؟ آنان عرض می‌کنند: ما نسبت به اهل مساجد غبطه می‌خوریم. آنان نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند و ما توان انجام آن را نداریم.[۵]

۶ . اهل مسجد مانع نزول عذاب الهی هستند. براساس روایت، هرگاه خداوند مشاهده می‌کند که اهل سرزمینی راه اسراف و فساد و معصیت در پیش گرفته‌اند و فقط سه نفر از مؤمنان و مسجدی‌ها در میان آنان هستند، خطاب می‌کند: ای اهل گناه! اگر در

---

۱ . الخصال، ص ۳۴۳ .

۲ . جامع‌الأخبار، ص ۶۸ .

۳ . من لایحضره‌الفقیه، ج ۳ ، ص ۱۹۹ ، ح ۳۷۵۱ .

۴ . مستدرک‌الوسائل، ج ۳ ، ص ۳۶۲ ، ح ۳۷۸۶ .

۵ . همان، ص ۳۶۲ ـ ۳۶۳ .

میان شما کسانی از مؤمنان نبودند که به خاطر عظمت من به یکدیگر محبت کنند و با برپاداشتن نماز، زمین و مساجد مرا آباد نگه می‌دارند و به سبب ترس از من، در سحرگاهان به استغفار می‌پردازند عذاب خویش را بر شما فرو می‌فرستادم و به شما توجهی نمی‌کردم.[۱]

صفات اهل مسجد

الف. قرآن کریم به دنبال آیهٔ ۱۰۸ سورهٔ توبه، که در آن مسجدی را که بر پایهٔ تقوا بنا شده ستایش نموده است، می‌فرماید: ﴿فِيهِ رِجٰالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ﴾؛ در آن (مسجدی که بر پایهٔ تقوا بنا شده)، مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند، و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

از این آیهٔ شریفه استفاده می‌شود که علاوه بر ایمان به خدا و اعتقاد به معاد و نبوّت و امامت، لازم است افراد به راستی و درستی در رفتار و کردار متعهد و معروف باشند. از این رو، اگر افرادی بیشترِ اعمال عبادی خود را در مسجد انجام دهند، ولی در بیرون از مسجد شئونات اسلامی و دینی را رعایت نکنند، از «اهل مسجد» ـ به معنای حقیقی ـ نخواهند بود و امتیازات آنان را نخواهند داشت.

ب. اهل مسجد برگزیدگان جامعه‌اند. امام صادق علیه‌السلام خطاب به فضل می‌فرماید: ای فضل! از هر جماعتی تنها آنان که در فضایل از همه برترند و به منزلهٔ الگو برای قوم و گروه خویش هستند به مسجد می‌آیند.[۲]

ج. از دیگر صفات اهل مسجد، جوان‌مرد بودن آنان است. در منابع اسلامی، شش نشانه برای جوان‌مردی ذکر شده که یکی از آن‌ها آباد کردن مساجد الهی است (و عمارة مساجد الله).[۳] مسجدی‌ها با حضور همیشگی در مساجد، از مصادیق مسلّم این روایت هستند.

د. اهل مسجد مؤمن هستند. براساس روایت، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: هنگامی که دیدید مردی مدام به مسجد رفت‌وآمد می‌کند وی را مؤمن بدانید؛ زیرا خداوند

---

۱. الأمالی شیخ صدوق، ص ۴۶ ـ ۴۷.

۲. همان، ص ۴۶ ـ ۴۷.

۳. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۲۷.

می‌فرماید: تنها آنان که به او ایمان دارند مساجد خدا را آباد می‌کنند.[۱]

ایوان مسجد

ایوان مسجد: تالار مسقّفی که در کنار یکی از اضلاع حیاط مسجد ساخته می‌شود.

«ایوان» تالار مسقّفی است که در کنار یکی از اضلاع حیاط و یا صحن ساخته می‌شود و به آن «رواق» و «صُفّه» نیز گفته می‌شود.

ساخت ایوان در کنار بناها و ساختمان‌های مهم، از زمان پیش از اسلام مرسوم و معمول بوده است و در بعضی از موارد، آن را بزرگ و عظیم می‌ساختند و آن را مظهر قدرت و بزرگی حکومت خود می‌دانستند؛ مانند ایوان بزرگ «مدائن» که مظهر قدرت ساسانیان به شمار می‌رفت.

از زمان سلجوقیان به بعد، ایوان در سبک معماری ایرانی یکی از ارکان اصلی مسجد به شمار آمد، تا جایی که از سبک معماری ایرانی به سبک «ایوانـدار»،[۲] یا «چهارایوانه» نیز نام برده می‌شود. ایوان در بیشتر موارد، مستطیل شکل و عمود بر صحن و حیاط ساخته می‌شود.

ورود از صحن و حیاط به شبستان و فضای اصلی مسجد، غالباً از طریق ایوان صورت می‌گیرد. به همین دلیل، معمولاً ایوان را در نقطهٔ میانی اضلاع حیاط بنا می‌کنند. البته باید به این نکته توجه شود که یکی از مکان‌هایی که نماز گزاردن در آنجا مکروه است، مقابل در باز است.[۳] بنابراین، شایسته است هنگام ساخت در ورودی و (همچنین ایوان مسجد)، آن را پشت به قبله یا در کنار قبله قرار دهند.[۴]

از زیباترین و مهم‌ترین ایوان‌های ساخته شده، می‌توان به ایوان مسجد «بی‌بی‌خاتون» سمرقند، که دارای ۴۰ متر طول و ۱۷ متر عرض است،[۵] ایوان مسجد «امام خمینی»قدس‌سره در اصفهان و ایوان مسجد «اعظم» قم اشاره کرد.

---

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۳۷۸۶.

۲. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۰۳۹.

۳. عروة‌الوثقی، ج ۲، ص ۴۰۰.

۴. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۴۰۷ / دو ماهنامهٔ مسجد، ش ۳۹ «فضای معنوی معماری مسجد و...».

۵. معماری ایران، ص ۱۹۷.

« ب »

بانیان مسجد

بانیان مسجد: سازندگان و مؤسّسان ساختمان مسجد.

«بانی» در لغت، به معنای برپا کنندهٔ ساختمان، سازندهٔ بنا و عمارت، مؤسّس و پایه‌گذار آمده است.[۱] «بانیان مسجد» سازندگان مساجدند. در قرآن کریم،[۲] برای بانیان و آبادکنندگان مساجد شرایط خاصی ذکر شده است:

۱ . ایمان به خدا[۳] و اخلاص[۴] در مسجدسازی که نقش اصلی را در آبادی و عمران مساجد و روحدار شدن ساختمان مسجد به عهده دارد.

۲ . اعتقاد به قیامت؛

۳ . اقامهٔ نماز؛ زیرا هدف اصلی از بنای مسجد، عبادت و پرستش است.[۵]

۴ . پرداخت زکات و حقوق مالی واجب؛[۶]

۵ . نترسیدن از غیر خدا که نتیجهٔ آن، شجاعت و قدرت در مقابل هر مقام و قدرتی است تا بتوان از اجرای برنامه‌های غیر الهی در مسجد جلوگیری کرد.

شروط پنج‌گانهٔ مزبور از ویژگی‌های بانیان و متولّیان مسجد است.[۷] بنابراین،

---

۱ . لغت‌نامه، ج ۳ ، ص ۳۷۳۴ .

۲ . توبه: ۱۸ .

۳ . توبه: ۱۰۸ ـ ۱۰۹ .

۴ . کنزالعمّال، ج ۷ ، ص ۶۵۵ ، ح ۲۰۷۶۴ .

۵ . بقره: ۱۴۴ / حج: ۴۰ / نور: ۳۶ / توبه: ۱۰۸ / وسائل‌الشیعه، ج ۵ ، ص ۲۹۷ ، ب ۷۰ ، ح ۱ / کنزالعمّال، ج ۷ ، ص ۶۵۴ .

۶ . کنزالعمّال، ج ۷ ، ص ۶۵۴ ، ح ۲۰۷۵۸ .

۷ . ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۷ ، ص ۳۱۵ / تفسیرالمیزان، ج ۹ ، ص ۲۰۱ .

در مسجدسازی نخست (خودسازی) و سپس (مسجدسازی) مورد توجه قرار گرفته است. البته جعل و وضع چنین شرایطی برای آبادگران مساجد نوعی تأکید خاص بر اهمیت مسجد و شأن و عظمت والای آن است، وگرنه هر مسلمانی گرچه از اوصاف و شروط مزبور برخوردار نباشد، شرعاً می‌تواند در عمارت و بنای مسجد شرکت داشته باشد، با این تفاوت که از فضایل و پاداش آبادگران حقیقی برخوردار نخواهد شد و شروط مذکور انحصارآور نیست، بلکه شرط کمال و قبولی است، نه شرط صحّت و جواز. (ر.ک. تعمیر مسجد.)

بزاق و خلط انداختن در مسجد

بزاق و خلط انداختن در مسجد: مذمّت آلوده ساختن مسجد با آب دهان و خلط بینی و سینه.

در متون روایی شیعه و سنّی، روایات متعددی دربارهٔ انداختن آب دهن و اخلاط سینه و بینی در داخل مسجد وجود دارد که تحت چند عنوان مورد بحث قرار می‌گیرد:

الف. سفارش به ترک و مذمّت انداختن آب دهن و خلط بینی و سینه در مسجد: در روایتی، امام صادق علیه‌السلام فرمودند: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از انداختن آب دهن و بینی در مسجد نهی می‌کردند[۱] و سفارش می‌نمودند که این کار را پس از خارج شدن از مسجد انجام دهید.[۲] مسجد از انداختن آب دهان و بینی در آن، چنان منقبض می‌شود که پوست بدن در مقابل آتش،[۳] و ارکان مسجد از این عمل به لرزه درمی‌آید[۴] و از این کار، به خود می‌پیچد؛ همچون شخصی که از ضرب چوب خیزران به خود می‌پیچد.[۵] کسی که از این کار خودداری کند، در قیامت خداوند را با صورت خندان ملاقات می‌کند و نامهٔ عملش را به دست راستش می‌دهند.[۶]

---

۱. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۳، «باب کراهة النخامة والتنخع فی‌المسجد».

۲. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۶۵، ح ۲۰۸۱۰.

۳. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۳.

۴. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۶۵، ح ۲۰۸۱۱.

۵. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۲.

۶. همان.

ب. سفارش به بلعیدن آب دهن و خلط سینه و بینی در مسجد: به خاطر تکریم و بزرگداشت حق مسجد، سفارش شده است آب دهن و اخلاط سینه و بینی در مسجد بلعیده شود و برای آن فضایل متعددی بیان شده است؛ از جمله اینکه تمام دردهایی که در بدن باشد، شفا پیدا می‌کند؛[۱] موجب قوّت در بدن صاحبش می‌شود و از این‌رو، به او ثوابی داده می‌شود و از او گناهی محو می‌گردد.[۲] در روایتی آمده است: هر کس آب دهانش را در مسجد ببلعد، خداوند هفتاد و دو مرض را از بدنش خارج می‌کند و دو هزار هزار ثواب برایش نوشته می‌شوند[۳] و بدنش در قبر پوسیده نمی‌گردد.[۴]

ج. سفارش به محو و یا دفن آب دهان و اخلاط سینه و بینی در مسجد: در روایات متعددی سفارش شده است: آب دهان و اخلاط سینه و بینی را، که در داخل مسجد انداخته می‌شوند، محو[۵] و یا دفن[۶] کنید تا موجب آزار نمازگزاران نشود و به بدن یا لباس آنان اصابت نکند.[۷]

همچنین در روایت آمده است که انداختن آب دهن و بینی و سینه در مسجد خطا و گناه است و کفارهٔ آن دفن کردن آن[۸] و برای این کار ثواب نوشته می‌شود[۹] و سفارش شده که بهتر است این محو کردن با پای چپ صورت گیرد.[۱۰]

د. نهی از انداختن آب دهن و اخلاط بینی و سینه به سمت قبله و طرف راست در مسجد: با توجه به مطالب مزبور، در مواقعی که انسان در مسجد، به خاطر مریضی یا هر عذر دیگری، مجبور به بیرون انداختن آب دهان و خلط بینی و سینه می‌شود، مناسب است آن را در پارچه و یا لباسی

---

۱. همان.

۲. همان.

۳. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۶۵، ح ۲۰۸۱۱.

۴. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۳، ح ۶۳۹۰، ب «کراهة النخامة والتنخع فی المسجد».

۵. همان، ج ۷، ص ۶۶۶، ح ۲۰۸۱۴.

۶. همان، ج ۵، ص ۲۲۲.

۷. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۶۴، ح ۲۰۸۰۸.

۸. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۲.

۹. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۶۴، ح ۲۰۸۰۵.

۱۰. سنن نسائی، ج ۲، ص ۵۲ / صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۷.

بریزد و از مسجد خارج کند،[۱] و اگر هیچ‌کدام ممکن نبود آب دهن و خلط سینه و بینی را رو به سمت قبله[۲] و طرف راست نریزد.[۳] در روایتی آمده است که پیامبر اکرمﷺ در قبلهٔ مسجد، خلط مشاهده کرد و از شدت عصبانیت، صورتش سرخ شد،[۴] و بنا به نقلی، کسی که این کار را کرده بود، لعنت نمود[۵] و به نقلی، عصبانی شد و فرمود: آیا دوست دارید کسی در صورت شما آب دهن بریزد؟[۶] و یا فرمود: کدام یک از شما دوست دارد خداوند از او روبرگرداند؟ (و این سؤال را سه مرتبه تکرار کرد.)[۷] و کسی که این کار را بکند، روز قیامت سوزان وارد محشر می‌شود و آن آب دهن بین دو چشمش انداخته می‌شود.[۸]

با توجه به روایات، علت اینکه نباید آب دهان و اخلاط بینی و سینه را رو به سمت قبله و یا طرف راست انداخت، این است که در طرف راست، ملائکه قرار دارند و نمازگزار در سمت قبله، مقابل خداوند ایستاده است.[۹] به همین دلیل، سفارش شده است آب دهان و بینی و سینه را به طرف چپ[۱۰] یا زیر پای چپ بریزند[۱۱] و در غیر نماز، می‌تواند در پشت سر، این عمل را انجام دهد.[۱۲]

با توجه به روایات مزبور، فقهای شیعه انداختن آب دهان و اخلاط سینه و بینی را در مسجد، مکروه دانسته‌اند،[۱۳] ولی گروه

---

۱. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۵۵، باب «کراهة البزاق فی‌المسجد» / صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۳۲.
۲. سنن نسائی، ج ۲، ص ۵۱ / صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۶.
۳. التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۷ / الاستبصار، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۱۷۰۷ / وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۱، ح ۶۳۸۵.
۴. سنن نسائی، ج ۱، ص ۵۲ و ۵۳.
۵. مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۵، ح ۳۸۲۱.
۶. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۴۸۰.
۷. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۳۲.
۸. کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۶۵، ح ۲۰۸۱۳.
۹. سنن نسائی، ج ۱، ص ۵۳ و ۵۲.
۱۰. التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۷ / الاستبصار، ج ۱، ص ۴۴۲، ح ۱۷۰۷.
۱۱. همان.
۱۲. سنن نسائی، ج ۲، ص ۵۲.
۱۳. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۷ / المعتبر، ج ۲، ص ۴۵۳ / روض‌الجنان، ص ۲۳۷ / مدارک‌الأحکام، ج ۴، ص ۴۰۵.

زیادی از فقهای اهل تسنّن آن را حرام،[۱] و برخی قایل به تفصیل[۲] شده‌اند و برخی هم آن را جایز دانسته‌اند.[۳]

بدعت در مسجد

بدعت در مسجد: نوآوری در مسجد، خواه نیک و خواه زشت.

«بدعت» یعنی ایجاد امری در دین که اصل آن در کتاب و سنّت نبوده است. کسی را که بدعتی ایجاد کند، «بدعتگذار» گویند.[۴]

بدعت بر دو قسم است: بدعت‌های ستوده و نیک که موافق سنّت است، و بدعت‌های مذموم و زشت که مخالف سنّت است.

همه فقها بر جواز بدعت‌های ستوده و نیک اتفاق نظر دارند و آن را مستحب شمرده‌اند و برای انجام‌دهندهٔ آن امید ثواب دارند؛ مثل بنای مدرسه و ایجاد پل، از باب «معاونة علی البرّ و التّقوی».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس سنّت حسنه‌ای برجا بگذارد برای او، هم اجر و ثواب آن سنّت و هم ثواب کسی است که به آن عمل می‌کند. و هر کس سنّت زشتی بنا نهد برایش، هم کیفر آن سنّت و هم کیفر کسی است که به آن عمل می‌کند.[۵]

هنگامی که از بدعت در مسجد سخن گفته می‌شود، بدعت‌های حرام به ذهن متبادر می‌شود، و حال آنکه در واقع، بدعت و نوآوری در مساجد بر دو نوع است:

الف. بدعت‌های زشت و حرام؛ مانند: تذهیب در مسجد (ر.ک. تذهیب در مسجد) و ساختن مقصوره در مسجد. (ر.ک. مقصوره.)[۶]

ب. بدعت‌های پسندیده و حلال؛ مانند تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه، ایجاد مراکز فرهنگی همچون کتابخانه، حوزه‌های

---

۱. المجموع، ج ۴، ص ۱۰۰ / فتح‌الوهاب، ج ۱، ص ۹۳ / مغنی‌المحتاج، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. حواشی‌الشروانی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۳. مواهب‌الجلیل، ج ۲، ص ۴۴۷.

۴. مجمع‌البحرین، ج ۴، ص ۲۸۹.

۵. وسائل‌الشیعه، ج ۱۶، ب ۵ من ابواب «جهادالعدو»، ج ۱ / کنزالعمال، ج ۱۵، ص ۷۸۰، ح ۴۳۰۷۸.

۶. اصلاح المساجد من البدع والعوائد، ص ۹۵ ـ ۱۲۲.

درسی، کانون‌های قرآن و معارف اسلامی و پایگاه‌های بسیج. (ر.ک. پایگاه بسیج در مسجد.)

بستن درِ مسجد

بستن درِ مسجد: موارد جواز و عدم جواز بستن درِ مسجد.

به دلیل آنکه مسجد محل ذکر و پرستش خداوند و توجه به اسمای حسنای حق تعالی است، خداوند متعال ممانعت از ورود به مسجد را ستمی بزرگ در جهت تخریب مسجد، و عاملان آن را ستم‌کارترین مردم معرفی می‌کند[۱] و می‌فرماید: «چه کسی ستم‌کارتر از کسانی است که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری می‌کنند؟»[۲]

جلوگیری از ورود پیامبر و مسلمانان به منطقهٔ مکّه و مسجدالحرام از نمونه‌های بارز ممانعت از ورود به مسجد توسط دشمنان اسلام است که موجبات غزوهٔ «حدیبیه» و صلح و بیعت «رضوان» را فراهم کرد.[۳]

با توجه به نقش حیاتی مسجد، جلوگیری از یاد خدا ستم به مسجد و به مؤمنان و نمازگزاران است که مایهٔ محرومیت آنان از این مکان مقدّس می‌گردد و این جلوگیری، که نوعی تلاش در جهت کاستن از نقش مسجد و بی‌رونقی آن است، ستمی به مجموعهٔ دین و شعائر الهی به شمار می‌رود.

اهمیت خودداری از کارهایی که مانع ذکر و عبادت مؤمنان در مسجد می‌شود تا بدان‌جاست که بعضی از فقهای اهل سنّت قایل به حرمت بستن درِ مسجد در هر شرایطی شده‌اند. ولی نظر صحیح آن است که بگوییم: درست است که مسجد جایگاه ذکر و عبادت خداست و باید به روی مؤمنان و نمازگزاران باز باشد، ولی از سوی دیگر، حفظ و نگه‌داری مسجد و وسایل و ابزار موجود در آن واجب است و جلوگیری از اعمالی که موجب هتک حرمت مسجد می‌شود، بر عهدهٔ مؤمنان است.

بنابراین، بستن در مسجد برای

---

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۲ ـ ۴۰۸ / المیزان و مجمع‌البیان، ذیل آیهٔ مورد بحث.

۲. بقره: ۱۱۴.

۳. میزان‌الحکمة، ج ۹، ب ۳۰۵۳.

جلوگیری از ورود خسارت به خانهٔ خدا از وظایف عموم مؤمنان است.[۱]

شایسته است سرپرستان و خادمان مساجد شیوه‌هایی را در پیش گیرند که اوقات بسته بودن در مسجد راکاهش دهند تا مشمول حرمت جلوگیری از یاد خدا در مساجد نشوند و علاوه بر آن، موجبات هتک حرمت و خسارتی به خانهٔ خدا فراهم نیاید.

رسوایی در دنیا و عذاب عظیم در آخرت برای افراد جلوگیری‌کننده، و غفلت مردم از یاد خدا و سوق پیداکردن آنان به بی‌دینی از نتایج تعطیلی مساجد و مراکز توحیدی است. (ر.ک. ظلم به مسجد.)

بلند کردن صدا در مسجد

بلند کردن صدا در مسجد: سخن گفتن با صدای بلند در مسجد.

در متون روایی شیعه و اهل سنّت، یکی از مواردی که از انجام آن در مسجد نهی شده بلند کردن صداست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن وصایای خویش به ابوذر غفاری فرمودند: کسی که مساجد خدا را نیکو و آباد کند پاداش او بهشت خواهد بود. ابوذر می‌گوید: عرض کردم: ای رسول خدا! چگونه مساجد را آبادکنیم؟ فرمود: آباد کردن مسجد به این است که صداها در آن بلند نشود و گفت وگوها و سخنان بیهوده در آن صورت نگیرد.

در روایت دیگری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هنگامی که در میان امّت من پانزده خصلت رایج شود بلا بر آنان جایز خواهد شد؛ از جملهٔ این خصلت‌ها آن است که صداها در مسجد بلند شود.[۲]

فقها براساس این روایات و دیگر روایاتی که به همین مضمون وارد شده،[۳] بلندکردن صدا در مسجد را بجز یک مورد، مکروه دانسته‌اند.[۴] مورد استثنای فقها بلند کردن صدا برای مؤذّن است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هنگام اذان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بلال دستور می‌دادند: به بالای دیوار

---

۱. سیمای مسجد، ج ۲، ص ۴۳ ـ ۴۶.

۲. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۳، ح ۶۴۲۱.

۳. الخصال، ص ۵۰۰ / سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۳۶.

۴. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۱ / العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

مسجد برود و با صدای بلند اذان بگوید.[۱]

در روایت دیگری، امام علیه‌السلام می‌فرماید: هنگامی که اذان می‌گویی، با صدای بلند اذان بگو و صدایت را مخفی مکن؛ چراکه خداوند به میزان کشیدن صدایت، تو را پاداش می‌دهد.[۲] فقها با استناد به این روایت و دیگر احادیث این باب و با استناد به اینکه هدف از اذان گفتن، اعلان وقت نماز است و این مقصود با بلند کردن صدا حاصل می‌شود، فتوا داده‌اند که بلند کردن صدا در هنگام اذان گفتن مستحب است.[۳] برخی نیز بر این مسئله ادعای اجماع کرده‌اند.[۴]

باید توجه داشت که بلند کردن صدا در سایر برنامه‌های مسجد مثل تلاوت قرآن و دعا، باید متناسب با مجلس دعا و قرآن و فضای مسجد و به صورتی باشد که برای دیگر افرادی که در مسجد مشغول نماز و عبادت هستند ایجاد مزاحمت نکند و موجب اذیت نشود، و چه بسا بلند کردن صدا حرام هم باشد. (ر.ک. همسایه مسجد)

بنای مسجد

بنای مسجد: پاداش‌های ساختن مسجد و فضایل این کار.

در آیات قرآن کریم و متون روایی شیعه و سنّی، سفارش‌های فراوانی به مسجدسازی شده و با عبارات «بَنی» و «عَمَّر»، که در معنای ساختن و آباد کردن است،[۵] از آن تعبیر گردیده. خداوند در قرآن کریم، مشرکان را از ساختن مساجد منع کرده[۶] و این فضیلت را منحصر به مؤمنان دانسته و سازندگان مساجد را جزو هدایت‌شدگان معرفی کرده است.[۷] (ر.ک. بانی مسجد.)

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله سازندگان مساجد را «ولی‌الله» معرفی کرده، در بیان فضیلت این

---

۱. تهذیب‌الاحکام، ج ۲، ص ۵۸، ح ۲۰۶.

۲. همان، ح ۲۰۵.

۳. المبسوط فی فقه الأمامیة، ج ۱، ص ۶۹ / المهذب، ج ۱، ص ۸۹ / العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

۴. تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۰۶.

۵. فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمهٔ المنجد)، ج ۲، ص ۱۱۰۶.

۶. توبه: ۸.

۷. توبه: ۱۸.

عمل می‌فرماید: هر کس مسجدی را در دنیا بسازد، خداوند به ازای هر وجب یا هر زراع آن، شهری در بهشت به مسافت پیمودن چهل هزار هزار سال از طلا و نقره و یاقوت و زمرّد و زبرجد و لؤلؤ برایش بنا می‌کند که در هر شهری چهل هزار هزار قصر و در هر قصری چهل هزار هزار خانه و در هر خانه‌ای چهل هزار هزار اتاق و در هر اتاقی چهل هزار هزار تخت و بر هر تختی همسری از حورالعین نشسته است و در هر اتاقی چهل هزار هزار خادم و چهل هزار هزارکنیز و جود دارند، و در هر اتاقی چهل هزار هزار سفره و بر هر سفره‌ای چهل هزار هزار ظرف و در هر ظرفی چهل هزار هزار نوع غذاهای بهشتی وجود دارند، و خداوند به ولیّ خودش قوّتی می‌دهد که از همهٔ همسران و غذاها و شراب‌های بهشتی در یک روز استفاده کند.[۱]

از دیگر فضایل ساختن مسجد این است که هر کس مسجدی بناکند، خداوند به ازای آن، در بهشت، یا مثل آن،[۲] یا خانه‌ای،[۳] یا خانهٔ وسیع‌تر،[۴] یا بافضیلت‌تر،[۵] یا قصری[۶] برای او بنا می‌کند، هرچند این مسجد کوچک و به اندازهٔ لانهٔ پرنده‌ای باشد.[۷] البته این پاداش‌ها به شرطی است که مسجد را به نیّت ریا و شهرت نسازد، بلکه فقط به خاطر تقرّب خدا بناکند[۸] و همچنین آن را از مال حلال بسازد.[۹]

در روایت دیگری از ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام دربارهٔ مسجدی که حاجیان در طول مسیر مکّه ساخته‌اند، سؤال شد. ایشان آن مساجد را مبارک و بافضیلت‌ترین مساجد (نسبت به مساجد معمولی) معرفی کردند،[۱۰]

---

۱. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۴، ح ۶۳۳۶ / بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۹۲؛ ج ۷۳، ص ۳۶۹؛ ج ۸۰، ص ۳۶۸.
۲. صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۴.
۳. کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۵۵.
۴. همان، ص ۶۵۴.
۵. همان.
۶. همان.
۷. وسائل‌الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۴، ب «استحباب بناء المسجد».
۸. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۵۴ ـ ۶۵۵.
۹. همان.
۱۰. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۵، ب «استحباب بناء المسجد».

هرچند خیلی کوچک و خیلی ساده[۱] بنا شده باشند.

فضایل دیگری که در روایات برای این عمل بیان شده عبارت است از: مانع از نزول عذاب الهی می‌شود؛[۲] ثوابش تا روز قیامت برای بانی نوشته می‌شود؛[۳] هر بنایی در روز قیامت وبال صاحب خود است به جز مسجد.[۴]

فقها ساختن مسجد را امری مستحب[۵] و برخی آن را واجب کفایی[۶] می‌دانند. در روایتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: هرکس مسجدی می‌سازد، گوسفند چاقی را ذبح وگوشتش را به درماندگان و مساکین اطعام کند.[۷]

بوی خوش در مسجد

بوی خوش در مسجد: استفاده از عطر و بوی خوش هنگام مسجد رفتن.

یکی از مستحباتی که فقهای عظام برای مسجد رفتن ذکر کرده‌اند، «تطیّب»؛ یعنی استفاده کردن از بوی خوش و عطر هنگام مسجد رفتن است.[۸]

در روایات رسیده، استفاده از بوی خوش از اخلاق پیامبران و سیرهٔ آن‌ها شمرده شده و تأکید گردیده است: مردان نباید از استعمال بوی خوش غافل باشند.

در روایتی آمده است: سزاوار نیست برای مرد که بوی خوش را در هر روز ترک کند و اگر قادر بر تهیهٔ آن در هر روز نیست یک روز در میان، آن را تهیه کند و اگر قادر نیست جمعه‌ها از بوی خوش استفاده کند و در هیچ جمعه‌ای آن را ترک نکند.[۹]

در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: امام زین‌العابدین علیه‌السلام در شبی سرد در حالی که ردا و عمامه‌ای از خز پوشیده

---

۱. همان.

۲. همان.

۳. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۲۹، ب «استحباب اقامة سنن الحسنة».

۴. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۵۵.

۵. توضیح‌المسائل، م ۹۱۱.

۶. کنزالعرفان، ج ۱، ص ۱۰۵.

۷. وسائل‌الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۱۱، ب «استحباب ولیمة».

۸. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

۹. الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۴، ب «الطیب» و نیز ر.ک. وسائل‌الشیعه، ج ۲، ب «استحباب التطیّب».

و بوی خوش استعمال کرده بودند به خادم خود برخوردند. خادم پرسید: فدایت شوم! در این هنگام از شب و با این قیافهٔ نیکو، به کجا می‌روید؟ امام فرمودند: به مسجد جدّم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به خواستگاری حورالعین از خداوند ـ عزّوجل ـ می‌روم.[۱]

براساس آیهٔ شریفهٔ ﴿خُذُوا زِيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾[۲] (زینت‌هایتان را هنگام مسجد رفتن برگیرید)، می‌توان گفت: هرچه از مصادیق زینت باشد استفاده کردن از آن در نماز و مسجد مطلوب است و استعمال عطر و بوی خوش هنگام مسجد رفتن بدون شک، زینت است و برای مردان مطلوب. از این رو، در کتب فقهی، به عنوان یکی از مستحبات ذکر شده است. برخی از فقها استفاده از بوی خوش را از آداب تنظیف روز جمعه و حرکت به سوی نماز جمعه ذکر کرده‌اند.[۳]

در روایات رسیده، از استعمال بوی خوش در هنگام مسجد رفتن، برای زنان نهی شده و برای این عمل عواقبی ذکر گردیده است.[۴] (ر.ک. حضور بانوان در مسجد.)

بوی نامطبوع در مسجد

بوی نامطبوع در مسجد: پرهیز از خوردن غذاهای بودار و هر آنچه بوی نامطبوع آن در مسجد موجب اذیت دیگران شود.

یکی از اعمالی که در روایات اهل مسجد از انجام آن نهی شده، بوی بد است. براساس روایات، اگر دهان و یا هر عضو دیگر انسان دارای بوی بد باشد، به‌گونه‌ای که سبب اذیت مؤمنان حاضر در مسجد شود، باید انسان آن را پیش از ورود به مسجد برطرف سازد، و اگر قادر نیست آن بو را از بین ببرد ـ مثلاً، امکان شستن پا یا مسواک کردن نباشد ـ لازم است که از رفتن به مسجد و حضور در جمع مؤمنان خودداری کند. در برخی روایات، موارد خاصی از بوی بد دهان ـ مثل کسی که سیر

---

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۱۷، ح ۱۵، ب «الغالیة».

۲. اعراف: ۳۱.

۳. المبسوط، ج ۱، ص ۱۵۰ / مستندالشیعة، ج ۶، ص ۱۵۸.

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳ / سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲ / سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۴۱۷۴ / سنن نسائی، ج ۸، صص ۱۵۴ ـ ۱۵۵.

و پیاز و تره خورده باشد ـ ذکر شده است.[۱] ولی روشن است که این موارد از باب ذکر مصداق است؛ زیرا در برخی روایات، به صورت مطلق از این کار نهی شده است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: کسی که غذاها و چیزهای بدبو بخورد نباید به مسجد نزدیک شود.[۲]

در روایات موجود در کتب اهل سنّت وارد شده است: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: اگر سیر و پیاز و تره استفاده کردید نزدیک مسجد نشوید که ملائکهٔ الهی اذیت می‌شوند از آنچه انسان‌ها بدان اذیت می‌شوند.[۳]

از اطلاق روایات این باب، استفاده می‌شود که هرگونه بوی نامطبوع، همچون خوردن غذاهای بودار یا سیگار و یا لباس بودار، که موجب اذیت و آزار مؤمنان شود، در مسجد ممنوع است. از این‌رو، فقها با توجه به روایات این باب، فتوا می‌دهند که ورود این دسته از افراد به مسجد مکروه است. همچنین اخراج باد معده در مسجد منافی با عظمت مسجد بوده و مکروه است.[۴] بنابراین، هرچه موجب انزجار و تنفّر دیگران شود، هرچند فی نفسه حلال و دارای فواید باشد، در مسجد جایز نیست.

بهداشت در مسجد

بهداشت در مسجد: سفارش‌های معصومان علیهم‌السلام به رعایت بهداشت در مسجد.

یکی از اصول ضروری و لازم در زندگی فردی و اجتماعی، رعایت نظافت و موازین بهداشتی است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز آن را جزئی از ایمان معرفی کرده است.[۵] مسجد به خاطر اینکه محل رفت و آمد و تجمّع مسلمانان است، باید در آن اصول و موازین بهداشتی را رعایت کرد.

---

۱. الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۱ و ص ۳۷۵، ح ۲ و ۳ / تهذیب‌الأحکام، ج ۹، ص ۹۶، ح ۱۵۳ و ۱۵۴ / وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۴، ح ۶۳۹۵ / صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۰۷ و ۲۰۸ / سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۲۳.

۲. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۵، ح ۷۰۸.

۳. سنن نسائی، ج ۲، ص ۴۳.

۴. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰ / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۵ ـ ۱۲۶ / تذکرة‌الفقهاء، ج ۱، ص ۱۷۰.

۵. وسائل‌الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۱۹ و ج ۶، ص ۲۰۰ / بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۹۱.

در قرآن کریم و متون روایی، سفارش‌های فراوانی به رعایت بهداشت فردی و اجتماعی در مسجد شده و فضایل و آثار متعددی برای آن برشمرده‌اند. در باب بهداشت فردی، به پوشیدن بهترین و پاکیزه‌ترین لباس‌ها، استفاده از بوی خوش[۱] (ر.ک. پوشش نیکو در مسجد.) پرهیز از بوهای نامطبوع در مسجد[۲] (ر.ک. بوهای نامطبوع در مسجد) و وارسی کردن پاها و کفش‌ها پیش از ورود به مسجد[۳] (ر.ک. نظافت مسجد) سفارش شده است. در باب بهداشت اجتماعی، سفارش‌هایی وجود دارد که تحت چند عنوان مورد بحث قرار گرفته است:

الف. استحباب و فضیلت خاک‌روبی و جارو کردن مسجد؛[۴] (ر.ک. نظافت مسجد.)

ب. کراهت و مذمّت انداختن آب دهن و اخلاط سینه و بینی در مسجد؛[۵] (ر.ک. بزاق و خلط انداختن در مسجد.)

ج. استحباب خوش‌بو کردن مسجد در ایّام هفته؛[۶] (ر.ک. خوش‌بو کردن مسجد.)

د. محل ساخت وضوخانه در مسجد.[۷] (ر.ک. وضوخانه در مسجد.)

بیرون بردن اموال مسجد

بیرون بردن اموال مسجد: خارج کردن اشیا و وسایل مسجد از آن.

یکی از اموری که هنگام تخریب و توسعهٔ مسجد و یا تغییر و تبدیل آلات و اموال مسجد، باید مورد توجه قرار گیرد، احکامِ اشیا و وسایل مسجد است. بنابر نظر فقها، از جمله احکام مسجد آن است که بیرون بردن هیچ‌یک از ابزار و وسایل مسجد در حال عادی جایز نیست و حرام است، بلکه خروج لوازم مسجد از قبیل فرش، ابزار روشنایی، کولر، بلندگو، مُهر،

---

۱. الکافی، ج ۶، ص ۵۱۷ / المیزان، ج ۸، ص ۷۹.

۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۷.

۳. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۶.

۴. من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳، «ثواب کنس المسجد» / المعتبر، ج ۲، ص ۴۵ / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۷.

۵. وسائل‌الشیعه، ج ۵، ص ۲۲۳، باب «کراهة النخامة والتنخع فی‌المسجد» / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۷.

۶. مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۱ / الحدائق‌الناضرة، ج ۷، ص ۲۶۹.

۷. تهذیب‌الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۷۰۲.

قرآن و کتب ادعیه، همه تابع کیفیت وقف است که اگر برای استفاده در مسجد وقف شده و مخصوص مسجد باشد بیرون بردنشان از مسجد جایز نیست.[۱] نیز نمی‌توان از آب و برق مخصوص مسجد برای خارج از مسجد استفاده کرد.[۲] بنابر آنچه از روایات استفاده می‌شود، این حکم، حتی شامل سنگ‌ریزه‌های موجود در مسجد و حیاط مسجد هم می‌گردد.

امام باقر علیه‌السلام فرمود: هرگاه کسی سنگ‌ریزه‌ای را از مسجد بیرون بَرد باید آن را به جای خود و یا مسجد دیگری برگرداند؛ چون این سنگ‌ریزه هم خدای متعال را تسبیح می‌گوید.[۳] البته خارج کردن خاک‌ها و سنگ‌های زاید و اضافی از مسجد مطلوب و پسندیده و در حکم نظافت مسجد و از مستحبّات است.[۴] همچنین خارج کردن ابزار و وسایل مسجد، اگر به سبب هدف مطلوبی باشد هیچ اشکالی ندارد؛ مثل اینکه دستگاه‌های صوتی یا وسایل گرمایشی و سرمایشی مسجد نیاز به تعمیر در خارج از مسجد پیدا کنند یا لوازمی همچون فرشِ مسجد نیاز به نظافت و شستن داشته باشد که در این صورت، بیرون بردن آن‌ها مانعی ندارد.[۵]

بیهوده نشستن در مسجد

بیهوده نشستن در مسجد: توقّف همراه با کار لغو و بیکاری در مسجد.

در متون روایی، از هرگونه بطالت و بیکاری و حضور بیهوده در مسجد نهی شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در وصایای خود به *ابوذر* می‌فرماید: ای *ابوذر!* هر نشستنی در مسجد عبث و بیهوده است، مگر در سه حالت: انسان نماز بخواند، مشغول ذکر باشد، تحصیل علم و مباحثهٔ علمی کند.[۶]

---

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۳۴۵ و ۳۵۰، س ۲۶، ۲۷، ۳۹.

۲. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۷۹، س ۵۵۷ / جامع المسائل، ج ۱، ص ۹۶، س ۳۱۶.

۳. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۲۰، ب ۹ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۲، ح ۶۴۱۸.

۴. الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۸۰ / العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۹ / کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۵۵، ح ۲۰۷۶۶.

۵. استفتائات، ج ۲، ص ۳۸۴، س ۱۲۰ «باب وقف».

۶. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۳، ح ۶۴۲۱.

در روایت دیگری، امام علی علیه‌السلام به‌گروهی که در عین برخورداری از سلامت جسمی ـ به جای کار و تلاش و طلب معاش برای زندگی ـ در گوشهٔ مسجد نشسته بودند، گفتند: شما چه‌کسانی هستید؟ جواب دادند: ما توکّل‌کنندگان بر خداییم. حضرت فرمود: خیر، شما سربار اجتماع هستید که از دست‌رنج دیگران روزی می‌خورید![۱]

چنان‌که پیداست، در منابع روایی، «رهبانیت» و تارک دنیا بودن و ساده‌زیستی به بهانهٔ عبادت و خداپرستی، مورد نکوهش قرار گرفته و حتی در برخی از روایات، نشستن بیهوده در مسجد از مصادیق «رهبانیت» به شمار آمده است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: نشستن مدام در مساجد «رهبانیت عرب» است! مؤمن مسجدش مجلس اوست و خانه‌اش محل زندگی او.[۲]

حتی از بیهوده نشستن بین دو نماز هم نهی شده است و کسانی که فاصلهٔ کوتاه بین دو نماز را به تعقیب و ذکر و یاد خدا مشغول باشند به عنوان «مهمان خدا» خوانده شده‌اند: امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: سه‌گروه در روز قیامت از برگزیدگان خداوند به شمار می‌آیند؛ از جملهٔ آن‌ها کسانی هستند که پس از نماز اول تا برپایی نماز دوم، به تعقیب و ذکر خداوند مشغول می‌شوند.[۳]

بنابراین، هرگونه انزواطلبی و فرار از مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی به بهانهٔ «عبادت» روا نیست. فقها نیز با استناد به این روایت، فتوا داده‌اند که بیهوده‌نشینی در مسجد جایز نیست و این عمل مکروه است.[۴]

---

۱. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۲۰، ح ۱۲۷۹۸ / نهج‌السعادة، ج ۷، ص ۳۰۶.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۵۹، ح ۳۷۷۶.

۳. وسائل‌الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۶، ح ۴۶۶۴.

۴. منتهی‌المطلب، ج ۱، ص ۳۸۹ / نهایة‌الإحکام فی معرفة الأحکام، ج ۱، ص ۳۵۹ / جامع‌المقاصد، ج ۲، ص ۱۵۲.

« پ »

پایگاه بسیج در مسجد

پایگاه بسیج در مسجد: ایجاد پایگاه بسیج و تخصیص فضایی از مسجد برای آن.

ایجاد پایگاه بسیج در مسجد از برکات مؤثر و مفید دوران پس از انقلاب اسلامی است که فعالیت‌هایی اعم از مسائل نظامی، امنیتی، ورزشی و فرهنگی در آن صورت می‌گیرد.

«بسیج» نهادی فرهنگی ـ انقلابی است که در دوران دفاع مقدّس، رشادت‌ها و شجاعت‌های بسیاری از خود در تاریخ به یادگار گذاشت. با به پایان رسیدن جنگ تحمیلی، دشمن در عرصهٔ فرهنگ، تهاجم همه‌جانبه و خطرناک‌تری آغاز کرد. از این‌رو، پایگاه‌های بسیج در مبارزه با تهاجم فرهنگی، باید فعالیت‌های گسترده و حساب‌شده‌ای انجام دهند.

کار اصلی پایگاه بسیج برقراری امنیت در مسجد و محلّه و انجام برخی فعالیت‌های فرهنگی است. گشت‌های شبانهٔ اعضای فعّال بسیج و جلوگیری از ناامنی مجرمان، محیط آرامی برای اهل محل فراهم می‌کند و نقش مهمی در کاهش جرم دارد. همچنین افراد مسجد، بخصوص جوانان، علاوه بر آشنایی لازم با مسائل نظامی و امنیتی و استراتژیکی و آمادگی نظامی، با فرهنگ شهادت پرورش می‌یابند. پایگاه‌های بسیج می‌کوشند با جذب افراد، به ویژه جوانان، روحیهٔ پرشور و نشاط و تحرک مثبت در آنان به وجود آورند و این با روحیات جوانان به خوبی سازگار است و آنان را به این مراکز جذب

می‌کند.[۱] ایجاد فضای دوستی و برادری در بین افراد پایگاه و حس مسؤولیت‌پذیری در آنان از دیگر نکاتی است که در این پایگاه‌ها به آن توجه می‌شود.

فعالیت‌های بسیج اگر مخالفتی با اهداف اصیل و والای مسجد نداشته باشد نه تنها اشکالی ندارد، بلکه سبب پرکردن اوقات فراغت و ایجاد محیطی سالم برای جوانان می‌شود. طبیعی است که تنها راه برای رسیدن به چنین مطلوبی، هماهنگی کامل پایگاه‌های بسیج با امام جماعت مسجد است تا فعالیت این پایگاه‌ها فراتر از حدود شرعی صورت نگیرد و در واقع، تمام فعالیت‌های این پایگاه مقدّس پیش از اجرایی شدن، باید از نظر امام جماعت مسجد بگذرد و پس از تأیید، به اجرا درآید.

از دیدگاه فقهی، چنین مطلبی در ایجاد پایگاه بسیج در مسجد قابل توجه است که «چنانچه قبل از آنکه زمینی را وقف مسجد کنند، قسمتی از آن را کتاب‌خانه و یا اتاق بسیج بسازند و قسمت دیگر را مسجد، هیچ اشکالی ندارد. ولی پس از آنکه زمین، عنوان مسجد را پیدا کرد، کتاب‌خانه کردن (و یا اتاق بسیج قرار دادن) مقداری از مسجد و مزاحمت نمازگزاران جایز نیست.»[۲] (ر.ک. کتاب‌خانهٔ مسجد.)

پوشش در مسجد

پوشش در مسجد: نوع پوشش برای حضور در مسجد.

خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به فرزندان آدم علیه‌السلام می‌فرماید: ﴿یا بَنی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُم عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ﴾؛[۳] ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد برگیرید.

روایات متعددی در تفسیر آیهٔ شریفه و اینکه مقصود از «زینت» چیست وارد شده که عبارت است از: مقصود پوشیدن بهترین لباس‌ها، شانه‌کردن موها،[۴] زینت‌کردن در

---

۱. مسجد، ص ۵۹ و ۶۰.

۲. استفتائات، ج ۲، ص ۳۴۶، س ۳۰.

۳. اعراف: ۳۱.

۴. الکافی، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۷ / الخصال، ص ۲۶۸، ح ۳.

نماز جمعه و عید،[۱] غسل کردن،[۲] رهبران و پیشوایان شایسته،[۳] وارسی کردن کفش‌ها پیش از دخول به مسجد[۴] است.

هر یک از مفسّران نیز با توجه به اختلاف روایات، به موضوعی اشاره کرده است.[۵] تفسیر نمونه بین روایات و تفاسیر مختلف را جمع‌بندی کرده، می‌نویسد: (آیهٔ شریفه) نخست به همهٔ فرزندان آدم به عنوان یک قانون همیشگی، که شامل تمام اعصار و قرون می‌شود، دستور می‌دهد که «زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید.» این جمله می‌تواند هم اشاره به «زینت‌های جسمانی» باشد که شامل پوشیدن لباس‌های مرتّب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها و به‌کار بردن عطر و مانند آن می‌شود و هم شامل «زینت‌های معنوی»؛ یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی و نیّت و اخلاص. و اگر در بعضی از روایات تنها به لباس خوب یا شانه کردن موها اشاره شده و یا تنها سخن از مراسم نماز عید و نماز جمعه به میان آمده، دلیل بر انحصار نیست، بلکه هدف بیان مصداق‌های روشن است. همچنین تفسیر «زینت» به رهبران و پیشوایان شایسته دلیل بر وسعت مفهوم آیه است که همهٔ زینت‌های ظاهری و باطنی را دربرمی‌گیرد.[۶] براساس روایات، پوشش نیکو در سیرهٔ عملی اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز مشاهده شده است: در شب سردی یکی از غلامان امام سجاد علیه‌السلام در حالی که آن حضرت لباس‌هایی زیبا بر تن داشت و خود را معطّر کرده بود، با ایشان روبه رو شد. از حضرت پرسید: در این ساعت از شب و با چنین هیأتی به کجا می‌روید؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «**إِلی مسجدِ جَدّی رَسُول الله**»؛ به مسجد جدّم پیامبر خدا می‌روم.[۷]

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۴۲۴، ح ۸ / وسائل‌الشیعة، ج ۴، ص ۴۵۵، ح ۵۷۰۳.
۲. تهذیب‌الأحکام، ج ۶، ص ۱۱۰، ح ۱۳.
۳. نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۹، ح ۶۵.
۴. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۰، ح ۳.
۵. التبیان، ج ۴، ص ۳۸۶ / مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۲۴۴ / جوامع‌الجامع، ج ۱، ص ۶۵۲ / المیزان، ج ۸، ص ۷۹.
۶. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۷ ـ ۱۴۸.
۷. الکافی، ج ۶، ص ۵۱۷، ح ۵ (باب الغالیة).

« ت »

تاریخ مسجد

تاریخ مسجد: پیدایش و تقسیم ادوار تاریخی مساجد.

پیشینهٔ تاریخی و ضرورت بنای مسجد

«تاریخ» عبارت است از تبیین پیدایش شیء و تحوّل آن در طول زمان. از این‌رو، هنگامی معنا و مفهوم پیدا می‌کند و می‌توان به تدوین تاریخ پرداخت که اولاً، شیء قدم به عرصهٔ ظهور و بروز نهاده، و ثانیاً، تحوّلی در آن پدید آمده باشد.[۱] تاریخ مسجد نیز از این قاعده مستثنا نیست.

دربارهٔ پیدایش و تحوّل مسجد، ناگزیر مانند هر موضوع تاریخی دیگر، برای حفظ پیوستگی و قانونمندی و کلّیت‌بخشی به اصول مطرح شده، باید به تقسیمات و ادوار تاریخی روی بیاوریم و همچنین به رویدادهای خاص اشاره کنیم.

نیاز به اقامهٔ نماز و پرستش خداوند متعال و حفظ موقعیت اجتماعی و آنچه مایهٔ استواری و پایداری و استمرار حیات جمعی مسلمانان می‌شد، ضرورت بنا و پی‌ریزی مکانی را پدید آورد که نمازگزاران را از گرمای سوزان و باد و باران در امان دارد تا بتوانند با امنیت خاطر و توجه قلبی، به انجام فریضهٔ نماز بپردازند عبادتگاهی که از نظر اجتماعی نماد دین‌داری و خداپرستی باشد.

چشم‌داشت و دل‌بستگی همهٔ مردم به بالاگرفتن کار دین و بهبود شرایط زندگی در سایهٔ آن، ساختمان (عرصه و اعیان) مسجد را پدید آورد و هر شهر و آبادی را

---

۱. تاریخ فقه و فقها، ص ۵.

مسجدی می‌بایست که تودهٔ مسلمان امید و خواست خود را در آنجا با خداوند در نسبت بنده و مولا و در صورت نماز و دعا و با جمع برای مشورت و راه‌جویی در میان گذارد. ادای فریضهٔ واجب و دعا و وعظ و خیرخواهی و اقدام و رایزنی و کار خلق به سامان رساندن و مصالح مسلمانان را جستن و چاره خواستن کارهایی بودند که در محل مسجد بدان‌ها پرداخته می‌شد.

بنای نخستین مساجد

نخستین مسجد روی زمین مسجدالحرام است که قبلهٔ مسلمانان، خانهٔ «کعبه»، آنجاست. حضرت آدم علیه‌السلام کعبه را می‌شناخت و انبیا علیهم‌السلام آن را می‌شناختند و جایگاه عبادت و طواف آنان بود.

حضرت ابراهیم علیه‌السلام چون مأموریت یافت بنای کعبه را تجدید کند و به تطهیر خانهٔ خدا بپردازد، برآوردن قواعد بیت با زندگی حضرت آمیخته گردید و این سرفصل تازه‌ای در تاریخ مسجدالحرام است که شرح آن در قرآن کریم آمده، با مناسک مخصوص از طواف و نماز در پشت مقام ابراهیم علیه‌السلام و آنچه مربوط به حجر جناب اسماعیل علیه‌السلام است که در واقع، مزار شریف هاجر و اسماعیل علیه‌السلام است و سعی میان دو کوه «صفا» و «مروه».

بنابه آنچه گذشت، مسجدالحرام برای اهل قبله، از نظر اهمیت و پایگاه، در درجهٔ نخست قرار دارد. ارادهٔ خداوندی به بزرگداشت و بار بستن به سوی کعبه و شکوهمندی و قداست آن پیوسته و آیات قرآن شاهد این مدّعاست. (ر.ک. آیات مسجدالحرام / آیات قبله.)

«مسجد نبوی» در مدینهٔ منوّره، پس از «مسجد قبا»، با نظر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و صحابهٔ بزرگوار آن حضرت تأسیس شد. دههٔ پایانی عمر شریف رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در این مسجد گذشت؛ مسجدی که همهٔ زندگی آن حضرت با آن پیوند خورده است.

عصر تشریع، روزگار نزول قرآن، مبدأ نماز، روزه، حج، جهاد، نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر) و تأسیس جامعهٔ اسلامی، همه از مسجد نبوی آغاز شد. وقایع روزهای طلایی اسلام ـ روزهای امید و بیم ـ با مسجد پیامبر شکل گرفت.

ادوار تاریخی خاستگاه مسجد

اینک به قسم‌بندی و توضیح ادوار تاریخی مسجد با نظرداشت به خاستگاه تاریخی آن می‌پردازیم:

الف . عصر نبوی:

ـ دورهٔ تشریع(تأسیس و سنگ بنا)؛

ـ سیزده سال در مکّه(مسجدالحرام)؛

ـ ده سال در مدینه(مسجد قبا و مسجد نبوی).

ب . عصر علوی:

از سال یازدهم تا چهلم هجری.

ج . امویان:

از سال ۴۱ هـ تا پایان امویان (۱۳۲ هـ).

د . عباسیان:

از سال ۱۳۲ هـ تا ۶۵۶ هـ.

هـ . عثمانیان، صفویان، گورکانیان:

۱ . عثمانیان از سال ۶۹۹ هـ تا ۱۳۴۲ هـ در ممالک عثمانی (تمامی بلاد عربی و شمال آفریقا) پادشاهی کردند.

۲ . صفویان، از پادشاهان ایرانی، از سال ۹۰۷ هـ تا ۱۱۳۵ هـ سلطنت کردند.

۳ . گورکانیان از سال ۹۳۲ تا ۱۲۷۵ هـ در قسمتی از هندوستان فرمان‌روایی داشتند.

و . عصر حاضر:

مساجد جهان اسلام:

۱ . کعبهٔ مکرّمه و مسجد نبوی؛

۲ . مساجد کشورهای عربی؛

۳ . مساجد بیرون از دنیای عرب: ایران، پاکستان، هند، ماوراءالنهر و قفقاز، چین، شرق دور (اندونزی، مالزی) و آفریقا؛

۴ . مساجد اقلیّت‌های مسلمانان در دو قارّهٔ اروپا و آمریکا.

البته روشن است که هرگونه تقسیم دوره‌ای خالی از لغزش نخواهد بود و راه انتقاد و پیشنهاد تازه را نخواهد بست؛

چنان‌که می‌توان تقسیمات دیگری را برای مطالعهٔ تاریخ مسجد پیشنهاد کرد؛ مانند: عصر پیامبرﷺ (= عصر نبوی)، عصر وصایت و امامت (= عصر علوی)، عصر امامت تا آغاز غیبت کبرا و از غیبت کبرا تا به امروز:

اما واقعیت تاریخی حکم می‌کند تقسیم اول را بپذیریم؛ زیرا پس از دورهٔ حضرت امیرؑ، مسجد و دیگر نهادهای اجتماعی در اختیار اراده غالب سیاسی قرار داشت و تابع خواهش و خواست ـ به اصطلاح ـ خلیفهٔ وقت بود.

شک نیست که آنچه به مسجد ارزش می‌بخشد و همهٔ سازوکارهای دیگر مربوط به مسجد را در خدمت خود می‌خواهد، عبادت و مناجات است.

چهار مسجد جزو مهم‌ترین مساجد به‌شمار می‌آیند. امام علیؑ فرمود: چهار قصر از قصرهای بهشت در دنیا هستند: مسجدالحرام، مسجدالرسولﷺ، مسجد بیت‌المقدس و مسجد کوفه.[۱]

سیرهٔ پیامبر اکرمﷺ به‌خوبی نشان می‌دهد که آن حضرت اهتمام ویژه‌ای به برپایی مسجد و محل تجمّع مسلمانان مبذول می‌داشتند. هنگام ورود پیامبرﷺ به مدینهٔ منوّره نخستین اقدام جمعی ساخت مسجد نبوی بود، و در جنگ‌ها نیز سیرهٔ حضرت همین بود؛ چنان که مورّخان نوشته‌اند: در مسیر مدینهٔ منوّره تا تبوک، حضرت هفده مسجد بنا نمودند.[۲] در سفر و حضر، در جنگ و صلح، آنچه در وهلهٔ نخست، مسلمانان را به عنوان شعار مسلمانی گردهم می‌آورد جمعه و جماعات بود و محل آن مسجد، و همهٔ خیرات و برکاتی که به جمعیت و جماعت مسلمانان مربوط می‌شد و بدان‌ها می‌رسید و یا ابلاغ می‌گردید از مسجد سرچشمه می‌گرفت و همین سنّت در تمامی بلاد اسلامی تا به امروز تداوم یافته است.

---

۱. سیمای مسجد، ص ۶۱.

۲. تاریخ پیامبر اسلامﷺ، ص ۶۳۷.

تحوّلات مسجد

تحوّلات مسجد: تغییراتی که در کارکرد و معماری مساجد به وجود آمده است.

تحوّلات اساسی مسجد از دو جهت قابل بررسی است: اولاً، تحوّلات در مورد کارکرد مساجد در زمینه‌های گوناگون، اعم از فرهنگی، تربیتی، علمی و اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی؛ ثانیاً، معماری مسجد.

شواهد تاریخی حاکی از آن است که در صدر اسلام و در زمان حضور پیامبر، مسجد به عنوان نهادی حکومتی تلقّی می‌شد و یک فرد، هم زمامدار بود، هم مدیر اجرایی، و یک ساختمان، هم مسجد بود و هم مرکز اصلی مسائل دینی و سیاسی و اجتماعی و نظامی،[۱] و با همکاری عموم مردم، به صورت ساده ساخته و اداره می‌شد. اما در قرون بعد، مسجد غالباً توسط حکّام، امرا، مقامات عالی‌رتبه، یا افراد ثروتمند جامعه ساخته می‌شد، ولی نگه‌داری، تعمیر و ادامهٔ کار آن از طریق اموال موقوفه صورت می‌گرفت. در این دوره، شخصی به عنوان «ناظر» بر امور مالی و اجرایی مسجد نظارت می‌کرد و مساجد نیز برخی از ویژگی‌های سنّتی خود را، به ویژه در زمینهٔ امور دینی، حفظ کرده بودند، اما با ساختن «دارالامارة» و مراکزی دیگر برای رسیدگی به امور مردم، مساجد به عنوان یک نهاد اثرگذار بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعهٔ مسلمانان، اهمیت خود را به طور فزاینده‌ای از دست داد و ائمّهٔ جماعات مساجد دیگر از اقتدار و جایگاهی که همتایانشان در صدر اسلام داشتند، بهره‌مند نبودند.[۲]

با شروع مبارزات ملت اسلامی در ایران، بار دیگر نقش مساجد پررنگ شد، به‌گونه‌ای که حامد الگار آمریکایی مسجد را «هستهٔ اساسی پیروزی انقلاب اسلامی» می‌داند[۳] و امام خمینی قدس سره در سخنان خود، از مسجد به عنوان «رمز پیروزی ملت ایران» یاد می‌کند.[۴]

---

۱. مجلهٔ مسجد، ش ۴۹، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۴۸.

۳. دین و دولت در ایران، ص ۱۵۴.

۴. صحیفهٔ نور، ج ۹، ص ۸۹.

متأسفانه در سالیان اخیر، به مساجد توجه لازم نمی‌شود و برخی از کارکردهای آن به دلیل پیدایش و تأسیس نهادها و مراکز دیگر کم‌رنگ گردیده و یا به فراموشی سپرده شده است.

معماری مساجد از زمان رسول خداﷺ به بعد تا عصر حاضر، تغییراتی از حیث عناصر مشترک ساختمان مساجد مانند تنوّع در عناصری همچون محراب و منبر و شبستان‌ها کرده است. همچنین اضافه شدن عناصری جدید، مانند گنبد، مناره، گل‌دسته، کاشی‌کاری‌های متنوّع و تعبیهٔ جایگاهی برای لوازم صوتی و جانبی مسجد از دیگر تغییرات در ساختمان مساجد است.

باید متذکر شد که در زمان حضرت رسولﷺ در مدینه، مساجد گنبد و مناره نداشت و برای اذان گفتن، به پشت‌بام مسجد می‌رفتند و اذان را با صدای رسای خود، به گوش مردم می‌رساندند. مهم‌ترین تحوّل در مسجد، تغییر قبلهٔ آن بود که در زمان حضور رسول خداﷺ اتفاق افتاد. (ر.ک. قبله.)

باگسترش دین اسلام به بیرون از منطقهٔ جزیرةالعرب و ضرورت ساخت مساجد فراوان در شهرها و روستاها، لازم آمد بناهای مساجد مرتفع‌تر ساخته شود تا بتوان از طریق مناره، اذان را به گوش مؤمنان رساند و همچنین با وسعت دایرهٔ نفوذ دولت اسلامی، عناصر هنری نیز در طرّاحی و معماری مساجد وارد شد. امروزه به دلیل فناوری صوتی، مناره‌ها بخش زیادی از اهمیت خود را از دست داده است.[۱]

تحیّت مسجد

تحیّت مسجد: سلام و ادای احترام مخصوص به مسجد.

در فقه، از تحیّت مسجد در کتاب «صلاة» باب «احکام‌المساجد» سخن به میان آمده است. طبق روایات وارد شده، از جمله حقوق مسجد بر مسلمانان، آن است که هنگام ورود به مسجد و پیش از نشستن، برای سلام و ادب و احترام مسجد، دو رکعت نماز مثل نماز صبح به نیّت

۱. مجلهٔ مسجد، ش ۴۹، ص ۴۷.

«تحیت مسجد» به جای آورند.[۱]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: هرگاه داخل مسجد شدی، پیش از آنکه بنشینی، دو رکعت نماز بخوان.[۲] همچنین آن حضرت به ابوذر فرمود: ای ابوذر! مسجد تحیّتی مخصوص به خود دارد، و آن این است که دو رکعت نماز بجای آوری.[۳]

در منابع حدیثی عامّه نیز روایات متعددی در خصوص «نماز تحیّت» نقل شده است.[۴] فقها با استناد به روایات، حکم به استحباب «نماز تحیّت مسجد» داده‌اند.[۵] شهید ثانی در *شرح لمعه* می‌فرماید: پیش از نشستن در مسجد، بجای آوردن دو رکعت نماز تحیّت مستحب است، و در هر دفعه که انسان به مسجد می‌رود تکرار نماز تحیّت مستحب است، اگرچه فاصلهٔ دفعات با یکدیگر خیلی کم باشد. البته بجای آوردن هر نماز واجب یا نماز مستحب دیگری، از نماز تحیّت کفایت می‌کند، هرچند به همراه آن نماز (واجب یا مستحب غیر از تحیّت) قصد تحیّت نکند؛ زیرا مقصود از نماز تحیّت آن است که حرمت مسجد به واسطهٔ نشستن بدون نماز هتک نشود، اما اقامهٔ نماز مستقل به نیّت تحیّت، بهتر است. چنانچه کسی هنگام ورود به مسجد وضو ندارد یا عذری دارد که مانع خواندن نماز تحیّت است، مستحب است به جای آن، ذکر خدا بگوید.

در موارد ذیل، خواندن نماز تحیّت مکروه است:

۱. اگر شخص داخل مسجد شود، در حالی که امام جماعت مشغول خواندن نماز واجب است.

۲. آنجا که نماز جماعت در حال اقامه است.

۳. در صورتی که اقامهٔ جماعت نزدیک است، به گونه‌ای که اگر بخواهد نماز تحیّت بخواند، در وسط نمازش، جماعت شروع خواهد شد.

---

۱. دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۰ / ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۴۶۷.

۲. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۷۵، ح ۲۰۸۶۱.

۳. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۸، ب ۴۲، ح ۱.

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۵۵ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۰۱۱ / صحیح ترمذی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۳۱۵.

۵. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰ / توضیح‌المسائل، م ۹۱۳.

در فقه اسلامی، تحیّت مسجدالحرام «طواف» به شمار آمده است.[۱]

تخریب مسجد

تخریب مسجد: ویران کردن بنای ظاهری یا معنوی مسجد.

«تخریب» در لغت، به معنای ویران کردن، ضدّ عمران و عمارت آمده است.[۲] در قرآن کریم، در یک جا به ویران کردن مساجد اشاره شده[۳] که دربارهٔ شأن و زمان و مصداق نزول آن، بین مفسّران اختلاف است. برخی آن را اشاره به ویران کردن «بیت‌المقدس» دانسته و عده‌ای مصداقش را ویران کردن مساجد و عبادتگاه‌های مسلمانان و صحابهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مکّه توسط مشرکان و کفّار قریش پس از هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه ذکر کرده‌اند.[۴]

اما با توجه به احادیث رسیده[۵] و اقوال مفسران، تخریب مسجد تنها ویران ساختن ساختمان آن نیست، بلکه هر عمل و برنامه‌ای که از برگزاری نماز در مسجد و رونق آن بکاهد، تلاش در جهت ویرانی و تخریب معنوی مسجد به شمار آمده و مشمول همین حکم است.[۶] فقها در کتب فقهی نیز به این مسئله با همهٔ ابعاد و شقوقش حتی از دیدگاه حکومتی[۷] پرداخته و احکام آن را بیان نموده‌اند. از جمله احکام مسجد که فقها بدان پرداخته‌اند، عبارت است از اینکه: در جریان توسعهٔ مسجد، می‌توان مسجدی را که خود در معرض

---

۱. الروضة اللهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، ص ۵۴۲ ـ ۵۴۳.

۲. لغت‌نامه، ج ۴، ص ۵۷۰۴ / المفردات فی‌الفاظ‌القرآن، ص ۱۴۴ / قاموس‌اللغة، ج ۱، ص ۶۰ / مجمع‌البحرین، ص ۱۰۸.

۳. بقره: ۱۱۴.

۴. ر.ک. تفسیرالمیزان، ج ۱، ص ۲۵۸ / تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۰۸ / مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۱۸۹ / تفسیرالمنار، ج ۱، ص ۴۳۰ ـ ۴۳۱ / بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۵۳؛ ج ۲۱، ص ۱۲۱، و ۲۳۸؛ ج ۳۵، ص ۲۹۸.

۵. بحارالانوار، ج ۲، ص ۴۱ و ۱۰۹؛ ج ۱۸، ص ۱۴۶؛ ج ۲۴، ص ۱۸۷؛ ج ۵۲، ص ۱۰۹؛ ج ۹۲، ص ۱۹۵.

۶. ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۱؛ ج ۵، ص ۱۸۵، ذیل آیهٔ ۲۱ سورهٔ انعام / مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۸۹.

۷. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۳ / صحیفهٔ نور، ج ۲، ص ۴۵۲.

انهدام و ویرانی است، بکلی خراب کرد.[۱]

ـ اگر بخش‌های خاصی از مسجد محتاج تعمیرات اساسی باشد می‌توان آن قسمت‌ها را بکلی ویران کرد و مجدداً بازسازی نمود.[۲]

ـ اگر تطهیر مسجد منوط به خراب کردن مقدار کمی از آن باشد تخریب جایز، بلکه واجب است.[۳] اما وقتی در توسعه و یا تغییر بنای مسجد، نیاز به ویران نمودن قسمت‌های آباد و مستحکم باشد، بین فقها اختلاف است. برخی همچون شهیدین در جواز آن، اشکال یا توقف نموده[۴] و آن را در صورتی جایز شمرده‌اند که ظنّ غالب بر امکان عمارت مسجد موجود باشد.[۵] عده‌ای هم در هر دو صورت، به قصد توسعه، آن را جایز دانسته‌اند.[۶]

(ر.ک. مسجد ضرار / تعمیر مسجد.)

تذهیب مسجد

تذهیب مسجد: آراستن مسجد با طلا.

در منابع و متون حدیثی شیعه، دربارهٔ آراستن مسجد با طلا، سخن و روایتی وارد نشده است، اما در منابع حدیثی عامّه، روایات متعددی بر نهی از طلاکاری وارد گردیده و این عمل را از افعال یهود و نصارا و نشانه‌های قیامت و تباهی مردم به‌شمار آورده‌اند.[۷]

علمای عامّه با توجه به این روایات و با استناد به اینکه طلاکاری مساجد بدعت است، چون در زمان پیامبر اکرم ﷺ معمول و معروف نبوده، به حرمت تذهیب مسجد[۸] و برخی نیز به کراهت آن فتوا داده‌اند.[۹]

فقهای شیعه در این مسئله اختلاف

---

۱. رسالهٔ توضیح المسائل، م ۹۱۱ / استفاءات، ج ۲، ص ۳۶۸، س ۸۴ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۸ / مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۴۱، س ۵۴ و ص ۱۴۶، س ۷۵ و ص ۱۴۹، س ۸۶ / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۳.

۲. همان.

۳. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۸۶ / تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۲۰ / رسالهٔ توضیح‌المسائل، م ۹۰۲.

۴. الذکری، ص ۱۵۷ / روض‌الجنان، ص ۲۳۵.

۵. همان.

۶. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۳ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۸ / رسالهٔ توضیح‌المسائل، م ۹۱۱ / استفتائات، ج ۲، ص ۳۶۸، س ۸۴.

۷. سنن ابن‌ماجة، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۷۴۱ و ۷۳۹ و ۷۴۰.

۸. نیل‌الأوطار، ج ۲، ص ۱۵۷.

۹. الشرح الکبیر، ج ۱، ص ۴۲۴.

دارند؛ برخی به صورت مطلق و بدون ذکر دلیل، به حرمت آن فتوا داده‌اند.[۱] برخی همچون علمای عامّه، با استناد به اینکه این عمل بدعت است، آن را حرام شمرده‌اند،[۲] اما برخی دیگر به کراهت فتوا آن داده‌اند.[۳] برخی همچون صاحب *جواهر* معتقدند: دلیلی بر اثبات حرمت تزیین مساجد نیست. ایشان پس از ذکر مجموعه تحلیل‌های علمای شیعه و روایات وارد شده در کتب اهل سنّت، به صورت تفصیلی به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته و نتیجه گرفته است: در طلاکاری مساجد و مشاهد مشرّفه، دلیلی بر حرمت نداریم.[۴] ایشان در *حاشیه بر عروة‌الوثقی* می‌نویسد: جواز تذهیب مساجد و مشاهد مشرّفه و طلاکاری آن‌ها خالی از قوّت نیست.[۵]

حضرت امام خمینی قدس‌سره نیز می‌فرماید: احتیاط در ترک تزیین مساجد و مشاهد مشرّفه به طلا و نقره است.[۶] طبیعی است که کتابت قرآن و احادیث صحیح از این مورد مستثناست. (ر.ک. کتیبهٔ مسجد.)

صرف‌نظر از حکم فقهی مسئله، به دلیل آنکه مساجد صدر اسلام ساده و بی‌آلایش بوده و بنای مسجد باید یادآور ذات مقدّس خدای متعال باشد و وجود این زیورآلات از نظر روحی و روانی، ممکن است افراد را از یاد خداوند غافل کند، بدین روی، شایسته است تا حد ممکن، از آراستن مساجد با طلا خودداری شود، و مساجد با اسامی خداوند مزیّن گردد تا در و دیوار آن‌ها بیننده را به یاد خدا آورد و توجه او را از دنیا و مظاهر برجستهٔ دنیوی از جمله طلا، منصرف سازد و انسان بتواند با توجه قلبی و تمرکز حواس، به عبادت در این مکان‌های مقدّس بپردازد.

ترک مسجد

ترک مسجد: حضور نیافتن در مسجد و یا خروج از آن بدون عذر.

الف. نظرگاه روایات

در روایات اسلامی، از عدم حضور در

---

۱. شرائع‌الاسلام، ج ۱، ص ۹۶ / ریاض‌المسائل، ج ۱، ص ۲۴۵ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲. المعتبر، ج ۲، ص ۴۵۱ / الذکری، ص ۱۵۶.

۳. غنائم‌الایّام، ج ۲، ص ۲۸۸.

۴. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۸ ـ ۹۰.

۵. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۳۰۵.

۶. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۳۳.

مسجد و ترک آن و یا خروج از مسجد هنگام عبادات ـ مثل وقت اذان ـ بدون عذر و یا همراه با اغراض دیگر نهی شده و برای این عمل، آثار و عواقبی ذکر گردیده است. این آثار و عواقب عبارت است از:

۱. نفاق: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کسی که صدای اذان را بشنود و بدون عذر از مسجد خارج شود، منافق است، مگر اینکه قصد برگشت به مسجد را داشته باشد.[۱]

۲. شکایت مسجد: بر اساس روایات، مسجد به خداوند متعال عرضه می‌دارد: خدایا! اینان مرا تعطیل کردند و ضایع نمودند.[۲] لحن شکایت مسجد در مورد همسایگانش شدیدتر است.[۳] (ر.ک. همسایهٔ مسجد.)

۳. کامل نبودن نماز تارک مسجد: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: کسی که به خاطر اعراض و دوری از مسجد در خانه‌اش نماز جماعت برگزار کند، نماز او و همراهانش تمام و کامل نیست.[۴]

۴. جواز غیبت و سقوط عدالت: از دیگر آثار و عواقبی که برای افراد تارک مسجد در روایات ذکر شده، آن است که غیبت کردن از این افراد جایز و عدم حضور آنان در مسجد از اسباب سقوط عدالت به شمار آمده است.[۵]

۵. اجتناب دیگران: براساس متون روایی، از مشورت کردن، غذا خوردن، ازدواج کردن و همسایگی با این دسته از مسلمانان نهی شده است.[۶]

۶. برخورد حاکم اسلامی: در برخی دیگر از روایات، بخصوص آنجاکه خودداری از حضور با اغراض دیگر همراه شود، ترک مسجد مورد نکوهش شدیدتری قرار گرفته است. در روایات متعددی از برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علی علیه السلام با این دسته از مردم، یا برخی از همسایگان و یا اقوامی که از حضور در مسجد خودداری می‌کردند، سخن به میان آمده است.[۷]

---

۱. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۳، ح ۲۳۲.
۲. الخصال، ج ۱، ص ۱۷۴ ـ ۱۷۵، ح ۲۳۲.
۳. الأمالی الطوسی، ص ۶۹۶، ح ۱۴۸۵.
۴. همان، ح ۱۴۸۶.
۵. تهذیب‌الأحکام، ج ۶، ص ۲۴۱، ح ۱.
۶. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۶، ح ۹.
۷. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۵، ح ۶ / وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۵ و ۱۹۶، ح ۶ و ۷ و ۹.

ب. نظرگاه فقها

فقهای عظام به تحلیل و بررسی این روایات، که تعدادشان در این زمینه بسیار است، پرداخته‌اند. بدین‌روی، برخی از علمای عامّه و اهل سنّت قایل به این نظر شده‌اند که ترک مسجد حرام است. ولی از علمای شیعه کسی به حرمت ترک مسجد فتوا نداده و همگی اجماع دارند که حضور در مسجد از واجبات هم نیست اخبار مذکور بر تأکید استحباب حمل می‌شود و عواقب مذکور در روایات مخصوص کسانی است که از روی غرض از حضور در مسجد خودداری می‌کنند.[۱]

مرحوم سید در *العروة‌الوثقی* می‌نویسد: در فضیلت حضور در مسجد و نهی از ترک حضور، به حدّی تأکید شده که نزدیک است ملحق به واجبات شود. از این‌رو، مقتضای ایمان آن است که بدون عذر، مسجد ترک نشود.[۲]

حضرت امام خمینی قدس‌سره در *رسالهٔ توضیح‌المسائل* می‌فرماید: مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند و همسایهٔ او نشود و از او زن نگیرد و به او زن ندهد.[۳]

تصویر در مسجد

تصویر در مسجد: نصب تصاویر علما و شهدا و صاحبان فضیلت در مسجد.

در منابع دینی، از نقش صور اشیای ذی روح مثل انسان، در مسجد نهی شده است. (ر.ک. نقاشی کردن مسجد.) ولی نصب تصاویر شهدا، علما و صاحبان فضیلت به خودی خود، مانعی ندارد. اما چون یکی از موارد کراهت نماز، قرار گرفتن مقابل عکس و مجسمهٔ چیزی است که روح دارد،[۴] سزاوار است که عکس را در طرف قبله نصب نکنند و یا با کشیدن پرده بر روی آن، رفع کراهت نمایند.[۵]

---

۱. مستندالشیعة، ج ۸، ص ۱۱ / الذکری، ص ۲۶۷ / کتاب‌الصلاة، ج ۱، ص ۴۴۴.

۲. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۷۶۲ ـ ۷۶۳.

۳. رساله توضیح‌المسائل، ص ۱۲۴، م ۸۹۷.

۴. همان، م ۸۹۸.

۵. همان / استفتائات، ج ۱، ص ۱۵۰، س ۷۹.

بنابراین، وجود تصویر در مقابل نمازگزار سبب بطلان نماز او نمی‌شود، ولی اگر تصویر ذی‌روح باشد مکروه است.[۱]

تعزیه در مسجد

تعزیه در مسجد: برگزاری مراسم عزاداری اهل‌بیت علیهم‌السلام و شبیه‌خوانی در مسجد.

تعزیه دوگونه است:

۱. برگزاری عزاداری، نوحه‌سرایی و روضه‌خوانی؛

۲. برپایی شبیه‌خوانی یا همان تعزیه‌ای که در فرهنگ ما مصطلح است.

برگزاری مجالس عزاداری برای اهل‌بیت علیهم‌السلام از شعائر دین اسلام نزد مسلمانان، بخصوص شیعیان و پیروان ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام است. امام رضا علیه‌السلام به دعبل خزاعی دربارهٔ عزاداری برای سیدالشهدا علیه‌السلام، توصیه نمودند: ای دعبل! برای حسین علیه‌السلام مرثیه بگو، که تا تو زنده‌ای یاور و مدیحه‌گوی ما هستی. پس تا می‌توانی، از یاری ما کوتاهی مکن.[۲]

امام صادق علیه‌السلام در این‌باره فرمودند: هر کس ما (و مظلومیت ما) نزد او یاد شود و چشمانش پر از اشک گردد، خداوند چهره‌اش را بر آتش دوزخ حرام می‌کند.[۳]

از سوی دیگر، گریستن در عزای ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام، بخصوص حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و گریاندن دیگری و برپایی مجالس سوگواری، از جمله کارهای مستحب مؤکّد و از افضل قُرُبات و دارای ثواب بسیار است. بنابراین، اگر هدف از عزاداری، روضه‌خوانی و مدیحه‌سرایی، یادآوری مصایب ائمّهٔ اطهار و اولیای دین علیهم‌السلام باشد، عبادت محسوب می‌شود و برگزاری آن در مسجد نه‌تنها با اهداف مقدّس مسجد منافاتی ندارد، بلکه سبب تقویت رابطهٔ افراد با مسجد می‌شود،[۴] به شرط آنکه اولاً، مزاحمتی برای اعمال عبادی مؤمنان و اهل مسجد ایجاد نکند؛ ثانیاً، روضه‌خوانی برای اهل‌بیت علیهم‌السلام دارای

---

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۱۵۰، س ۸۰ و ۸۱.

۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۶.

۳. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.

۴. آیین مسجد، ج ۳، ص ۲۴۴.

الفاظ کفرآمیز و غلوّ در تعابیر نسبت به آن بزرگواران و مشتمل بر کذب و باطل نباشد؛ و ثالثاً، مجالس عزاداری با بدعت‌ها و تحریف‌ها در نوع عزاداری و روضه‌خوانی و کار حرام و آهنگ‌های نامناسب در مداحی ـ مثلاً موسیقی لهوی و مطالبی که وهن مذهب یا تنقیص و تحقیر ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام ـ و اضرار به نفس همراه نباشد و اسباب کم‌رنگ شدن معنویت و اخلاق و ترک واجبات را فراهم نسازد.[۱]

حضرت امام خمینی قدس‌سره می‌فرماید: اگر مسجد را برای عزاداری چادر بزنند و فرش کنند و پارچهٔ سیاه نصب کنند و وسایل چای و پذیرایی به مسجد ببرند، در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود، اشکال ندارد.[۲]

اما تعزیه، که به عنوان شبیه‌خوانی سنّتی معروف است و بیشتر چنین مجالسی در ایّام محرّم برگزار می‌گردد و مردم با دیدن صحنه‌های شبیه‌خوانی و شنیدن الفاظ حزن‌آلود و غمناک، یاد و خاطرهٔ ایّام عاشورای سیدالشهدا علیه‌السلام و مصایب اهل‌بیت آن حضرت در ذهنشان زنده می‌شود و بر اندوه و غم آن‌ها افزوده می‌گردد، اگر با شرایط ذیل خوانده و اجرا شود، اشکال ندارد:

۱. از طبل و شیپور و سایر ادوات طرب‌انگیز استفاده نشود.

۲. تعزیه با صدای ساده خواند شود، به گونه‌ای که به آن «غنا» گفته نشود.

۳. اجتماع مرد و زن به صورتی باشد که زن‌ها و مردها جداگانه و با فاصلهٔ مناسبی از هم بنشینند.

۴. کسی که نسخهٔ زنانه را می‌خواند، فقط عبا به دوش داشته باشد و یک دستمال سیاه به سرش بپیچد.

۵. اشعار به گونه‌ای که در اغلب مجالس مرسوم است، خوانده شود.

۶. مزاحم وقت نماز و روضه‌خوانی و مانع وعظ نباشد و خواننده هم مورد اعتماد باشد.[۳]

به طور کلی، شبیه‌خوانی در مسجد اگر

---

۱. استفتائات، ج ۳، ص ۵۷۹.

۲. رسالهٔ توضیح‌المسائل، م ۹۰۷ / احکام مسجد، ص ۱۱۱، س ۱۸۷.

۳. استفتائات، ج ۳، ص ۵۷۹، س ۳۲.

مشتمل بر دروغ گفتن و تحریف گفتار و افعال اهل‌بیت علیهم‌السلام و یا مزاحم نمازگزاران نباشد، اشکالی ندارد، وگرنه حرام است. (ر.ک. کارکرد هنری مسجد.)

تعمیر مسجد

تعمیر مسجد: ساخت و ترمیم، توسعه و رفت‌و آمد به مسجد.

«عمارة» به معنای آباد ساختن، بالا بردن بنا و ضدّ خرابی آمده است. «تعمیر» و «عَمَرالبیت» وقتی گفته می‌شود که نقاط مشرف بر خرابی خانه را اصلاح و مرمّت کنند.[۱] «عُمْرْ» تعمیر بدن به وسیلهٔ روح را گویند و چون زیارت خانهٔ خدا توسط مردم مایهٔ آبادانی بیت‌الله‌الحرام است، آن را «عمره» گویند.[۲]

«عمارت مسجد» یا «تعمیر مساجد»، که در لغت،[۳] قرآن[۴] و احادیث[۵] آمده، شامل ساخت اولیهٔ مسجد، تعمیر و نگه‌داری آن و رفت‌وآمد به مساجد می‌شود.[۶]

بنابراین، هر کس به هرگونه‌ای مساجد را گرمی و رونق بخشد از آبادگران مساجد به شمار می‌آید. اما آنان که به قصد تقرّب الهی در ساخت و تعمیر فیزیکی مساجد می‌کوشند از فضایل ویژه‌ای همچون ایمنی از بلایا[۷] و ممانعت نزول عذاب بر بندگان،[۸] همسایگی خداوند در روز

---

۱. لغت‌نامه، ص ۱۴۳۹۳ و ۱۴۳۹۷ / فرهنگ عمید، ص ۴۴۳ و ۹۱۷ / المفردات فی الفاظ‌القرآن، ص ۳۴۷.

۲. لغت‌نامه، ص ۱۴۳۹۷ و نیز ر.ک. تفسیرالمیزان، ج ۹، ص ۲۰۰.

۳. لغت‌نامه، ص ۵۹۷۲، «تعمیرالمسجد».

۴. توبه: ۱۷ ـ ۱۸.

۵. وسائل‌الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۴، ب ۵ از ابواب «احکام المساجد»، ح ۱؛ ج ۳، ص ۴۸۶، ب ۸ از ابواب «احکام المساجد»، ح ۳ و ۵ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۲۸، ب ۶ / بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۰ / تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۲۱۴.

۶. لغت‌نامه، ص ۵۹۷۲ و نیز ر.ک. مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۱۳، ذیل آیهٔ ۱۸، سورهٔ توبه / تفسیرالمیزان، ج ۱۰، ص ۲۰۰ / تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۱؛ ج ۷، ص ۳۱۶ / بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۰ / تفسیرالمنار، ج ۱۰، ص ۲۰۶ و ۲۱۴.

۷. نهج‌الفصاحة، ص ۵۹۵، ح ۶۸۲.

۸. وسائل‌الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۶، ب ۸، از ابواب «احکام المساجد»، ح ۳ و ۵.

قیامت[۱] و شادی مسجد با مشاهدهٔ آبادگرانش و اهل‌الله بودن[۲] برخوردارند. بدین روی، اولین کاری که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در ابتدای هجرت به مدینه انجام داد «ساخت مسجد» بود.[۳]

سیرهٔ عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در امر مسجدسازی، باعث ایجاد علاقه و اشتیاق زایدالوصف مسلمانان اولیه نسبت به ساخت مسجد شد؛ زیرا ایشان در مسافرت‌های خود به مکّه و جنگ‌ها، در مکان‌های متعدد، محل خاصی را با بنایی بسیار ساده، «مسجد» قرار می‌داد.[۴] طبق سیرهٔ عملی و روایات رسیده، می‌توان گفت: اساساً ساخت مسجد و تسمیهٔ مکانی به این نام نه در شکل ظاهری و آرایش آن با مناره‌ها و گنبد و محراب و منبر، بلکه به آن است که قطعه زمینی هرچند خشک و خالی بدان نیت محصور گردد که در آن نماز اقامه شود.[۵]

بنابراین، ساخت و تعمیر مسجد از مستحبّات است[۶] و برخی از فقها آن را واجب کفایی می‌دانند.[۷] اما در اینکه آیا کفّار و اهل کتاب و غیرمسلمانان نیز مانند مسلمانان حق بنا و تعمیر مساجد را دارند یا نه، فقها و مفسّران با استناد به قرآن کریم، هرگونه مشارکت فیزیکی در ساخت و تعمیر مسجد را برای غیرمسلمانان ممنوع دانسته، این حق را ویژهٔ مسلمانان می‌دانند،[۸] گرچه وقف زمین یا سایر چیزها برای مسجد و مصارف آن از سوی کفّار و اهل کتاب جایز است.[۹]

---

۱. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۵۷۸، ح ۲۰۳۳۹.

۲. همان، ج ۷، ص ۵۷۸، ح ۲۰۳۴۰ / بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۸۰.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۹۵، ح ۱.

۴. نقش مسجد در جامعهٔ اسلامی، ص ۲۰ ـ ۲۱.

۵. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۳ و ۲۰۴، ب ۸ از ابواب «احکام المساجد»، ح ۱ و ۲.

۶. امام خمینی قدس‌سره، رسالهٔ توضیح‌المسائل، م ۹۱۱.

۷. کنزالعرفان، ج ۱، ص ۱۰۵.

۸. العروة‌الوثقی، ج ۱، فی احکام النجاسات، ص ۸۶، م ۹ و نیز ر.ک. تفسیرالمیزان، ج ۹، ص ۲۰۳، ذیل آیهٔ ۱۸، سورهٔ توبه / تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۱۶، ذیل آیهٔ ۱۸، سورهٔ توبه / تفسیرالمنار، ج ۱۰، ص ۲۰۷.

۹. تحریرالوسیلة، ج ۲، ص ۶۹.

توسعهٔ مسجد

توسعهٔ مسجد: بزرگ کردن فضای داخل مسجد.

در متون روایی، به مسلمانان دستور داده شده است: هنگام بنای مسجد، از ابتدا، متناسب با جمعیت منطقه و محلّه، مسجد ساخته شود تا در آینده لازم نباشد که مسجد به خاطر توسعه، تخریب شود.

در متون روایی اهل سنّت آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار جمعی که تازه مشغول بنای مسجدی بودند عبور می‌کردند که فرمودند: مسجد را وسیع بسازید تا همگان را جای دهد.[۱] آنان نیز به فرمان حضرت، مسجد را وسیع ساختند.

با وجود این، توسعه دادن در بنای مسجد، پس از ساخته شدن نیز به خودی خود منعی ندارد. براساس روایات و شواهد تاریخی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام ورود به مدینه، به تأسیس مسجد پرداختند و چون جمعیت مسلمانان زیاد شد، از حضرت درخواست کردند تا بر بنای مسجد بیفزایند و حضرت نیز موافقت نمودند.[۲] توسعهٔ مسجدالنبی در زمان خود حضرت، دو بار اتفاق افتاد و پس از آن حضرت تا به امروز چندین بار این مسجد توسعه داده شده است. (ر.ک. مسجدالنبی.)

بنابراین، توسعهٔ مسجد از مصادیق «عمارت مسجد» به شمار می‌آید و از مستحبّاتی است که مؤمنان به آن سفارش شده‌اند. (ر.ک. تعمیر مسجد.)

حتی خراب کردن مسجد آباد و مستحکم در صورتی که مسجد احتیاج به توسعه داشته باشد و این عمل به مصلحت باشد، جایز و توسعهٔ آن بدون اشکال است.[۳] (ر.ک. تخریب مسجد.).

---

۱. السنن‌الکبری، ج ۲، ص ۴۳۹، ب «فی کیفیة بناء المساجد».

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۹۵ ـ ۲۹۶، ح ۱ / تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۱، ح ۵۸.

۳. ر.ک. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۳ / امام خمینی قدس سره، رسالهٔ توضیح‌المسائل، م ۹۱۱ / همان، استفتائات، ج ۲، ص ۳۶۸، س ۸۴ / مجمع‌المسائل، ج ۱، ص ۱۴۹، س ۸۶ و ص ۱۴۶، س ۷۵.

« ج »

جایگاه مسجد

جایگاه مسجد: شأن و احترام مسجد در اسلام.

واژهٔ «مسجد» و «مساجد» ۲۸ بار در قرآن‌کریم تکرار شده است.[۱] نوع عبارات و تأکید خداوند بر جایگاهِ الهی ـ معنوی مسجد و نفی شرک و نفاق[۲] و هرگونه آلودگیِ ظاهری و باطنی از مسجد، اهمیت مساجد را بیان می‌دارد.[۳] بدین دلیل، خداوند در قرآن‌کریم، مالکیت مساجد را به خود نسبت داده و آن‌ها را از آنِ خویش دانسته[۴] و نخستین خانهٔ واقعی بشر را مسجد (کعبه) بیان نموده است.[۵]

همچنین روایات فراوان رسیده از منابع خاصّه و عامّه حاکی از اهمیت والا و قداست جایگاه مساجد است. اهمّ این موارد عبارت است از:

۱ . مساجد خانه، مجلس و جایگاه انبیا،[۶] پرهیزگاران، مؤمنان، متقین و پارسایان است.[۷]

۲ . بهترین مکان‌های زمین نزد خداوند

---

۱. المعجم‌المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ص ۳۴۵ ، باب السین، کلمهٔ «مسجد» و «مساجد».

۲ . توبه: ۱۷ و ۱۰۷ .

۳ . بقره: ۱۱۴ و ۱۴۴ و ۱۹۱ / اعراف: ۲۹ ـ ۳۱ / توبه: ۱۸ و ۱۰۸ / اسراء: ۱ / جن: ۱۸ .

۴ . جن: ۱۸ .

۵ . آل‌عمران: ۹۶ .

۶ . مستدرک‌الوسائل، ج ۳ ، ص ۳۶۳ ، ح ۳۷۸۶ .

۷ . نهج‌الفصاحة، ص ۵۹۶ ، ح ۳۰۸۳ / وسائل‌الشیعة، ج ۵ ، ص ۲۳۶ ، ح ۶۴۲۷ / کنزالعمّال، ج ۷ ، ص ۶۵۰ ، ح ۲۰۷۳۶ و ص ۶۵۹ ، ح ۲۰۷۸۵ .

و پیامبر اوست[۱] و پیامبرﷺ از آن‌ها به مکان سیاحت (محل گردش) مسلمانان و نورهای الهی یاد کرده است.[۲]

۳. بازار آخرت؛ پیامبرﷺ فرمود: مسجد بازاری از بازارهای آخرت است که در آن بر سفرهٔ آمرزش گناهان می‌نشینند و هدیه‌اش بهشت است.[۳]

۴. باغ و بوستان‌های بهشت؛ رسول خداﷺ می‌فرماید: هنگامی که به بوستان‌های بهشت رسیدید، از نعمت‌هایش بهره جویید. سؤال شد: بوستان‌های بهشت چیست؟ فرمودند: مساجد.[۴]

۵. مکان انس خدا و بنده؛ رسول اکرمﷺ می‌فرماید: کسی که با مسجد اُنس و اُلفت گیرد، خدای تعالی نیز با او مأنوس می‌شود.[۵] نیز بنابر آیات قرآن کریم، شایسته‌ترین مکان‌ها برای عبادت و توحید و یکتاپرستیِ خداوند، مساجد است.[۶]

۶. پناهگاهی در هنگام بروز حوادث و مشکلات؛ بنابر برخی روایات، هنگام گرفتاری‌ها و غم و اندوه و مشکلات، یا موقع بروز حوادث یا رخدادهای طبیعی (زلزله، کسوف و خسوف)، برای ایجاد آرامش، رفتن به مسجد و خواندن نماز در آن سفارش شده است.[۷]

۷. خانه‌های خدا و ستارگان روی زمین؛ بنابر حدیث قدسی، خداوند متعال می‌فرماید: خانه‌های من در زمین، مساجد است که برای اهل آسمان‌ها می‌درخشد. پس خوشا به حال آنان که مساجد را خانهٔ خویش قرار داده‌اند![۸]

---

۱. نهج‌الفصاحه، ص ۵۹۵، ح ۷۱ کلمهٔ «مسجد» / وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۳، ح ۶۵۸۱.

۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۱۰۰، ح ۳۱۲۱ / مشکوة‌الأنوار، ص ۲۶۲ / مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷، ح ۳۹۶۲.

۳. مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱، ح ۳۷۸۱.

۴. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۵۱، ح ۲۰۷۳۹.

۵. همان، ج ۷، ص ۶۵۱، ح ۲۰۷۳۹.

۶. توبه: ۱۰۸ / اعراف: ۲۹ / بقره: ۱۱۴ و نیز ر.ک. مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۲۵۳ / المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

۷. وسائل‌الشیعة، ج ۸، ص ۱۳۹، ح ۱۰۲۵۱ / الأمالی الصدوق، ص ۴۶۵.

۸. وسائل‌الشیعة، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۰۰۸.

۸. برتری خانهٔ همسایه مسجد بر سایر خانه‌ها؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فضیلت و برتری خانه‌ای که نزدیک مسجد است نسبت به خانه‌ای که از آن دور است همچون فضیلت و برتری مجاهدی است که در راه خدا می‌جنگد نسبت به کسی که از جهاد و جنگ خودداری می‌کند.[۱]

۹. در ردیف قرآن و عترت؛ نیز پیامبر می‌فرماید: هرکس که عترت و اهل بیت‌ام را دوست داشته باشد، باید قرآن را نیز دوست بدارد و دوستدار قرآن، باید دوستدار و محبّ مساجد هم باشد؛ زیرا مساجد محضر و خانه‌های خداوند است که خودش فرمان برپایی و احترام آن‌ها را داده و آن‌ها را مبارک گردانیده است. مساجد میمون و فرخنده است.[۲]

۱۰. مساجد در روز قیامت باقی است. در روایتی نبی‌اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: در روز قیامت، همهٔ زمین‌ها از بین می‌رود (زمین صاف و یکسان می‌شود)، مگر مساجد که با پیوستن به هم ماندگار است.[۳]

۱۱. زمین‌های مساجد، شاهدانی در روز قیامت است. امام صادق علیه السلام در بیانی فرمودند: در جاهای گوناگون مساجد نماز بجای آورید؛ چون هر قطعه‌ای از آن در روز قیامت، برای کسی که بر آن نماز خوانده باشد، شهادت می‌دهد.[۴]

البته در فضیلت و جایگاه مساجد خاص مثل مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد بیت‌المقدس و مسجد کوفه روایات ویژه‌ای وارد شده است.[۵] (ر.ک. مسجدالحرام، مسجدالنبی، بیت‌المقدس، مسجد کوفه.)

جذّابیت مسجد

جذّابیت مسجد: عواملی که موجب رونق و شکوفایی مسجد می‌شود.

مسجد جایگاه عبادت و پرستش و پایگاه تعلیم و تربیت وکانون هدایت افراد به صراط مستقیم الهی است. از این‌رو،

---

۱. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۴۸، ح ۲۰۷۲۳.
۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵، ح ۳۷۶۶.
۳. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۵۲، ح ۲۰۷۴۵.
۴. الأمالی الصدوق، ص ۲۹۴، ح ۸ / وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۱۸۸، ح ۶۲۹۳.
۵. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۸۳، ح ۶۵۵۶.

باید دارای ویژگی‌ها و جاذبه‌های خاصی باشد تا افراد را به سوی خود جذب کند و روح ایمان را در وجودشان تازگی بخشد. به همین دلیل، در طرّاحی مسجد، به ضرورت وجود هیچ عنصر الزامی تصریح نشده، ولی به سادگی و احتراز از تجمّلات توصیهٔ بسیار گردیده و این خود مهم‌ترین عامل جذب افراد به سوی این مکان مقدّس و تفاوت آن با دیگر مکان‌هاست. استفاده از هنر در معماری مسجد از جمله جاذبه‌های مسجد است، اما مقصود از آن عواملی است که موجب رونق و شکوفایی مسجد می‌شود؛ آن دسته از اموری که سبب احیا و تحرّک و پویایی و کارآیی مسجد است. براساس تحقیقات میدانی به عمل آمده، عوامل ذیل ـ به ترتیب ـ نقش مهم و اساسی در رونق و شکوفایی مسجد دارد:

۱ . خُلق و خوی نیک و سعهٔ صدر امام جماعت در برخورد با افراد؛

۲ . میزان شناخت و آگاهی افراد و مسلمانان از ثواب حضور در مسجد و فضایل مسجد و نماز جماعت؛

۳ . برگزاری جلسات دعا و زیارت توسط مدّاحان؛

۴ . میزان آگاهی و اطلاعات امام جماعت از مسائل سیاسی جامعه و جهان و داشتن قدرت بیان در نحوهٔ ارائهٔ مطالب به مخاطبان؛

۵ . مداوم و به موقع برگزار شدن نمازهای جماعت؛

۶ . برگزاری جشن‌ها و فعالیت‌های فرهنگی همچون «شب شعر» و «شب خاطره»، مولودخوانی و مرثیه‌سرایی؛

۷ . وجود فضاهای فرهنگی و امکانات از قبیل کتاب‌خانه و نوارخانه؛

۸ . وجود برنامه‌های خدماتی همچون تشکیل کلاس‌های آموزشی و عقیدتی؛

۹ . حضور والدین و تشویق فرزندانشان در محیط مسجد به حضور در آن؛

۱۰ . سادگی و تفاوت بنای ظاهری مسجد با دیگر مکان‌ها؛

۱۱ . شرکت دادن افراد در ادارهٔ امور مسجد؛

۱۲ . حضور مدرسه و مربّیان و صدا و سیما و وسایل ارتباط جمعی در آگاهی

دادن به مردم.

براساس تحقیقات، عوامل مزبور از ۶۰ تا بیش از ۹۰ درصد جاذبه‌های مسجد را بیان می‌دارد. طبیعی است که این عوامل می‌تواند مساجد را پررونق و نسبت به دیگر مکان‌ها متفاوت سازد. با احیای مساجد، جامعهٔ اسلامی نیز احیا خواهد شد و روز به روز رشد و تعالی فکری و اعتقاد دینی افراد افزون‌تر خواهد گردید.[۱]

جشن در مسجد

جشن در مسجد: برگزاری جشن عقد وازدواج و جشن موالید معصومان علیهم‌السلام و اعیاد مسلمانان در مسجد.

برخی از کتب فقهی اهل سنّت، اجرای «عقد ازدواج» در مسجد را مستحب دانسته و در این‌باره، حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده‌اند.[۲] ولی برگزاری مراسم عقد ازدواج در مسجد به عنوان یک مستحب شرعی نزد علمای شیعه ثابت نیست.[۳] البته چنانچه برگزاری جشن عقد و ازدواج در مسجد به گونه‌ای مزاحم نمازگزاران و یا همراه با اموری باشد که با شأن و منزلت والای مسجد سازگاری ندارد و یا موجبات هتک حرمت مسجد را فراهم آورد بی‌تردید، جایز نیست.[۴]

ولی اگر منظور از برگزاری جشن عقد ازدواج در مسجد، برپایی مجلس رقص و آواز نباشد، بلکه مراد خواندن عقد و شیرینی‌خوردن و پهن کردن سفرهٔ ولیمه باشد، به‌گونه‌ای که مخالفتی با منزلت و شأن مسجد نداشته باشد و مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نکند اشکالی ندارد؛ زیرا از برخی روایات استفاده می‌شود که سفرهٔ ازدواج حضرت علی علیه‌السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام در مسجد پهن شد.[۵]

همچنین برخی از فقها اجازهٔ ولیمهٔ عروسی را در مسجد داده‌اند؛ فرموده‌اند: غذا دادن به میهمانان در مسجد، به خودی

---

۱. مجلهٔ مسجد، ش ۴۳، ص ۹۶ ـ ۱۰۳.

۲. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۹۹ / اعلام‌الساجد باحکام المساجد، ص ۳۶۰ / سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۳۵.

۳. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۴. سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۳۶.

۵. الامالی الطوسی، ص ۴۲ / بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۴.

خود، اشکال ندارد، ولی برپاکردن مجالس عروسی در مساجد مخالف جایگاه اسلامی مسجد است و جایز نمی‌باشد و ارتکاب محرّمات شرعی از قبیل غنا و موسیقی لهوی مطرب، مطلقاً حرام است.[۱] همچنین برگزار نمودن مجلس عروسی در مسجد در صدر اسلام، به صورت یک سنّت، معلوم نیست و بهتر این است که این‌گونه مجالس را در منازل خود تشکیل دهید ونسبت به مسجد اگر مزاحمت با نمازگزاران باشد حرام، و الا سزاوار نیست؛ زیرا مناسب وضع مسجد نیست و هتک است.[۲]

حضرت امام خمینی قدس سره فرمودند: اگر مزاحمتی با نمازگزاران و شئون مسجد نداشته باشد مانع ندارد.[۳]

بنابراین، از جواب‌های مزبور به خوبی روشن می‌شود: برگزاری مراسم ازدواج در مسجد، مطلوبیتی ندارد، بلکه غایت امر آن است که دلیلی هم بر منع وجود ندارد، مگر با شأن و منزلت مسجد منافات داشته باشد یا باعث مزاحمت نمازگزاران شود که اشکال دارد.

امابرگزاری جشن موالید معصومان علیهم السلام و برگزاری جشن اعیاد مذهبی در مسجد، اگر خالی از مسائل حرام و لهو باشد اشکال ندارد و در این‌باره، بعضی از مراجع عظام تقلید در پاسخ به این سؤال، که «خواندن اشعار و کف‌زدن هنگام برگزاری موالید حضرات معصومان علیهم السلام چه حکمی دارد؟» پاسخ فرموده‌اند: به نظر این جانب، خالی از اشکال نیست و ممکن است جزو لهویات محسوب شود.[۴] و در پاسخ سؤالی دیگر فرموده‌اند: در مساجد و حسینیه‌ها، کف نزنند.[۵]

به‌طور کلی، اگر جشن موالید

---

۱. اجوبة‌الاستفتائات، ج ۱، ص ۱۲۰، س ۴۰۶ / احکام مسجد، ص ۱۱۳، س ۱۹۰.

۲. مجمع‌المسائل، ج ۱، ص ۱۳۶، س ۳۵ / احکام مسجد، ص ۱۱۲، س ۱۸۹.

۳. سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۳۷، به نقل از: استفتائات منتشر نشده از امام خمینی قدس سره.

۴. مجمع‌المسائل، ج ۱، ص ۱۵۵، س ۱۰۷ / احکام مسجد، ص ۱۰۷، س ۱۸۰.

۵. جامع‌المسائل، ج ۱، ص ۹۵، س ۳۰۷ / احکام مسجد، ص ۱۰۷، س ۱۸۱.

ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام و اعیاد مذهبی مسلمانان در مسجد، تنها مدّاحی و پخش شیرینی و ذکر مناقب آن بزرگواران باشد، اشکالی ندارد. (ر.ک. کارکرد هنری مسجد.)

جَنَب در مسجد

جُنُب در مسجد: حضور شخصی که به واسطهٔ جماع و انزال منی دچار آلودگی شده و هنوز غسل نکرده در مسجد.

شخص جنب باید از داخل شدن به مسجد اجتناب کند. ولی اگر مسجد دارای دو در باشد افراد می‌توانند از یک در داخل و از در دیگری خارج شوند. البته مسجدالحرام و مسجدالنبی از این حکم استثنا شده‌اند و افراد جنب از چنین حقی برخوردار نیستند، و اگر در این دو مسجد انسان بخوابد و جنب شود باید بلافاصله پس از فهمیدن، تیمم بدل از غسل جنابت کند و سپس از مسجد خارج شود.[۱] مستند این حکم از سوی فقها، آیهٔ کریمهٔ ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَقْرَبُواْ الصَّلاَةَ وَأَنتُمْ سُكَارَى حَتَّىَ تَعْلَمُواْ مَا تَقُولُونَ وَلاَ جُنُبًا إِلاَّ عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىَ تَغْتَسِلُواْ** ﴾[۲] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا اینکه بدانید چه می‌گویید و در حال جنابت نیز تا آن‌گاه که غسل نکرده‌اید به نماز نزدیک نشوید، مگر اینکه بدون نشستن عبور کنید) و روایاتی است که در ذیل آیه وارد شده‌اند مبنی بر اینکه مراد از ﴿**لاتقربوا الصّلاة**﴾ مواضع و جایگاه‌های نماز (**مساجد**) است.[۳] برخی از فقها (**الا عابری سبیل**) را قرینه گرفته‌اند بر اینکه مراد مواضع نماز است.[۴]

علاوه بر این، فقها به چندین روایت دیگر، که در آن‌ها از مکث و توقف جنب در مسجد نهی شده، ولی عبور از یک در و خروج از در دیگر ـ به استثنای مسجدالحرام و مسجدالنبی ـ اجازه داده

---

۱. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۸/ جواهرالکلام، ج ۳، ص ۴۹ به‌بعد/ مستندالشیعة، ج ۲، ص ۲۹۱.

۲. نساء: ۴۰.

۳. مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۸۱.

۴. جواهرالکلام، ج ۳، ص ۴۹.

شده، استناد کرده‌اند.[۱]

فقها همچنین با استناد به روایات، قرار دادن و گذاشتن چیزی را در مسجد بر جنب، حرام می‌دانند.

از موارد حرمت دخول مسجد برای جنب، دو مورد استثنا شده‌اند:

الف. اگر جنب متوجه شود مسجد به نجاست آلوده شده است، چنانچه بتواند بدون توقف در مسجد و در حال عبور، نجاست را برطرف کند باید فوراً اقدام به تطهیر مسجد نماید، ولی اگر تطهیر مسجد بدون مکث و توقف ممکن نباشد باید ابتدا غسل کند، سپس اقدام به تطهیر مسجد نماید، و غسل را حتی‌الامکان باید بدون تأخیر انجام دهد. ولی اگر تطهیر مسجد ممکن نباشد، مگر اینکه با حالت جنابت داخل مسجد شود، جایز، بلکه واجب است تا مسجد را تطهیر نماید. همچنین اگر تأخیر انداختن تطهیر به بعد از غسل باعث هتک حرمت مسجد باشد، باید سریعاً و بدون غسل اقدام به تطهیر مسجد کند.[۲]

ب. اگر کسی جنب باشد و آبی که با آن غسل کند در مسجد باشد و آب دیگری هم در دسترس نباشد و به دست آوردن آب جز از راه داخل شدن به مسجد ممکن نباشد باید تیمم کند و برای برداشتن آب یا غسل، به مسجد داخل شود. این تیمّم تا پس از خروج از مسجد باقی است، ولی انجام سایر امور مثل تلاوت قرآن با این تیمّم محل اشکال است.[۳]

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۵۰، ح ۳ و ۴؛ ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴ / التهذیب، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲۵.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۷ ـ ۸۸، م ۱۴.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۹، م ۲.

« چ »

چراغ مسجد

چراغ مسجد: ابزار و وسایل مورد نیاز در روشنایی مسجد.

«چراغ» به کسر یا فتح (چ) به معنای ابزاری است که برای روشنایی در شب استفاده می‌شود و دارای انواع روغنی، نفتی، گازی و برقی است[۱] و در لغت عرب، «سراج» نامیده می‌شود. روشن ساختن مسجد به صورت گذاشتن، آویختن یا افروختن ابزار روشنایی در شبانگاهان برای زدودن حالت تاریکی و ظلمانی از مسجد، از آداب مسجد است. در منابع حدیثی، برای این عمل، فضایل و آثاری نقل شده است. این آثار عبارت است از:

۱ . استغفار فرشتگان و حاملان عرش الهی برای افروزندهٔ آن[۲] و صلوات و درود هفتاد هزار فرشته برای او؛[۳]

۲ . آمرزش گناهان هفتاد ساله، اعطای پاداش عبادت یک سال و بنای شهری در بهشت برای آنکه یک شب به مسجد روشنی ببخشد و اعطای پاداش یک پیامبر برای کسی که این کار را تا ده شب ادامه دهد و حرام شدن آتش جهنم برای کسی که این عمل را تا یک ماه انجام دهد.[۴]

۳ . ممانعت از تاریکی قبر؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر که دوست دارد قبرش تاریک

---

۱ . لغت‌نامه، ج ۵، ص ۷۰۸۶ / المفردات فی الفاظ القرآن، ص ۲۳۵ .

۲ . وسائل الشیعة، ج ۵ ، ص ۳۴۱ ، ابواب احکام المساجد، ب ۳۴ / من لایحضره الفقیه، ج ۱ ، ص ۲۳۸ ، ح ۷۱۶ .

۳ . کنز العمّال، ج ۷ ، ص ۶۵۶ .

۴ . بحار الانوار، ج ۸۳ ، ص ۳۷۷ .

نباشد، مساجد را روشن نگه دارد.[۱]

قریب به اتفاق فقها نیز در باب احکام مسجد، به این عمل اشاره کرده و آن را یکی از آداب مستحب مسجد شمرده‌اند[۲] و در تعلیل آن، مواردی همچون احتیاج نمازگزاران به روشنایی داخل مسجد، و ترغیب و تشویق برای تردّد و حضور در مسجد را، که خود موجب آبادانی مسجد و ایمنی از خراب شدن است، بیان کرده‌اند.[۳] علاوه بر این، برخی از فقها نفس این عمل را با قطع نظر از علت و آثارش، از مستحبّات دانسته‌اند.[۴]

---

۱. مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۳۸۴۷ / بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۷.

۲. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۸ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۳۸۰، فصل ۱۵، م ۱ / رساله‌توضیح‌المسائل، م ۹۱۲.

۳. المعتبر، ج ۲، ص ۴۵۰ / منتهی‌المطلب، ج ۱، ص ۳۸۸ / الذکری، ص ۱۵۷ / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۸.

۴. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۸.

« ح »

حائض و نفساء و مستحاضه در مسجد

حائض و نفساء و مستحاضه در مسجد: حضور زن در مسجد در ایّام عادت ماهانه و ده روز اول زایمان و زمانی که خون استحاضه دیده است.

زنان و دخترانی را که غالباً در هر ماه و در وقت مخصوص و به کیفیت خاصی از آنان خون خارج می‌شود «حائض» گویند. و هر خونی که در آغاز زایمان تا ده روز از زن خارج شود، «نفاس» و زن را در این حال، «نفساء» می‌گویند.[۱] به دلیل آنکه در حال حیض یا نفاس بودن، نوعی قذارت و آلودگی معنوی محسوب می‌شود و مسجد جایگاه عبادت و متعلّق به ذات اقدس حق تعالی است، توقّف حائض و نفساء در مسجد حرام است؛ ولی اگر مسجد دارای دو در باشد ـ به استثنای مسجدالحرام و مسجدالنبی ـ این افراد می‌توانند از یک در داخل و از در دیگری خارج شوند. (ر.ک. جنب در مسجد.)

«استحاضه» یکی از خون‌هایی است که از زن خارج می‌شود و بیشتر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید، اگرچه گاهی ممکن است این علایم را نداشته باشد.[۲] زن را در موقع دیدن این خون، «مستحاضه» می‌گویند. زنان هنگام دیدن این خون، احکام متفاوتی دارند که تفصیل آن در

---

۱ . ر.ک. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۴ به بعد / العروةالوثقی، ج ۱، ص ۳۱۵ به بعد / امام خمینی قدس‌سره، رساله‌توضیح‌المسائل، ص ۵۶، م ۴۳۴ به بعد.

۲. امام خمینی قدس‌سره، رساله توضیح‌المسائل، ص ۵۱.

رساله‌های توضیح‌المسائل و کتب فقهی آمده است، ولی در رابطه با حضور این زنان در مسجد، طبق فتاوای علما و فقها، باید گفت: اقوا آن است که توقف کردن زن مستحاضه در همهٔ مساجد و همچنین داخل شدن به مسجدالحرام و مسجدالنبی جایز است. ولی چناچه بدون غسل وارد شود، احوط آن است که از اقامهٔ نماز خودداری کند.[۱]

حرف‌های دنیوی در مسجد

حرف‌های دنیوی در مسجد: گفت‌وگو دربارهٔ مسائل مادی در فضای مسجد.

براساس روایات، یکی از اموری که انجام آن در مسجد مورد نهی و نکوهش قرار گرفته، گفت وگو دربارهٔ امور دنیوی و مسائل مادی است. امام علی علیه‌السلام این عمل را از نشانه‌های آخرالزمان و کسانی می‌داند که نباید با آنان نشست و برخاست داشت: در آخرالزمان، مردمی یافت می‌شوند که در مساجد حضور می‌یابند و تشکیل جلسه می‌دهند و آن‌گاه از دنیا و دوستی آن سخن می‌گویند. شما با این افراد همنشینی نکنید که خداوند آنان را به حال خود رها کرده است و با آنان کاری ندارد.[۲]

فقها با استناد به این روایات و روایاتی که می‌فرمایند مساجد برای غیر این کارها ساخته شده‌اند و همچنین روایاتی که دستور می‌دهند باید احترام و کرامت مسجد حفظ شود، فتوا داده‌اند که انجام این‌گونه امور در مسجد مکروه است.[۳] البته گفت وگوهای مؤمنان دربارهٔ مسائل و مصالح فردی و اجتماعی مسلمانان، از مصادیق گفت‌وگو دربارهٔ امور دنیوی نیست، بلکه اگر این امور با اخلاص صورت گیرد از عبادات به شمار می‌آید.

حریم مسجد

حریم مسجد: محیط گرداگردِ مسجد.

هرگاه بخشی از زمین موات به منظور

---

۱. تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۶۰، م ۸ از «فصل فی الاستحاضة».

۲. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۱۴، ح ۶۳۶۴.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۴، صص ۱۱۳ ـ ۱۱۴ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

ساختمان‌سازی، کشاورزی، احداث چاه و قنات احیا گردد مقدار فضایی که برای ورود و خروج به این مکان لازم است و یا به‌طور کلی، آنچه بهره‌برداری کامل از زمین برآن متوقف است حریم زمین احیا شده محسوب می‌شود و دیگران بدون اجازه حق تصرف در آن را ندارند.

در روایات، حریم مسجد چهل ذراع[۱] تعیین شده است.[۲] بیشتر فقها برای مسجد حریمی ذکر نکرده‌اند. محقق اردبیلی دو احتمال مطرح کرده است:

الف. مقصود از «حریم» جلوگیری از موانعی است که مانع عبادت مطلوب در مسجد و رفت‌وآمد به آن می‌شود.

ب. مقصود جلوگیری از احداث مسجد دیگر در حریم مسجد اول است.[۳]

رعایت حریم برای مسجد و غیرمسجد در صورتی است که مسجد در زمین موات بنا شود. ولی چنانچه مسجد در زمینی که پیرامون آن املاک دیگران قرارگرفته است احداث شود، اثبات حریم برای مسجد مفهومی ندارد؛ زیرا فرض این است که دیگر اراضی ملک دیگران است. این فتوا مورد اتفاق همهٔ علماست.[۴]

حضور زنان در مسجد

حضور زنان در مسجد: شروط و آداب شرکت بانوان در مسجد.

روایات رسیده در منابع حدیثی شیعه و سنّی در خصوص حضور و شرکت زنان در مسجد، بر دو دسته است:

۱. روایاتی که مسجد زن را خانه و منزل مسکونی‌اش دانسته است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: بهترین مساجد برای زنانتان خانه است.[۵]

نیز فرمودند: نماز خواندن زن در خانه،

---

۱ . هر ذراع بیست و چهار انگشت است. (جواهرالکلام، ج ۲۸ ، ص ۴۱ ـ ۴۲) از آرنج تا نوک انگشت میانین. (لغت‌نامه).

۲ . من لایحضره الفقیة، ج ۳ ، ص ۱۰۲ ، ح ۳۴۱۹ / وسائل الشیعة، ج ۵ ، ص ۲۰۲ ، ح ۶۳۳۱ .

۳ . مجمع الفائدة، ج ۷ ، ص ۴۹۷ ـ ۴۹۸ .

۴.جواهرالکلام، ج۳۸، ص ۴۹ / بحارالأنوار، ج۸۱،ص ۳ .

۵ . من لایحضره‌الفقیه، ج ۱ ، ص ۳۴۷ ، ح ۱۰۸۸ / تهذیب‌الأحکام، ج ۳ ، ص ۲۲۴ ، ح ۶۹۴ .

بلکه در اطاق عقب و اندرونی بهتر است.[۱]

همانند این روایات در منابع عامّه نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است.[۲] در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نماز فرادای زن در خانه‌اش معادل ۲۵ برابر نماز جماعت نقل شده است.[۳]

۲. روایاتی که دال بر جواز حضور بانوان در مسجد است. برای نمونه، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه زنان شما اجازهٔ رفتن به مساجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مساجد محروم نکنید و مانع نشوید.[۴] و نیز فرمودند: زنانِ خود را شب هنگام از رفتن به مساجد منع نکنید و چون اجازه خواستند اجازه دهید.[۵]

در ذیل آیهٔ ۵۹ سورهٔ احزاب نیز خداوند دستور می‌دهد: ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان باایمان بگو: جلباب‌های (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است.

از معصوم علیه السلام نقل شده است: سبب نزول آیه چنین بود که چون زنان برای شرکت در نماز جماعت مغرب و عشا به مسجد می‌رفتند، جوانان بر سرِ راه آنان می‌نشستند و آنان را آزار می‌دادند و متعرّض ایشان می‌شدند. از این‌رو، پس از نزول آیه، زنان انصار با لباس سیاه و بلند و با حجاب کامل در نماز جماعت حاضر می‌شدند.[۶]

علاوه بر روایات مزبور، شواهد تاریخی حاکی از حضور زنان در نماز جماعت، بخصوص نماز جماعت صبح و عشائین پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: زنان عقب مردان نماز جماعت

---

۱. من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۱، ح ۱۱۷۸.

۲. المستدرک، ج ۱، ص ۲۰۹ / السنن‌الکبری، ج ۲، ص ۱۳۲ و ج ۳، ص ۱۳۱ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۷۰.

۳. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۷، ح ۵.

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲ و ۳۳ / صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱ و ۲۱۶.

۵. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۶۸.

۶. ر.ک. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۶ / نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۰۷.

را با پیامبر صلی الله علیه و آله به جای می‌آوردند و چون لباس مردان کوتاه بود به زنان دستور داده شده بود که پیش از مردان سر از سجده برندارند.[۱] در برخی روایات از منابع شیعه و سنّی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در حال نماز چون صدای گریهٔ طفل را در صف زنان شنیدند، نماز را کوتاه خواندند تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود.[۲] نیز نقل کرده‌اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز صبح را در تاریکی می‌خواندند و زنان مؤمن پس از نماز، در همان تاریکی برمی‌گشتند و به خاطر تاریکی، دیگران آن‌ها و حتی خودشان همدیگر را نمی‌شناختند.[۳]

فقهای شیعه با توجه به این دو دسته روایات و نیز دستهٔ دیگری از روایات مسجد (که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مسجد و بهره‌مندی از برکات و فضایل مسجد برای انسان ـ اعم از مرد و زن ـ است)،[۴] نسبت به حضور بانوان در مسجد، اختلاف نظر دارند: عده‌ای همچون علاّمه حلّی آمدن زنان به مساجد را مکروه دانسته‌اند.[۵] عدهٔ کثیری از فقها گرچه حکم به کراهت نداده‌اند، ولی با استناد به احادیث دستهٔ اول، خواندن نماز در خانه را برای زنان برتر شمرده‌اند. این دو دسته، دلیل خود را توجه به آیات قرآن و احادیث معصومان علیهم السلام[۶] مبنی بر ممنوع بودن تَبرّج (آشکار شدن در برابر دیدگان مردم) برای زنان و دستور و تأکید شرع مقدّس بر اهمیت حفظ عفاف و رعایت حجاب و عدم اختلاط زنان و مردان و جلوگیری از وقوع در فتنه و مفاسد اجتماعی و اخلاقی ذکر کرده‌اند.[۷]

---

۱. من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۱۷۶.

۲. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۴۷۰، ب ۱، «من ابواب افعال الصلاة» ح ۷ / مجمع‌الزوائد، ج ۲، ص ۷۴.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۱.

۴. وسائل‌الشیعة، ج ۸، ص ۲۸۷، ح ۱۰۶۸۱ / من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۷۱۳ / کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۵۰، ح ۲۰۷۳۶.

۵. تذکرة‌الفقهاء، ج ۱، ص ۹۰.

۶. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۲۴، ح ۶۹۴ / احزاب: ۳۹ و ۵۹ / نور: ۳۱.

۷. نور: ۳۱ / تذکرة‌الفقهاء، ج ۱، ص ۹۰ / نهایة‌الأحکام، ج ۱، ص ۳۵۳ / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۴۹ ـ ۱۵۰ / غنائم‌الأیام، ج ۲، ص ۲۱۰ ـ ۲۱۲.

برخی دیگر از فقهای شیعه نه‌تنها جواز، بلکه استحباب را در حضور و نماز خواندن زن در مسجد دانسته‌اند.[۱] حتی برخی از فقهای معاصر می‌فرمایند: برای زن‌ها در صورتی که خود را از نامحرم به‌خوبی حفظ کنند، بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند.[۲]

دلایل قایلان به جواز و استحباب: شواهد تاریخی بر حضور زنان در نمازهای جماعت پیامبرﷺ و نیز عمومات و اطلاقات روایاتی است که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مسجد و بهره‌مندی از فضایل مسجد برای انسان، قطع‌نظر از جنسیت است.[۳]

علاوه بر این‌ها، فقها حضور بانوان را همچون مردان، در مسجدالحرام و مراسم عبادی و اجتماعی و اخلاقی و سیاسی همچون نماز جمعه،[۴] اعتکاف و حج[۵] جایز شمرده‌اند.

بنابراین، دین اسلام به زنان اجازهٔ شرکت در مساجد را می‌دهد، اما برای این حضور و شرکت، دستوراتی داده که اهمّ آن‌ها عبارت است از:

۱. استفاده نکردن از بوی خوش: زینب، یکی از همسران رسول خداﷺ، می‌گوید: پیامبرﷺ فرمود: هرگاه یکی از شما زنان به مسجد می‌آید نباید از بوی خوش استفاده کند.[۶] نیز فرمودند: هرگاه زنی خود را خوش‌بو کند، سپس به سوی مسجد برود نمازش قبول نمی‌شود تا آنکه آن بوی خوش را برطرف کند.[۷]

۲. عدم اختلاط زن و مرد در مسجد: روایت است که روزی رسول‌خداﷺ در بیرون مسجد بودند، دیدند که مردان و زنان

---

۱. مجمع‌الفائده، ج ۲، ص ۱۵۹ / الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۱۵۵ / توضیح المسائل، م ۸۹۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، رسالهٔ توضیح‌المسائل، م ۸۱۷.

۳. مجمع‌الفائده، ج ۲، ص ۱۵۹.

۴. جواهرالکلام، ج ۱۱، ص ۲۶۸ ـ ۲۷۰ / کشف‌اللثام، ج ۴، ص ۲۷۹ ـ ۲۸۰.

۵. مستندالشیعة، ج ۱۰، ص ۵۴۶ / جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۱۸۴ و ۲۱۲ و ۲۲۰.

۶. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳ و ۳۴.

۷. سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.

با هم از مسجد بیرون می‌آیند؛ رو به زنان کردند و فرمودند: بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما.[۱] همچنین روزی پیامبرﷺ به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم و بدین‌سان، درِ آمد و شدِ زنان به مسجد را از مردان جدا ساختند.[۲]

۳ . اجازهٔ شوهر: پیامبر فرمودند: هنگامی که زنان از شما اجازهٔ رفتن به مسجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مساجد محروم نکنید و اجازه‌شان دهید.[۳]

روشن است که در عصر کنونی، حضور زنان در مسجد و مراسم آن با حفظ حدود و موازین اسلامی، می‌تواند برای آنان آثار عبادی، علمی، معنوی، اخلاقی، تربیتی و سیاسی داشته باشد.

حفظ حرمت مسجد

حفظ حرمت مسجد: نگه‌داری و رعایت شأن و احترام مسجد.

«حفظ» در لغت، به معنای نگاهبانی و نگه‌داری کردن و جلوگیری از نابود شدن آمده است.[۴] «حرمت» به معنای آن چیزی است که احترام آن لازم و بی‌احترامی به آن جایز نیست.[۵] از جمله مواردی که احترام به آن در دین اسلام لازم شمرده شده، «مسجد» است.

در روایات اسلامی، علت تعظیم و بزرگداشت مساجد چنین آمده: چون مساجد خانه‌های خدا در زمین است.[۶] از این‌رو، از به‌کار بردن تعبیرات سبک در مورد مساجد نهی شده است.[۷] از افرادی هم که حرمت مسجد را رعایت نمی‌کنند، به «ملعون» تعبیر شده است.

به همین دلیل، فقها در فقه، قاعده‌ای

---

۱ . سنن ابی‌داود، ج ۲ ، ص ۵۳۳ ، ح ۵۲۷۲ .

۲ . همان، ج ۱ ، ص ۱۳۷ ، ح ۵۱۷ .

۳ . صحیح مسلم، ج ۲ ، ص ۳۳ .

۴ . لسان‌العرب، ج ۱۰ ، ص ۵۰۲ / صحاح جوهری، ج ۴ ، ص ۱۶۱۶ / فرهنگ عمید / لغت‌نامه .

۵ . قاموس‌المحیط، ج ۴ ، ص ۹۵ .

۶ . وسائل‌الشیعة، ج ۵ ، باب وجوب تعظیم‌المساجد، ص ۲۹۸ ، ح ۶۵۹۱ .

۷ . الجعفریات، ص ۲۴۲ / مستدرک‌الوسائل، ج ۳ ، ص ۴۴۵ ، ح ۳۹۵۷ .

تحت عنوان «حرمة اهانة المحترمات فی الدین» مطرح کرده‌اند. بر اساس این قاعده، که مفاد آن مورد اتفاق همگان است، هتک، اهانت و تحقیر آنچه در دین اسلام دارای حرمت است، جایز نیست و مسجد مسلمانان از مواردی است که رعایت احترام آن لازم شمرده شده است. فقها در تثبیت این قاعده، به چهار دلیل اجماع، ارتکازی بودن عدم جواز هتک نزد متشرّعان و حتی زنان و کودکان، عقل، و آیات و روایات استناد کرده‌اند.[۱] برخی دیگر از علما اهانت کردن به مسجد و هتک حرمت آن را از گناهان کبیره به شمار آورده‌اند.

آیة‌الله سید عبدالحسین دستغیب در این زمینه، می‌فرماید: هر مکانی که به نام «مسجد» به وسیلهٔ مسلمانان بنا شود، شیعه باشند یا از سایر فرقه‌های اسلامی، رعایت حرمت آن واجب و اهانت و هتک آن مانند خراب کردن یا آلوده ساختن آن به نجاست نزد هر دین‌داری گناه کبیره است. مسجد به حضرت آفریدگار نسبت دارد؛ ﴿و أنَّ المساجدَ لله﴾[۲] و اهانت به آن اهانت به خداست. علاوه بر این، بزرگی گناه هتک مسجد نزد هر دین‌داری بدیهی و ارتکازی است. در قرآن مجید، یکی از اقسام هتک، که خراب کردن مسجد باشد،[۳] بزرگترین مراتب ظلم شمرده شده است.[۴]

از مصادیق هتک حرمت، می‌توان به نجس کردن، تخریب، ورود کفّار و مشرکان، و توقف جنب، حائض و نفساء در مسجد اشاره کرد.

(ر.ک. طهارت و نجاست مسجد/ تخریب مسجد / جنب در مسجد / غیرمسلمان در مسجد.)

حفظ وقار در مسیر مسجد

حفظ وقار در مسیر مسجد: قدم برداشتن همراه با آرامش و توجه در مسیر حرکت به سوی مسجد.

نوع حرکات و رفتار آدمی در شناخت

---

۱. القواعدالفقهیة، ج ۳، ص ۴۳۵، باب «وجوب تعظیم المساجد»، ح ۳۹۴۲.

۲. جن: ۱۸.

۳. ﴿و من اظلم مِمّن منع مساجد الله أن یذکر فیها اسمه و سعی فی خرابها﴾. (بقره: ۱۱۴).

۴. گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۸۵ ـ ۳۸۶.

شخصیت او تأثیر دارد. از این رو، یکی از آداب مورد درخواست شارع مقدّس رعایت وقار و آرامش در مسیر رفتن به سوی مسجد و مصلاّست.[۱] رعایت این عمل سبب محو گناه و ترفیع درجه می‌گردد.

امام کاظم علیه‌السلام از پدرشان نقل فرمودند: کسی که در منزلش وضوی کامل بگیرد و مویش را شانه زند و خود را معطّر سازد، سپس از خانه‌اش بدون عجله و با آرامش و وقار به سوی محلّ نماز برود، در حالی که میل و رغبت به جماعت مسلمانان دارد، قدمی از زمین برنمی‌دارد و بر زمین نمی‌گذارد، مگر اینکه یک حسنه برایش نوشته می‌شود و گناهی از او محو می‌گردد و یک درجه به خداوند نزدیک می‌شود.[۲]

بنابر برخی روایات، حتی اگر یقین بدانی که نماز جماعت در مسجد شروع شده، باز هم بر حفظ آرامش و وقار، تا هنگام رسیدن به مسجد تأکید شده است، گرچه مقداری از نماز جماعت را درک نکنی؛ زیرا حفظ وقار و حضور موقّرانه در نماز، فضیلتش کمتر از درکِ رکعات بیشتری از نماز جماعت نیست.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: زمانی که با خواست خدا به سوی نماز حرکت می‌کنی، حتماً باید با آرامش و وقار عمل نمایی. پس هر مقدار از نماز جماعت را درک کردی بخوان، و هرچه فوت شده است خودت (فرادی) بجای آور.[۳]

رعایت این رفتار و حرکت، علاوه بر نشانهٔ شخصیت افراد مسجدی، به حفظ حرمت و قداست مساجد نیز اشاره می‌نماید.

حق اولویت در مسجد

حق اولویت در مسجد: پیشی گرفتن در استفاده از فضای مسجد بر دیگران.

مسجد از مکان‌های عمومی

---

۱. من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۷۲۳ / صحیح مسلم، ج، ص ۱۰۰.

۲. جامع احادیث‌الشیعة، ج ۶، ص ۳۸۷.

۳. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۳، ح ۶۳۳۲ / صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۰.

و «مشترکات» مسلمانان است. از این‌رو، هرگاه فردی در نقطه‌ای از مسجد مشغول عبادت و نیایش و انس با خداوند گردد نسبت به همان مکان حق اولویت و تقدّم دارد و دیگران حق ندارند برای وی ایجاد مزاحمت کنند. «حقّ تقدّم» یک امر عقلایی و در تمام جوامع بشری مورد پذیرش است. سیرهٔ مسلمانان نیز بر این حق استوار بوده است، به گونه‌ای که انعکاس آن را در روایات هم مشاهده می‌کنیم.

شخصی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: ما گاهی در مکّه یا مدینه و یا حیره و یا مکان‌های دیگری هستیم که امید بیشتری به فضل و رحمت پروردگار می‌رود، شخصی برای گرفتن وضو از جای خود بیرون می‌رود و دیگری جای او را می‌گیرد. آیا این کار صحیح است؟ امام علیه‌السلام فرمود: کسی که نسبت به جایی حق تقدّم داشته باشد، تا یک شبانه‌روز در آن مکان بر دیگری اولویت دارد.[۱]

از «حق اولویت» در کلمات فقها به «حق سبق» تعبیر شده و تحت عنوان «قاعدةالسبق» مورد بحث قرار گرفته است.[۲]

مسجد یکی از مکان‌های عمومی و مشترکات بین مسلمانان است که همگان در آن شریکند و از نظر بهره‌برداری از آن یکسان هستند. بنابراین، اگر کسی پیش از دیگری مکانی از مسجد را برای نماز، عبادت، قرائت قرآن، دعا و بلکه تدریس یا وعظ و فتوا و غیر این امور ـ که انجام آن‌ها در مسجد جایز است ـ در اختیار گرفت، دیگری نمی‌تواند او را از آن مکان بیرون کند.[۳]

حق تقدّم و اولویت برای اشخاص همیشگی نیست و تا زمانی ثابت است که شخص از آن مکان صرف‌نظر نکرده و یا این حق موجب تعطیل شدن بهره‌برداری از مسجد نباشد. اگر شخص سابق از جای خود برخیزد و از مکان خود صرف‌نظر نماید، حق او از بین خواهد رفت. ولی اگر قصد

---

۱. تهذیب‌الأحکام، ج ۶، ص ۱۱۰.

۲. القواعدالفقهیة، ج ۲، ص ۱۳۷.

۳. تحریرالوسیلة، ج ۲، ص ۲۱۴، م ۱۱۵.

بازگشت داشته و وسایل او هم هنوز در همان‌جا باشد حق تقدّم و اولویت او باقی است.[۱]

در ثبوت حق تقدّم، شرط است که فاصله زمانی طولانی میان‌گزاردن وسایل و آمدن خود شخص ـ به‌گونه‌ای که موجب تعطیل شدن بهره‌برداری از مسجد گردد ـ نباشد. بنابراین، اگر کسی وسایل خود را در مکانی از مسجد گذاشت و پس از مدتی طولانی برنگشت، هیچ حقی برای او ثابت نخواهد بود و دیگران می‌توانند پس از برداشتن وسایل او، در آن مکان نماز بخوانند. برداشتن وسایل نیز در صورتی جایز است که امکان استفاده از مکان بدون این کار ممکن نباشد و هرکس بردارد ضامن است که آن‌ها را به صاحبش برساند.[۲]

اگرچه در روایت قبلی یک «شبانه‌روز حق اولویت» ذکر شده و در روایت دیگری با تشبیه بازار مسلمانان به مسجد مسلمانان حق سبق و اولویت تا فرارسیدن شب باقی است،[۳] ولی به دلیل آنکه این بحث بیش از آنکه یک قاعدهٔ شرعی باشد، یک قاعدهٔ عقلایی است، فقها در این زمینه به فاصلهٔ مذکور در روایات عمل ننموده‌اند و تشخیص این امر را به عرف واگذارده‌اند. البته حق اولویت در هنگام برگزاری نماز جماعت در صف اول نماز، چنانچه فاصلهٔ ایجاد شده به نماز سایر مؤمنان خلل ایجاد کند، از بین می‌رود.[۴]

---

۱. همان، م ۱۶.

۲. همان: م ۱۸.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۲، ح ۷.

۴. استفتای تلفنی از دفتر مقام معظّم رهبری ـ دام‌ظلّه ـ در قم.

« خ »

خادم مسجد

خادم مسجد: کسی که از سوی هیأت امنا یا نمازگزاران برای انجام امور مسجد انتخاب می‌شود.

«خادم» یا خدمتگزار مسجد به کسی می‌گویند که کلیددار و عهده دار امور مسجد همچون باز نمودن درِ مسجد در موقع نیاز و مراقبت در حفظ و نگه‌داری اموال مسجد است. این منصب حتی پیش از ظهور اسلام هم نسبت به کعبهٔ مکرّمه و دیگر معابد وجود داشت و کلیدداری مکّهٔ معظمه از افتخارات دارندگان آن به شمار می‌آمد.[۱] در اهمیت و ارزش خدمت مسجد، همین بس که قرآن کریم نیز به طهارت و پاکیزگی مساجد و خادمان آن ارج نهاده و به پیامبران بزرگی همچون ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام دستور داده است که خانهٔ خدا را پاکیزه کنند.[۲]

در این زمینه، باید به دو نکته توجه کرد:

الف. وظایف خادم مسجد

۱. بازکردن درِ مسجد پیش از برگزاری نماز؛

۲. پخش اذان در مواقع شرعی و تا حدّ امکان، به صورت زنده و مستقیم؛

۳. همکاری با برگزارکنندگان مراسم و مجالس ترحیم و شادی؛

۴. مراقبت در حفظ و نگه‌داری اموال مسجد؛

۵. شناسایی راه‌های احتمالی سرقت از

---

۱. ر.ک. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۹۳ـ ۱۹۴ / بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۴ ـ ۳۶.

۲. بقره: ۱۲۵ / حج: ۲۶.

مسجد و اعلام آن و نیز سایر مشکلات مسجد به امام جماعت و هیأت امنا.

۶ . پاسخ‌گویی به مراجعات مسجد و ارجاع آنها به هیأت امنا؛

۷ . رعایت ادب و احترام نسبت به مراجعان و نمازگزاران مسجد؛

۸ . نظافت مسجد، حیاط، صحن و متعلّقات آن.

ب. شروط انتخاب خادم

با توجه به وظایف محوّل شده به خادم مسجد و نقش مهم آن، لازم است در انتخاب خادم، علاوه بر ایمان به خدا و تقوای الهی،[۱] ویژگی‌های ذیل نیز مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که بهترین مکان بهترین خادم را می‌خواهد:

۱ . برخورداری از سلامت جسمی و روانی و عدم ابتلا به امراض مسری و بیماری‌های واگیردار؛

۲ . برخورداری از مقبولیت عمومی؛

۳. توانایی بر انجام امور محوّله در زمینهٔ خدمت و پاکیزگی مسجد؛

۴ . اطلاع از اصول بهداشتی، نظافت و آراستگی شخصی؛

۵ . رعایت مسائل شرعی و عرفی؛

۶ . برخورداری از سواد؛

۷ . دارا بودن اخلاق شایسته، برخورد نیکو و سعهٔ صدر؛

۸ . دارای سن و سال جوان یا میانه ـ نه پیر و فرتوت که از وظیفهٔ اصلی باز بماند؛

۹ . تأهّل ـ حتی‌الامکان.

در بیشتر مساجد ایران، خادم مسجد توسط هیأت امنا و عموم مؤمنان انتخاب می‌گردد و دستمزدی برای او در نظر گرفته می‌شود که از سوی نمازگزاران تأمین می‌گردد. شایسته است از طرف هیأت امنا، از محل درآمد موقوفات مسجد، حقوق خادم مسجد تأمین شود.

خروج از مسجد

خروج از مسجد: نحوهٔ خارج شدن از مسجد.

براساس متون روایی در باب خروج از

---

۱ . انفال: ۳۴ .

مسجد، پسندیده است که انسان با پای چپ از مسجد خارج شود.[۱] از این‌رو، فقها و علمای اخلاق خارج شدن با پای چپ را از آداب و مستحبّات مسجد به شمار آورده[۲] و اذکاری برای زمان خروج نقل کرده‌اند. (ر.ک. دعای خروج از مسجد.)

در روایات اسلامی، برای این عمل آثار و برکاتی ذکر شده است.[۳]

از نبی مکرّم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که فرمود: هنگامی که از مسجد خارج می‌شوید پای چپ را مقدّم دارید و بگویید: «بسمِ‌الله أعوذُ باللهِ مِن‌الشیطانِ‌الرجیم.» حضرت سپس به امام علی علیه‌السلام فرمود: یا علی! کسی که به این کیفیت از مسجد خارج شود خداوند گناهانش را می‌آمرزد و در مقابل هر گام، یک درجه و صد حسنه به وی عطا می‌نماید.[۴]

در روایت دیگری، حضرت می‌فرماید: وقتی با پای چپ خارج می‌شوید، ملائکه می‌گویند: خداوند تو را حفظ کند و نیازهایت را برطرف نماید و پاداشت را بهشت قرار دهد.[۵]

خرید و فروش مسجد و وسایل آن

بنابر نظر فقها، خرید و فروش مسجد و زمین آن ـ هرچند مسجد خراب یا متروکه باشد ـ جایز نیست و حرام است، و انجام هرگونه معامله‌ای در این‌باره باطل است؛ زیرا این عمل مغایر وقف است.[۶] تنها در موارد خاص، ولیّ فقیه می‌تواند به خاطر رعایت مصالح عمومی، حکم به خارج شدن محلی از مسجد بودن نماید؛ مانند اینکه احداث خیابان و کوچه و یا سایر تأسیسات در مکانی که مسجد در آن واقع شده، برای جامعهٔ اسلامی ضرورت داشته و غیرقابل چشم‌پوشی باشد.[۷] همچنین خرید

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۸، ح ۱ / الهدایة، ص ۱۳۳ / من لایحضره‌الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۰.

۲. المقنع، ص ۸۸ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

۳. مکارم‌الأخلاق، ص ۲۹۸ / جمال‌الأسبوع، ص ۱۴۹ / مفتاح‌الفلاح، ص ۲۴.

۴. جامع‌الأخبار، ص ۶۸.

۵. همان، ص ۶۹.

۶. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۹۶ / تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۷۵، م ۶۳ / توضیح‌المسائل، م ۹۹.

۷. ر.ک. صحیفهٔ نور، ج ۲۰، ص ۱۷۰.

و فروش اسباب و لوازم و اجزای مسجد در صورت قابل استفاده بودن جایز نبوده و حرام است.[۱] بنابراین، فروختنِ در و پنجره و فرش و سایر وسایل دیگر مسجد حرام است و اگر مسجد خراب شود باید این‌ها را صرف تعمیر همان مسجد کنند و چنانچه به درد آن مسجد نخورد، باید در مسجد دیگر مصرف شود. البته اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد در این صورت، می‌توانند آن را بفروشند و پول آن را در صورتی که ممکن است، صرف تعمیر همان مسجد، وگرنه صرف تعمیر مساجد دیگر نمایند.[۲]

برخی از فقها دلیل جواز انتقال را مواردی از جمله مصلحت و تعلّق داشتن همهٔ مساجد به خدا برشمرده‌اند.[۳]

خواب در مسجد

خواب در مسجد: استراحت همراه با از کارافتادگی حواس ظاهری در مسجد.

روایات موجود در کتب فریقین در زمینهٔ خوابیدن در مسجد متفاوت است. در روایتی، خوابیدن در مساجد بجز مسجدالحرام و مسجدالنبی اجازه داده شده است.[۴] و در روایت دیگر، خوابیدن در مسجدالحرام جایز، ولی در مسجدالنبی اجازه داده نشده است.[۵] در برخی دیگر از روایات، خوابیدن در مسجدالحرام و مسجدالنبی همچون دیگر مساجد بلااشکال دانسته شده است.[۶] در برخی روایات هم خوابیدن در مسجد، در صورت ضرورت و ناچاری، جایز شمرده شده است.[۷]

---

۱. جامع‌المقاصد، ج ۲، ص ۱۵۳ / تحریرالاحکام، ج ۱، ص ۵۴ / المبسوط، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲. رسالهٔ توضیح‌المسائل، م ۹۱۰.

۳. جواهرالکلام، ج ۱۴، صص ۸۳ ـ ۸۴ و ۹۳ / المعتبر، ج ۲، ص ۴۵۰.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹، ح ۱۱.

۵. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۰، ح ۶۳۸۲.

۶. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹، ح ۱۰ / وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۰، ح ۶۳۸۰ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۷۵۱ / صحیح بخاری، ج ۲، ص ۴۲.

۷. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۰، ح ۶۳۸۱ / جامع‌الاخبار، ص ۷۰ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۷۵۲.

اختلاف در روایات موجب شده است بیشتر فقها در جمع بین روایات، فتوا بدهند که خوابیدن در مسجد مکروه است، بخصوص درمسجدالحرام و مسجدالنبی.[۱] برخی از فقها مانند علامه حلّی[۲] و صاحب *جواهر*[۳] بر این فتوا چنین تعلیل آورده‌اند که خوابیدن در مسجد با کرامت و احترام مسجد سازگار نیست. علاوه بر این، در هنگام خواب، احتمال خروج حدث یا ابتلا به جنابت وجود دارد و مسجد جایگاه عبادت است.

صاحب *جواهر* پس از تحلیل و بررسی اقوال می‌فرماید: در هر صورت، خواب در هیچ یک از مساجد حرام نیست و همگی فقها قایل به کراهت هستند و در برخی از موارد، مثل خوابیدن افراد مسکین، که منزل و سرپناهی ندارند و یا در دیگر موارد ضرورت، کراهت هم ندارد.[۴] فقهای معاصر این رأی را پذیرفته و معتقدند: خوابیدن در مسجد مکروه است، مگر در حال ناچاری.[۵]

شواهد تاریخی نیز گواه بر این امر است. «اصحاب صفّه» که گروهی از مسلمانان بی‌سرپناه بودند، در مسجد می‌خوابیدند؛ چون از اطراف و مناطق دیگر به مدینه آمده و فاقد جا و مکانی برای سکونت و زندگی بودند.

البته باید توجه داشت که در برخی از موارد، ممکن است خوابیدن در مسجد حرام باشد و آن در صورتی است که خوابیدن مانع عبادت مؤمنان شود.

بنابراین، خوابیدن در مسجد در شرایط عادی و معمولی مکروه است و در هنگام ضرورت، اشکال ندارد. ولی در صورتی که خوابیدن مانع عبادت مؤمنان در مسجد باشد، حرام است.

---

۱. النهایة، ص ۱۰۹ / المبسوط، ج ۱، ص ۱۶۱ / السرائر، ج ۱، ص ۲۷۹ / شرائع‌الإسلام، ج ۱، ص ۲۱۱ / الذکری، ص ۱۵۷ / جامع‌المقاصد، ج ۲، ص ۱۴۷ / مسالک‌الافهام، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲. نهایة‌الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۷ / منتهی‌المطلب، ج ۱، ص ۳۸۸ / تذکرة‌الفقهاء، ج ۱، ص ۹۱.

۳. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

۴. همان، ص ۱۲۵.

۵. رساله توضیح المسائل، م ۹۱۳ / محمّدتقی بهجت، رساله توضیح المسائل، م ۷۶۰.

خوش‌بو کردن مسجد

خوش‌بو کردن مسجد: عطرآگین کـردن فضای مسجد.

مسجد خانهٔ خداست و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند خوش‌بوست و خوش‌بویی را دوست دارد.[۱] از این‌رو، یکی از آداب قابل توجه در مسجد،که در روایات نیز بدان سفارش شده، خوش‌بو کردن آن است.

در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مـی‌فرماید: مساجد را در هر جمعه خوش‌بو کنید.[۲]

در روایت دیگری امام علی علیه السلام، به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: مساجد را در هر هفته خوش‌بو کنید.[۳]

برخی از فقها این عمل را جزو آداب مستحب مسجد شمرده‌اند.[۴]

---

۱ . نهج‌الفصاحة، ص ۴۶۱ ، ح ۷۰۳ .

۲ . معهود محمدیه، ص ۵۴ .

۳ . مستدرك‌الوسائل، ج ۳ ، ص ۳۸۱ .

۴ . الحدائق الناضرة، ج ۷ ، ص ۲۶۹ .

« د »

درخت‌کاری در مسجد

درخت‌کاری در مسجد: اختصاص بخشی از زمین مسجد به عنوان باغچه و درخت‌کاری در آن.

پیش از آنکه صیغهٔ وقف بر تمامی زمین مسجد جاری شود، اختصاص بخشی از آن به عنوان باغچه و درخت‌کاری در آن مانعی ندارد. البته باغچه و محلّی که در آن درخت‌کاری شده است، حکم مسجد ندارد، ولی پس از اجرای صیغهٔ وقف مسجد، نمی‌توان محیط مسجد را تبدیل به باغچه نمود؛ زیرا باغچه کردن مسجد، همان‌گونه که صاحب *جواهر* در بحث «مناره» به آن استدلال کرده،[۱] با وضع مسجد، که محیطی برای عبادت است، منافات دارد.

برخی علمای اهل‌سنّت به دلیل آنکه درخت‌کاری در مسجد نوعی تضییق و ضرر برای نمازگزاردن است، آن را مکروه و برخی همچون قایل به نجاست فضلهٔ پرندگان هستند، به‌خاطر تنجیس مسجد، آن را حرام دانسته‌اند.[۲]

با این حال، برای تلطیف هوا، ایجاد سایه و جاذبه، پیش از اجرای صیغهٔ مسجد، بخشی از زمین را می‌توان به عنوان باغچه و برای درخت‌کاری اختصاص داد.

---

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۷۵.

۲. اعلام الساجد باحکام المساجد، ص ۳۴۱ ـ ۳۴۳.

دعا در مسجد

دعا در مسجد: نیایش و ستایش خداوند در مسجد.

«دعا» واژه‌ای عربی است به معنای «نیایش» و خواستن و طلب مراد مورد نظر توسط بنده و مخلوق از پروردگار عالم. چنین درخواست و خواهشی از هیچ بشری روا نیست، مگر به آستان ربوبی سرنهادن و خواستن و خواندن ذات مقدّس باری تعالی.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: بی‌گمان، خداوند متعال دوست ندارد که مردم روی نیاز به یکدیگر بردارند، و دوست دارد از او طلب نیاز کنند. خداوند متعال دوست دارد آنچه را نزد اوست بطلبند و از سر نیاز، او را بپرستند.[۱]

در تعلیمات اسلامی، که از ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام به ما رسیده است، در بارهٔ دعا و ارتباط آن با مسجد، به چندگونه تعلیم برمی‌خوریم:

۱ . دعاهایی که جزو آداب ورود و خروج از مسجد است و نوعی بزرگداشت مسجد و نمازگزار و خداوند متعال می‌باشند. (ر.ک. دعای ورود به مسجد.)

۲ . دعاهایی که برای مساجد خاص مانند «مسجدشریف نبوی»، «مسجدالحرام»، مسجد «صعصعه»، «سهله» و «جامع کوفه» در شهر کوفه وارد شده است.

۳ . آنچه از روایات و عمل امامان معصوم علیهم‌السلام در زمینهٔ پیوند میان دعا ـ به طور کلی ـ و مسجد یا دعا در مسجد برمی‌آید که عبارت است از:

الف. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: آنکه به مسجد آمد و شد می‌کند یکی از سه نیکی را درمی‌یابد: دعایی می‌کند که به وسیلهٔ آن خداوند متعال او را به بهشت می‌برد؛ یا دعایی می‌کند که خداوند متعال به خاطر آن، بلای دنیا از او رفع می‌کند؛ یا برادری [می‌یابد] که در راه خدا به او فایده می‌رساند.[۲]

ب . پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هرگاه به مسجد وارد می‌شوید، ننشینید تا آنکه دو

---

۱ . محجة‌البیضاء، ج ۲ ، ص ۲۹۵ .

۲ . بحارالأنوار، ج ۸۴ ، ص ۳ .

رکعت نماز بگزارید و در پی آن، خداوند را بخوانید و بر پیامبر او و خاندانش علیهم‌السلام درود بفرستید و به درگاه خداوند متعال دعا کنید و نیاز خود را از او بخواهید.

ج. در شیوهٔ دعا کردن، از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: مردی وارد مسجد شد، دو رکعت نماز بجای آورد، آن‌گاه از خداوند طلب خیر نمود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به اصحاب فرمود: این بنده شتابانه به درگاه پروردگارش رفت.

پس از او دیگری به مسجد وارد شد، دو رکعت نماز گزارد، آن‌گاه ثنای پروردگار بر زبان آورد و بر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درود فرستاد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: درخواست کن تا به تو عطا شود.[۱]

د. امام صادق علیه‌السلام همچنین فرمود: هرگاه پدرم برای نیاز خود گشایش می‌خواست، هنگام زوال خورشید دعا می‌کرد، به این صورت که ابتدا چیزی را انتخاب می‌کرد و آن را صدقه می‌داد و کمی عطر می‌بویید و به مسجد می‌رفت و آنجا در حالی که تسلیم خواست و مشیّت خداوند بود، در بارهٔ نیاز خود دعا می‌کرد.[۲]

هـ. امام صادق علیه‌السلام فرمود: بر شما باد که به مسجدها بیایید! آن‌ها خانه‌های خدا در زمین هستند و هر کس پاکیزه به مسجد بیاید خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و از جمله زائران خود بنویسد. پس در مسجدها بسیار نماز بخوانید و دعا کنید و در جاهای گوناگون مساجد نماز بگزارید؛ زیرا هر زمینی برای نمازگزارندهٔ آن در روز قیامت گواهی می‌دهد.[۳]

و. مناجات حضرت علی علیه‌السلام در مسجد کوفه، که هر بند آن از آیات قرآن گرفته شده، از مصادیق بارز دعا در مسجد است.[۴]

ز. راوی می‌گوید: امام علی بن الحسین علیه‌السلام را در پیشگاه کعبه دیدم که شب هنگام نماز می‌خواند و قیام آن حضرت طولانی شد تا آنکه یک بار برپای راست

---

۱. همان، ج ۲، ص ۲۹۷.
۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۷۷، ح ۷.
۳. بحارالأنوار، ج ۸۰، ص ۳۸۴.
۴. العترة والقرآن، ص ۷۶.

تکیه می‌زد و یک بار بر پای چپ.[۱]

از آنچه گذشت، معلوم می‌شود که دعا در همهٔ مکان‌ها و در همه حال پسندیده و مورد اجابت پروردگار متعال است، اما در برخی مکان‌ها به سبب اعتلای دعا و ارجمندی فضا و مکان، دارای فضیلت بیشتری است؛ از جمله در کنار کعبه و چنگ زدن به پردهٔ خانه، در کنار باب کعبهٔ مکرّمه، در هنگام نزول باران از ناودان کعبه، در مسجد شریف نبوی و جوار روضهٔ مطّهر رسول خدا صلی الله علیه و آله، در مسجد الأقصی، مسجدکوفه ومشاهد مشرّفهٔ ائمّهٔ اطهار علیهم السلام، وعدهٔ اجابت قطعی داده شده است. (ر.ک. کارکرد مسجد / مشاهد مشرفه.)

دعای خروج از مسجد

دعای خروج از مسجد: اذکاری که برای خارج شدن از مسجد در روایات آمده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که یکی از شما نماز واجب خود را در مسجد خواند و خواست از مسجد بیرون برود، کنار در مسجد بایستد و بگوید: «**اللّهمَّ دعوتَنی فأجَبتُ دَعوَتَكَ و صَلّیتُ مکتوبتَكَ وانتشرتُ فی أرضِكَ کما أمرتَنی فأسالُكَ مِن فضلِكَ العملَ واجتنابَ سخطِكَ والکفافَ مِن الرزقِ برحمتكَ.**»[۲]

در روایت دیگری حضرت می‌فرماید: هنگام خروج از مسجد، بر پیامبر خدا سلام و درود بفرستید.[۳]

اذکار دیگری نیز در روایات برای خروج از مسجد ذکر شده که عبارت است از:

ـ «**اللّهُمَّ اغفرلی و افتح لی ابوابَ فضلِكَ.**»[۴]

ـ «**بسمِ اللهِ و السلامُ علی رسولِ اللهِ و ملائکتِهِ علی محمّدٍ و آل محمّدٍ والسلامُ علیهم و رحمةُ الله و برکاتُه، رَبِّ اغفرلی ذُنوبی و افتح لی ابوابَ فَضلكَ.**»[۵]

---

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۳۷۹.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۴.

۳. همان، ح ۲.

۴. تهذیب‌الاحکام، ج ۳، ص ۲۶۲، ح ۶۵.

۵. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۷، ح ۲۴۶۰ / المقنع،

ـ «اللّهمَّ صَلِّ عَلی محمّدٍ و آلِ محمّدٍ و افتح لَنا فضلَكَ»[۱] یا «و افتح لَنا ابواب فضلِكَ وَ رَحمتِك یا أرحم الراحمین.»[۲]

دعای ورود به مسجد

دعای ورود به مسجد: اذکار مخصوصی که در روایات برای ورود به مسجد ذکر شده است.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: هنگام ورود به مسجد، بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درود و سلام بفرستید.[۳]

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: هنگامی که وارد مسجد شدی خدا را بخوان و هنگام ورود، «بسم‌الله» بگو و او را ستایش کن و بر پیامبرش درود بفرست.[۴]

در روایات دیگری این اذکار وارد شده است:

ـ «بسم‌اللهِ وَالسَّلام علی رسول الله. انّ الله و ملائکته یُصَلُّونَ علٰی محمّدٍ و آلِ محمّدٍ والسلام علیهم و رحمة الله و برکاتُه. ربِّ اغفرلی ذُنوبی و افتح لی ابوابَ رَحمَتِك.»[۵]

ـ «السلامُ علیكَ أیُّها النَّبی و رحمةُ الله و برکاتُه. اللّهُمَّ صلِّ علٰی محمّدٍ وَ آلِ محمّدٍ و افتح لَنا بابَ رَحمَتِك و اجعلنا مِنِ عُمّارِ مساجدكَ جلّ (ثناءَ وجهكَ).»[۶]

ـ «بِسمِ الله و بِاللهِ و مِن اللهِ و اِلیَ الله و خیرُ الأسماءِ لله. توکّلتُ علَی اللهِ و لاحولَ و لاقوّةَ الاّ بالله. اللّهم افتح لی ابوابَ رحمتِك و اَغلق عنّی ابوابَ معصیتكَ و اجعلنی مِن زوّارِكَ و عُمّارِ مساجِدكَ و مِمَّن یُناجیكَ بِاللّیلَ و النَّهارِ و مِنَ الّذین علٰی صلواتِهم یُحافِظونَ وادحر عنّی الشیطان و جنودَ ابلیسَ أجمَعین.»[۷]

در برخی دیگر از منابع، خواندن آیةالکرسی، معوَّذتین [سورهٔ ناس و فلق]،

ص ۸۸.

۱. همان، ج ۵، ص ۲۴۷، ح ۲۴۶۰ / المقنع، ص ۸۸.

۲. مکارم‌الأخلاق، ص ۳۰۴.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۲.

۴. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۲، ح ۶۳ و ۶۵.

۵. همان، ح ۶۴ و ۶۵.

۶. المقنع، ص ۸۸.

۷. جمال‌الأسبوع، ص ۱۴۹، ۱۵۰ / فلاح‌السائل، ص ۹۱.

هفت مرتبه «**سبحان الله**» هفت مرتبه «**الحمدلله**»، هفت مرتبه «**الله اکبر**» و هفت مرتبه «**لا اله الا الله**» وارد شده‌اند.[۱]

در خصوص مسجدالحرام اذکار مخصوصی در روایات ذکر شده‌اند.[۲]

دفن میّت در مسجد

دفن میّت در مسجد: خاک‌سپاری جنازهٔ مسلمان در مسجد.

دفن کردن میّت در جایی که برای غیردفن وقف شده و در مسجد اگر ضرر به مسلمانان باشد یا مزاحم نمازشان باشد جایز نیست، بلکه واجب آن است که اصلاً در مسجد دفن نکنند.[۳] مشهور فقهای شیعه قایل به عدم جواز دفن هستند و برخی به عنوان تعلیل بر این مطلب می‌گویند: جایز نیست میّت را در جایی از مسجد دفن کنند؛ چون مساجد مخصوص عبادت است.[۴]

برخی دیگر دفن میّت را به نوعی، تضییق حق نمازگزاران می‌دانند.[۵] ظاهراً مستند این حکم از سوی فقها آن است که دفن میّت موجب تنجیس و تلویث باطن مسجد می‌شود و این جایز نیست. از این‌رو، صاحب *جواهر* پس از نقل اقوال فقها بر حرمت دفن میّت در مسجد، می‌فرماید: این قبیل تعلیل‌ها در کلمات فقها، گویای آن است که حرمت دفن از مسلّمات است.

علاوه بر این، در صورت دفن در مسجد، انسان شک می‌کند که آیا تکلیف وجوب دفن از او ساقط شده است یا نه؟ بخصوص که در میان قایلان به حرمت دفن میّت در مسجد، کسانی یافت می‌شوند که تنها براساس مستندات قطعی فتوا می‌دهند، بلکه از حاشیهٔ مرحوم صاحب *وسائل* بر یکی از نسخه‌های این کتاب، ظاهر می‌شود

---

۱. مکارم‌الاخلاق، ص ۲۹۷ ـ ۲۹۸.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۲ ـ ۴۰۱، باب «دخول المسجد الحرام».

۳. امام خمینی‌ﷺ، رساله توضیح‌المسائل، م ۶۲۲ / تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۸۹ / هدایة‌العباد، ج ۱، ص ۸۵، م ۴۲۷ / جامع‌المسائل، ص ۵۵۵.

۴. منتهی‌المطلب، ج ۱، ص ۳۸۹.

۵. نهایة‌الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۹.

که بر این حکم اجماع وجود دارد و شاید واقعاً هم چنین باشد؛ زیرا بسیاری از فقها، که متعرّض این مسئله شده‌اند، در آن تردیدی نکرده‌اند؛ چرا که دفن در مسجد معمولاً مستلزم تنجیس مسجد نیز هست. علاوه بر این، دفن میّت در مسجد با ملاحظهٔ اینکه نبش قبر حرام است، برخی انتفاعات از مسجد را در صورت لزوم توسعهٔ آن، دچار مشکل می‌کند. همچنین دفن میّت در مسجد معمولاً موجب نفرت نمازگزاران یا کراهت نماز آنان است که خود نوعی ضرر به آن‌ها به حساب می‌آید.[۱]

دیوار مسجد

دیوار مسجد: محصور ساختن زمین مسجد با خشت و گل و یا آجر و سنگ.

در متون روایی اهل سنّت، روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که حضرت فرمودند: من به بلند ساختن مسجد مأمور نشده‌ام.[۲]

در کتب فقهی شیعه نیز بسیاری از علما قایلند که مکروه است دیوار مساجد را بلند بسازند.[۳] برخی نیز گفته‌اند: مستحب است دیوار مسجد بلند نباشد.[۴] صاحب *جواهر* در تعلیل مطلب مزبور می‌نویسد: دلیل بر کراهت ـ همچنان که بسیاری از اصحاب بر آن تصریح نموده‌اند ـ این است که بلند ساختن دیوار مسجد مخالف سنّت عملی پیامبر اکرم ﷺ در بنای مسجد است؛ زیرا دیوار مسجدالنبی در آن زمان، به اندازهٔ قامت یک انسان بود. علاوه بر این، بلند بودن دیوارهای مسجد موجب می‌شود که اگر کسی بر بالای دیوار یا منارهٔ مسجد برود بر خانه‌های اطراف اشراف داشته باشد و ایجاد مزاحمت نماید. همچنین در روایات و عمومات، از بلند ساختن بناها نهی شده است.

بنابراین، شایسته است که دیوارهای مسجد از نظر بلندی و کوتاهی، حالت

---

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۰۰ ـ ۱۰۳.

۲. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۰، ش ۴۴۸.

۳. المهذّب، ج ۱، ص ۷۷ / تحریرالأحکام، ج ۱، ص ۵۴ / العروةالوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

۴. النهایة، ص ۱۰۸.

متوسطی داشته باشد و میزان در این‌باره، حکم و قضاوت عرف است و بلکه بعید نیست قول به اینکه دیوار مسجد پایین‌تر از سایر بناها باشد. بلند بودن دیوار مسجد کوفه هم دلیل بر عدم کراهت نیست؛ چون معلوم نیست که این دیوار توسط معصوم علیه‌السلام بنا شده باشد.[۱]

در چند طبقه ساختن مسجد هم باید به این نکته توجه شود که اگر هدف از بنای طبقات متعدّد، اقامهٔ نماز جماعت است، فاصلهٔ طبقات نباید بیش از حدّ متعارف باشد: اگر جای مأموم بلندتر از جای امام باشد، در صورتی که بلندی به مقدار متعارف باشد، اشکال ندارد.[۲]

دیوانگان و مسجد

دیوانگان و مسجد: حضور افرادی که از سلامت عقلی برخوردار نیستند در مسجد.

«دیوانه» (به کسر دال و فتح نون) در لغت، به معنای بی‌خرد، بی‌عقل، مجنون و کسی است که عقل او زایل شده است.[۳]

براساس متون روایی موجود در کتب شیعه و اهل سنّت، به مسلمانان دستور داده شده است: مانع حضور این افراد در مسجد شوند.[۴] فقها نیز با توجه به روایات و با توجه به آنکه این افراد از سلامت عقلی برخوردار نیستند و ممکن است سبب آلوده کردن مسجد شوند و یا نظم مسجد را به هم بریزند و برای نمازگزاران ایجاد مزاحمت نمایند، حضور آنان را در مسجد مکروه دانسته‌اند.[۵] برخی نیز قایلند که مستحب است از حضور آنان در مسجد جلوگیری شود.[۶]

---

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۰۷.

۲. امام خمینی رحمه‌الله، رساله توضیح‌المسائل، م ۱۴۱۶.

۳. لغت‌نامه / فرهنگ معین و فرهنگ عمید.

۴. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۴۹، ح ۲ و ص ۲۵۴، ح ۲۲ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۴۶، ش ۷۵۰.

۵. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰ / النهایة، ص ۱۰۹ / السرائر، ج ۱، ص ۲۷۹ / البیان، ص ۶۷ / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۱ / کشف‌اللثام، ج ۱، ص ۲۰۲ / الحدائق‌الناضرة، ج ۷، ص ۲۸۵.

۶. شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۹۸.

« ذ »

ذکر خدا در مسجد

ذکر خدا در مسجد: ستایش و یاد خدا در مسجد.

مسجد خانهٔ خدا و محلّی برای عبادت خداوند است. از این رو، ذکر خدا در مسجد، از مهم‌ترین آداب آن به شمار می‌رود. قرآن کریم کسانی را که مانع ذکر خدا در مسجد می‌شوند، جزو ستمگران معرفی کرده است.[۱]

در متون روایی، سفارش‌های فراوانی بر رفتن به مسجد[۲] و نشستن در آن[۳] دیده می‌شود. در سیرهٔ نبوی نیز به ترک لغو و بیهوده‌نشینی در مسجد سفارش شده است. در روایتی، حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله به ابوذر سفارش می‌کنند: لغو و بیهوده‌نشینی در مسجد را ترک کن، وگرنه در روز قیامت، هیچ‌کس را جز خودت ملامت نکن.[۴]

ذکر خدا در مسجد به صورت اوراد و ادعیهٔ مأثوره است. متون فقهی[۵] و روایی شیعه و سنّی ذکر خدا را جزو «آداب مستحب مسجد» بیان کرده است.

از جمله مواردی که در باب ذکر خدا در

---

۱ . بقره: ۱۱۴ .

۲. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۴۸،باب «فضل‌المسجد» / مستدرک‌الوسائل، ج ۳ ، ص ۳۵۶ ، ب «استحباب الاختلاف الی المسجد».

۳ . مستدرک‌الوسائل، ج ۳ ، ص ۳۵۶ ، ب «استحباب... و جلوس فیه».

۴ . وسائل‌الشیعة، ج ۵ ، ص ۲۳۳ ، ح ۶۴۲۱ .

۵ . المقنع، ص ۸۸ ، ب «دخول المسجد» / النهایة، ص ۱۱۰ / شرائع‌الاسلام، ج ۱ ، ص ۹۷ / المغنی، ج ۳ ، ص ۵۸۹ و ۵۶۰ / الشرح‌الکبیر، ج ۳، ص ۴۹۵ .

مسجد بدان‌ها توصیه شده عبارت است از:

الف. سفارش به ذکر خدا هنگام رسیدن بـه درِ مسـجد و ورود بـه آن؛[۱] (ر.ک. دعای ورود به مسجد.)

ب. سفارش به ذکر خدا هنگام نشستن در مسجد؛[۲] (ر.ک. نشستن در مسجد.)

ج. سفارش به ذکر خدا هنگام خروج از مسجد.[۳] (ر.ک. دعای خروج از مسجد.)

در متون روایی، دربارهٔ بعضی از مساجد خـاص، مـثل مسـجدالحـرام،[۴] مسجد النبی[۵] و مسجد «خیف» در منا[۶] اذکار و ادعیهٔ ویژه‌ای وارد شده است.

---

۱. وسـائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۴، ب ۳۹ از «احکام مساجد» / وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۶، ب ۴۱ از «احکام مساجد» / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۳ / الکافی، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۲ / ذخـیرة‌المـعاد، ج ۲، ص ۲۶۸ / مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۲، ب «استحباب ابتداء دخول المسجد».

۲. همان، ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۴۶۶۹ و ج ۷، ص ۱۶۰، ح ۹۰۰۴.

۳. همان، ج ۵، ص ۲۴۶، ب «احکام مساجد» / الکافی، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۴ / سنن نسائی، ج ۲، ص ۵۳.

۴. مستدرک‌الوسائل، ج ۹، ص ۳۲۱، ب «استحباب دخول مسجدالحرام» / الکـافی، ج ۴، ص ۴۰۱، ب «دخول المسجد الحرام».

۵. مصباح‌المتهجّد، ص ۷۱۰.

۶. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۹، ب ۵۱.

« ر »

رفتن به مسجد

رفتن به مسجد: رفت و آمد به مسجد.

در منابع خاصّه و عامّه، بر آمد و شد به مساجد تأکید و تشویق فوق‌العاده شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: بر شما باد رفتن به مساجد![1]

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: « ... آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آن‌ها را می‌نویسیم.»[2] در ذیل این آیه، گفته شده است: مراد از آثار، گام‌ها و قدم‌های مؤمنان به سوی مسجد است و شأن نزولش بنابر حدیثی، آن است که قبیلهٔ «بنی سلمه» در نقطهٔ دوردستی از شهر مدینه ساکن بودند. روزی از دوری خانه‌های خویش به مسجد و مشقّت و سختی حضور در مسجد و نماز جماعت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به آن حضرت شکایت کردند و تصمیم گرفتند به نزدیکی مسجد پیامبر نقل مکان کنند. آیهٔ مزبور نازل شد و پیامبر به آن‌ها فرمود: آثار و گام‌های شما به سوی مسجد در نامهٔ اعمالتان نوشته می‌شود و پاداش می‌گیرید. هنگامی که «بنی‌سلمه» این سخن را شنیدند، از تصمیم خود صرف‌نظر کردند و در جای خود ماندند.[3]

در روایت دیگری مبنی بر اهمیت شبانه‌روز به مسجد رفتن، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: شب و روز به سوی مساجد رفتن

---

۱. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۲۴۰، ح ۵۸۴ / بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۸۴، ح ۵۹.

۲. ﴿ و نکتبُ ما قدّموا و آثارهم... ﴾ (یس: ۱۲)

۳. ر.ک. تفسیر القرطبی، ج ۱۵، ص ۱۲ / المیزان، ج ۱۷، ص ۶۹ ـ ۷۰.

از اقسام جهاد در راه خداست.[۱]

در خصوص پیاده رفتن به سوی مسجد، معصومان علیهم‌السلام از آن به عنوان عملی پسندیده یاد کرده و آن را «اطاعت از خداوند و رسول او صلی‌الله‌علیه‌وآله»[۲] برشمرده‌اند، بلکه امام صادق علیه‌السلام یکی از مراتب بالای عبودیت و بندگی را پیاده رفتن به سوی مساجد بیان کرده است.[۳]

جابر بن عبدالله نقل می‌کند: خانه‌های ما از مسجد پیامبر دور بود. خواستیم خانه‌هایمان را بفروشیم و به مسجد نزدیک شویم، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ما را از این کار نهی کردند و فرمودند: شما در برابر هر قدمی که به سوی مسجد برمی‌دارید، درجه‌ای نزد خداوند دارید.[۴]

با توجه به مجموعه روایات متعددی که درخصوص رفتن به مکان‌های مقدّس مثل سفر حج، اماکن متبرکّه و مشاهد مشرّفه، وارد شده، فقها استفاده کرده‌اند که بهتر است انسان این فاصله‌ها را از مبدأ تا مقصد پیاده طی کند.[۵] از این رو، امام صادق علیه‌السلام در بیانی می‌فرماید: کراهت دارم که سواره وارد مسجد (کوفه) شوم.[۶]

روایات دیگری دربارهٔ محو شدن گناهان و اعطای پاداش در برابر هر قدم پیاده‌ای که در مسیر تردّد به سوی مساجد برداشته می‌شود، آمده است.[۷]

بدین‌روی، فقها با استناد به این‌گونه تأکیدهای فراوان در روایات، می‌فرمایند: زیاد رفتن به مسجد و رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد، مستحب است.[۸] علاوه بر این‌ها، شادی و خوش‌حالی مسجد از لحظه‌ای آغاز می‌گردد که مسلمانی برای رفتن به مسجد از خانه خارج می‌شود

---

۱. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۴۸، ح ۲۰۷۲۲.

۲. جامع‌الاخبار، ص ۷۹ / مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۵، ح ۳۷۹۳.

۳. وسائل‌الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۳.

۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۳۱.

۵. المختصرالنافع، ص ۷۶.

۶. من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۰، ح ۶۹۱.

۷. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۱، ح ۶۳۲۸، ب ۴، «من‌ابواب‌احکام‌المساجد» / صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۶۸ / صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۲۲ ـ ۱۵۸ و ۴۲۶ و ج ۴، ص ۱۵.

۸. امام خمینی قدس‌سره، رساله توضیح‌المسائل، م ۸۹۶.

و به سوی آن قدم برمی‌دارد.[۱] (ر.ک. آثار مسجد رفتن / حضور زنان در مسجد.)

روایات مسجد

روایات مسجد: سخنان و سیرهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمّهٔ اطهار علیهم السلام در ارتباط با مسجد و کارکردهای آن.

احادیث رسیده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمّهٔ اطهار علیهم السلام در ارتباط با مسجد و کارایی‌های آن در کتب اربعه[۲] و کتاب *وسائل الشیعة*، قریب ۴۰۰ روایت است. این روایات بر دو دسته است:

الف . روایاتی که در ارتباط با مساجد خاص، ویژگی‌های آن‌ها و نوع کارایی‌شان وارد شده است. این مساجد خاص عبارت است از: مسجدالحرام،[۳] مسجد النبی،[۴] مسجد کوفه،[۵] مسجد شجره

---

۱. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶۴۹، ح ۲۷۲۵.

۲. کتب اربعهٔ شیعه عبارت است از: محمّد بن یعقوب کلینی، الکافی / محمّدبن‌حسن‌طوسی، تهذیب الأحکام / همو، الأستبصار / محمّد بن علی بابویه، من لایحضره الفقیه.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۱۹۱، ح ۲؛ ج ۴، ص ۱۹۵ ح ۲؛ ج ۴، ص ۲۰۹، ح ۱۱ و ۱۲؛ ج ۴، ص ۴۰۱، ح ۱؛ ج ۴، ص ۴۰۲، ح ۲؛ ج ۴، ص ۴۰۳، ح ۲ و ۳؛ ج ۴، ص ۵۳۱، ح ۱ و ۲؛ ج ۴، ص ۵۴۱، ح ۷؛ ج ۴، ص ۵۲۵، ح ۱ و ۲ و ۴ و ۵ و ۶؛ ج ۴، ص ۵۲۶، ح ۹ و ۱۱؛ ج ۳؛ ص ۴۶۱، ح ۱۰؛ ج ۴، ص ۴۱۱، ح ۲ / التهذیب، ج ۳، ص ۲۰۵، ح ۶؛ ج ۵، ص ۴۷۴، ح ۳۱۵؛ ج ۵، ص ۴۳۰، ح ۱۳۹؛ ج ۳، ص ۲۵۸، ح ۴۰ / الکافی، ج ۳، ص ۴۶۱، ح ۱۰؛ ج ۴، ص ۴۱۱، ح ۲ / من لایحضره الفقیة، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۶۸۱؛ ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۲۱۷۱؛ ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۲۲۸۰؛ ج ۲، ص ۴۷۳، ح ۲۹۹۷ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۰، ح ۶۳۸۰ و ۶۳۸۲؛ ج ۵، ص ۲۸۹، ح ۶۵۷۱؛ ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۲۱۲۲؛ ج ۱، ص ۲۷۲، ح ۸۴۴؛ ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۲۱۳۱؛ ج ۲، ص ۲۰۴، ح ۲۱۴۱.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۲۹۵ ـ ۲۹۶ ح ۱؛ ج ۳، ص ۳۰۷، ح ۳۱؛ ج ۴، ص ۵۵۳ ـ ۵۵۶، ح ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ / التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۲۱؛ ج ۶، ص ۱۶، ح ۱۰ و ۱۵ و ۲۳ / من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲۱۷۷؛ ج ۳، ص ۵۵۷، ح ۴۹۱۵ / الاستبصار، ج ۱، ص ۲۵۵ ح ۴۲ و ۴۳.

۵. الکافی، ج ۳، ص ۳۹۲، ح ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹؛ ج ۸، ص ۲۷۹ ـ ۲۸۰، ح ۴۲۱ / التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۱، ح ۹؛ ج ۶، ص ۳۲ و ۳۳، ح ۴ و ۵ و ۶ و ۷؛ ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۲۰ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۰، ح ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۴ و ۶۹۵ و ۶۹۶ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۹، ح ۶۴۴۰؛ ج ۵، ص ۲۵۹، ح ۶۴۸۷ و ۶۴۸۸ و ۶۴۸۹؛ ج ۵، ص ۲۶۵، ح ۶۵۰۳.

و ذوالحـــلیفه،[۱] مســـجد ســـهله،[۲] مســـجد خـــیف،[۳] مســـجد قـــبا،[۴] مســـجد غـــدیر،[۵] مســـجد فـــضیخ،[۶] و مساجدی که مـورد لعـن و نـفرین ائـمّهٔ اطهار علیهم‌السلام قرار گرفته‌اند و از اقامهٔ نماز در آن‌ها نهی شده است.[۷]

ب . روایاتی که درخـصوص مسـاجد و کارایی آن‌ها به صورت مطلق وارد شده و بـه مسـجد خـاص و یـا زمـان خـاصی اختصاص ندارد. این احادیث تحت عناوین ذیل قابل بررسی است: آداب مسـجد،[۸] مکان مسجد،[۹] بنای مسجد،[۱۰] نماز در

---

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۹۶، ح ۱؛ ج ۴، ص ۳۱۹، ح ۲؛ ج ۴، ص ۳۳۰، ح ۶ / التهذیب، ج ۵، ۱۹۶، ح ۲۹ / من لایحضره الفقیه، ج ۲ ص ۲و۳، ح ۲۵۲۲ و ۲۵۶۲ و ۲۵۶۵ و ۲۵۶۷ و ۲۵۶۹.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۹۴ ـ ۳۹۵، ح ۱ و ۲ و ۳ / التهذیب، ج ۶، ص ۳۱ و ۳۷ ـ ۳۸، ح ۱ و ۲۰ و ۲۱ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۶۹۷ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۸، ح ۶۵۱۰.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۱۴، ح ۷؛ ج ۴، ص ۵۱۹، ح ۶ و ۴ / التهذیب، ج ۵، ص ۲۷۴، ح ۱۴؛ ج ۵، ص ۲۱۴، ح ۶۲ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۰، ح ۶۸۹ و ۶۹۰؛ ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲۱۷۸.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۱؛ ج ۴، ص ۵۶۰، ح ۲ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۶۸۶.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۵۶۶ ـ ۵۶۷، ح ۱ و ۳.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۵۶، ح ۴ / التهذیب، ج ۶، ص ۱۸، ح ۲۰.

۷. الکافی، ج ۳، ص ۴۸۹ ـ ۴۹۰، ح ۱ و ۲ و ۳.

۸. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۸ ـ ۳۰۹، ح ۱ و ۳ و ۴؛ ج ۳، ص ۳۶۷، ح ۴ / التهذیب، ج ۳، ص ۳۶۳، ح ۶۳ و ۶۴ و ۶۵؛ ج ۲، ص ۶۵، ح ۱؛ ج ۳، ص ۵۵، ح ۱۰۲ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۷۲۰ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۰، ح ۶۴۱۱؛ ج ۵، ص ۲۴۷، ح ۶۴۶۰ و ۶۴۶۱؛ ج ۵، ص ۲۹۳ و ۲۹۷، ح ۶۵۸۱ و ۶۵۹۱.

۹. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۸، ح ۲؛ ج ۳، ص ۳۸۸، ح ۴ / التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۹ و ۲۶۰، ح ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۱ و ۵۲ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۵۳۱ و ۵۳۲.

۱۰. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۸، ح ۱ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۷۰۳ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۸۳۳ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۴، ح ۶۳۳۵ و ۶۳۳۶؛ ج ۵، ص ۲۱۵، ح ۶۳۶۷؛ ج ۵، ص ۲۳۱، ح ۶۴۱۴؛ ج ۵، ص ۲۹۱، ح ۶۵۷۷.

مسجد،[۱] آثار و برکات رفت و آمد به مسجد،[۲] اهمیت مسجد،[۳] همسایهٔ مسجد،[۴] شکایت مسجد،[۵] طلب حاجت در مسجد،[۶] اعتکاف در مسجد،[۷] موعظه و سخنرانی در مسجد،[۸] مباحث سیاسی در مسجد،[۹] مباحث آموزشی و تربیتی در

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۷۲، ح ۵؛ ج ۳، ص ۲۸۶، ح ۲؛ ج ۴، ص ۵۸۶، ح ۲ ـ ۶ / التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۳ و ۲۵۸ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۷۰، ح ۱۸ و ۴۳ و ۵۴ و ۶۰ و ۹۸ / من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸، ح ۳۲۸۰؛ ج ۱، ص ۱۶۵، ح ۴۷۳؛ ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۶۸۴؛ ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۶۲۵؛ ج ۱، ص ۲۸۵ و ۲۹۱، ح ۸۷۹ و ۹۰۱ / الاستبصار، ج ۱، ص ۳۰۱ و ۳۳۲، ح ۷ و ۸ / وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۳، ح ۶۳۰۹؛ ج ۵، ص ۲۴۰، ح ۶۴۴۳؛ ج ۵، ص ۲۹۰، ح ۶۵۷۴.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱ / التهذیب، ج ۳، ص ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۵، ح ۱ و ۲۶ و ۲۷ / من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۹، ح ۳۷۵۱؛ ج ۴، ص ۱۷، ح ۴۹۶۸ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱، ح ۶۳۲۳ و ۶۳۲۴ و ۶۳۲۵ و ۶۳۲۷ و ۶۳۲۸.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۳۷۹، ح ۲؛ ج ۳، ص ۴۱۳، ح ۲؛ ج ۳، ص ۴۲۹، ح ۸؛ ج ۳، ص ۴۷۴، ح ۴.

۴. التهذیب، ج ۳، ص ۳۶۱، ح ۵۵؛ ج ۱، ص ۹۲، ح ۹۳ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۰۹۱؛ ج ۳، ص ۱۰۲، ح ۳۴۱۹ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۲۰۲، ح ۶۳۱۴ و ۶۳۱۵ و ۶۳۱۶ و ۶۳۱۷ و ۶۳۱۸ و ۶۳۱۹ و ۶۳۳۱.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳، ح ۳؛ ج ۸، ص ۳۰۷، ح ۴۷۹ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۲ و ۲۱۴، ح ۶۳۳۰ و ۶۳۶۴.

۶. الکافی، ج ۲، ص ۴۷۷، ح ۷؛ ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۶ و ۷؛ ج ۳، ص ۴۷۳ و ۴۷۵، ح ۱ و ۵.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ / من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴ و ۱۸۵، ح ۲۰۸۶ و ۲۰۹۱ / التهذیب، ج ۴، ص ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۹۰، ح ۱ و ۲ و ۱۳ و ۳ و ۴ و ۱۶.

۸. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۶؛ ج ۱، ص ۴۰۳ و ۴۰۶، ح ۱ و ۲ و ۴؛ ج ۲، ص ۲۹۳، ح ۱؛ ج ۸، ص ۷۲، ح ۲۹ / من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۷، ح ۱۸۳۴.

۹. الکافی، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴؛ ج ۸، ص ۳۱، ح ۸؛ ج ۸، ص ۳۷۶، ح ۵۶۴؛ ج ۸، ص ۳۴۱، ح ۵۳۸؛ ج ۸، ص ۳۴۳، ح ۵۴۱ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۰۹۲ / التهذیب، ج ۳، ص ۲۵، ح ۶.

مسجد،[۱] کارکرد اجتماعی مسجد،[۲] قضاوت در مسجد،[۳] خطبه‌های امام علی علیه‌السلام در مسجد کوفه،[۴] مسجد در عصر ظهور،[۵] نظافت و بهداشت مسجد،[۶] چراغ مسجد،[۷] نشر فضایل اهل‌بیت علیهم‌السلام در مسجد،[۸] بحث از احکام شرعی در مسجد،[۹] وضو در مسجد،[۱۰] جنب و حائض در مسجد،[۱۱] خوابیدن در مسجد،[۱۲] شعر در مسجد،[۱۳] اخراج افراد از مسجد،[۱۴] استخاره در مسجد،[۱۵]

---

۱. الکافی، ج ۱، ص ۷۴، ح ۱؛ ج ۱، ص ۱۵۸، ح ۷؛ ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۳؛ ج ۱، ص ۴۲۷، ح ۷۷؛ ج ۶، ص ۲۵۶، ح ۱؛ ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۱؛ ج ۴، ص ۱۸۹، ح ۵؛ ج ، ص ۶۲، ح ۱ و ۴؛ ج ۷، ص ۳۴۷، ح ۱؛ ج ۱، ص ۱۳۸؛ ح ۴؛ ج ۸، ص ۱۲۰، ح ۹۳ / من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۷۱، ح ۴۹۵۲.

۲. الکافی، ۲، ص ۱۲۲، ح ۳؛ ج ۵، ص ۳۶۹، ح ۱؛ ج ۵، ص ۳۳۹، ح ۱.

۳. الکافی، ج ۷، ص ۳۴، ح ۲۷؛ ج ۷، ص ۱۸۶ ـ ۱۸۵، ح ۱؛ ج ۷، ص ۳۷۱، ح ۸ و ۹ / من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۳، ح ۳۲۵۳.

۴. الکافی، ج ۸، ص ۶۷، ح ۲۳؛ ج ۸، ص ۱۸۲، ح ۲۰۴؛ ج ۸، ص ۲۵۶، ح ۳۶۸؛ ج ۲، ص ۶۳۹، ح ۱؛ ج ۲، ص ۴۴۳، ح ۱؛ ج ۲، ص ۳۳۸، ح ۶.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۳، ح ۱۶ / التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۱۹ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۷۰۶ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۱۶، ح ۶۳۶۸ و ۶۳۶۹.

۶. التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۲۳ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۸، ح ۶۴۳۸.

۷. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۷۱۶.

۸. الکافی، ج ۱، ص ۴۵۷، ح ۸؛ ج ۱، ص ۴۶۹ ـ ۴۷۰ ح ۲.

۹. الکافی، ج ۴، ص ۸۳، ح ۱؛ ج ۴، ص ۳۱۶، ح ۸ / التهذیب، ج ۷، ص ۳۱۷، ح ۱۹؛ ج ۱۰، ص ۹۵، ح ۲۰؛ ج ۹، ص ۲۵۹، ح ۱۴.

۱۰. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹، ح ۹ / التهذیب، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۱۲ و ۲۹.

۱۱. الکافی، ج ۳، ص ۵۱، ح ۸ و ص ۱۰۶، ح ۱؛ ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴؛ ج ۳، ص ۵۰، ح ۳ و ۴ / التهذیب، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲۵ و ۲۷.

۱۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۴۹ ـ ۳۷۰، ح ۱۰ و ۱۱ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۰، ح ۶۳۸۱ و ۶۳۸۰ و ۶۳۸۲.

۱۳. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹، ح ۵ / التهذیب، ج ۳، ص ۲۴۹، ح ۲ و ۳.

۱۴. الکافی، ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۲ / التهذیب، ج ۴، ص ۱۱۱، ح ۶۱.

۱۵. الکافی، ج ۳، ص ۴۷۱، ح ۴ / التهذیب، ج ۳، ص ۱۸۰، ح ۳.

استفادهٔ نامناسب از فضای مسجد،[۱] توجه به مسجد و قبور شهدا،[۲] و روایات مناهی که مسلمانان را از انجام برخی افعال و کارها در مسجد باز می‌دارد.[۳]

اما روایات موجود در صحاح ستّه[۴] اهل‌سنّت دربارهٔ مسجد قریب ۲۵۰ روایت است. این روایات نیز بر دو دسته است:

الف . روایاتی که درخصوص مسجد خاصی است. این مساجد عبارت است از مسجدالحرام،[۵] مسجد النبی،[۶] مسجد الأقصی یا بیت‌المقدس[۷] و مسجد قبا.[۸]

---

۱ . الکافی، ج ۸، ص ۳۷۴، ح ۵۶۲ .

۲ . الکافی، ج ۴، ص ۵۶۰، ح ۱ «باب‌اتیان المشاهد وقبورالشهداء» / التهذیب، ج ۶، ص ۱۷، ح ۱۸ .

۳ . الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۱ و ۲ و ۳ ؛ ج ۳، ص ۳۶۸ ـ ۳۷۰، ح ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۲ و ۱۳ ؛ ج ۳، ص ۱۸۲، ح ۱ ؛ ج ۴، ص ۲۲۹، ح ۴ ؛ ج ۷، ص ۳۶۳، ح ۲۰ ؛ ج ۲، ص ۶۶۲، ح ۱ و ۲ / التهذیب، ج ۳، ص ۲۴۹ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۳۶۲ و ۳۶۳، ح ۲ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۸ و ۶۱ و ۶۲ ؛ ج ۵، ص ۴۶۹، ح ۲۸۸ ؛ ج ۳، ص ۲۴۷، ح ۵۶ / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷ و ۲۳۸، ح ۷۱۵ و ۷۱۹ ؛ ج ۴، ص ۳، ح ۴۹۶۸ ؛ ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۸۵۱ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۱۸، ح ۶۳۷۴ ؛ ج ۵، ص ۲۲۲، ح ۶۳۸۹ و ۶۳۹۰ ؛ ج ۵، ص ۲۲۴، ح ۶۳۹۴ و ۶۳۹۵ ؛ ج ۵، ص ۲۲۷ و ۲۳۳، ح ۶۴۰۱ و ۶۴۲۱ و ۶۴۲۲ و ۶۴۲۳ .

۴ . صحاح سته عبارتند از: ۱. محمّد بن اسماعیل البخاری، صحیح البخاری؛ ۲ . مسلم بن الحجّاج النیشابوری، صحیح المسلم؛ ۳. محمّد بن یزید القزوینی، سنن ابن ماجه؛ ۴ . سلیمان بن الأشعث السجستانی، سنن أبی‌داود؛ ۵ . محمّد بن عیسی الترمذی، سنن الترمذی؛ ۶ . احمد بن شعیب النسائی، سنن النسائی.

۵ . صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۶ و ۵۷ و ۲۱۹ ؛ ح ۱، ص ۱۱۹ ؛ ج ۲، ص ۲۵۶ و ۲۵۷ ؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۱۴۰۹ و ۱۴۱۰ / صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۴ و ۱۲۶ ؛ ج ۱، ص ۱۰۲ ؛ سنن ترمذی، ج ۱، ص ۲۰۴، ح ۳۲۴ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۷۴۱ / سنن نسائی، ج ۲، ص ۴۷ .

۶ . سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۲۰۳۳ / صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۷ ؛ ج ۱، ص ۱۲۷ / سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۰۳، ح ۳۸۱۱ / صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۶ .

۷ . صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۲ و ۱۲۶ / سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۱۴۰۸ / سنن ترمذی، ج ۴، ص ۲۷۶ و ۲۷۷، ح ۴۰۴۴ / سنن نسائی، ج ۱، ص ۲۲۲ ؛ ج ۲، ص ۳۴ .

۸ . صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۷ / صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۷ / سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۵۳، ح ۱۴۱۱ و ۱۴۱۲ .

ب . روایاتی که تحت عناوین و موضوعات ذیل قابل بررسی است: بنای مسجد و اولین مسجد بر روی کرهٔ زمین،[۱] آداب مسجد،[۲] آثار و برکات دنیوی و اخروی مسجد،[۳] اهمیت دادن به مسجد،[۴] برگزاری نمازهای یومیّه، جمعه، آیات و نماز میّت در مسجد،[۵] تعلیم و تعلّم در مسجد،[۶] طرح مباحث

---

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۱؛ ج ۲، ص ۲۲۰؛ ج ۱، ص ۱۱۳؛ ج ۱، ص ۱۱۵؛ ج ۳، ص ۱۹۶ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۰، ح ۴۴۸ و ۴۵۱ و ۵۴۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۸ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۷۴۲ و ۷۴۳؛ ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۷۵۳؛ ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۱۰۰۷.

۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۰ و ۱۱۴ / صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۵۵ و ۱۵۶؛ ج ۱، ص ۱۵۵؛ ج ۲، ص ۱۵۵؛ سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۴۶۷؛ ج ۱، ص ۱۱۴ ـ ۱۱۳، ح ۴۶۶؛ ج ۱، ص ۱۵۴، ح ۶۵۰ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۰۱۱؛ ج ۱، ص ۱۰۳ و ۱۰۴ و ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۷۷۱ ـ ۷۷۳ و ۱۱۱۲؛ سنن نسائی، ج ۲، ص ۵۳.

۳. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۲۵ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲؛ ج ۲، ص ۱۹۷ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۷۷۷ و ص ۲۵۸، ح ۷۸۵؛ ج ۱، ص ۱۰۳ و ۲۵۶، ح ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۴۶۹ و ص ۱۱۵، ح ۴۷۲؛ ج ۱، ص ۵۵۹، ح ۲۴۹۴؛ ج ۱، ص ۱۳۶، ح ۵۶۳ / سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۲۵، ح ۲۷۵۰؛ ج ۵، ص ۴۴، ح ۳۲۸۶ و ۳۲۸۸ / صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۲۳ / سنن نسائی، ج ۲، ص ۴۲ و ۱۱۱.

۴. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳۱؛ ج ۱، ص ۲۴ و ۱۲۲ و ۱۶۱ / صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۲۵ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۷۳۴ و ۷۳۳ / سنن أبی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۲، ح ۴۵۷ / سنن نسائی، ج ۲، ص ۵۵ / سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۹۳، ح ۳۵۷۶؛ ج ۴، ص ۲۴، ح ۲۵۰۰.

۵. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۲۲ و ۱۲۴؛ ج ۱، ص ۵۲ و ۱۶۰؛ ج ۳، ص ۲۰؛ ج ۸، ص ۱۴۲ / صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۲۴، و ۱۲۸ و ۱۷۷؛ ج ۳، ص ۱۴ و ۶۲ و ۶۳/ سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۸۲ و ص ۴۵۳، ح ۱۴۱۳ و ص ۴۸۶، ح ۱۵۱۷ و ۱۵۱۸ و ص ۴۰۱، ح ۱۲۶۲ و ۱۲۶۳ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۱۱۷۸ ـ ۱۱۸۶.

۶. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۴۶ و ۱۲۲؛ ج ۸، ص ۱۷۶؛ ج ۱، ص ۱۸۴ و ۱۹۲ / صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۰۳؛ ج ۷، ص ۹۴؛ ج ۲، ص ۱۱ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۸۳ و ۲۲۵ و ۲۲۶؛ ج ۲، ص ۱۲۱۴، ح ۳۶۸۳/ سنن نسائی، ج ۲، ص ۱۵۳؛ ج ۳، ص ۷۷؛ ج ۵، ص ۱۲۲؛ ج ۸، ص ۲۷۵ / سنن ترمذی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۴۰۱۵؛ ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۳۰۲.

شرعی در مسجد،[۱] اسلام آوردن افراد در مسجد،[۲] خوابیدن در مسجد،[۳] زن و مسجد،[۴] اعتراف به گناه در مسجد،[۵] موعظه و سخنرانی در مسجد،[۶] حائض و جنب در مسجد،[۷] شعر در مسجد،[۸] حضور مشرکان و اسرا در مسجد،[۹] نگهداری غریم در مسجد،[۱۰] اعتکاف در مسجد،[۱۱] نجس کردن مسجد،[۱۲] لعان و قضاوت در مسجد،[۱۳] تمرین نظامی در مسجد،[۱۴] نظافت مسجد،[۱۵] غذا خوردن

---

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۲ و ۱۱۸؛ ج ۳، ص ۱۱ / صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۷۳؛ ج ۴، ص ۷ و ۸.

۲. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۵۹ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۴۴۹، ح ۱۴۰۲ / سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۱۰ و ۱۰۹.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ج ۲، ص ۴۲ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۷۵۱ و ۷۵۲.

۴. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۱۰ و ۲۶۱؛ ج ۶، ص ۱۶۰ / صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۶۹ و ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷ و ۵۶۸ / سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۱ و ۴۰۰۲.

۵. صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۶۹؛ ج ۸، ص ۲۳ و ۱۱۲ / صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۰؛ ج ۵، ص ۱۱۶؛ ج ۸، ص ۱۰۳.

۶. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۸۲ / صحیح مسلم، ج ۳، ص ۸۰؛ ج ۶، ص ۱۸؛ ج ۸، ص ۲۰۳.

۷. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۶۸ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۶۴۵ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۵۸، ح ۲۳۲.

۸. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۶؛ ج ۴، ص ۷۹ / سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۴۸۰ و ۴۷۹، ح ۵۰۱۳ و ۵۰۱۵ / سنن نسائی، ج ۲، ص ۴۸.

۹. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۸ و ۱۲۰ / صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۵۸ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۸، ح ۴۴۸ و ۴۸۶ و ۴۸۷؛ ج ۲، ص ۳۹، ح ۳۰۲۶.

۱۰. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۲۵۵ و ۲۵۶ / سنن ترمذی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۱۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۶۱ و ۶۲ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۱۷۶ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۹۴، ح ۳۸۰.

۱۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۹؛ ج ۶، ص ۱۷۹؛ ج ۸، ص ۱۱۲ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۶۶۹، ح ۲۰۶۸.

۱۴. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۱۸ و ۱۱۷ / صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۵۸ / سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۷.

۱۵. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۸؛ ج ۲، ص ۹۲ / صحیح مسلم، ج ۳، ص ۵۶ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۴۶۱.

در مسجد،[۱] گدایی در مسجد،[۲] تقسیم اموال در مسجد،[۳] تغییر قبله،[۴] مباحث اعتقادی در مسجد،[۵] مداوا و عیادت مجروحان جنگی در مسجد،[۶] دوستی و برادری در مسجد،[۷] طلب حاجت در مسجد،[۸] بستن درِ مسجد،[۹] استلقا در مسجد،[۱۰] و در نهایت، روایات مناهی که مسلمانان را از انجام برخی افعال و کارها در مسجد نهی می‌کند.[۱۱]

اگرچه موضوعات مزبور در بسیاری از موارد با روایات شیعه تفاوتی ندارد، اما اشتراک در عنوان به معنای یکی بودن روایات نیست گرچه در برخی از موارد،

---

۱. سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۰۹۷، ح ۳۳۰۰ و ص ۱۱۰۰، ح ۳۳۱۱ / صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۶۷۰.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۸؛ ج ۴، ص ۶۵ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۱۶۶۲.

۴. سنن ترمذی، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۳۳۹ ـ ۳۴۰؛ ج ۴، ص ۲۷۶، ح ۴۰۴۲.

۵. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۸ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۱۵۶.

۶. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۹؛ ج ۵، ص ۵۰ و ۵۱ / صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۶۰ / سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۵۸، ح ۳۱۰۱.

۷. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

۸. همان، ج ۲، ص ۱۶ و ۱۷ و ۲۱ / صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۷۱ / سنن نسائی، ج ۳، ص ۵۲ و ۱۵۹.

۹. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۲۰.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۱۲۲؛ ج ۷، ص ۶۸ و ۱۴۲.

۱۱. همان، ج ۱، ص ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۱۶ و ۱۲۱ و ۲۰۷ و ۲۰۸؛ ج ۲، ص ۹۰ و ۹۱ و ۱۰۶ و ۹۳؛ ج ۸، ص ۹۰ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۵۱ و ۲۴۶ و ۲۴۷، ح ۷۴۸ و ۷۵۰ و ص ۲۵۰، ح ۷۵۷ و ص ۲۵۲، ح ۷۶۶ و ص ۳۲۷، ح ۱۰۲۴ و ص ۳۵۹، ح ۱۱۳۳ و ص ۴۵۹، ح ۱۴۲۹؛ ج ۲، ص ۱۲۴۱، ح ۳۷۸۷؛ ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۷۴۰ و ۷۴۱ و ص ۳۲۴، ح ۱۰۱۴ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۵ و ۱۱۶، ح ۴۷۵ و ۴۷۹ و ص ۵۸۲، ح ۲۵۶۸ و ۲۵۸۷؛ ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۴۶۰ و ۴۶۲ و ص ۱۱۵، ح ۴۷۷؛ ج ۲، ص ۳۶۲، ح ۴۴۹۰ و ص ۲۱۳، ح ۳۸۲۶ و ص ۸۷، ح ۳۲۳۶ و ۳۲۲۷ / سنن ترمذی، ج ۱، ص ۲۰۲، ح ۳۲۱؛ ج ۲، ص ۳۹۱ و ۱۳۳۶؛ ج ۴، ص ۱۹۷ و ۲۴۵، ح ۲۹۴۷ و ۳۰۷۰ و ص ۴۲۸، ح ۱۴۲۲؛ ج ۳، ص ۳۳۲، ح ۲۳۰۸ و ۲۳۰۷ / صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۶۳؛ ج ۲، ص ۸۲؛ ج ۲، ۱۸۹؛ ج ۸، ص ۲۳۲ / سنن نسائی، ج ۲، ص ۴۳؛ ج ۴، ص ۹۵ و ۹۶.

متن روایت در منابع شیعه و اهل سنّت به یکدیگر نزدیک است. اما به خاطر سهولت کار، برای مراجعه کنندگان و محققان، روایات موجود در منابع معتبر شیعه و اهل سنّت به تفکیک آورده شده است. البته ذکر این روایات به معنای مورد قبول بودن تمام این روایات نیست؛ زیرا در مواردی این روایات مرسل و یا سند آن‌ها ضعیف و غیرقابل اعتماد است. علاوه بر روایات مذکور، بخش زیادی از روایات موجود در منابع شیعه و اهل سنّت به برگزاری نمازهای یومیّه در مسجد و احکام مربوط به آن‌ها و وظایف مأمومان در حالات گوناگون نماز ارتباط دارد که این روایات اگرچه با موضوع مسجد ارتباط پیدا می‌کند، ولی چون ارتباط مستقیمی با موضوع روایات مسجد ندارد، در این مبحث ذکر نشده است.

« س »

ستون حنّانه

ستون حنّانه: گریهٔ تنه درخت خرمای مسجدِ پیامبر از فراق ایشان.

«حنّانه» در لغت، به معنای بسیار ناله‌کننده از شدت مهر و محبّت آمده است.[۱]

بنابر نقل متون تاریخی و روایی شیعه و عامّه، سقف مسجدالنبی در آغازِ بنا، بر روی ستون‌هایی از تنهٔ درخت خرما ساخته شده بود. پیامبر در کنار یکی از این ستون‌ها نماز می‌گزاردند و سپس به آن تکیه داده، سخنرانی می‌کردند، تا اینکه چند سال مانده به آخر عمر شریفشان، در اثر کثرت جمعیت مسجدی‌ها، برای آن حضرت منبری ساخته شد. همین که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر آن منبر نشستند ستونِ تکیه‌گاه همیشگی پیامبر همچون بچه شتری که از مادرش جدا شده باشد، چنان ناله‌ای سر داد که پیامبر و اهل مسجد صدای ناله‌اش را شنیدند. آن‌گاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از منبر پایین آمدند و دست بر آن گذاشتند تا ساکت شد.[۲] بدین دلیل، آن را «ستون حنّانه» نامیده‌اند.[۳] از آن پس پیامبر همواره کنار آن ستون نماز می‌خواندند تا وقتی که مسجد خراب شد و تغییر پیدا کرد. براساس برخی روایات، در این هنگام، اُبَی ابن‌کَعْب آن ستون چوبین را به منزلش برد تا آنکه پوسیده شد و موریانه آن را خورد و از بین رفت.[۴]

---

۱. فرهنگ عمید، ص ۵۷۳.

۲. سفینة‌البحار، ج ۹، ص ۵۲۶ / صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۷۳ / سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۵۴، ح ۳۷۰۶ / وفاءالوفاء بأخبار دارالمصطفی، ج ۲، ص ۳۸۸.

۳. لغت‌نامه، ج ۶، ص ۸۰۹۵.

۴. سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۱۴۱۴.

سقایت در مسجد

سقایت در مسجد: آب‌رسانی و آب دادن در مسجد.

در مسجد الحرام، با توجه به حضور حجّاج بیت‌الله در آن، مناصب گوناگونی وجود داشته است؛ مثل: منصب سقایت (آب‌رسانی)، کلیدداری و پرده‌داری. در آیهٔ شریفه، به منصب سقایت اشاره شده است: ﴿أَجَعَلْتُمْ سِقٰايَةَ الحَاجِّ وَ عِمارةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللهِ﴾؛[1] آیا سیراب کردن حاجیان و آباد ساختن مسجدالحرام را همانند کار کسی قرار می‌دهید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده است؟

همچنین در روایتی وارد شده است: پس از نماز صبح، شخصی از پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله و نمازگزاران با آب پذیرایی کرد.[2]

با توجه به ثواب‌هایی که سیراب کردن انسان مؤمن دارد، شایسته است برای جاذبهٔ مسجد، بخصوص در فصل گرما، از نمازگزاران با آب و یا شربت پذیرایی شود.

سقف مسجد

سقف مسجد: ایجاد سایبان و پوشاندن قسمت فوقانی مسجد با گِل و آجر.

براساس متون روایی و شواهد تاریخی، مساجد صدر اسلام بدون سقف بود و فقط سایبانی برای محافظت از گرما داشت. هنگام بارش باران، مسلمانان درخواست کردند تا سقف مسجد را با گِل بپوشانند، ولی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مخالفت کردند و فرمودند: سایبانی همچون سایبان حضرت موسی علیه السلام کافی است.[3] برخی از فقها با استناد به این روایت، که در آن کیفیت بنای مسجد پیامبر بیان شده است، بدون سقف بودن مساجد را مستحب دانسته[4] و برخی نیز ساختن سقف را مکروه شمرده‌اند.[5]

---

۱. توبه: ۱۹.

۲. صحیح مسلم، کتاب «الفضائل»، ح ۴۲۹۱.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۹۵، ح ۱.

۴. النهایه، ص ۱۰۸ / روض‌الجنان، ص ۲۳۴ / الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۶۷.

۵. تذکرة‌الفقهاء، ج ۱، ص ۹۰ / نهایة‌الأحکام، ج ۱، ص ۲۵۱ / الذکری، ص ۱۵۶.

قایلان به کراهت، به روایت حلبی استناد می‌کنند که می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ مساجدی که دارای سقف هستند، سؤال شد: آیا نماز در آن‌ها مکروه است؟ امام فرمودند: بلی، ولی این امر امروزه ضرری برای شما ندارد. اگر عدل برپا بود (کنایه از قیام امام عصر(عج) و یا اینکه خود حضرت قدرت داشتند و حاکم بودند) می‌دیدید که در این زمینه چگونه عمل می‌شد.[۱] همچنین به روایاتی استناد کرده‌اند که می‌گویند: اول چیزی که امام عصر(عج) بدان اقدام می‌کند سقف مساجد است که امام سقف‌ها را می‌شکند و فرمان می‌دهد همچون صدر اسلام، مساجد با سایبان بنا شوند.[۲]

شهید ثانی در شرح لمعه می‌نویسد: مکشوف بودن قسمتی از سقف مسجد کافی است؛ چون در بسیاری از مناطق، برای جلوگیری از سرما و گرما احتیاج به سقف است.[۳]

صاحب *جواهر* در استحباب بدون سقف بودن مساجد، به روایاتی استدلال می‌کند که دلالت دارد بر اینکه یکی از اسباب قبولی نماز و اجابت دعا، عدم وجود مانع بین نمازگزار و آسمان است.[۴] ایشان پس از ذکر اقوال و روایات وارد شده، می‌نویسد: بهتر آن است که در صورت عدم احتیاج، از ساختن هرگونه سقف و یا سایبانی برای مسجد خودداری کنند، ولی در صورت احتیاج، ایجاد سایبان برای مسجد کراهتی ندارد؛ اما ساختن سقف برای مسجد، حتی در صورت احتیاج هم مکروه است.[۵]

سلاح در مسجد

سلاح در مسجد: بردن ابزار جنگ به مسجد و قرار دادن آن در قبلهٔ مسجد.

در روایات و متون دینی، از برهنه کردن شمشیر و بیرون آوردن آن از غلاف مخصوصِ آن و نیز آویزان کردن آن در

---

۱. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۷، ح ۶۳۴۰ / من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۷۰۵.
۲. من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۷۰۶.
۳. الروضة البهیّة فی شرح اللمعة الدمشقیّه، ج ۱، ص ۵۴۰.
۴. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۷۵.
۵. همان، ص ۷۶.

سمت قبلهٔ مسجد نهی شده است.

در روایتی از امام باقر علیه‌السلام یا امام صادق علیه‌السلام آمده است: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از بیرون آوردن شمشیر از غلاف و تراشیدن تیر کمان در مسجد نهی کردند و فرمودند: مسجد را برای این‌گونه کارها نساخته‌اند.[۱]

علی بن جعفر می‌گوید: از برادرم امام کاظم علیه‌السلام پرسیدم: آیا جایز است که تیر و سلاح در مسجد آویزان کنند؟ امام علیه‌السلام فرمود: در قبلهٔ مسجد جایز نیست، اما در سمت راست یا چپ قبله مانعی ندارد.[۲]

در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام، از آویزان نمودن سلاح در مساجد بزرگ و جامع نهی شده است.[۳]

در منابع عامّه نیز حمل سلاح به مسجد مکروه دانسته شده و نقل شده است: وقتی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شخصی را دیدند که با تیر و کمان وارد مسجد می‌شود، دستور دادند، تیرها را ـ که تیز هستند ـ کنار بگذارد تا به کسی آسیبی نرسد.[۴]

فقها با استناد به این روایات، حمل سلاح به مسجد و آویزان کردن آن را در سمت قبله مکروه شمرده‌اند.[۵] برخی نیز قایلند که وجود این سلاح‌ها در مسجد اگر باعث تغییر در مسجد و یا تعطیلی استفاده از آن شود، حرام است.[۶]

روشن است که امروزه تفنگ و دیگر سلاح‌های جنگی مشمول همین حکم است؛ زیرا فقها نمازگزاردن در مقابل هر چیزی را که مایهٔ تشویش افکار انسان باشد مکروه شمرده‌اند؛ همچنان که نماز در مقابل آهن مطلقاً مکروه است، چه سلاح باشد و چه غیر سلاح.[۷]

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹، ح ۸.

۲. مسائل علی‌بن جعفر، ص ۱۵۴، ح ۲۱۰ / قرب‌الاسناد، ص ۲۹۰، ح ۱۱۴۶.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۸، ح ۴.

۴. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۱۶ / سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۲۴۱.

۵. الذکری، ص ۱۵۸ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰ / الحدائق‌الناضره، ج ۷، ص ۲۸۶ / النهایة، ص ۱۱۰.

۶. جامع‌المقاصد، ج ۲، ص ۱۴۸ / مدارک‌الأحکام، ج ۴، ص ۴۰۳.

۷. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۵، فضل فی «الأمکنة المکروهة»، الثلاثون: «اذا کان قدامه حدید من اسلحة أو غیرها».

سلام کردن در مسجد

سلام کردن در مسجد: درود فرستادن بر مؤمنان هنگام ورود به مسجد.

سلام کردن مؤمنان به یکدیگر از مستحبّاتی است که بسیار بر آن تأکید شده و ثواب زیادی برای این عمل ذکر گردیده است.[۱] روایات مربوط به سلام کردن در مسجد بر دو دسته است؛ در برخی روایات تفصیل داده شده است بین زمانی که مؤمنان در حال اقامهٔ نماز در مسجد باشند و بین زمانی که مشغول کار دیگری هستند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از پدرم شنیدم که می‌فرمود: هنگامی که وارد مسجد شدی و مردم در حال به جای آوردن نماز بودند به آنان سلام نکن، بلکه بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درود بفرست و به نماز مشغول شو، ولی اگر در مسجد بر جمعی وارد شدی که مشغول سخن گفتن بودند بر آنان سلام کن.[۲]

در روایتی دیگر، از سلام کردن بر برخی افراد نهی شده که یکی از آن‌ها نمازگزار است. در تعلیل آن آمده است: نمازگزار (به دلیل اشتغال به نماز) نمی‌تواند جواب سلام را بدهد، در حالی که سلام کردن مستحب، ولی جواب آن واجب است.[۳]

برخی فقها با استناد به این روایات، سلام کردن بر مصلّی را مکروه دانسته‌اند.[۴]

اما در روایت دیگری سلام کردن بر نمازگزار جایز دانسته شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که وارد مسجد شدی و مردم در حال بجای آوردن نماز بودند، بر آنان سلام کن و زمانی که کسی در حال نماز بر تو سلام می‌کند جوابش را بده؛ زیرا عمّار به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حال نماز سلام کرد و حضرت جوابش را دادند.[۵]

برخی از فقها با استناد به این روایت و با استناد به اصل استحباب سلام و عموماتی که می‌گوید هنگامی که وارد خانه‌ای می‌شوید بر اهل آن سلام کنید، سلام کردن بر نمازگزار را جایز دانسته و گفته‌اند: مراد از اخباری که می‌گویند

---

۱. ر.ک. وسائل‌الشیعة، ج ۱۲، ب «استحباب الابتداء بالسلام»، ص ۵۵ و ۵۸، ب «استحباب تأکّد السلام و کراهة ترکه و وجوب ردّ السلام».

۲. قرب‌الاسناد، ص ۹۴، ح ۳۱۷.

۳. وسائل‌الشیعة، ج ۷، ص ۲۷۰، ح ۹۳۰۹.

۴. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۷۱۳، م ۲۹.

۵. وسائل‌الشیعة، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۹۳۱۱.

بر نمازگزار سلام نکنید، شاید این است که پاسخ دادن به جواب برای او مشکل است و موجب تشویش خاطر او می‌شود، وگرنه روشن است که اشتغال به نماز، مانع جواب دادن نیست.[۱]

سنگ پرتاب کردن در مسجد

در صدر اسلام، ساخت و بنای مساجد بسیار ساده بود و از سنگ‌ریزه به عنوان فرش مسجد استفاده می‌شد.[۲] از این‌رو، مسئلهٔ سنگ پرتاب کردن در مسجد وجود داشت. بدین روی، در برخی روایات، از این عمل به عنوان کاری زشت و نکوهیده یاد شده است.

امام صادق علیه‌السلام به نقل از اجدادش از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کنند: پیامبر در مسجد، مردی را مشاهده کردند که سنگ پرت می‌کرد. پیامبر فرمودند: این سنگ تا وقتی که مجدّداً به زمین برسد تو را لعنت می‌کند. سپس فرمودند: پرتاب سنگ در میان جمع، یکی از اخلاق قوم لوط است. آن‌گاه امام صادق علیه‌السلام آیهٔ ﴿و تأتونَ فی نادیکم المُنکر﴾[۳] را تلاوت نموده، فرمودند: مراد از کار زشت قوم لوط در این آیه، همان پرتاب کردن سنگ است.[۴]

فقها، با استناد به این‌گونه روایات، یکی از مکروهات مسجد را سنگ پرتاب کردن در مسجد شمرده‌اند و دلیل آن را علاوه بر حدیث مزبور، مواردی همچون منافات داشتن این عمل با منزلت و جایگاه رفیعِ مسجد یا وقار و شأن مؤمن و مسجدی‌ها، و ترس از اذیت دیگران بیان کرده‌اند.[۵]

در عصر ما، اگرچه این مسئله چندان مورد ابتلا نیست، ولی با توجه به تعلیلی که فقها ذکر کرده‌اند، می‌توان پرتاب کردن هر شیء دیگر در مسجد را مصداق این حدیث و مکروه دانست.

---

۱. الذکری، ص ۲۱۷ / مصباح‌الهدایة، ج ۲، ص ۴۲۰ / جامع‌المقاصد، ج ۲، ص ۳۵۷ / ذخیرة‌المعاد، ج ۲، ص ۳۶۷.

۲. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۲، ح ۶۴۱۶ و ۶۴۱۷ / عون‌المعبود، ج ۲، ص ۹۰.

۳. عنکبوت: ۲۸ و نیز ر.ک. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۲۳ و ۱۲۸.

۴. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۷۱۴ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۳، ح ۶۴۴۸، ب ۳۶، ابواب «احکام المساجد»، «الخذف»، «رمی الحصی».

۵. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۳۱ / تذکرة‌الفقهاء، ج ۲، ص ۴۳۱ / نهایة‌الاحکام، ج ۱، ص ۲۵۹ / روض‌الجنان، ص ۲۳۷ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

« ش »

شبستان مسجد

شبستان مسجد: مهم‌ترین فضای مسجد که نماز و عبادات در آن برپا می‌شود.

شبستان مسجد به قلب مسجد تشبیه شده است. شبستان‌های مساجد با توجه به تنوّع سبک‌های معماری، دارای ویژگی‌های خاص خود است. برای مثال، شبستان مسجد در سبک عربی، مربع یا مستطیل شکل و مملو از ستون است. به همین دلیل، به آن سبک «ستوندار» نیز می‌گویند.[۱] ولی در دوران سلجوقی و پیدایش سبک «ایوانـدار» (سبک ایرانی) شبستان‌هایی ساخته شد که در آن از ستون کم استفاده می‌شد[۲] و یا در سبک معماری آسیای جنوب شرقی، شبستان‌هایی مرتفع و چند سقفی، از جنس چوب ساخته می‌شود.[۳]

اندازهٔ شبستان در مساجد، برمبنای نوع و جمعیت استفاده‌کنندهٔ آن، متفاوت ساخته می‌شود. از این‌رو، در بعضی مساجد، به علت کثرت نمازگزار، مسجد دارای چند شبستان است؛ مانند مسجد «جامع اصفهان» و مسجد «امام حسن عسکری علیه‌السلام» قم.

هنگام ساخت شبستان مسجد، باید به نکات ذیل توجه کرد:

الف. باید به افزایش جمعیت آن منطقه در سال‌های آینده توجه کرد و اندازهٔ مسجد را بیش از حدّ نیاز کنونی در نظر گرفت.

ب. باید یک شبستان اضطراری در اندازهٔ کوچک در نظر گرفته شود تا وقتی

---

۱. مجله مسجد، ش ۴۶، ص ۵۵.

۲. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۰۳۴ «اقدامات عملی فرمانروایان سلجوقی...».

۳. فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳، مقاله «مساجد آسیای جنوب شرقی».

مراسمی برپاست یا وقتی درِ شبستان اصلی بسته است، مردم بتوانند نماز خود را در آنجا بخوانند.[۱]

ج .گنبد مسجد بر بالای سقف شبستان بنا گردد.

د . برای تعبیهٔ نور داخل شبستان، از پنجره‌هایی که بر روی دیوار مسجد یا ساقهٔ گنبد قرار داده می‌شود، و یا از سقف به صورت سرسرا استفاده گردد.[۲]

هـ. منبر، محراب و مقصوره در قسمت جلوی شبستان قرار داده شود.

و . در داخل شبستان، بخصوص قسمت محراب و فضای اطراف آن، از عناصر تزیینی مانند کاشی‌کاری، گچ‌بری، آجرکاری و کتیبه‌نویسی استفاده شود.

داخل شبستان در زمان‌های قدیم و بعضی از مساجد کنونی به وسیلهٔ پرده یا حایلی به دو قسمت زنانه و مردانه تقسیم می‌شد. ولی در بیشتر مساجدی که در زمان حاضر ساخته می‌شود شبستان زنانه را بر بالای قسمتی از شبستان مردانه بنا می‌کنند که به «نیم طبقه» مشهور است.[۳] در ساخت چنین شبستان‌هایی برای زنان، باید نکاتی را در نظر گرفت:

۱ . ورودی شبستان زنانه از مردانه جدا باشد.

۲ . دیوارهای شبستان مردانه را باید تا اندازه‌ای بلند بسازند که فضای مناسب برای ساخت شبستان زنانه به صورت نیم‌طبقه باقی بماند.

۳ . دیوارهای جلو و کنار شبستان زنانه باید کوتاه ساخته شود تا در زمان اقامهٔ نماز جماعت، اتصال برقرار شود.

۴. فضای داخلی شبستان زنانه باید چنان طراحی شود که بانوان بتوانند در آنجا کاملاً راحت و آزاد باشند و حتی بتوانند در آنجا بدون حجاب به سر برند.

۵ . امکانات گرمایشی و سرمایشی و صوتی و تصویری در آنجا قابل دست‌رسی و استفاده باشد.

برخی از زیباترین و مشهورترین شبستان‌های ساخته شده عبارتند از: شبستان

---

۱ . مجله مسجد، ش ۵۶ ، ص ۳۸ .

۲ . همان، ص ۳۶ .

۳ . راهنمای ساخت مسجد، ص ۶۷ .

مسجد «جامع دمشق»، شبستان مسجد «شیخ لطف‌الله» در اصفهان و شبستان مسجد «جامع قرطبه».

شعر در مسجد

شعر در مسجد: تشکیل جلسات ادبی و قرائت شعر در مسجد.

با نگاهی به تاریخ اسلام، می‌توان دریافت که فعالیت‌های علمی مساجد منحصر در آموزش قرآن و تعلیم و تعلّم معارف اسلامی نبوده، بلکه انجمن‌های ادبی نیز در مساجد تشکیل می‌شده و شاعران و سخنوران بزرگ عرب در حضور نبی‌اکرمﷺ به انشاد شعر و ایراد خطابه می‌پرداختند.

جابر بن سمره نقل می‌کند: «**شَهِدتُ النبیﷺ أکثَرُ مِن مائة مَرَّةٍ فی المسجدِ و أصحابُهُ یَتَذکرونَ الشِّعَر او أشیاء من أمر الجاهلیة فَرُبَّما یتبسَّمُ مَعَهُم**»؛[۱] رسول خداﷺ را بیش از صد بار در مسجد دیدم، در حالی که اصحاب آن حضرت به تبادل اشعار ادبی و بیان وقایع روزگار جاهلیت می‌پرداختند و چه بسا او به ایشان تبسّم می‌نمود.

در سایر نقل‌ها، مواردی را می‌بینیم که برخی از شعرای جاهلیت پس از اسلام آوردن، در مسجد مدینه به حضور نبی مکرّمﷺ می‌رسیدند و شعر خود را می‌خواندند و یا در خطبه‌های ائمّهٔ اطهارعلیهم‌السلام همچون خطب امام علیعلیه‌السلام اشعاری وجود دارد.[۲] و یا روایاتی وجود دارد که حاکی از وجود جایگاه ثابت شعرخوانی برای حسّان است.[۳] فرزدق، شاعر معروف عرب، شعر زیبا و پرمحتوای خود را در مدح امام سجّادعلیه‌السلام در حضور آن حضرت و در مسجدالحرام خواند.[۴]

لازم به ذکر است که در برخی از روایات، که فریقین آن‌ها را نقل کرده‌اند، از شعرخوانی در مسجد نهی شده است.

---

۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۹۱ / الشرح الکبیر، ج ۱، ص ۴۲۳.

۲. بحارالأنوار، ج ۸۰، ص ۳۶۴.

۳. سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۱۶ و ۲۱۷، ح ۳۰۰۳ / سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۴۸۰، ح ۵۰۱۵ / صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۶۲.

۴. رجال الکشی، ص ۱۲۹ ـ ۱۳۰.

برای نمونه، امام سجّاد علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند که فرمود: «**مَن سَمِعْتُمُوهُ یُنشِدُ الشعر فی المسجدِ فقولوا لَه: فَضَّ اللهُ فاكَ اِنَّما نُصِبَتِ المساجدُ للقرآن**»؛[۱] هرگاه شنیدید که کسی در مسجد شعر می‌گوید، به او بگویید: خدا دهانت را بشکند؛ مساجد برای قرآن بنا شده‌اند، نه کار دیگر. نمونهٔ این روایات در کتب فریقین نقل شده است.[۲]

به همین دلیل، فقها و علمای فریقین در جهت جمع بین دو دسته از روایات مزبور، وجوه جمعی را ذکر کرده‌اند و با تقسیم اشعار به اشعار «گمراه کننده» و اشعار «حکمی و آموزنده»، روایات ناهیه را حمل بر قسم اول و روایات ترخیص را حمل بر نوع دوم کرده‌اند.[۳] اشعاری که در مدح و منقبت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام، بخصوص حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام، خوانده می‌شود، عبادت به شمار می‌آید و با غرض مقصود از مساجد منافاتی ندارد.[۴]

شعور مسجد

شعور مسجد: درک و احساس مسجد و واکنش او در مقابل اعمال نمازگزاران.

در روایات، به شکل‌های گوناگون، به شعور مسجد اشاره شده است. در روایتی از امام علی علیه‌السلام آمده است: مسجد خراب از خرابی خود به خداوند شکایت می‌کند و اگر آبادکنندگانش مدتی غایب شوند و دوباره بازگردند، آنچنان خوشحال می‌شود که یکی از شما گم شده‌اش به او بازگردد.[۵]

همچنین سنگ‌ریزه‌های مسیر مسجد برای روندگان به مسجد تسبیح می‌گویند.[۶] علاوه بر این‌ها، گریهٔ ستون مسجد پیامبر

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۰، ج ۵، ب «بناء المساجد».

۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۱۷۹ / المغنی، ج ۱۰، ص ۳۳۹ ـ ۳۴۰ / دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳. نیل الاوطار من احادیث سید الاخیار، ج ۲، ص ۱۶۷ / الذکری، ص ۱۵۶، کتاب «الصلاة»، احکام المسجد / بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۶۳ ـ ۳۶۴.

۴. جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۵۱.

۵. بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۸۰.

۶. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۳، ب ۴ از ابواب «احکام مساجد»، ح ۱.

(ستون حنّانه) در فراق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت دادن مسجد بر اقامهٔ نماز اهل مسجد،[۱] همه‌گواه روشنی بر شعور مسجد است.

شکایت مسجد

شکایت مسجد: گله کردن مسجد از برخی افراد به خاطر تضییع آن و از رونق انداختنش.

«شکایت» به معنای گله کردن از جور و ستم یا رفتار و کار بد کسی نزد دیگری است.[۲] بنابر روایات رسیده، مسجد بر مسلمانان و بخصوص همسایگانش، حقوقی دارد،[۳] اما عده‌ای از مسلمانان با ترک حضور در مسجد، از این وظایف و حقوق غفلت می‌کنند. بدین دلیل، مسجد از این دسته شکایت می‌کند و خطاب به خداوند، که صاحب و مالک مساجد است، عرضه می‌دارد: پروردگارا! اینان باعث تضییع حق من،[۴] تخریب معنوی،[۵] از رونق افتادن و تعطیل شدن من گشتند.[۶] خداوند نیز با پذیرش این شکوه و تظلّم، به عزّت و جلال خود سوگند یادکرده است که آنان را از رحمت و همسایگی خویش در بهشت محروم می‌کنم.[۷]

فقها به همین دلیل، تعطیل گذاشتن مسجد را مکروه دانسته‌اند[۸] و رفتن به مسجدی را که نمازگزار ندارد، مستحب شمرده‌اند.[۹] (ر.ک. همسایهٔ مسجد.)

---

۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۸۸.
۲. لغت‌نامه، ج ۹، ص ۱۲۶۶۳ / فرهنگ عمید، ص ۶۷۶.
۳. دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۰.
۴. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۲، ب ۵، ح ۲، ابواب «احکام المساجد».
۵. عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۶۴، ح ۲۰.
۶. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۳، ح ۷۷۴۰.
۷. همان، ص ۱۹۶، ب ۲، ح ۸.
۸. تحریر الوسیله، ج ۱، ۱۵۲، م ۱۷.
۹. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۷، م ۸ / امام خمینی قدس سره، رساله توضیح المسائل: م ۸۹۶.

« ص »

صنعتگری در مسجد

صنعتگری در مسجد: صنعتگری و هر عملی که جنبهٔ شغل و حرفه دارد در مسجد.

به طور کلی، در روایات رسیده، هر عملی که جنبهٔ شغل و حرفه داشته باشد انجام آن در مسجد نهی شده است؛ همچون نجّاری، خیّاطی و آرایشگری.

شیخ صدوق می‌نویسد: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد به مردی برخورد نمودند که تیرهای نیزهٔ خود را می‌تراشید. حضرت او را از این کار منع کردند و فرمودند: مسجد را برای این‌گونه کارها نساخته‌اند.[۱] همچنین در روایت دیگری از آرایشگری در مسجد نهی فرمودند.[۲]

فقها با استناد به این روایات، هرگونه عملی را که جنبهٔ شغل و حرفه داشته باشد انجام آن را در مسجد مکروه دانسته‌اند و در تعلیل آن می‌نویسند: مسجد برای عبادت و یاد الهی بنا شده است و نه برای امور دنیوی. همچنین بر اساس روایات، مساجد برای قرائت قرآن و عبادت هستند. از این‌رو، باید از اموری که به کرامت و جایگاه مسجد آسیب وارد می‌کند خودداری نمود و از هر عملی که موجب غفلت از یاد حق می‌شود اجتناب ورزید.[۳]

---

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۹.

۲. سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۳۵۹.

۳. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰ / منتهی‌المطلب، ج ۱، ص ۳۸۸ / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۲ / نهایة‌الأحکام، ج ۱، ص ۳۵۸ / الحدائق‌الناضرة، ج ۷، ص ۲۹۸.

روشن است که با توجه به شرایط هر عصری می‌توان گفت: مصادیق و اموری که موجب غفلت از یاد حق می‌شود و امکان انجام آن‌ها در مسجد فراهم است ـ و گاهی مشاهده می‌شود.

مشمول این کراهت است از جملهٔ این کارها، امروزه می‌توان به انجام برخی از بازی‌های فکری همچون «شطرنج» و یا دیگر ورزش‌ها اشاره کرد.

« ط »

طهارت در مسجد

طهارت در مسجد: پاک بودن و با وضو به مسجد رفتن.

در منابع اسلامی، گرفتن وضو و تحصیل طهارت از آداب ظاهری مسجد ذکر شده است. امام صادق علیه‌السلام به کسی که قصد حضور در مسجد دارد، می‌فرماید: هرگاه به درِ مسجد رسیدی، بدان که تو آهنگ سلطانی بزرگ و ملکی عظیم کرده‌ای که بر بساطش جز پاکان گام ننهند و برای مجالست با او جز راستگویان و راست‌کرداران اجازه داده نشوند.[۱]

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: در تورات آمده است: خوش به حال بنده‌ای که در منزلش تحصیل طهارت کند و مرا در خانه‌ام زیارت نماید![۲]

در دو روایت دیگر، از طهارت به عنوان شرط ورود به مسجد سخن به میان آمده است.[۳]

از جمله آثار و برکات حضور با وضو در خانه‌های خدا «یعنی مساجد»، پاک شدن از گناهان و زائر خدا بودن است.[۴] علاوه بر طهارت ظاهری، در برخی روایات، بر طهارت باطنی نیز تأکید شده است. نوف بکالی از امام علی علیه‌السلام نقل می‌کند که خدای متعال به حضرت عیسی علیه‌السلام فرمود: ای عیسی! به قومت بگو وارد خانه‌ای از

---

۱. مصباح‌الشریعة، ص ۱۳۰ / بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۳، ح ۴۰.

۲. المحاسن، ج ۱، ص ۴۷، ح ۶۵.

۳. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۳، ح ۶۳ / جامع‌الأخبار، ص ۷۱.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۰۰۴.

خانه‌های من نشوند، مگر با دل‌های پاک و دستانی ناآلوده به حرام و دیدگانی خاشع.[۱]

فقها با توجه به این روایت، وضوگرفتن و با طهارت به مسجد رفتن را از مستحبّات مسجد به شمار آورده‌اند.[۲]

طهارت مسجد

طهارت مسجد: پاکیزگی و پاک کردن مسجد از هرگونه آلودگی و نجاست.

طهارت و پاکیزگی در محیط‌های اجتماعی، بخصوص مسجد، از جمله مواردی است که دین اسلام همواره بر آن تأکید کرده است. قرآن کریم انبیای الهی را برای این کار برگزیده است؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿وَ عَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾؛[۳] و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه کنید.

در اینکه مقصود از «طهارت» و پاکیزگی در آیهٔ مزبور و آیهٔ ۲۶ سورهٔ حج چیست؟ سه احتمال مطرح شده است:

الف . مقصود، طهارت از لوث وجود بت‌هاست.

ب . مقصود، طهارت از آلودگی‌های ظاهری و بخصوص از خون و محتویات شکم حیواناتی است که قربانی می‌کردند.

ج . منظور خلوص نیّت، هنگام بنای این خانهٔ توحیدی است.[۴]

ولی آیه مطلق است و می‌توان گفت: پاک ساختن ظاهری و معنوی این خانهٔ توحیدی از هرگونه آلودگی موردنظر است. از این‌رو، در بعضی از روایات، منظور آیه پاک‌سازی خانهٔ خدا از مشرکان دانسته شده است[۵] و در بعضی دیگر، شست‌وشوی

---

۱ . الأمالی للمفید، ص ۱۳۲ ـ ۱۳۳ ، ح ۱ (المجلس السادس عشر).

۲ . العروة الوثقی، ج ۱ ، ص ۶۰۰ / تذکرة الفقهاء، ج ۱ ، ص ۹۰ .

۳ . بقره: ۱۲۵ .

۴ . ر.ک. التبیان، ج ۱ ، ص ۴۵۴ / المیزان، ج ۱، ص ۲۸۱ ؛ ج ۱۴، ص ۳۶۸ / مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۱۴۵ / جوامع‌الجامع، ج ۲ ، ص ۵۵۵ .

۵ . تفسیرالقمی، ج ۱ ، ص ۵۹ .

بدن و پاکیزگی از آلودگی‌ها.[۱] از دیگر سو، نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هرکس بفهمد که نجس شده، باید فوراً نجاست آن را برطرف کند و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود نجاستش را برطرف نمایند، مگر آنکه واقف آن را جزو مسجد قرار نداده باشد.[۲]

بردن عین نجس مانند خون به مسجد، اگر بی‌احترامی به مسجد باشد حرام است[۳] و همچنین بردن چیزی که نجس شده در صورتی که بی‌احترامی به مسجد باشد، حرام است. نجس کردن فرش و حصیر مسجد نیز حرام است و بنابر احتیاط واجب، باید آن را آب بکشند، و چنانچه (آن‌ها) به واسطهٔ آب‌کشیدن خراب شوند و بریدن جای نجس بهتر است باید آن را ببرند، و اگر کسی هم که آن‌ها را نجس کرده است، ببرد باید خودش اصلاح کند.[۴]

فقهای شیعه در تبیین حرمت نجس کردن مسجد، به اجماع و به آیهٔ ۲۸ سورهٔ توبه و ۲۶ سورهٔ حج و روایت «**جنبوا مساجدکم النجاسة**» استناد کرده‌اند.[۵] مرحوم آیة‌الله خوئی می‌فرماید: در اینکه برطرف کردن نجاست از مساجد واجب و نجس نمودن آن حرام است، هیچ شبهه‌ای وجود ندارد؛ زیرا این دو حکم از ارتکازات متشرّعه و متدیّنان است؛ چراکه مساجد خانه‌های خداوند است که برای عبادت او ساخته شده‌اند و مسجد به خاطر اهمیت و عظمتش، با نجاست قابل جمع نیست و در این مسئله، اجماع قطعی میان فقها وجود دارد.[۶]

پس حفظ طهارت و پاکی مسجد واجب، و آلوده کردن آن حرام است. حال اگر بر اثر بی‌موالاتی و بی‌احتیاطی، مسجد نجس شد طبق نظر فقهای عظام،

---

۱. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۰، ح ۳، ب «دخول مکّة».
۲. رساله توضیح المسائل، م ۹۰۰ و ۹۰۵ و ۹۰۶.
۳. همان.
۴. همان.
۵. کتاب الطهارة، ج ۱، صص ۳۲۱ ـ ۳۲۰.
۶. التنقیح فی شرح العروة، ج ۲، ص ۲۷۱، «کتاب الطهارة».

تطهیر مسجد به نحو کفایی، بر همهٔ مسلمانان واجب است و اختصاص به فردی که نجس کرده، ندارد، ولی پس از اقدام افرادی که قادر بر تطهیر مسجد هستند، این وظیفه از دیگران ساقط خواهد شد.[۱]

پاکی و طهارت مسجد تا آنجا اهمیت دارد که گاهی بر نماز مقدّم می‌شود؛ اگر انسان در وقت نماز و پیش از شروع آن یا در بین نماز، متوجه شود جایی از مسجد نجس است ـ مثلاً، می‌بیند چند قطره خون بر فرش مسجد ریخته است ـ و وقت نماز وسعت دارد، تطهیر مسجد بر خواندن نماز مقدّم است. ولی اگر چنانچه وقت نماز تنگ است و اگر بخواهد مسجد را تطهیر کند نمازش قضا می‌شود، نماز خواندن مقدّم است.[۲] اگر تطهیر مسجد متوقّف بر خرج کردن مالی باشد صرف مال واجب است و بنابر قول اقوا، کسی که سبب نجاست بوده ضامن است و می‌توان او را ملزم به صرف مال برای تطهیر و ازالهٔ نجاست نمود.[۳]

تطهیر مسجد در برخی از موارد، بر خراب کردن قسمتی از آن یا حفر و کندن زمین مسجد مقدّم است.[۴] در برخی از موارد که نجس ماندن مسجد تا پس از انجام غسل جنابت، سبب تأخیر در تطهیر یا هتک حرمت مسجد شود، به افراد جُنب ـ که اجازهٔ توقف در مسجد ندارند ـ اجازه داده شده است به مقدار زمان لازم برای تطهیر، در مسجد توقّف نمایند.[۵]

اگر کسی قادر به ازالهٔ نجاست از مسجد نباشد و وجود نجاست در مسجد هتک حرمت محسوب شود بنابر احتیاط واجب، باید به کسی که می‌تواند تطهیر کند اطلاع دهد، در غیر این صورت، اعلام واجب نیست، اگرچه موافق با احتیاط است.[۶]

(ر.ک. تخریب مسجد و جنب در مسجد.)

---

۱. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۸۴، م ۳.

۲. رسالهٔ توضیح‌المسائل، م ۷۵۴ و ۱۱۶۲ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۸۵، م ۴.

۳. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۸۷، م ۱۲.

۴. همان، ص ۸۶، م ۷ و ۹ / رساله توضیح المسائل، م ۹۰۲.

۵. العروة‌الوثقی، ص ۸۷ ـ ۸۸، م ۱۴.

۶. همان، ص ۸۹، م ۱۹ / رساله توضیح المسائل، م ۹۰۱.

« ظ »

ظلم به مسجد

ظلم به مسجد: ستم کردن به مسجد و کارکردهای آن.

قرآن کریم بارزترین مصداق ستم به مسجد را جلوگیری از یاد خدا در آن ذکر می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَ مَنْ أَظْلَمَ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعٰى فِى خَرابِها﴾؛[1] کیست ستم‌کارتر از آنکه نگذارد نام خدا در مساجد الهی برده شود و سعی در تخریب آن‌ها داشته باشد؟

مفسّران احتمالاتی در ذیل آیهٔ شریفه مطرح کرده‌اند: اولاً، کوشش مسیحیان در تخریب و نابودی مسجدالاقصی و بیت‌المقدس؛[2] ثانیاً، ایجاد وسوسه در مسلمانان توسط یهود در مسئلهٔ قبله تا مسلمانان به سمت بیت‌المقدس نماز بخوانند که با این کار، هم بر آن‌ها غلبه داشته باشند و هم مسجدالحرام و کعبه را از رونق بیندازند؛[3] ثالثاً، جلوگیری مشرکان قریش از ورود پیامبر و مسلمانان به شهر مکّه و مسجدالحرام؛[4] رابعاً، تخریب مکان‌هایی که مسلمانان در مکّه برای نماز داشتند توسط مشرکان پس از هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه.[5]

در قرون اخیر، تخریب مسجد و ساختمان‌های توحیدی بنا شده بر قبور ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام در «بقیع» توسط وهّابیان و تخریب مسجد «بابری» در هند نمونه‌هایی

---

۱. بقره: ۱۱۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۰۸.

۳. تفسیر فخر رازی، ذیل آیهٔ مورد بحث.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۰۸.

۵. تفسیر مجمع‌البیان والمیزان، ذیل آیهٔ مورد بحث.

از ظلم به مسجد بوده‌اند. ظلم به مسجد، هم شامل ظلم به خود مسجد و هم مؤمنان نمازگزار در آن است.

به طور کلی، ظلم‌هایی که می‌توان به مسجد کرد عبارت است از:

۱ . جلوگیری از ورود به مسجد برای برپایی شعائر اسلامی و گفتن و ذکر و یاد خدا؛ (ر.ک. بستن در مسجد.)

۲ . تعطیلی و تخریب ساختمان مسجد و تبدیل آن به چیز دیگر؛ (ر.ک. تخریب مسجد.)

۳ . تبلیغات سوء برای بی‌رونق کردن مسجد در جهت غافل کردن مردم از مساجد و یاد خدا؛

۴ . انجام محرّمات و مکروهات در مسجد، بخصوص اگر سبب اهانت به مسجد و هتک حرمت آن و سبب آزار و اذیت نمازگزاران شود. (ر.ک. مکروهات مسجد/ محرّمات مسجد.)

۵. عدم مراقبت از اموال مسجد که سبب زوال و انهدام آن‌ها شود.

۶ . انجام کارهایی در مسجد که با شأن و منزلت خانهٔ خدا سازگاری ندارد و یا به پرستشگاه بودن مسجد و جنبهٔ عبادی آن آسیب وارد می‌کند و سبب می‌شود افراد نمازگزار نتوانند به انجام فریضه بپردازند.

۷ . ترک نماز جماعت در مسجد از سوی همسایه‌های مسجد.

تمامی اعمالی که «ظلم به مسجد» بر آن‌ها صدق کند، حرام و گناه کبیره محسوب می‌شوند.

« ع »

عناصر تزیینی در معماری مساجد ایران

یکی از مهم‌ترین اصولی که باید در معماری مسجد مورد توجه قرار گیرد استفاده از عناصر تزیینی و آرایه‌ها برای زیبایی و جذّاب کردن مسجد است.

عمده‌ترین آرایه‌ها و عناصر تزیینی به کار رفته در مساجد عبارت است از: آجرکاری، گچ‌بری، کاشی‌کاری، خطاطی، گره و کادربندی، مقرنس، منبّت روی چوب؛ و شیشه‌های رنگی. به اختصار، به این موارد اشاره می‌شود:

آجرکاری

در بین قرن‌های دهم تا دوازدهم میلادی، همزمان با حکومت سلجوقیان در ایران، روش تزیین مساجد با آجر متداول شد![1] آجرکاران با مهارت خاصی، با قرار دادن آجرهای تراشیده شده در کنار آجرهای دیگر، طرح‌های جذّابی خلق می‌کردند. آنها با به کار بردن آجرهای برجسته، موجب ایجاد سایه روشن در نما می‌شدند و این زیبایی خاصی به نمای مسجد می‌داد. یکی از زیباترین این آثار، آجرکاری گنبد کوچک مسجد «جامع اصفهان» (گنبد خواجه نظام‌الملک) است.[2]

---

۱. هنر و معماری اسلامی، ج ۲، ص ۱۴۲۱ / معماری ایرانی، ۱۰۶ و ۱۰۷.

۲. همان، ص ۱۱۶۶ / مجلهٔ مسجد، ش ۴۴، ص ۸۱ ـ ۷۱.

گچ‌بری

گچ‌بری، خواه کنده کاری باشد یا قالب‌زنی، یا نقاشی روی گچ، یکی از عناصر اصلی در تزیین مساجد بوده است. هنر گچ‌بری در دوران سلجوقیان از ارزش و اعتبار فنی بسیاری برخوردار بود. در این دوران، با کنار هم قرار دادن گچ‌بری و آجرکاری، آثار زیبا و هنرمندانه‌ای خلق می‌کردند؛ مانند آثار موجود در مسجد «جامع گلپایگان» و مسجد «جامع ورامین».[۱]

این هنر در دوران‌های بعد، بخصوص در زمان حکومت ایلخانان، با ظرافت بیشتری دنبال شد؛ مانند محراب مسجد «الجایتو» و مسجد «جامع اصفهان»، که کتیبه‌هایی گچ‌بری شده همراه با نقوش اسلیمی، به صورت زیبا و هنرمندانه‌ای در آن طرّاحی شده است.[۲]

کاشی‌کاری

هنر کاشی‌کاری از گذشته‌های دور، در تزیین مساجد کاربرد وسیعی داشته است. کاشی‌های به‌کار رفته یا به صورت طرح‌های هندسی در اشکال گوناگون، یا در طرح‌های گل و گیاه (اسلیمی) و حیوانات و یا در طرح‌های خوش‌نویسی با خط‌های گوناگون، به کار می‌رفته است. بیشتر این کاشی‌ها در سه نوع، معرّق، معلّقی و یا هفت‌رنگ، مورد استفاده قرار گرفته است.

در دوران سلجوقی، از کاشی‌هایی با رنگ‌های لاجوردی و فیروزه‌ای، که ستاره‌ای شکل بود، استفاده می‌شد.[۳] هنر کاشی‌کاری در دوران تیموریان پیشرفت و رونق فراوانی داشت. در این دوران، کاشی‌ها را اغلب شش‌گوش و به رنگ چمنی سبز می‌ساختند. مهم‌ترین آثار کاشی‌کاری این دوران را می‌توان در مسجد «گوهرشاد» و مسجد «کبود» تبریز

---

۱. هنر و معماری اسلامی، ج ۲، ص ۱۱۷۲ و ۱۴۲۱.

۲. معماری ایرانی، ص ۱۵۶ / مجلهٔ مسجد، ش ۶۵، ص ۵۰.

۳. هنر و معماری اسلامی، ج ۲، ص ۱۱۶۲ / هنر اسلامی، ص ۲۱۲.

مشاهده کرد.[۱]

برخی از مهم‌ترین آثار به جا ماندهٔ کاشی‌کاری در مسجد «جامع یزد» (قرن هشتم ق)، مسجد «شیخ لطف‌الله» و مسجد «امام اصفهان» (قرن یازدهم) وجود دارد.

خطّاطی (کتیبه‌نویسی)

در قرون متمادی، از خوش‌نویسی به صورت کتیبه‌هایی زیبا برای تزیین بنای مساجد استفاده می‌شده است. در کتیبه‌های خطی از خطوط نسخ، نستعلیق، ثلث، توقیع، رقاع، ریحان، و خط بنّایی استفاده می‌شده است.

خط «بنّایی»، که همان خط کوفی زاویه‌دار است، از ترسیم شکل‌های هندسی، مربع، لوزی، مستطیل، و خطوط موازی و متقاطع حاصل می‌شود. نمونه‌هایی از آن از سدهٔ ششم هجری به بعد، بخصوص از دوران تیموری و صفوی، در مساجد اصفهان، یزد و شهرهای خراسان وجود دارد.[۲]

گره و کادربندی

«گره» نوعی تزیین معماری ایرانی است که براساس قواعد معیّنی شکل می‌گیرد. گره‌ها بر روی تمام سطوح ستونی و منحنی با انواع مصالح مانند چوب، عاج، کاشی، گچ، آجر و سنگ و با خطوط منحنی قابل اجراست. گره‌های به کار رفته در معماری مساجد، از انواع گوناگونی همچون گره‌کنده و میخ، گره هشت چهارلنگه، و گره دوپابُزی است. برخی از مساجدی که در آنها گره به کار رفته عبارتند از: مسجد «جامع نایین»، مسجد «جامع شیراز»، مسجد «آقا بزرگ کاشان».[۳]

منبّت‌کاری

پس از ظهور اسلام، این هنر برای تزیین رحل‌های قرآن و در و پنجره‌های مساجد

---

۱. هنر و معماری اسلامی، ج ۲، ص ۱۴۴۱ / معماری ایرانی، ص ۱۶۷.

۲. هنر و معماری اسلامی، ج ۲، ص ۱۱۵۲ ـ ۱۱۷۵.

۳. همان.

و اماکن متبرّکه به کار گرفته شده است. این هنر توسط حکّام تیموری به هندوستان منتقل شد، به‌گونه‌ای که در بناهای اسلامی هندوستان نیز جلوه‌هایی از هنر منبّت‌کاری ایرانیان مشاهده می‌شود. در دوران صفوی، برای این هنر جایگاه خاصی قایل بودند. قدیمی‌ترین اثر منبّت موجود، مربوط به نیمهٔ اول قرن سوم هجری متعلّق به یک لنگه در چوبی در مسجد «جامع عتیق شیراز» است.[۱]

معرّق‌کاری

معرّق‌کاران با استفاده از چوب‌های گران‌بها، صدف، عاج، استخوان، مس، نقره و طلا، در دل چوب‌های معمولی نقش‌های زیبایی می‌آفرینند. این هنر در ایران قدمت زیادی ندارد و به احتمال قوی، از هند یا چین وارد ایران شده است. مهم‌ترین مراکز معرّق‌کاری در شهرهای اصفهان، یزد و تهران قرار دارد. این هنر برای تزیین درهای چوبی، رحل و یا منبرهای مساجد مورد استفاده قرار می‌گیرد. معروف‌ترین اثر معرّق روی چوب مربوط به منبری است که قرار بود به مسجد «هامبورگ» منتقل گردد، اما با پیروزی انقلاب، این کار صورت نگرفت و اکنون در موزهٔ هنرهای ملّی نگه‌داری می‌شود.[۲]

خاتم‌کاری

«خاتم‌کاری» عبارت است از: کنده‌کاری یک طرح به وسیلهٔ اجزای چوبی و یا مواد دیگر. ظاهراً این هنر از دوران ایلخانی به ایران وارد شده است. نمونهٔ این کار، روی منبر مسجد «جامع شیراز» وجود دارد که دارای قدمتی بیش از هزار سال است. همچنین در سقف ایوان اصلی مسجد «جامع عتیق شیراز» نمونه‌هایی از این هنر به صورت پیشرفته‌تر موجود است.[۳]

---

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

شیشه‌های رنگی

هنر شیشه‌گری پس از اینکه در حملهٔ مغول از رونق افتاد، در زمان تیموریان به خوبی مورد توجه قرار گرفت. این هنر در زمان صفویه نیز از رونق بالایی برخوردار بوده است. در مساجد ایرانی، پس از ساخت درها و پنجره‌های چوبی، از شیشه‌های رنگی برای تزیین آنها استفاده می‌شد. برای نمونه، می‌توان به آثار معماری شهر نیشابور، که از شیشه‌های رنگی تزیینی برخوردار است، اشاره کرد.[۱]

مقرنس

«مقرنس» نقش و نگار برجستهٔ پله‌پله مانند و کنگره‌دار است که معمولاً از گچ ساخته می‌شود و در عمارت‌های عالی و بلند به‌کار می‌رود.[۲] این یکی از عناصر تزیینی هنر اسلامی است که در معماری مساجد کاربرد وسیعی دارد و علاوه بر نقش تزیینی، عامل فنی نیز به شمار می‌رود.

مقرنس در معماری اسلامی، ابتدا در گوشه‌ها و زاویه‌های گنبد به کار می‌رفت. با این عمل، علاوه بر تزیین گنبد، مانع از ریزش سقف گنبد نیز می‌شد.[۳] مقرنس‌ها شباهت زیادی به لانهٔ زنبور دارد که به شکل طبقاتی روی هم ساخته می‌شوند و مهم‌ترین عنصر تزیینی در طاق به شمار می‌روند.[۴] مقرنس‌ها علاوه بر تزیین گنبد و طاق، در قسمت‌های دیگر ساختمان مسجد مانند سرستون، قرنیز، کتیبه و در و پنجره به کار می‌رود.

مقرنس‌ها در مناطق و سبک‌های معماری گوناگون در طرح‌ها و مصالح متنوّعی به کار می‌رود. برای مثال، در سوریه معمولاً مقرنس را بر روی سنگ می‌تراشند؛ در ایران و ترکستان، از سفال (کاشی) ساخته می‌شود. ولی مقرنس در اغلب موارد، از گچ ساخته می‌شود.

---

۱. همان.

۲. فرهنگ عمید، ص ۱۱۱۱ / لغت‌نامه.

۳ و ۴. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۹۰۶.

۴. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۱۵۲ ـ ۱۱۷۵.

« غ »

غصب در مسجد

غصب در مسجد: گرفتن جای دیگران برای عبادت در مسجد.

مسجد یک مکان عمومی است و همگان حق استفاده از آن را در مواردی که شرع مقدّس اجازه داده است، دارند. ولی اگر فرد و یا کسانی به منظور عبادت یا دیگر امور جایز در مسجد همچون تدریس، بر دیگران پیشی گیرند، نمی‌توان آنان را از آن مکان بیرون کرد، و اگر کسی این کار را انجام دهد غصب مکان کرده و مرتکب حرامی شده است و اگر در آن مکان به عبادت و اقامهٔ نماز بپردازد، باید نمازش را در مکان مباح اعاده کند.

اگر انسان نگذارد مردم از مسجد و مدرسه و پُل و جاهای دیگری که برای عموم ساخته شده استفاده کنند، حق آنان را غصب کرده و همچنین است اگر کسی در مسجد جایی برای خود بگیرد و دیگری نگذارد که از آنجا استفاده نماید.[۱]

غصبِ جای دیگران در مسجد بطلان نماز را در پی دارد: کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند بنابر احتیاط واجب، باید نمازش را در محل دیگری بخواند.[۲]

غیرمسلمان در مسجد

غیرمسلمان در مسجد: حضور کفّار و اهل کتاب در مساجد مسلمانان.

در یک آیه از قرآن کریم، به صراحت

---

۱ . امام خمینی‌ﷺ، رساله توضیح المسائل، م ۲۵۴۵ .

۲ . همان، م ۸۶۸ / العروة‌الوثقی، ج ۱ ، فصل «فی مکان المصلّی» ص ۵۷۴ ـ ۵۷۵ .

از ورود کفّار و مشرکان به مسجدالحرام نهی شده است: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلاَ يَقْرَبُواْ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَـذَا ﴾؛[۱] ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان آلوده و ناپاکند و نباید از امسال نزدیک مسجدالحرام شوند.

در اینکه آیا آیهٔ شریفه دلالت بر نجس بودن مشرکان می‌کند تا از ورود آنان به همهٔ مساجد مسلمانان جلوگیری شود یا خیر، بین فقها و مفسّران اختلاف است. مرحوم طبرسی دو احتمال در مراد آیه مطرح می‌کند؛ می‌فرماید: گفته شده است: مقصود منع کفّار و مشرکان از ورود به مسجدالحرام در موسم حج و عمره بر اساس حکم حکومتی است، اما در سایر زمان‌ها ورود ایشان مانعی ندارد. اما برخی دیگر گفته‌اند: کفّار از ورود به همهٔ مساجد و همچنین از حضور در موسم حج و از ورود به حرم نیز منع شده‌اند. پس هیچ‌گاه حق ورود بدان را ندارند.[۲]

فقهای شیعه با استناد به آیهٔ مزبور و برخی روایات دیگر، از ورود کفّار و مشرکان به مساجد مسلمانان منع کرده‌اند. شیخ طبرسی می‌نویسد: برای مشرکان جایز نیست که به مسجدالحرام یا دیگر مساجد مسلمانان وارد شوند، نه با اجازه گرفتن ـ از رهبر مسلمانان ـ و نه بدون اجازه؛ به دلیل آیهٔ شریفهٔ مزبور؛ زیرا خداوند آنان را نجس دانسته است. بنابراین، جایز نیست به هیچ مسجدی وارد شوند؛ چراکه حفظ مساجد از نجاسات یک موضوع اجماعی است.[۳] نظیر این منع را فقهای دیگر مثل ابن‌زهره،[۴] علاّمه حلّی،[۵] شهید اول،[۶] شهید ثانی،[۷] محقق نراقی[۸] و صاحب

---

۱. توبه: ۲۸.
۲. مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۳۸.
۳. الخلاف، ج ۱، ص ۵۱۸، م ۵۶۰.
۴. غنیة النزوع، ص ۴۴.
۵. منتهی‌المطلب، ج ۳، ص ۲۲۲ / تذکرة‌الفقها، ج ۱، ص ۶۷، م ۲۲.
۶. الذکری، ص ۱۳.
۷. مسالك الأفهام، ج ۱۲، ص ۶۵.
۸. مستند الشیعة، ج ۱، ص ۱۹۶.

جواهر[۱] بیان کرده‌اند.

مرحوم شیخ طوسی نیز این مسئله را مطرح کرده و در توجیه اینکه چرا پیامبر اکرم ﷺ اسیران بنی‌قریظه و بنی‌نضیر را در مسجد مدینه جای داد و یا هیأت‌های نمایندگی (وفد) کفّار و مشرکان را در مسجد به حضور می‌پذیرفت، می‌نویسد: این عمل پیامبر اولاً، از باب ضرورت و ثانیاً، در صدر اسلام و پیش از نزول آیهٔ شریفه بوده است. از این‌رو، احتیاط آن است که در صورت ضرورت هم از ورود کفّار به مسجد نهی شود.[۲]

برخی دیگر از مفسّران بر منع هرگونه فعالیتی در مساجد مسلمانان برای کفّار، به آیهٔ شریفهٔ ﴿**و ماکانَ للمشرکینَ أن یَعمُروا مساجد الله**﴾[۳] استناد کرده‌اند، با این بیان که «عمران» لفظی عام است و شامل حضور در مسجد، ساختن بنای مسجد و تصدّی امور مسجد می‌شود و آیهٔ شریفه همهٔ موارد را برای کفّار ممنوع کرده است.[۴]

در مورد اهل کتاب نیز بین فقها اختلاف است. برخی آنان را در حکم کفّار و مشرکان می‌دانند[۵] و برخی معتقدند: اهل کتاب طهارت ذاتی دارند و نجاست آن‌ها عرضی است. از این‌رو اگر از نجاسات عرضی مانند بول و خون پرهیز نمایند محکوم به طهارتند.[۶] از دیگر سو، قایلان به جواز ورود می‌گویند: مقصود از «نجس» در آیهٔ شریفه، پلیدی و خبث باطنی و اعتقادی مشرکان است. براین اساس، آیه ارتباطی با نجاست ظاهری و بدنی آنان ندارد.[۷]

شواهد تاریخی نیز نشان از آن دارند که مشرکان و کفّار به منظور تشرّف به اسلام و یا انجام مذاکرات با پیامبر، در مسجدالنبی با آن حضرت ملاقات می‌نمودند و پیامبر از

---

۱. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۸۶ ـ ۲۸۷.
۲. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۴۷.
۳. توبه: ۱۷.
۴. احکام القرآن، ج ۳، ص ۱۱۴ و ج ۱، ص ۷۴.
۵. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۷ / منتهی المطلب، ج ۳، ص ۲۲۲ / مستندالشیعة، ج ۱، ص ۱۹۶.
۶. نتائج الافکار، ج ۱، ص ۶ / مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱۱، ص ۲۳۳.
۷. مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸.

ورود آنان نهی نمی‌فرمود و معلوم نیست که همهٔ این موارد مربوط به پیش از نزول آیهٔ ۲۸ سورهٔ توبه باشد. بدین‌روی، برخی از فقها ورود کفّار و مشرکان را تنها در صورتی که موجب تنجیس مسجد و یا هتک حرمت خانهٔ خداوند باشد، ممنوع کرده‌اند. ورود غیرمسلمانان به مسجد، غیر از مسجدالحرام و مسجدالنبی ـ فی نفسه ـ منعی ندارد، مگر آنکه موجب تنجیس یا هتک حرمت مسجد یا توقف جنب در مسجد باشد.[۱] در استفتائات منتشر نشده از امام خمینی آمده است: چه می‌فرمایید راجع به داخل شدن یهودی در مسجد مسلمانان، آیا جایز است یا خیر؟ ج: «اگر موجب هتک یا تلویث نباشد، مانع ندارد.»[۲]

۱. أجوبة الأستفتائات، ج ۱، ص ۱۲۹، س ۴۲۹.

۲. سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۱۱.

« ق »

قبله

قبله: جهتی است که مسلمانان هنگام نماز خواندن، ذبح و در حالت احتضار و دفن اموات، به آن رو می‌کنند.

«قبله» در اصل لغت، حالتی است که انسان هنگام روی‌آوری و استقبال از شیء، به خود می‌گیرد.[۱] این معنا در عرف مسلمانان نقل شده به آنچه استقبال و رو به روی (عین یا جهت) آن قرار گرفتن هنگام نماز واجب است که همانا استقبال از کعبهٔ مکرّمه است برای کسی که در حرم و یا خانه‌های مکّه نماز می‌گزارد و کعبه را می‌بیند. و جهت آن برای دیگران که از آن دورند و نمی‌توانند آن را ببینند، رو به خانهٔ کعبه است.[۲] توجه به قبله برای هر نمازگزاری در تمام نمازهای واجب و نمازهای مستحب (در صورت امکان) واجب است.

تأکید بلیغ و اهتمام شارع مقدّس در انجام فرایض و نمازهای پنج‌گانه در مسجد، پیوند میان مسئلهٔ شناخت قبله و مسجد را نمایان می‌سازد. از صدر اسلام تا به امروز، تعیین سمت قبلهٔ هر مسجدی که در بلاد اسلامی بنیاد شده، از مسائل ضروری و حتمی و مورد اتفاق بوده است.

از دیدگاه قرآن (= کتاب) و سنّت و اجماع و عقل، شناخت قبله واجب است. قرآن کریم نخست پیامبراکرم صلی الله علیه و آله را در پی‌روی از قبله و روی نمودن به آن، مورد خطاب قرار می‌دهد: ﴿فَوَلِّ وَجهَكَ

---

۱. لغت‌نامه.

۲. بحارالأنوار، ج ۸۴، ص ۲۴ و ۵۱.

شَطْرَ المسجدِ الحرامِ﴾[۱] و سپس با عبارت ﴿و حیثُ ما کُنتم فَوَلُّوا وُجوهَکم شَطرَهُ﴾، از مسلمانان می‌خواهد که در هر جا باشند، در مشرق و یا مغرب زمین، رو به کعبه نمایند و تأکید آیه بر اهمیت قبله و برانگیختن امّت به پی‌روی از رسول گرامی صلی الله علیه و آله است؛ آنچنان که فرمود: ﴿جعَلَ اللهُ الکعبةَ البیتَ الحرامَ قیاماً لِلنّاسِ﴾[۲] نظم و هماهنگی امّت یکپارچه و سامان حیات (دین و دنیای) آنان در روی آوردن به کعبهٔ مکرّمه است.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام دربارهٔ آیهٔ ﴿فَاقِم وَجهَك لِلدّینَ حنیفاً﴾[۳] پرسید، حضرت فرمود: خداوند متعال به پیامبر فرمان داد رو به قبله (کعبه) آورد؛ کعبه‌ای که هیچ نشانی از پرستش بت‌ها در آن نیست، از روی اخلاص و به دور از هر شائبه‌ای فقط برای او خالصاً مخلصاً.

امام صادق علیه السلام ذیل آیهٔ شریفهٔ ﴿و اقیمُوا وُجوهَکُم عِندَ کُلِّ مسجد...﴾[۴] فرمود: مراد مساجد نوبنیاد است که خداوند متعال به مؤمنان فرمان داده است هنگام نماز، رویشان را ـ در آن مساجد ـ به طرف مسجد الحرام بدارند و امر الهی اقتضای وجوب دارد.[۵]

در کتاب معتبر، اثر محقّق حلّی بر وجوب استقبال از قبله در نماز، ادعای اجماع شده است: «استقبالُ القبلةِ فِي الصلاةِ الواجبةِ واجبٌ و شرطٌ و هو اِجماعُ العلماءِ کافَّةً.»[۶] از نظر عقل هم، چون ذی‌المقدّمه، که انجام فرمان الهی ادای فریضهٔ نماز مبتنی بر رو به قبله نمودن به عنوان شرطِ صحّت نماز است، بنابراین، برای دست‌یابی به نماز مقبول ـ یعنی مشروط ـ باید «شرط» را، که توجه به قبله است، به دلالت وجوب عقلی به دست آورد.

افزون براین، چون بسیاری از احکام شرع مبتنی بر توجه به قبله است، شناخت قبله اهمیت بسیار دارد؛ زیرا توجه و استقبال به آن واجب شرعی است؛ مانند موارد ذیل:

---

۱. بقره: ۱۴۹ و ۱۵۰.
۲. مائده: ۹۸.
۳. روم: ۳۱.
۴. اعراف: ۳۰.
۵. دروس فی معرفة الوقت و القبله، ص ۳۶۲.
۶. همان، ص ۳۶۲.

۱ . نمازهای یومیه و دیگر نمازها، به استثنای نماز «خوف»، بلکه در تمام نمازهای واجب و مستحب، هر چند در نماز مستحب دو قول است.

۲. هنگام ذبح گوسفند وگاو و نحر شتر، مگر آنکه عذری در استقبال قبله باشد.

۳. هنگام احتضار اموات و غسل و دفن آن‌ها.

در برخی موارد، استقبال قبله مستحب است؛ از جمله:

الف . نشستن؛

ب . هنگام دعا.

در برخی موارد هم پشت به قبله بودن مستحب است؛ از جمله:

اول . روی از قبله برداشتن (= پشت به قبله بودن) در هنگام زیارت و در حال خواب؛ آن‌گونه که مرده را می‌خوابانند.

دوم . وگفته شده: مستحب است قاضی در جایگاه قضاوت طوری قرار گیرد (پشت به قبله) که چهرهٔ دادخواه و متّهم رو به قبله باشد، و به طور مطلق، استقبال قبله در همه حال پسندیده و مستحب است، بجز در جای حرمت (مانند زمان احتیاج به آب) وکراهت.

در نماز خوف، شرط استقبال قبله به خاطر شدت ترس و عدم امکان آن برداشته شده است؛ همچنین هرگاه ضرورتی پیش آید که نتوان رو به قبله نمود، به استناد آیهٔ شریفهٔ ﴿فَاَینما تُوَلُّوافَثَمَّ وَجهُ اللهِ﴾[1] و روایات وارد شده در این زمینه.[2]

سمت قبله در اصطلاح علم هیئت، نقطه‌ای است از دایرهٔ افق که هرگاه انسان مقابل آن قرار گیرد، رو به روی قبله باشد. همچنین می‌توان گفت: خطی است که از چهرهٔ نمازگزار به طرف قبله کشیده می‌شود. پس با علم به «سمت قبله» نماز می‌خوانیم و اگر سمت قبله را ندانیم نزدیک‌ترین راه دسترسی به آن را برمی‌گزینیم و آنچه از محاسبات علم هیئت به‌دست آید اطمینان‌بخش و به واقع نزدیک‌تر است.

از این نکته نباید غافل ماند که ما دو جهت داریم:

---

۱ . بقره: ۱۱۵ .

۲ . دروس فی معرفة الوقت و القبله، ص ۳۶۳ / بحارالأنوار، ج ۸۴، ص ۴۸ .

نخست جهتی که خود قبله است از مکان کعبه تا بلندای آسمان، تا بی‌نهایت و کفِ خانهٔ کعبه تا دل زمین، همه جهت قبله است.

دوم جهتی است به معنای پیش گفته؛ یعنی نقطه‌ای از دایرهٔ افق که هرگاه انسان برابر آن قرار گیرد رو به روی قبله باشد (یعنی جهت به معنای اول.) اما فقها از کلمهٔ «جهت» قبله، جهت عرفی را منظور داشته‌اند.[۱]

آیة‌الله حسن‌زاده آملی چهار طریق برای به دست آوردن سمت قبله پیشنهاد می‌کند:

۱ . خورشید هنگام رسیدن به دایرهٔ نصف‌النهار مکّه در دو روز از سال شمسی (۸ خرداد، ساعت ۱۳:۴۸ و ۲۴ تیر ساعت ۱۳:۵۷) وقت زوال ظهر مکّه مکرمه، به‌طور دقیق سمت قبله را نشان می‌دهد، به‌طوری که شاخص (عمود نصب شده روی زمین برای تعیین وقت زوال و نماز) و افراد، بدون سایه می‌شوند. این یکی از شیوه‌های دقیق جهت‌یابی قبله بوده که در عین حال، بسیار آسان است.

۲ . از طریق اُسطُرلاب به چند روش که تمامی از نظر محاسبه دقیق است.

۳ . توسط دایرهٔ هندیه.

۴ . از طریق اخراج عمود.

به نظر ایشان، راه‌های استخراج خط نصف‌النهار و سمت قبله بیش از این‌هاست و شماری از آن‌ها بر اصول علم هیئت و ریاضیات عالی مبتنی است.

گفتنی است یکی از معجزات پیامبرگرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله تعیین سمت قبلهٔ مدینهٔ منوّره بوده که مستند به نصّ عمل تعیینی ایشان است؛ معجزه‌ای که تا به امروز، به همان صورت که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با دست‌یاری جبرئیل علیه‌السلام و امر الهی اظهار نمود و تاکنون باقی است.

ناودان کعبه در طرف غربی مکّه واقع شده و قبلهٔ مدینهٔ منوّره از جنوب کمی به سمت غرب متمایل است؛ چنان‌که گویی هر دو در یک دایره از نصف النهار واقع شده‌اند. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: محراب [مسجدِ من] برابر ناودان کعبه است.[۲]

---

۱ . همان، ص ۳۹۷ .

۲ . همان، از ص ۳۷۶ و ۴۴۵ ـ ۵۰۴ .

خانهٔ کعبه از هر چهار جانب قبله است و در درون آن، رو به هر یک از دیوارهایش می‌توان نماز گزارد.

در تمامی کتاب‌های فقه، بحث قبله مطرح شده و از مهم‌ترین رساله‌ها در این زمینه، رسالهٔ *ازاحة العلّة فی معرفة القبله*، اثر ابی‌الفضل شاذان بن جبرئیل قمی است که در سال ۵۵۸ ق کتابت شده است. کتاب دیگر *تحفة الأجلّه فی معرفة القبله*، از مرحوم سردار کابلی است. همچنین صفحه‌ای در سمت قبلهٔ بلاد از مرحوم آیة‌الله شعرانی و «سمت القبلة» از نیریزی (م ح ۳۱۰ ق) و رساله‌ای در قبله و رسالهٔ دیگری در قبلهٔ خراسان هر دو از شیخ عبدالعالی کرکی (م ۹۹۳ ق) بر جای مانده است.

در دورهٔ صفویهٔ محاسبات مربوط به تعیین قبلهٔ مسجد میدان «نقش جهان» شهر اصفهان را مرحوم شیخ بهائی بر عهده گرفت. در دورهٔ قاجار، افرادی تحت عنوان «قبله کش» در تهران به انجام محاسبات مربوط به قبلهٔ مساجد و خانه‌ها اشتغال داشتند.

در دههٔ چهل شمسی، سرتیپ حسینعلی رزم‌آرا ابزاری به نام «قبله نما» اختراع نمود که به وسیلهٔ آن، به آسانی جهت قبلهٔ شهرها را می‌توان به دست آورد و گفته می‌شود: مورد تأیید حضرت آیة‌الله العظمی بروجردی قرار گرفت. «قبله نما» دارای عقربه‌ای مغناطیسی است که بر محوری قائم استوار است و می‌تواند آزادانه بر صفحه‌ای افقی حرکت کند.

اگر کسی در شهری باشد که اهل آن مسلمان باشند، لازم نیست در تعیین قبله اجتهاد کند، بلکه پی‌روی از عمل مردم آن شهر کافی است، مگر در صورت علم داشتن به اشتباه مردم آن شهر. قبلهٔ هریک از شهرهای اسلامی با محراب مساجد آن و نیز با وضع قبور مسلمانان آن مشخص می‌شود. اگر مسلمانی به هیچ نشانه‌ای برای تشخیص قبله دست‌رسی نداشته باشد (مانند کسی که در خانه‌ای تاریک زندانی باشد)، برای حصول اطمینان، باید به هر چهار طرف متقاطع، به زوایای قائمه نماز بخواند. هرگونه سخنی در باب قبله، بدون بررسی آیات مربوط به آن ناتمام خواهد ماند.

قبلهٔ مسلمانان در آغاز، «بیت‌المقدس» بود. تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه در

سال دوم هجری و در روز دوشنبه نیمهٔ ماه رجب اتفاق افتاد.[۱]

تعیین کعبهٔ مکرّمه به عنوان قبلهٔ نهایی و مخصوص مسلمانان، از سوی خداوند متعال صورت گرفت و آیات ۱۴۲ تا ۱۴۵ سورهٔ بقره ناظر به این معناست. تحویل قبله از بیت المقدس به مکّه مکرّمه به امر خداوند و حکمت تغییر آن و گفت‌وگوهای میان یهودیان (که بیت‌المقدس را قبلهٔ خاص خود می‌دانستند) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پاسخ‌هایی که قرآن کریم در این باره به شبهات یهودیان داده است، فصل درخشان و تعیین کننده‌ای در تاریخ اسلام به شمار می‌آیند. خداوند متعال در آزمون قبله و تحویل آن، به دشمنان و نکوهش کنندگان (مشرکان و یهودیان و منافقان) پاسخ گفت و برای بزرگداشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خشنودی آن حضرت را ـ که جز رضای الهی نبود ـ خواست و خواست او را که دوست داشت خداوند قبله را به سوی کعبه بگرداند، اجابت نمود و به این وسیله، یکی از سنّت‌های الهی مبنی بر اینکه هر امّت و اهل هر ملت و هر صاحب دعوتی را جهت تعیین کننده‌ای باشد که برای عبادت و نماز روی بدان آورند و به این وسیله از دیگران شناخته شوند، محقّق گرداند. کعبه خانهٔ محبّان است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: این خانه‌ای است که خداوند از خلق خود به وسیلهٔ آن پرستش خواسته است، تا به این خانه درآیند و از آزمون فرمان‌برداری و بندگی برآیند و هم از ایشان بزرگداشت و دیدار کعبه را خواسته و آن را جایگاه انبیا و نمازگزاران خود ساخته است.[۲] (ر.ک. آیات قبله / آیات مسجد الحرام.)

قرآن در مسجد

قرآن در مسجد: تلاوت و آموزش قرآن در مسجد.

مسجد در وهلهٔ نخست، برای ادای نماز فریضه است، اما محدود به آن نیست و سایر عبادات را نیز می‌توان در مسجد بجا آورد. تلاوت قرآن از این جمله است.

در بارهٔ تلاوت، فراگیری و آموزش

---

۱. دائرةالمعارف فارسی، ج ۲، بخش ۱، ص ۲۰۱۳.

۲. بحارالأنوار، ج ۸۴، ص ۵۷.

قرآن در مساجد، سخنان پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام نشان‌دهندهٔ خشنودی خداوند متعال از فراگیرندگان و آموزش‌دهندگان قرآن است، تا آنجاکه گاه وظیفهٔ انحصاری مسجد، قرآن و درس آن شده است.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «**إنَّما نُصِبَتِ المَساجِدُ للقرآن**»؛[۱] همانا مسجدها برای (خواندن، آموختن و ترویج) قرآن برپا شده‌اند.

از اصحاب رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده است که گفتند: در مسجد، حلقه‌وار در چند گروه نشسته بودیم و گفت‌وگو می‌کردیم. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از خانه به مسجد تشریف آوردند و به جمع ما نگریستند، آن‌گاه نزد اصحاب قرآن نشستند و فرمودند: من به سوی این انجمن مأمور شده‌ام.[۲]

امام باقر علیه‌السلام آنجاکه از قرآن‌خوانان یاد و آنان را معرفی می‌کنند، از مردی نام می‌برند که قرآن بخواند و بداند و داروی شفابخش آن را بر دل دردمند خود نهد و شب را با آن به سر آورد و روزی را از بامداد تا شامگاه با قرآن بگذراند. سپس حضرت می‌افزاید: «**و قام به فی مساجده**»؛[۳] و در مساجد خود، برای خواندن و آموختن و آموزش و ترویج آن قیام کند.

در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که خداوند متعال می‌فرماید: «**إنَّ بُیُوتی فی الأرض المساجد، و إنَّ زواری فیها عُمّارها**»[۴] خانه‌های من در زمین مسجدهایند و زائران من در آن خانه‌ها آبادگران آن‌ها.

عمران و آبادانی اعم از صوری و باطنی است؛ هم آبادی قدر و منزلت است به نماز و تلاوت قرآن و دعا و هم آبادی (صوری) مسجد را وجهه همّت خویش قرار دادن.

قرآن خواندن در هر خانه‌ای ـ اعم از مسجد یا غیر آن ـ مایهٔ برکت و حضور فرشتگان و راندن شیاطین است و موجب

---

۱. بحارالأنوار، ج ۸۳، ص ۳۶۳.

۲. مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعهٔ اسلامی، ص ۵۱ به نقل از: حیاة الصحابة، ج ۳، ص ۱۰۶.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۳ و ۴۲۱ ـ ۴۴۳ / محجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۱۸.

۴. مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعهٔ اسلامی، ص ۴۴ به نقل از: تفسیر الکشّاف، ج ۲، ص ۱۷۹.

نورانیت و درخشش خانه و اهل آن نزد آسمانیان می‌گردد؛ چنان‌که در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام به این موضوع تصریح شده است.[۱]

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمودند: هیچ گروهی در مسجدی از مسجدهای خداوند گرد نیایند که به تلاوت کتاب خدا بپردازند و آن را به درس و بحث فراگیرند، مگر آنکه آرامش الهی بر ایشان فرود آید و رحمت او آنان را دربرگیرد و خداوند ایشان را در شمار کسانی که نزداویند، یاد کند.[۲]

قصّه‌گویی در مسجد

قصّه‌گویی در مسجد: داستان‌سرایی و بیان حکایات در مسجد.

یکی از مواردی که در متون روایی از انجام آن نهی شده قصه‌گویی و داستان‌سرایی و بیان حکایات و افسانه‌ها در مسجد است.

امام صادق علیه‌السلام از جدّش امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت قصه‌گویی را در مسجد دید و وی را با تازیانه زد و از مسجد بیرون کرد.[۳]

از این‌رو، فقها نیز این عمل را مورد نکوهش قرار داده‌اند و در ذیل قاعدهٔ «حرمت اهانت به محترمات دین»، یکی از موارد تطبیق قاعده را «اهانت کردن به مسجد به این صورت که آن را مکان قصه‌گویی قرار دهند»، به شمار آورده‌اند.[۴]

روشن است که این نهی شامل حکایات پندآموز و قصه‌هایی که در قرآن کریم و روایات وارد شده‌اند، نمی‌شود؛ زیرا اگر بیان هرگونه قصّه و حکایتی جایز نبود خداوند متعال داستان زندگی برخی پیامبران و اقوام را در قرآن بیان نمی‌کرد. از این‌رو، نقل حکایت و قصه‌های آموزنده قطعاً بدون اشکال است و آنچه مورد ذمّ و نکوهش قرار گرفته بیان افسانه‌ها و داستان‌هایی است که هیچ فایده و اثری غیر از اتلاف وقت بر آن‌ها مترتّب نیست.

---

۱. الکافی، ج ۴، ص ۴۲۱ و ۲۷۳.

۲. مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعهٔ اسلامی، ص ۵۰ به نقل از: مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

۳. الکافی، ج ۷، ص ۲۶۳، ح ۲۰.

۴. القواعدالفقهیة، ج ۵، ص ۳۰۲ (قاعدة حرمة اهانة المحترمات فی الدین).

«ک»

کارکردآموزشی ـ تربیتی مسجد

کارکرد آموزشی ـ تربیتی مسجد: آموزش و تربیت افراد با استفاده از فضای پاک مسجد.

دینی که بر امر به «خواندن» و «آموزش» و مبارزه با جهل و نادانی بنا شود طبیعی است که در این زمینه، ابزارها و وسایلی را به خدمت بگیرد. از جملهٔ این ابزارها، استفاده از فضای مسجد در اوقات غیرعبادی است. پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که مسجد نخستین مرکز آموزشی مسلمانان بوده است. در صدر اسلام، پیامبر و یارانش در مسجدالحرام گردهم می‌آمدند و از احکام الهی سخن می‌گفتند. با هجرت پیامبر به مدینه و تأسیس مسجدالنبی، نه فقط مکانی برای عبادت، بلکه دانشگاهی سراسر شور و نشاط در جهان اسلام تأسیس گردید. حضرت در این مسجد و دیگر مساجد به تعلیم و آموزش قرآن و گفت‌وگوها و مناظرات علمی می‌پرداختند و در پرتو این گفت‌وگوها، حقایق وحی و آیات الهی روشن می‌گردیدند و به شبهات پاسخ داده می‌شدند و پرده‌های جهل و تردید فرومی‌ریختند. در اهمیت آموزش و تعلیم، روایات بسیاری وارد شده‌اند[1] و سیرهٔ عملی پیامبر نیز بر همین بوده است.

روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد مسجد شدند و دوگروه را مشاهده کردند: گروهی

---

۱. اصول کافی، ج ۱، کتاب «فضل العلم» ص ۳۰ / منیة‌المرید، فصل ۱ تا ۷ «فی فضل العلم» / الارشاد، ج ۱، ص ۲۲۷.

مشغول کسب معارف اسلامی و مباحثات علمی و گروه دیگر در حال نیایش و عبادت. حضرت با اشاره به گروه اول، فرمود: «**هؤلاءِ أفضَلُ، بالتَعلیمِ اُرسلتُ. ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُم**»؛[1] این گروه علمی از فضیلت بیشتری برخوردار است؛ زیرا من برای تعلیم فرستاده شده‌ام، و خود نیز در جمع آنان نشست. از این‌رو، مسجد وظیفهٔ پاس‌داری از علوم و خدمت به فرهنگ ناب اسلام را برعهده دارد.

قابل توجه اینکه آموزش و یادگیری در صدر اسلام امری همگانی بود و به گروه و یا قوم خاص و یا مردان اختصاص نداشت.

به همین دلیل، زنان نیز در مساجد حضور می‌یافتند و سؤال‌هایشان را مطرح و پاسخ دریافت می‌کردند.[2]

در تاریخ، از مکان‌های دیگری همچون «دارالقرّاء» (خانهٔ قاریان قرآن) سخن به میان آمده است، ولی بی‌تردید، حجم کارهای آموزشی و فرهنگی که در این مکان‌ها انجام می‌شد با آنچه در مساجد جامع صورت می‌گرفت قابل مقایسه نیست.

گذشت زمان و تتبّع در سیرهٔ معصومان علیهم‌السلام حکایت از آن دارد که تمام علوم رایج آن زمان همچون قرائت قرآن، تفسیر، حدیث و فقه، به‌طور عمده، در مسجد تدریس می‌شد و با گذر زمان، در کنار رشد وگسترش علم و دانش و پیدایش شاخه‌های جدیدی از علوم و افزایش شمار دانش‌پژوهان، «مدارس» در کنار «مساجد» برپا شدند. این روند در دوره‌های بعد هم ادامه پیدا کرد و اندیشمندان و متخصصان و دانش‌پژوهان علوم اسلامی جلسات درس و بحث را در مساجد برپا می‌کردند.

از مشهورترین دانشگاه‌های عمومی یا مساجد آموزشی، می‌توان به «مسجد النبی»، «مسجد جامع بصره»، مسجد «جامع کوفه»، «مسجد الاقصی» و «قبة الصخره» در بیت‌المقدس، «جامع اموی» دمشق، مسجد «جامع فسطاط»، «جامع زیتونیه» و «جامع قیروان» در تونس، «جامع ابن‌طولون» در قطائع،

---

۱. منیةالمرید، ص ۱۰۷.

۲. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۴۸ / تاریخ آموزش در اسلام، ص ۸۹.

«جامع الأزهر» در قاهره و مشاهد مقدّس اهل‌بیت علیهم‌السلام مانند نجف، کربلا، قم و مشهد اشاره کرد.

بنابراین، نهضت پیدایش دانشگاه اسلامی نخست از مساجد آغاز شد و آن‌گاه در چهرهٔ دارالعلم نمایان گردید و با پیدایش مدارس گوناگون، به بلندای خود رسید. این سنّت در بسیاری از کشورهای اسلامی همچنان باقی است و می‌توان به «مسجدالحرام» در مکّهٔ مکرّمه و «مسجدالنبی» در مدینةالرسول و مسجد «گوهرشاد» در مشهدمقدّس و مسجد «اعظم» قم در جوار حرم حضرت فاطمهٔ معصومه علیهاالسلام، که مهم‌ترین مرکز دروس عالی حوزهٔ علمیهٔ قم به شمار می‌آید، اشاره کرد.[۱]

جلسات آموزشیِ دروس معارف اسلامی در مسجد، از صدر اسلام تا به امروز، شاگردان بسیاری را تربیت و به جامعه اسلامی معرفی نموده است؛ شاگردانی که بار عظیم فکری و فرهنگی و دینی جامعهٔ اسلامی را در طول قرون گذشته برعهده داشته و هم اینک نیز بر دوش دارند.

کارکرد اقتصادی مسجد

کارکرد اقتصادی مسجد: نگه‌داری اموال عمومی و تقسیم غنایم و ارشادات اقتصادی در مسجد.

از جمله فعالیت‌های مسجد در صدر اسلام، امور اقتصادی بود. بنابر شواهد تاریخی، اموال عمومی در مسجد گردآوری و از آنجا در بین مسلمانان توزیع می‌گردید؛ غنایم جنگی نیز پس از جنگ به مسجد انتقال می‌یافت و در آنجا بین مجاهدان تقسیم می‌شد.

در ***صحیح بخاری***، از انس نقل شده است: اموال فراوانی را از بحرین به حضور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آوردند، حضرت فرمود: «**انثروه فی المسجد**»؛ آن را در مسجد توزیع کنید.[۲]

شاید ساختن مجموعه‌ای متصل به مسجد به نام «خزانه» و محل نگه‌داری بیت‌المال در قرون بعدی برگرفته از همین سیرهٔ پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله باشد. از این‌گونه

---

۱. ر.ک. سیمای مسجد، ج ۲، فصل ششم.

۲. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۸ و ج ۴، ص ۶۵.

مساجد، می‌توان مسجد «جامع ابن‌طولون» در قاهره و مسجد «جامع فسطاط» در مصر را نام برد.

رابطهٔ بین مسجد و اقتصاد از نگاه دیگری نیز مورد تأمّل است. قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلاةُ فَانْتَشِرُوْا فِي الأَرْضِ وَ ابْتَغُوْا مِنْ فَضْلِ اللهِ﴾؛[۱] هنگامی که نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید. مفسّران در تفسیر این آیهٔ شریفه می‌نویسند: «أی: إذا صَلّیتم الجُمْعَة و فَرَّغْتُمْ عَنها تَفرّقوا فِی الأَرضِ و اُطْلُبُوا الرِّزقَ فِی الشِراءِ وَ البِیع»؛[۲] پس از نماز جمعه، در زمین پراکنده شوید و با خرید و فروش، طلب رزق کنید. در برخی از روایات هم برای کسب رزق حلال، به همین آیه استشهاد شده است.[۳]

به همین دلیل، می‌بینیم که بعضی از مساجد از دو طرف و برخی از چهار طرف به بازار راه دارند و بازارهای اسلامی همچون مساجد طاقدار ساخته شده‌اند که برای ورود به آن‌ها، در بسیاری از مواقع باید از صحن و حیاط مسجد عبور کرد. هدف از پیوند میان مسجد و بازار این است که بازاریان علی رغم اشتغالات مادی، همواره به یاد خدا باشند و هیچ‌گاه از یاد خدا غافل نباشند: ﴿رِجالٌ لاتُلْهِيْهِمْ تِجارَةٌ وَ لابَيْعٌ عَنْ ذِكْرِاللهِ و إقامِ الصَّلوة﴾؛[۴] مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز غافل نمی‌کند.

فایدهٔ دیگر این‌گونه بناها و مساجد مرتبط به بازار، استفادهٔ بازاریان از دروس و معارف اسلامی است که از صدر اسلام تا به امروز در مساجد بوده است؛ برخی از کسبه ساعاتی را برای آموختن احکام معاملات و بیع و شراء اختصاص می‌دهند.[۵]

فعالیت‌های اقتصادی مساجد امروزه بیشتر در قالب تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه و دستگیری از محرومان جامعه در مشکلات صورت می‌گیرد.

---

۱. جمعه: ۱۰ .

۲. فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۳۵ .

۳. عدة الداعی، ص ۹۱ ـ ۹۲ .

۴. نور: ۳۷ .

۵. مسجد قلب جامعه، ص ۳ و ۴ .

کارکرد درمانی مسجد

کارکرد درمانی مسجد: درمـان بـیماران و مجروحان و عیادت از آنها در مسجد.

طبق نقل‌های تاریخی، درصدر اسلام از مسـاجد بـرای درمـان بـیماران و مـعالجهٔ مجروحان جنگی استفاده می‌شده «وقدکان فی مَسجِدِ الرسولِ مَوضِعٌ یُعالجُ فیه المَرْضی وَ الجَـرْحیٰ وکـانَ الرَّسُـولُ و الصَّـحابَهُ یَتَفَقَّدوُنَ المَرضی النّازِلین»؛[۱] در مسـجد پـیامبر، جـایگاهی بـرای مـعالجهٔ بـیماران و مـجروحان مـعیّن شـده بـود و پـیامبر و یـارانش در آنـجا از بـیماران عـیادت می‌کردند.

واقدی مـی‌نویسد: در مـاجرای جـنگ احـد، مـردم در مسـجد چـراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را زخم‌بندی می‌کردند.[۲]

البته نقل‌های تـاریخی حـجیّت قـطعی ندارد، علاوه بـرایـنکه بـعید نـیست مـحلّ درمـان مـجروحان را خـارج از مـحدودهٔ اصـلی مسـجد بـدانـیم؛ زیـرا طـبق نـقل، جایگاهی در مسجد پیامبر به امـر درمـان اختصاص یافته بود، اما اینکه مطمئناً ایـن جایگاه جزو مسجد هم بوده است یا خیر، معلوم نیست و بعید نمی‌نماید که این جایگاه را خارج از مسجد و در کنار آن بـدانـیم؛ زیرا در قرون بعد، می‌بینیم که در بـرخـی شـهرهای اسـلامی، سـاختن «دارالشـفاء» و بیمارستان جزو مجموعه‌های مسجد رسم شد و یا مسجد جزو بیمارستان قرار گرفت تا ضمن شفای جسمی، بیماران بـه شـفای روحی و روانی نیز بپردازند. برای نـمونه، می‌توان به نخستین بیمارستان در قرن دوم در بغداد،و بـیمارستان «عـضدی» در قـرن چـهارم بـه فـرمان عـضدالدوله دیـلمی و بیمارستان «ری» اشاره کرد.[۳]

وجه دیگری که در ایـن بـاره صـحیح به نظر می‌رسد آن است که بگوییم: انجام امور درمانی در مساجد مربوط بـه مـوارد اضطرار و ناچاری بوده است و در صـدر اسلام، به دلیل نداشتن مکان مناسب برای نگـهداری و پـرستاری از مـجروحان،

---

۱. الآداب الطّیبة فی الاسلام، ص ۶۹ .

۲. المـغازی، ج ۱ ، ص ۱۸۰ / سیمای مسجد، ج ۲ ، ص ۲۰۵ ـ ۲۰۷ .

۳. علم در اسلام، ص ۱۶۳ ـ ۱۶۶ .

از مساجد استفاده می‌شده است؛ زیرا درمان جراحت معمولاً با خون‌ریزی همراه است و این با شأن و قداست مسجد سازگاری ندارد.

در انقلاب اسلامی ایران، مردم متدیّن با الهام از کارایی مساجد در صدر اسلام، به درمان مجروحان و تشکیل گروه‌های پزشکی برای مداوا در سایر مکان‌ها غیر از مسجد، پرداختند، ولی تأمین هزینه‌ها و خدمات‌رسانی این گروه‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها از طریق مساجد انجام می‌شد.

کارکرد رسانه‌ای مسجد

کارکرد رسانه‌ای مسجد: ویژگی ارتباطی و اطلاع‌رسانی مسجد.

مسجد در تمام ابعاد، بر دیگر رسانه‌ها برتری دارد. از لحاظ تاریخی، تأسیس آن همزمان با تولّد بشر بر روی کرهٔ خاکی بوده و از این نظر که رسانه‌ها پایگاه‌هایی ارتباطی هستند، رسانهٔ مسجد با ارتباط حضوری با مخاطبان و با توجه به اطلاع‌رسانی آن در زمینهٔ تعالی آموزش و تربیت انسان‌ها، بر دیگر وسایل ارتباط جمعی امروزی برتری دارد؛ رسانه‌هایی که با ارتباطی غیرحضوری و تصنّعی می‌کوشند با در دست گرفتن افکار عمومی، انسان‌ها را به عنوان یک ابزار در خدمت نهادهای سیاسی و حکومت‌های قدرتمند درآورند. همچنین رسانهٔ مسجد در سازمان‌دهی حرکت‌های اجتماعی و فرهنگ اسلامی، نقش عمده‌ای ایفا نموده است؛ چنان‌که در انقلاب اسلامی، حلقهٔ واسط میان رهبری انقلاب و مردم بود و نقش ارتباطی در این بین ایفا می‌نمود.

از ویژگی‌های رسانهٔ مسجد آن است که در عین حال که غیرگروهی و تشکیلاتی ـ به معنای مصطلح ـ است، از حالت تشکیلاتی برخوردار است و مخاطبان امکان ارتباط تشکیلاتی با یکدیگر می‌یابند. این ارتباط به دلیل غیرسازمانی بودن، به شدت مردمی است و امکان بهره‌برداری دشمن را به حداقل می‌رساند. اما بعد ارتباطی رسانهٔ مسجد عمیق‌تر است؛ زیرا با دل‌ها و افکار هماهنگ با هم سروکار دارد و علاوه بر تأثیر بر افکار، در قلوب هم نفوذ دارد.

رسانهٔ مسجد یک پایگاه ارتباطی سهل‌الوصول و در عین حال، مورد اعتماد و قابل دسترس برای همهٔ مخاطبان و علاقه‌مندان است و مقابلهٔ حکّام جور با آن از نظر سیاسی، باید شکل علنی داشته باشد که همین موجب افشای چهرهٔ غیردینی آنها می‌شود، وگرنه در صورت مخفی بودن، کاربرد چندانی ندارد.[۱]

کارکردسیاسی ـ اجتماعی مسجد

کارکرد سیاسی ـ اجتماعی مسجد: فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در مسجد.

مسجد همواره مهم‌ترین فضای سیاسی جامعهٔ اسلامی در طول تاریخ بوده است؛ زیرا اسلام دینی است که در آن رابطه‌ای مستقیم بین فعالیت‌های عبادی و سیاسی وجود دارد. این ارتباط به روش‌های متعدد قابل تصور و درک است که از آن جمله، می‌توان به خطبه‌های نماز جمعه و تبیین مسائل حکومتی و سیاسی و مسائل مهم اجتماعی توسط خطیب جمعه اشاره کرد.

مسجد پایگاه همهٔ فعالیت‌های سیاسی جامعهٔ اسلامی و در واقع، «دارالحکومه» آن بوده است. ملاقات‌های رهبران و نمایندگان خارجی و تصمیم‌گیری‌های مهم در مساجد صورت می‌گرفت و حرکت‌های سیاسی ـ اجتماعی از مسجد رهبری و سازمان‌دهی می‌شد. مسجد همواره بهترین سنگر برای مبارزه با کژی‌ها و انحرافات فکری و اجتماعی در جامعهٔ اسلامی بوده است.

سنّت پیامبر این بود که هرگاه مشکلات فکری و ناهنجاری‌های اجتماعی پیش می‌آمد، با حضور در مسجد و ایراد سخن به روشن نمودن افکار عمومی می‌پرداخت. این سخنرانی‌ها معمولاً پس از نماز جماعت انجام می‌گرفت وگاه با ندای «**الصلاةُ جماعة**» مردم را در مسجد جمع و حضرت سخنرانی می‌کردند.[۲]

---

۱. کارکرد مساجد، ص ۱۲۷ ـ ۱۳۶.

۲. السیرة النبویة، ج ۴ / سیمای مسجد، ج ۲، فصل هشتم / شرح نهج‌البلاغة، ج ۱۱، ص ۹ / الکافی، ج ۸، ص ۳۴۱، ح ۵۳۸ و ح ۵۶۴ / سیمای مسجد، ج ۲، فصل هشتم.

خلاصه آنکه مساجد کانون مقبولیت احکام و بیعت با خلیفهٔ اسلام بودند. امروزه «بیعت» به «انتخابات» تغییر نام یافته و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ربع قرن گذشته، عمدتاً انتخابات در مساجد برگزار شده است. برگزاری انتخابات در مسجد، در حقیقت بیعت با نظام اسلامی و حاکی از اسلامی و عبادی بودن این عمل، و اخذ آراء در جوّ سالم و آزاد مسجد نشان‌دهندهٔ مقبولیت یک نظام دینی از سوی مردم است.

کارکرد عبادی مسجد

کارکرد عبادی مسجد: پرستش خدا و شکرگزاری به درگاه او در مسجد.

مسجد با ویژگی‌ها و شرایط مخصوص به خود، مناسب‌ترین مکان برای حضور در درگاه الهی و شکرگزاری از اوست. پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله از نخستین روزهایی که دعوت به اسلام را به صورت آشکارا مطرح ساختند، از کعبه و مسجدالحرام (اولین مسجد ساخته شده بر روی کرهٔ زمین) به عنوان پایگاه عبادت استفاده می‌کردند و در آن به قرائت قرآن و مناجات با خدا و اقامهٔ نماز می‌پرداختند. شواهد تاریخی حاکی از آن است که پیامبر مسلمانان را ترغیب و تشویق می‌نمودند تا به مسجد رفت و آمد کنند و از برگزاری نمازهای پنج‌گانه در مساجد بدون عذر تخلّف نورزند. این تأکیدات تا آن حد هستند که خودداری از حضور در مساجد از روی بی‌اعتنایی، نوعی روی‌گردانی از سنّت پیامبر و موجب عدم قبول عبادات به شمار می‌آید.[۱]

نصوص وارد شده از معصومان علیهم‌السلام بر اقامهٔ نماز در مسجد، بمخصوص به جماعت، تأکید فراوان دارد و برای این عمل، آثار و برکات دنیوی و اخروی ذکر می‌کند.

از دیگر سو، قرآن کریم از هر کسی که به این نقش بنیادین مسجد ـ یعنی عبادت

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۷۳، ب «فضل الصلاة فی الجماعة» / تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۴، ب «فضل الجماعة» و ص ۲۴۸، ب «فضل المساجد و الصلاة فیها و...» / بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱، ب «فضل الجماعة و عللها» / سیمای مسجد، ج ۲، فصل پنجم ص ۵۴ ـ ۵۷.

و پرستش ـ آسیب برساند به عنوان «ظالم» یاد می‌کند: ﴿و مَن أظلَمُ مِمَّن مَنَعَ مساجدَ اللهِ أن یُذکَرَ فیها اسمُهُ و سَعَیٰ فی خَرابِها﴾؛[1] کیست ستم‌کارتر از آن کسی که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری می‌کند و سعی در ویرانی آن‌ها می‌نماید؟!

کارکرد عبادی مسجد وقتی جنبهٔ سیاسی ـ عبادی به خود می‌گیرد، همچون برپایی نماز جمعه، شکوه و عظمت بیشتری پیدا می‌کند و بیداری و آگاهی و قدرت و همبستگی و یکپارچگی امّت مسلمان را به سران کفر و استکبار یادآوری می‌نماید. سنّت برپایی نماز جمعه از مسجدالنبی آغاز شد و سپس به مساجد جامع و مرکزی شهرها و بلاد اسلامی توسعه یافت. این فریضه در زمان خلفای راشد و امامت امام علی علیه‌السلام و امام حسن مجتبی علیه‌السلام رواج داشت، ولی پس از آن با انحراف از جایگاه واقعی‌اش، روز به روز کم‌رنگ‌تر گردید و با ظهور انقلاب اسلامی ایران، با همان عظمت و شکوه و ویژگی‌هایی که داشت، احیا گردید.[2]

کارکرد فرهنگی مسجد

کارکرد فرهنگی مسجد: تحقق فرهنگ ناب اسلامی و ترویج آن در مسجد.

مسجد مرکزی فرهنگی است که مردم را در شبانه روز، پنج نوبت (یا دست‌کم سه نوبت) به سوی خود فرامی‌خواند و فرهنگی را ارائه می‌دهد که به جای تکیه بر امتیازهای ظاهری و اختلاف‌های قومی، بر ویژگی‌های مشترک تأکید ورزیده، ارزش‌های اجتماعی مشترک انسان‌ها را در قالب فطری و الهی حیات می‌بخشد. این جهت‌دهی از روزهای آغازین صدر اسلام، در سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای علمی ـ فرهنگی پیامبر با مردم و سران قبایل گوناگون آغاز شد و معیارهای جدیدی برای بشریت به ارمغان آورد که مهم‌ترین آن‌ها ارزش‌گذاری بر مبنای تقوا و پرهیزگاری است.

---

۱. بقره: ۱۱۴.

۲. برای مطالعهٔ بیشتر روایات این بحث، ر. ک. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۵، ب «الجماعة و فضلها» و ص ۴۰۹، ب «وجوب الجمعة و فضلها و...».

همچنین پیامبر اکرمﷺ افرادی را که پرورش یافتهٔ مکتب فرهنگی خود او بودند برای ارائهٔ راه و روش و فرهنگ صحیح اسلام به مردم در مناطق و مساجد می‌گماشتند. از جملهٔ این چهره‌های فرهنگی، می‌توان عبدالله بن امّ‌مکتوم، عبدالله بن رواحه و معاذ بن جبل را نام برد. پیامبر اعظمﷺ افرادی را نیز برای تعلیم معارف دینی، قرآن و سنّت، به بلادگوناگون اعزام می‌کردند. این افراد با سختی‌های فراوان، به تبلیغ فرهنگ اسلام می‌پرداختند. فاجعهٔ «بئر معونه»، که در آن چهل یا هفتاد نفر از مبلّغان با نیرنگ دشمنان اسلام به شهادت رسیدند و همچنین کشته شدن سپاه تبلیغ به رهبری کعب بن عمیر غفاری در سرزمین «ذات اطلاح» از صفحات سیاه تاریخ است.[۱]

از دیگر فعالیت‌های فرهنگی مسجد، وجود کتاب و کتابخانه در مسجد است. عدم دست‌رسی مسلمانان به کاغذ و محدود بودن افراد با سواد، امکان تهیهٔ قرآن را در صدر اسلام دشوار ساخته بود. از این‌رو، در جهت حفاظت از قرآن‌های دست‌نویس و امکان استفادهٔ عمومی، این نسخ در مساجد نگه‌داری می‌شد. به دنبال گسترش علوم قرآنی و ازدیاد کتب، نگه‌داری آن‌ها در داخل مسجد دشوار گردید. به همین دلیل، در قرون بعد، مکانی به عنوان «کتاب‌خانه» در کنار مساجد ساخته شد.[۲]

(ر.ک. کتابخانه‌های مساجد.)

کارکرد قضائی مسجد

کارکرد قضائی مسجد: دادخواهی و حلّ و فصل اختلافات و منازعات مردم در مسجد.

به شهادت تاریخ، مسجد نخستین مکانی است که پیامبراکرمﷺ در آن به قضاوت و دادخواهی و حل و فصل اختلافات، منازعات و صدور احکام قضائی پرداختند و مکان دیگری جز مسجد برای قضاوت آن حضرت نقل نشده است.

قضاوت پس از نبی مکرّمﷺ همچنان

---

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک. السیرة النبویة، ج ۲ / المغازی / فروغ ابدیت، ج ۲.

۲. ر.ک. نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدّن اسلامی.

در مسجد انجام می‌شد و این امر به قدری رایج بود که جایگاه قضاوت امام علی علیه‌السلام در مسجد کوفه به «دکّة القضاء» شهرت یافته و همچنان باقی است. مؤیّد این سخن بر جواز قضاوت در مسجد، روایتی از امام علی علیه‌السلام است که به سایر قضات دستور می‌دهد تا در مسجد به قضاوت بنشینند: «**یا شریح، اِجلس فی المسجدِ فإنّه اعدلُ بَینَ النّاس، فانَّه وهنٌ بالقاضی أن یَجلسَ فی بیته**»؛[1] ای شریح! در مسجد قضاوت کن که این عمل برای عدالت بین مردم بهتر است. نشستن در خانه و قضاوت کردن موجب وهن قاضی است.

با گسترش جمعیت مسلمانان و کثرت منازعات و اختلافات، سازمان‌هایی به امر قضا در جامعهٔ اسلامی پرداختند. پس از برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران، قوّهٔ قضائیه، یکی از قوای سه‌گانهٔ نظام حکومتی، این امر را برعهده گرفت. امروزه جلسات شوراهای حلّ اختلاف با نظارت قوّهٔ قضائیه نیز در مساجد تشکیل می‌گردد.

لازم به ذکر است که برخی از علما قایل به کراهت قضاوت در مسجد هستند.[2]

(ر.ک. حبس در مسجد / اجرای حدّ در مسجد.)

کارکرد مدنی مسجد

کارکرد مدنی مسجد: تأثیر مسجد بر شهرنشینی و مسائل اجتماعی آن.

مهم‌ترین بخش از کارکرد مدنی مسجد آن است که پایه و اساس شهر شدن و مدنیت مکانی خاص، وجود مسجد در آن است. از رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده است که می‌فرماید: روستا به جایی گویند که جمعه و جماعت و مسجد ندارد.[3] از این‌رو، مسلمانان در تأسیس شهرهای جدید، اولین مکانی که می‌ساختند، مسجد بود؛ مثل شهرکوفه که اولین شهری است که مسلمانان آن را از پایه بنا کردند

---

۱. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۴، ح ۱۸۹۷.

۲. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۲ / مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۲، ص ۵۲۴ / قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۲۰۴.

۳. کنزالعمّال، ج ۱۴، ص ۱۷۵.

و مسجد اولین بنای آن شهر بود.[۱] همچنین یثرب پس از ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ساخت اولین مسجد در آن، به «مدینةالنبی» تبدیل شد.

از کارکردهای مدنی مسجد، دفاع و پاس‌داری از حریم شهر است که مسلمانان با مرکزیت آن، به این مهم می‌پرداختند.[۲] همچنین می‌توان تنظیم رفتارهای شهروندان و نحوهٔ تعامل با یکدیگر، برطرف کردن معضلات شهری همچون، بزه‌کاری، حاشیه‌نشینی، تکدّیگری، عدم رعایت بهداشت و مرکز بودن مسجد برای شورای شهر را از کارکردهای مدنی مسجد برشمرد. بدین‌روی، رسول گرامی صلی الله علیه و آله به کمک مسجد، شهر اسلامی را مدیریت می‌کرد و مدیریت شهری را به عهده داشت.

کارکرد نظامی مسجد

کارکرد نظامی مسجد: تعلیم نظامی و تشکیل سپاه اسلام و اعزام به جبهه‌ها از مسجد.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در طول ۲۳ سال رسالت خویش، پیوسته در حال مبارزه و جنگ‌های کوچک و بزرگ با دشمنان داخلی و خارجی بود، به‌گونه‌ای که مسلمانان در طول دوران ده سالهٔ حضور پیامبر در مدینه، بیش از هفتاد جنگ و درگیری نظامی داشتند. به شهادت تاریخ، مسجد مهم‌ترین نقش را در حوزهٔ نظامی داشته است. این مکان مقدّس جایگاه تشکل سپاهیان اسلام و معرفی فرماندهان سپاه و آموزش نظامی به سربازان و اعزام آنان به سوی جبهه‌ها بوده است. گفت‌وگوها و مشورت‌های نظامی در مسجد صورت می‌گرفت و هنگام احساس خطر، سپاهیان اسلام در مسجد گردهم می‌آمدند و سیاست‌های دفاعی را سامان‌دهی می‌کردند. به همین دلیل، می‌بینیم نقطهٔ حرکت سپاه اسلام در بسیاری از جنگ‌ها مسجد بوده است. آثار سازندهٔ گرد آمدن در چنین مکانی، هنگام حرکت به سوی دشمن روشن و آشکار می‌گردد.[۳]

---

۱. کوفه پیدایش شهر اسلامی، ص ۸۶ ـ ۱۶۰.

۲. سیمای مسجد، ج ۲، ص ۱۸۵.

۳. السیرةالنبویة، ج ۳ و ۴ / المغازی، ج ۱ و ۲.

در انقلاب اسلامی ایران نیز حرکت‌های نظامی همچون ترور منصور از مسجد هدایت می‌شد.[۱] در سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دوران جنگ هشت سالهٔ ایران و عراق، از مساجد به عنوان پایگاه‌های اعزام و پشتیبانی، جنگ استفاده می‌شد.

کارکرد مسجد

کارکرد مسجد: کارایی‌های مسجد (از صدر اسلام تا به امروز).

«کارکرد» [رْ کَ یا کِ] اسم مصدر و در لغت، به معانی کارکردن و عمل، کار و کردار و فعل و رفتار، کاری که انجام یافته است، اندازه و مقیاس کار انجام شده آمده است.[۲]

مساجد در صدر اسلام، دارای کارکردهای گوناگون عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، تربیتی، ادبی، تبلیغی، درمانی، اقتصادی و قضائی بودند. در قرون گذشته، برخی از این کارکردها با توجه به شرایط و موقعیت‌های گوناگون، تقویت و یا تضعیف و یا به طور کلی، حذف شده است. قریب یک قرن پس از ظهور اسلام، کارکرد عمده و اساسی مسجد فقط به جنبهٔ عبادی آن منحصر گردید. با شروع مبارزات امّت اسلامی، بسیاری از مساجد احیا و فعّال گردید و بسیاری از کارکردها همچون صدر اسلام به مساجد بازگشت، به گونه‌ای که مساجد نقش اساسی و عمده‌ای در پیروزی انقلاب اسلای ایران ایفا کردند. با تأسیس نهادها و سازمان‌های گوناگون طیّ سالیان اخیر، برخی از کارکرد مساجد به آنها واگذار گردید و عملاً کارکردهای مسجد به جنبه‌های ویژه‌ای همانند برگزاری نماز جماعت، سخنرانی در ایّام گوناگون و برگزاری مراسم وفیات تخصیص و تقلیل یافت.

---

۱. هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ص ۱۹۷ ـ ۲۰۰ / سیمای مسجد، ج ۲ ، فصل هفتم.

۲. لغت‌نامه / فرهنگ عمید / فرهنگنامهٔ قرآن، ج ۱ ، ص ۱۹۳ .

کارکرد هنری مسجد

کارکرد هنری مسجد: پخش فیلم و اجرای نمایش، سرود و موسیقی در مسجد.

از جمله مباحث فقهی جدید در بارهٔ مسجد، بحث در بارهٔ فعالیت‌های هنری همچون پخش فیلم و اجرای نمایش، موسیقی و سرود در مساجد است.

به دلیل آنکه مساجد خانه‌های خدا بر روی زمین هستند[۱] و از عظمت و بزرگی خاصی برخوردارند، بنابراین، ما از انجام هرگونه فعالیتی در مسجد که به جایگاه عبادی آن ضرر و زیان برساند، منع شده‌ایم. (ر.ک. کارکرد عبادی مسجد.)

امااز سوی دیگر،در روایات و احادیث، هیچ‌گونه اشارهٔ مستقیمی به این مباحث نشده است. به همین دلیل، حکم موارد مزبور را باید از راه مراجعه به فقها و مراجع تقلید به‌دست آورد.

در بارهٔ پخش فیلم‌های سینمایی، که از سوی وزارت ارشاد اسلامی تأیید شده، فرموده‌اند: جایز نیست مسجد را به مکان نمایش فیلم‌های سینمایی تبدیل کنند، ولی نمایش فیلم در وقت نیاز، با هماهنگی امام جماعت مسجد، مانعی ندارد.[۲]

بی‌تردید، پخش فیلم‌ها و اجرای نمایش‌هایی که سازنده و مروّج اخلاق اسلامی باشد، از جمله فیلم‌ها و نمایش‌هایی که تاریخ امامان معصوم علیهم‌السلام را بدون تحریف عرضه می‌کند، در مسجد نه تنها مانعی ندارد، بلکه مطلوب هم هست؛ زیرا به دلیل جاذبه‌ای که برای مؤمنان، به‌ویژه جوانان، دارد آن‌ها را بهتر با زندگی آنان آشنا می‌کند. اما ارائهٔ فیلم‌ها و نمایش‌هایی غیر از این نوع، در صورتی که مضمون انحرافی داشته باشد حرام، و در صورتی که مضمون انحرافی نداشته، ولی از محتوای سازنده نیز تهی باشد، مکروه است.

بنابراین، حکم برگزاری شب خاطره و قصه و امثال این‌ها نیز از حکم مزبور روشن می‌شود.

اما در بارهٔ موسیقی‌های شاد به مناسبت

---

۱. بحارالأنوار، ج ۲۳، ص ۳۲۵.

۲. اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۲۳، س ۴۰۹ / احکام مسجد، ص ۱۱۶، ص ۱۹۵.

میلاد ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام در مسجد فرموده‌اند: روشن است که برای مسجد، جایگاه شرعی خاصی است. چنانچه پخش موسیقی در مسجد مناسب جایگاه و احترام مسجد نباشد حرام است، حتی اگر موسیقی غیرمطرب باشد.[۱]

حکم مزبور شامل مصلاّ و نمازخانه‌هایی که در حکم مسجد نیست، نمی‌شود.

کانون فرهنگی در مسجد

کانون فرهنگی در مسجد: تأسیس کانون فرهنگی در مسجد و قرار دادن فضایی از مسجد برای برگزاری فعالیت‌های آن.

مسجد با داشتن شرایط و ویژگی‌های خاص خود، می‌تواند از جمله عوامل جذب جوانان به مسجد باشد. گستردگی فعالیت‌ها و امکانات مسجد از نقاط قوّت آن است. امروزه با توجه به ابزارها و شیوه‌های نوین فرهنگی و تحوّلات عمده در مسائل علمی ـ آموزشی، مساجد بدون امکانات و فعالیت‌های گوناگون و عدم اختصاص فضای مناسبی در این جهات، توان رقابت با سایر مراکز نخواهند داشت. بنابراین، مساجد باید تا حدّ امکان، به امکانات فرهنگی مجهّز باشند.

یکی از فضاهایی که ایجاد آن در مسجد موجب جذب نسل جوان می‌گردد، ایجاد کانون فرهنگی در مسجد است. مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی از سوی مسئولان و رابطان مسجد برای جذب امکانات، هم برای جوانان مفید است و موجب جذب آنان می‌شود و هم برای جامعه سودمند است.

برگزاری کلاس‌ها و مسابقات قرآن و معارف و احکام اسلامی، نویسندگی، نقاشی، خطّاطی، طرّاحی، برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی و کلاس‌های آموزشی از جمله فعالیت‌هایی است که کانون فرهنگی در کنار سایر کارکردها در مسجد بر عهده دارد.[۲]

البته لازم به ذکر است که فعالیت‌های کانون فرهنگی مسجد و ایجاد فضا

---

۱. اجوبة الاستفاءات، ج ۱، ص ۱۲۲، س ۴۰۱.

۲. ۱۱۰ سؤال پیرامون مسجد، ص ۱۴۰.

و موقعیت در مسجد برای این منظور، نباید مغایر اهداف اولیهٔ تأسیس مسجد باشد و به شأن مسجد ضرری برساند.

(ر.ک. کارکرد عبادی مسجد / کارکرد فرهنگی مسجد.)

کتاب‌خانهٔ مسجد

کتاب‌خانهٔ مسجد: محلی در مسجد که کتاب‌ها را با نظم و ترتیب خاصی در قفسه‌ها می‌چینند.

علم آموختن، کتاب و کتاب‌خوانی در اسلام، به سال‌های نخستین دین اسلام برمی‌گردد. مسلمانان در مکّه، پس از نزول هر سوره، آن را می‌نوشتند و به یکدیگر می‌آموختند. به این صورت، کتاب وحی را بارها استنساخ کردند. که این کوشش چنان با اشتیاق انجام می‌گرفت که به تدریج، کلمات قرآن وسیلهٔ آموزش و خواندن و نوشتن زبان عربی شد. استنساخ گستردهٔ کتاب وحی این امکان را فراهم آورد که بسیاری از مسلمانان به داشتن یک نسخه از قرآن یا بیشتر، یا بخش‌هایی از آن، موسوم به «جزء» یا «حزب» مباهات کنند.

اطمینان به حفظ کتاب وحی هنگامی حاصل شد که جوامع اسلامی دریافتند کتاب مقدّس آن‌ها به محلّی دایمی نیاز دارد که مؤمنان همواره آسان و مطمئن به آن دست‌رسی داشته باشند. مسجد، که بیش از هر نهاد اجتماعی دیگری این نیاز را برآورده می‌کرد، بی‌تردید بهترین انتخاب بود. این نتیجه از آن به بعد تمجید شد، به‌گونه‌ای که در سراسر قلمرو اسلامی، مساجد کوچک و بزرگ پر از نسخه‌های فراوان از تمام یا بخشی از قرآن شدند.[۱]

علاوه بر قرآن کریم، صحابه و یاران پیامبراکرمﷺ احادیث پیامبر را نیز می‌نوشتند و به صورت جزوه و کتاب درمی‌آوردند. ابن‌سعد نقل می‌کند: عبدالله بن عمرو از رسول خداﷺ اجازه خواست که احادیث و سخنان آن حضرت را بنویسد و پیامبر به او اجازه داد و او مجموعه‌ای نوشت و آن را ***صحیفهٔ صادقه*** نامید.[۲]

---

۱. تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ص ۸۳ ـ ۸۴.

۲. الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۶۲.

بیشتر مساجد جامع، که عمدتاً در وسط مراکز مهم جمعیتی قرار می‌گرفت، ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داشت. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که ایجاد کتاب‌خانه در مساجد جامع، با نقش آن‌ها به عنوان محل اجتماعات همگانی و الهی سازگار بوده است. کتاب‌خانه‌های زیادی در مساجد به وجود آمدند که بدون توجه به اندازه و محل قرارگرفتنشان، «مکتبه» یا «خزانة المصاحف» نامیده می‌شدند. هرگاه مسجد یا کتاب‌خانهٔ مسجدی تأسیس می‌شد، مرسوم بود نسخه‌هایی از تمام قرآن یا بخش‌هایی از آن به مسجد یا کتاب‌خانه اهدا می‌شد.[۱] روند اهدای کتاب و احداث کتاب‌خانه آن‌گاه به صورت جدّی مطرح شد که برخی از عالمان و فقیهان هنگام مرگ کتاب‌هایشان را وقف مساجد می‌کردند.

روت استل مورن مکتسن، که تلاش قابل ملاحظه‌ای را صرف مطالعهٔ ابعاد گوناگون کتاب‌خانه‌داری اسلامی و عربی کرده است، می‌نویسد: کتب اهدا می‌شد و بسیاری از دانشمندان کتاب‌خانهٔ خود را وقف مسجد شهر می‌کردند تا هم مطمئن باشند که کتاب‌خانه‌شان محفوظ می‌ماند و هم کتاب‌ها در دسترس همهٔ دانش‌آموختگان، که به کتاب‌خانه مراجعه می‌کنند، قرار می‌گیرد. کتاب‌هایی که با زحمت فراوان استنساخ و به بهای زیاد خریداری می‌شد ارزش محافظت را داشت. صاحبان این کتب آن‌ها را وقف مساجد، حرم‌ها و مدرسه‌ها می‌کردند تا از آن‌ها مراقبت شود و در دسترس دانشمندان دوره‌های بعد قرار گیرد.[۲]

یاقوت حموی به هنگام مرگ در سال ۶۲۶ ق، کتاب‌هایش را وقف حرم زیدی (مسجد زید) در خیابان دینار بغداد کرد.[۳]

از کتاب‌خانه‌های مهم دنیای اسلام، کتاب‌خانهٔ «مسجد الحرام» است. «این کتاب‌خانه فهرستی داشت که عنوان‌ها و نویسندگان نسخه‌های خطی موجود در آن‌ها را فهرست‌بندی کرده بود. این فهرست، که تاریخ تألیف آن ذکر نشده

---

۱. تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ص ۸۲ ـ ۸۳.

۲. همان، ص ۸۱ ـ ۸۲.

۳. وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ص ۸۶.

است، مشخص می‌سازد که این کتاب‌خانه از بعضی عنوان‌ها بیست نسخه یا بیشتر داشت».[۱]

کتاب‌خانهٔ «مسجدالنبی» کتاب‌هایی داشت که حکّام و پادشاهان و علمای ثروتمند در مراحل گوناگون تاریخی، آن‌ها را وقف کرده بودند. در سال ۵۸۰ هـ دو گنجینهٔ بزرگ از کتاب‌ها و قرآن‌های وقفی در آن وجود داشت.[۲]

در بارهٔ کتاب‌خانهٔ مسجد «جامع مرو»، یاقوت حموی، که در سال ۶۱۶ق در مرو بود، می‌نویسد: در آنجا ده کتاب‌خانه است که دو تا از آن‌ها در مسجد جامع است که مانند آن‌ها در دنیا ندیده‌ام. نام یکی از این دو، کتاب‌خانهٔ «عزیزیه» است؛ زیرا آن را شخصی به‌نام عزیزالدین ابوبکر عتیق زنجانی وقف کرده است که در آن، قریب دوازده هزار جلد کتاب وجود دارد، و نام کتاب‌خانهٔ دیگر مسجد جامع «کمالیه» است. من در باغ و بستان علم و ادب می‌چیدم و گل‌ها و میوه‌ها را می‌چیدم، تا آنجا که مهر زن و فرزند و شهر و پیوند فراموشم شده بود. متأسفانه این گنجینهٔ گران‌قدر و دیگر کتاب‌خانه‌های مرو و نیز همهٔ مساجد، مدارس و بناها به وسیلهٔ تهاجم ویرانگر مغولان نابود گردید و بدین‌سان، بسیاری از آثار علمی و تمدن اسلامی در شرق، طعمهٔ آتش شد و اگر این اتفاق نمی‌افتاد تا آخر عمر در آنجا می‌ماندم.[۳]

از دیگر مساجدی که دارای کتاب‌خانه‌های مهم و قابل توجه بوده، می‌توان مسجد «جامع اصفهان»، «جامع اموی» دمشق، «جامع بغداد»، مساجد قاهره، «جامع نیشابور»، «جامع زیتونیه» در دمشق، «جامع بخارا» و جوامع سمرقند، ری، نجف و کربلا را نام برد.

بنابراین، با توجه به اهمیت نقش مساجد در دنیای اسلام، می‌توان به نقش کتاب‌خانه‌های مساجد در کنار کارکرد آموزشی مسجد، در ارتقا و رشد فرهنگ جامعهٔ اسلامی پی برد.

(ر.ک. کارکرد آموزشی مسجد.)

---

۱. تاریخ کتاب‌خانه‌های مساجد، ص ۱۵۲.

۲. سفرنامهٔ ابن‌جبیر، ص ۲۳۱.

۳. معجم‌البلدان، ج ۵، ص ۱۱۴.

کتیبه‌های مسجد

کتیبه‌های مسجد: آیاتی از قرآن و احادیث و اذکاری که بر دیوار مسجد می‌نویسند.

«کتیبه» در لغت، عبارت است از: «آنچه به خط جلی نسخ یا نستعلیق و یا به خط طغرا و یا به خط کوفی بر در و دیوار مساجد و مقابر و اماکن متبرکه یا سردر دروازهٔ امرا و بزرگان نویسند و یا نقش کنند.»[۱]

مساجد در صدر اسلام بسیار ساده بود، ولی با گذشت زمان، آیاتی از قرآن کریم و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام و تصاویری بر در و دیوار مساجد نقش بست از این‌رو، در این‌باره از ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام سؤال شد. علی‌بن جعفر، برادر امام هفتم، می‌گوید: از موسی بن جعفر علیه‌السلام دربارهٔ نوشتن آیاتی از قرآن یا سایر جملات و کلماتی که یاد و ذکر خداوند است بر قبلهٔ مسجد سؤال کردم، ایشان فرمود: اشکالی ندارد.[۲] طبق تحقیقی که انجام شده است، تنها فقیهی که روایت مزبور را ذکر می‌کند، صاحب *جواهر* است. ایشان می‌فرماید: کتابت قرآن بر دیوار مسجد از موارد نقاشی (تصاویر) در مسجد نیست و حکم آن را ندارد. وی به روایت مزبور بر جواز کتابت استناد می‌کند.[۳]

حال که کتابت آیات و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام بر دیوار مسجد جایز است، بهتر است هنرمندان و نقاشان اسلامی در هنگام کتابت و نقش، اصول و ضوابطی را رعایت کنند؛ از جملهٔ این ضوابط عبارت است از:

۱. تا حدّ امکان، زیبا و خوانا بنویسند و فقط آراستن مسجد هدف نباشد.

۲. با توجه به اختلاف زبان‌ها در کشورهای اسلامی، کتیبه‌ها به زبان رایج نوشته شود تا برای عموم مراجعه‌کنندگان قابل استفاده باشد.

۳. جملات کتیبه متناسب با مکانی که در آن نصب می‌شود انتخاب گردد؛ مثلاً، بر بالای در ورودی دعاهای آداب ورود

---

۱. لغت‌نامه / فرهنگ معین / فرهنگ عمید.

۲. قرب‌الاسناد، ص ۱۲۱ / وسائل‌الشیعة، ج ۳، ص ۴۹۴، ح ۳.

۳. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۹۳.

مسجد نوشته شود.

۴. تا حدّ امکان، سادگی مسجد حفظ گردد.

۵. هدف از کتابت، رهایی از غفلت و هوای نفس و توجه به یگانه معبود عالم خدای متعال باشد، نه فقط زیبا کردن مسجد. گاهی مشاهده می‌شود به اسم هنر و زیبایی، عبارات کتیبه بسیار شلوغ و ناخواناست و به سختی می‌توان آن را خواند. این موضوع بیشتر سبب غفلت و حواس‌پرتی می‌گردد تا توجه به خدای متعال.

(ر.ک. نقاشی مسجد.)

کنگره ساختن بر مسجد

کنگره ساختن بر مسجد: ساختن اشکالی مانند مثلث و مربع در فواصل معیّن در انتهای دیوار مسجد.

«کُنگُره» (به‌ضم کاف و گاف) در لغت، به معنای دندانه، دندانهٔ سر دیوار و لبهٔ دندانه‌دار بالای کاخ‌ها آمده است.[۱] در زبان عربی، از آن به «شُرَف» (به ضم شین و فتح راء) تعبیر شده و مقصود از آن اشکالی است که بر بالای دیوار و قسمت انتهایی آن با فاصله‌های معیّن از یکدیگر ساخته می‌شود.[۲]

در روایات، از کنگره ساختن برای مسجد نهی شده است و دستور داده شده که مساجد را صاف و بدون کنگره بسازند.[۳]

در روایتی از امام علی علیه‌السلام آمده است: وقتی حضرت چنین مسجدی را مشاهده کردند، فرمودند: این مسجد مانند معابد یهود و نصاراست. مساجد را باید صاف و بدون کنگره بسازید.[۴]

نهی از کنگره ساختن به حدّی جدّی گرفته شده است که شیخ مفید در *الارشاد* از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: هنگامی که قائم آل محمّد قیام کند، کنگرهٔ هر مسجدی را بر روی زمین ویران می‌کند.[۵]

فقها با استناد به این روایات، فتوا داده‌اند

---

۱. فرهنگ معین / فرهنگ عمید و لغت‌نامه.

۲. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۳. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۱۵، ح ۶۳۶۶.

۴. من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۷۰۸.

۵. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

کـه مکـروه است مسـاجد دارای کـنگره باشد.[۱]

کودکان در مسجد

کـودکان در مسـجد: حـضور بـچه‌ها (پسر یا دختر) در مسجد.

در برخی روایات اسلامی، دستور داده شده است تا از آوردن کودکان به مسـجد اجـتناب شـود: «**جـنّبوا مسـاجدکـم صبیانکم**»؛[۲] از آوردن کودکان به مسجد اجـتناب کـنید. در ایـنکه نـهی وارد شـده عمومیت دارد و شامل همهٔ کودکان می‌شود یا خیر، بسیاری از فقها با توجه به روایت، حکم به کراهت کرده‌اند.[۳]

شهید ثانی در *مسالک* و *روض‌الجنان* در تـفسیر و تـوجیه ایـن روایت مـی‌نویسد: سزاوار است که مقصود از کودک، کودکانی باشد که اطمینان به پاک بودن آنان نیست و مـمکن است مسـجد را آلوده کـنند. اما کودکانی که به تمیزی و طهارت آنـان مطمئن هستیم مستحب است که آنان را برای نماز در مسجد تمرین دهند و راه دادن آنان به مسجد کراهتی ندارد.[۴] صاحب *جواهر* در توجیه و تفسیر روایت مـزبور، عـلاوه بر بیان ذکر شده اضـافه مـی‌کند: حـضور کودکان در مسجد همراه با بازی‌های خاص آن دوران بوده و این با عظمت و کرامت مسـجد مـنافات دارد و یـا مـوجب اذیت نـمازگزاران مـی‌شود. از ایـن‌رو، حکـم به کراهت اولی است.[۵]

بنابراین، نهی رسیده در روایات بـرای کودکانی است که ممکن است مسـجد را نـجس و یـا بـرای دیگـر مـؤمنان ایـجاد مزاحمت نمایند، ولی کودکانی را که دارای درک و شعور هستند باید با مسجد مأنوس کرد و بذر محبت و انس با خانهٔ خدا را در دل‌های آنان کاشت.

---

۱. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰ / تحریرالأحکام، ج ۱، ص ۵۴ / المهذّب، ج ۱، ص ۷۷ / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۰۷.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۷۱۵ / التهذیب، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۲۲.

۳. المعتبر فی شرح المختصر، ج ۲، ص ۴۵۲ / مصباح‌الفقیه، ج ۲، ص ۷۰۷ / الذکری، ص ۱۵۶ / المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۸، ص ۷ ـ ۸ / مختلف‌الشیعة، ج ۸، ص ۳۵۸.

۴. مسالک‌الافهام، ج ۱، ص ۳۲۹ / روض‌الجنان، ص ۲۳۶.

۵. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۳.

«گ»

گذرگاه قرار دادن مسجد

گذرگاه قرار دادن مسجد: عبور از فضای مسجد بدون خواندن نماز.

بسیاری از مساجد دارای دو یا درهای متعدد برای ورود و خروج نمازگزاران هستند؛ همانند بیشتر مساجدی که در بازار بنا شده‌اند. برخی افراد برای سرعت در انجام کارهای روزانهٔ خود، از یک درِ مسجد داخل و از درِ دیگر خارج می‌شوند و گویا با این کار، مسجد را در حدّ یک کوچه و خیابان تنزّل داده‌اند که این عمل، با عظمت و قداست مسجد مناسبت ندارد.[۱] از این‌رو، در روایات از گذرگاه قرار دادن مساجد نهی شده است.

امام صادق علیه‌السلام به نقل از اجدادش از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: مساجد را گذرگاه و محل عبور قرار ندهید، مگر اینکه دو رکعت نماز در آن بجای آورید.[۲]

پس اگر انسان در هر مرتبه که از مسجد می‌گذرد، دو رکعت نماز بخواند این نهی و کراهت از بین می‌رود. در روایت دیگری، یکی از علایم مردم آخرالزمان «گذرگاه قرار دادن مساجد» است.[۳]

فقها با استناد به روایات، بخصوص روایاتِ «تحیّت مسجد»، محلِ عبور قرار دادن مسجد را مکروه دانسته‌اند،[۴]

---

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۰ ـ ۱۱۱.

۲. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۳، ح ۶۵۸۰، ب ۶۷، من «ابواب احکام‌المساجد».

۳. روضة‌الواعظین، ص ۳۳۸، «مجلسٌ فی ذکر فضائل المساجد».

۴. الحدائق‌الناضرة، ج ۷، ص ۲۵۸ / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۰ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

گرچه برخی از فقها می‌گویند: اگر با این فعلِ مذموم (گذرگاه قرار دادن مساجد) مسجد از صورت مسجدیت خارج شود حرام است.[۱]

گم‌شده در مسجد

گم‌شده در مسجد: آگاهی دادن از اشیای گم‌شده یا طلب کردن آن‌ها در مسجد.

از جمله امور مکروه در مسجد این است که انسان اشیای گم‌شده را به قصد یافتن صاحبان آن‌ها در مسجد اعلام نماید، یا چنانچه گم‌شده‌ای دارد در مسجد آن را طلب نماید تا اگر کسی یافته است به وی بازگرداند. این بحث در کتب فقهی تحت عنوان «انشادالضّالة» آمده است.

«انشاد» به تصریح لغویان از لغاتی است که دو معنا دارد؛ یعنی هم به معنای اعلام اشیای گم‌شده است و هم به معنای طلب شیء گم‌شده؛ چنان که *لسان‌العرب* می‌نویسد: «نشدالضّالة ینشدها، نشدة و نشداناً: طلبها و عرّفها.»[۲]

بر اساس روایات موجود در منابع حدیثی فریقین، این عمل مورد نهی و نکوهش قرار گرفته است. پیامبر اکرم ﷺ وقتی شنیدند که مردی در مسجد اعلام می‌کند چیزی گم کرده است تا چنانچه کسی پیدا کرده به او بازگرداند، نفرین کردند و فرمودند: به او بگویید خدا گم‌شده‌ات را به تو برنگرداند! مسجد را برای این‌گونه کارها نساخته‌اند.[۳] و در نقل دیگر فرمودند: مساجد برای عبادت و ذکر خدا و نماز ساخته شده است.[۴]

فقها و علمای شیعه و اهل سنّت در کراهت این عمل، به روایات مزبور تمسّک جسته‌اند.[۵] مرحوم صاحب *جواهر* کراهت

---

۱. الحدائق‌الناضرة، ج ۷، ص ۲۵۸.

۲. لسان‌العرب، ج ۳، ص ۴۲۱ / القاموس‌المحیط، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳. من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۷۱۴ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۴۷۳ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۷۶۵ و ۷۶۶ و ۷۶۷.

۴. المبسوط، ج ۸، ص ۸۷.

۵. تذکرة‌الفقهاء، ج ۲، ص ۲۵۹ / مسالک‌الأفهام، ج ۱۲، ص ۵۴۱ / مدارک‌الأحکام، ج ۴، ص ۴۰۱ / الحدائق‌الناضره، ج ۷، ص ۲۸۷.

را بـه پـنج روایت مسـتند مـی‌نماید.[۱] براساس این روایات، علت نهی آن است که انجام این امور بـا شأن و عـظمت مسـجد سازگاری ندارد، وگرنه اعلان اشیای گم‌شده ـ فی نفسه ـ هیچ کراهتی نـدارد، بـلکه در برخی موارد، معرفی و اعلام اشیای گم‌شده واجب است. البته برای رفع کراهت مزبور، سزاوار است که در کـنار درهـای ورودی مسجد، هنگام ورود و خروج این مطلب را اعلام کنند.[۲] بعید نیست که فقهای عظام با استناد به ایـن روایـات فـتوا داده بـاشند که چنانچه افراد از بلندگوی مسجد بـرای آگاهی دادن به اشیای گم شده یا پیدا شده استفاده نمایند، باید پول مصرفی برق آن را بدهند.[۳]

گناه در مسجد

گناه در مسجد: نافرمانی و معصیت خدا هنگام حضور در مسجد.

اعمال و رفتار زشت و انـجام هـرگونه گناهی ـ کوچک یا بزرگ ـ به طـور کـلی مذموم و ناپسند است و چنانچه این گناه در فضا و مکان مقدّسی مثل مسجد صـورت گیرد، بدتر است؛ چرا که آثـار ارزشـمند عبادت و پرستش را از بین خـواهـد بـرد. بر این اساس، در متون روایی سفارش شده است که از انجام گناه در این مکان مقدّس خودداری کنید و برخی از مصادیق گناه نیز ذکر شده است.

امـام صـادق علیه‌السلام از جـدّ بـزرگوارش نبیّ مکرّم صلی‌الله‌علیه‌وآله نـقل مـی‌کند کـه حـضرت فرمودند: نشستن در مسجد به انتظار برپایی نماز عبادت است، البته تا زمانی که حدثی از شـخص صـادر نشـود. گـفته شـد: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مراد از «حدث» چـیست؟ حضرت فرمودند: غیبت کردن.[۴]

در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که فرمود: سخن گفتن به زور و ظـلم در مسـجد اعـمال نـیک انسـان را

---

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.
۲. تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۲۸، م ۱۹.
۳. مجمع‌المسائل، ج ۱، ص ۱۴۵، س ۷۰.
۴. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۶ ـ ۳۵۸، ب «الغیبة»، ح ۱.

می‌بلعد، آن‌گونه که چهارپا علف را.[۱]

در برخی دیگر از روایات، از سخنان بیهوده و سخن گفتن دربارهٔ امور دنیوی و مسائل مادی نهی شده است. (ر.ک. امور دنیوی در مسجد.) در برخی دیگر، نشستن لغو و بیهوده در مسجد مورد نکوهش قرار گرفته است. (ر.ک. نشستن بیهوده در مسجد.)

هرچند گناهانی از قبیل غیبت کردن، ظلم و پرداختن به امور دنیوی در روایات ذکر شده، ولی روشن است که ذکر این موارد هیچ خصوصیتی ندارد و انجام هر گناهی در مسجد جایز نیست.

گنبد

گنبد: فضایی دایره‌ای شکل در بالای شبستان مسجد.

ساختمان بیضی شکل از خشت و آجر وگچ و مانند آن بر فراز هر عمارتی ساخته شود، «گنبد»[۲] یا «گنبذ»[۳] نامیده می‌شود. آن را در زبان عرب «قُبّه»[۴] و در فرانسه، «کوپل» می‌نامند.[۵]

مساجد اولیهٔ اسلام به صورت شبستان و فاقد سقف بود و از پیشوایان دینی در جانب نفی یا اثبات، توصیهٔ خاصی نداریم؛ زیرا در زمان آن بزرگواران، ساخت گنبد رایج نبود و تنها به این دلیل که ساخت و ساز چیزی در زمان معصومان علیهم‌السلام رایج نبوده، نمی‌توان آن را «بدعت» شمرد. از این‌رو، دلیلی بر کراهت یا حرمت گنبدسازی برای مسجد در دست نیست.

ساخت گنبد در معماری پیش از اسلام سابقه داشته است و نخستین گنبدی که در سرزمین‌های اسلامی در روزگار امویان بین سال‌های ۷۲ و ۷۸ ق، توسط عبدالملک بن مروان و با شرکت معماران روم و عرب

---

۱. جامع‌الأخبار، ص ۷۰ / مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۱، ح ۳۸۰۸.

۲. لغت‌نامه دهخدا / ج ۳۵، ص ۴۲۹ / فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۳۹۶.

۳. فرهنگ واژه‌های معماری سنّتی ایران، ص ۱۹۳.

۴. لغت‌نامه، ج ۳۵، ص ۴۲۹.

۵. تمدن اسلام و عرب، ص ۶۷۹.

ساخته شد،[۱] «قبةُالصخره» است.[۲] که هزینهٔ خراج هفت سال مصر بود و طرح و اجزای معماری داخل و نمای بیرونی آن از سنّت معماری هنر «بیزانس»، «مدیترانه‌ای» و «ایرانی» اقتباس شده است.[۳]

دومین گنبد در زمان ولید بن عبدالملک در «جامع اموی» دمشق با الهام از هنرهای معماری خارجی و معماران ایرانی، هندی و مغربی و رومی بنیاد گردید[۴] و از معروف‌ترین گنبدها می‌توان «قبّة الصخره»، «قبّة الخضری»، «گنبد قابوس» و «سلطانیه» را نام برد.

عواملی همچون فرهنگ مناطق و ملل، شرایط زیست محیطی، استفاده از عناصری همچون نور و رنگ، پیشرفت علم معماری، ایجاد فضایی ساده، روحانی و معنوی، زیبایی‌شناسی و تأثیرات معنوی و حکمت و عرفان وجود گنبد، در نوع گنبد و زیبایی آن تأثیرگذار بوده است.

گنبد از دو پوشش، درونی (آهیانه) و برونی (خُود)، و هر کدام از این دو از «ضرس» و «نما» تشکیل شده و شیوهٔ قرارگیری «خُود» و «آهیانه» هم بر سه نوع است: دو پوستهٔ پیوسته؛ مانند مسجد «شیخ لطف‌الله» اصفهان، دو پوستهٔ میان تهی؛ مانند مسجد «جامع» اردستان، و دو پوستهٔ کاملاً از هم گسسته؛ مانند گنبد حضرت امام رضا علیه‌السلام.

گنبد از لحاظ ساختار، به شش دسته تقسیم می‌شود: «یک پوسته» ـ که بیشترین قدمت از آنِ این‌گونه گنبدهای یک پوسته (خاکی) بوده است ـ «دو پوستهٔ پیوسته»، «ترکین با باریکهٔ طاق»، «گسسته»، «گسسته با پوشش بیرونی نار»، «سه پوسته».

برای ساخت پوشش درونی گنبد، معمولاً از شکل‌های مازه‌دار استفاده می‌شود و انواع پوشش درونی شامل پوستهٔ

---

۱. بیت‌المقدس؛ شهر پیامبران، ص ۱۱۹.

۲. النجوم‌الزاهرة فی ملوك مصر والقاهرة، ج ۱، ص ۱۲۵.

۳. مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعهٔ اسلامی، ص ۳۲۹ ـ ۳۳۱.

۴. احسن‌التقاسیم فی معرفة‌الاقالیم، ج ۱، ص ۲۲۲.

خاکی، پوشش چیلو یا سیلو، پوشش بستو و پوشش سبویی است و انواع پوشش بیرونی نیز شامل شبدری تند، شبدری کُند، پاتوپا و رُک است که پوشش بیرونی «رُک» انواعی دارد؛ مانند: سر رُک، ترکیب رُک و نار، خرستوک و هرمی.

«گنبدهای محدّب» برای مساجد در بیابان و «گنبدهای کلّه‌قندی» به خاطر هزینهٔ کمتر برای مساجد کوچک و «گنبدهای تخم‌مرغی» برای مساجد وسیع پیشنهاد می‌شود.

گنبد و مناره یک زبان بین‌المللی برای شناسایی مساجد و اماکن مذهبی در جوامع اسلامی است که از بناهای دیگر تمیز داده می‌شوند. وجود گنبد و نوع بنای آن می‌تواند الهام گرفته از بنای کعبه و تعبیرات عارفانه‌ای از درهای بهشت باشد. گنبد نماد آسمان، صعود و بهشت است و اتصال آن با فضای مربع زیرین، نماد اتصال آسمان به زمین[۱] و ناسوت به لاهوت است. قاعدهٔ هشت وجهی گنبد کنایه از کرسی الهی و نیز عالم فرشتگان و قاعدهٔ مربع با چهارگوشه هم نماد جهان جسمانی بر روی زمین است و شکل خارجی گنبد کنایه از جمال، و مناره نیز نماد جلال الهی است.[۲] گنبد تمثیلی از گنبد آسمان است که خود دری است به سوی بی‌نهایت و نشانی است از بُعد متعالی.[۳]

---

۱. هنر مقدّس؛ اصول و روش‌ها، ص ۱۸.

۲. هنر معنویت اسلامی، ص ۱۷۹.

۳. ر.ک. تجلّیات حکمت معنوی در هنر اسلامی.

« م »

مأذنه

مأذنه: جایگاه اذان گفتن هنگام رسیدن وقت نمازهای پنج‌گانه.

«مأذنه» و «مناره» در لغت، به معنای جای نور، گل‌دسته، ستون بلند و ساختمان برج مانند است که برای روشن کردن چراغ یا اذان گفتن در معابد و مساجد درست می‌کنند؛ و در اصطلاح، بنای بلندی است که مؤذّن برای اعلان وقت نمازهای پنج‌گانهٔ مسلمانان، برفراز آن می‌رود و مسلمانان را برای ادای این نمازها با عبارات معیّنی فرا می‌خواند که مجموعهٔ این عبارات را نیز «اذان» می‌گویند. «مناره، مأذنه، مئذنه، منار، مناره، صومعه و گل‌دسته» الفاظی است که همگی اشاره به یک معنا و مفهوم دارند.[۱]

براساس روایات، مساجد در زمان پیامبر فاقد مناره و گل‌دسته بودند و با توسعهٔ دولت اسلامی و بزرگ‌تر شدن شهرها، ضرورت ایجاب می‌کرد تا در کنار هر مسجدی مأذنه‌ای بسازند. امروزه با گسترش فناوری و ابزارهایی مثل بلندگو، اگرچه نیازی به ساخت مأذنه برای اذان گفتن نیست، اما مناره در کنار مسجد از شعائر دولت‌های اسلامی و کشورهای مسلمان است و نشانهٔ تشخیص مسجد از دیگر مراکز مسلمانان به‌شمار می‌رود.[۲]

براساس نقل‌های تاریخی، اولین مأذنه شبیه آنچه امروزه ساخته می‌شود، در مسجد

---

۱ . لسان العرب، ج ۱ ، ص ۱۰۶ ـ ۱۰۷ / فرهنگ عمید، ص ۱۱۶۰ ـ ۱۰۷۵ / مجلهٔ مسجد، ش ۳۳ ، ص ۴۰ ، «المسجد فی الاسلام».

۲ . الضوابط الشرعیة لبناء المسجد، ص ۷۱ ـ ۷۲ .

جامع بصره به سال ۴۴ یا ۴۵ ق بنا شد.[۱]

روایات رسیده درخصوص مناره را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف . روایاتی که بیان می‌دارد مؤذّن پیامبر بر روی زمین[۲] و گاهی نیز بر روی دیوار اذان می‌گفت و از ساخت مناره و اذان گفتن برآن، نهی نشده است.[۳]

ب . روایاتی که مطلقاً مناره را مورد سرزنش قرار داده است.[۴]

فقها بین این دو دسته روایات را این‌گونه جمع می‌کنند که باید روایات ناهیه را حمل برمواردی کرد که مناره بلندتر از دیوار مسجد ساخته شود.[۵] شاهد این جمع تعلیلی است که در یکی از روایات ناهیه وارد شده است که امام علی علیه‌السلام بر منارهٔ بلندی عبور کردند، فرمودند: مناره نباید بالاتر از سطح مسجد باشد.[۶] برخی فقها از بلند بودن مناره از آن جهت نهی کرده‌اند که سبب اشراف بر منازل همسایگان مسجد و اذیت آنان می‌شود.[۷]

نتیجه آنکه اصل ساخت مناره منافاتی با آموزه‌های فرهنگ اسلامی ندارد، اگرچه درصدر اسلام نبوده است، ولی در ساخت مناره، باید توجه کرد که ارتفاع آن زیاد نباشد.

متولّی مسجد

متولّی مسجد: سرپرست ادارهٔ امور مسجد.

اختصاص زمین یا ساختمانی به عنوان مسجد یکی از مصادیق وقف است. واقف می‌تواند برای موقوفه، متولّی و سرپرست تعیین کند. «برای واقف جایز است که سرپرستی و نظارت موقوفه را دایم یا به مدت زمان مشخصی به نحو مستقل و یا مشترکاً برای خود قرار دهد و یا اینکه

---

۱ . مجلهٔ مسجد، ش ۱۵ ، ص ۵۲ «پیدایش مناره در اسلام» به نقل از: فتوح البلدان، ص ۳۴۳ .

۲ . تهذیب الأحکام، ج ۲ ، ص ۲۸۴ ، ح ۳۶ .

۳ . الکافی، ج ۳ ، ص ۳۰۷ ، ح ۳۶ .

۴ . مستدرك الوسائل، ج ۳ ، ص ۳۷۹ ، ح ۳۸۳۲ ؛ ج ۶ ، ص ۴۹۸ ، ح ۷۳۵۴ .

۵ . جواهرالکلام، ج ۱۴ ، ص ۷۹ ـ ۸۰ .

۶ . تهذیب الاحکام، ج ۳ ، ص ۲۵۶ ، ح ۳۰ .

۷ . «ولئلا تشرف المؤذّن علی الجیران.» (جامع المقاصد، ج ۲ ، ص ۱۴۶ / الحدائق الناضرة، ج ۷ ، ص ۲۷ .)

تولیت آن را به دیگری واگذار کند.»[۱]

ولی در مورد مسجد، واقف شرعاً چنین حقی ندارد و مسجد پس از مسجد شدن یک مکان مشترک و عمومی است که در اختیار همهٔ مسلمانان قرار می‌گیرد و همگان می‌توانند در چهارچوب موازین شرعی از آن استفاده کنند. از این‌رو، وقف در مسجد با وقف در دیگر موارد، متفاوت است. «بعید نیست کیفیت اعتبار وقف در مساجد و معابد دیگر ادیان نیز با اصل اعتبار وقف مغایر باشد، اگرچه در برخی از احکام مشترکند.»[۲] از این‌رو، در باب وقف، می‌توان وقف خاص داشت، ولی در مورد مسجد، نمی‌توان آن را به قوم یاگروه و قبیلهٔ خاصی اختصاص داد.

مسجد پس از آنکه به عنوان مسجد ساخته شد، اختصاص به قوم و قبیله و افراد خاصی ندارد، بلکه استفاده از آن برای تمام مسلمانان جایز است.[۳] از این‌رو، در جعل تولیت و متولّی هم می‌فرمایند: «جعل تولیت برای مسجد صحیح نیست و عزل و نصب او اثر ندارد.»[۴] مسجد متولّی ندارد و رضایت کسی در عبادت در آن معتبر نیست.[۵]

برخی دیگر از فقها اگرچه متولّی و ناظر وقف در موارد عامّه مثل مساجد را حاکم شرع یا نمایندهٔ منصوب از طرف او می‌دانند، ولی در صورت وجود ناظر خاص از سوی واقف در برخی موارد، اذن او را نیز شرط می‌دانند. مرحوم صاحب *جواهر* می‌نویسد: زیرا مسجد از آنِ خداست و آنچه برای خدا باشد در اختیار ولّی اوست؛ چنان‌که برخی از روایات براین مطلب دلالت می‌کند. بنابراین، ولّی خدا (حاکم اسلامی) می‌تواند به مقتضای مصلحت، همچون موارد دیگری که اختیاردار آن است، در مسجد تصرف کند.

اما اینکه آیا تصرفات یاد شده پس از حصول شرایط آن برای همگان جایز است، در مسئله دو وجه وجود دارد: قول مطابق

---

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۸۲، م ۷۸ و ۷۹ / تکملة العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲. کتاب البیع، ج ۳، ص ۸۲.

۳. أجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۴۱۰.

۴. استفتاءات، ج ۲، ص ۳۹۶ و ۱۴۶.

۵. همان، س ۱۴۷ و ۱۴۸.

با احتیاط و اقوا وجه اول است؛ یعنی چنین تصرفاتی مختص حاکم است و نه همهٔ مؤمنان؛ ولی این در صورتی است که مسجد دارای ناظر خاصی [که از سوی واقف و بانی تعیین می‌شود] نباشد، وگرنه اذن گرفتن از او در برخی از موارد یاد شده واجب است.[۱]

برخی از فقها قایلند که در صورت تعیین ناظر خاص، وظیفهٔ حاکم نظارت بر کار ناظر است: «ناظر بر دو نوع است: ناظر اصلی که شرع آن را تعیین نموده است؛ و ناظر قراردادی که به سبب جعل مالک، اعتبار پیدا می‌کند. ناظر شرعی در مواردی است که وقف عام است؛ مانند مساجد و مدارس در تمام مواردی که وقف عام است و واقف ناظر خاصی معیّن نکرده است. در صورتی که واقف نظارت را به فرد معیّنی واگذار کند، نظارت از آن او خواهد بود و مجتهد ناظر است تا مبادا ناظری که از سوی مالک تعیین شده است، اخلالی به وقف وارد کند یا آن را تباه سازد. در صورتی که واقف کسی را به سمت نظارت انتخاب نکرده باشد، ناظر در دوران غیبت امام معصوم علیه‌السلام مجتهد است؛ زیرا او قائم‌مقام امام علیه‌السلام در اجرای احکام است.»[۲]

مرحوم شیخ انصاری قدس‌سره در بحث فروش اموال مسجد، وجود متولّی و ناظر خاص را نفی نکرده است؛ ایشان می‌فرماید: «متولّی فروش حصیرهای کهنهٔ مسجد و (عمارت) ستون‌های شکستهٔ آن، ناظر خاص است. در صورت نبود ناظر خاص، نوبت به حاکم شرع می‌رسد.»[۳] حال اگر به حاکم اسلامی یا نمایندهٔ منصوب از طرف او دست‌رسی نباشد، مؤمنان عادل سرپرستی ادارهٔ امور مسجد را برعهده می‌گیرند: «ادای تکالیف راجعه به مساجد، به نحو واجب کفایی برعهدهٔ عموم مسلمین است، و تولیتی که برای مسجد معیّن می‌شود راجع به اموال و رقبات متعلّقهٔ به مسجد است و در رقبات و اموال کسی نمی‌تواند با متولّی مخصوص آن‌ها مزاحمت نماید.»[۴]

در بیشتر مساجد موجود در جامعهٔ

---

۱ . جواهرالکلام، ج ۱۴ ، ص ۸۳ و ۸۴ و ۸۷ .

۲ . کشف الغطاء، ج ۲ ، ص ۳۷۱ .

۳ . کتاب البیع، ص ۱۶۶، «انّ المتولّی لبیع حصر المسجد اذا اندرست و...».

۴ . مجمع المسائل، ج ۱ ، ص ۱۵۳، س ۹۸ .

اسلامی ایران، مساجد برپایهٔ یک سنّت عرفی، توسط گروهی از مؤمنان، که آنان را «هیأت امنای مسجد» می‌نامند، اداره می‌شود.

(ر.ک. هیأت امنای مسجد.)

محراب

محراب: فضایی فرورفته در دیوار جلوی مساجد برای بیان جهت قبله و جایگاه امام جماعت.

«محراب» (به کسر میم) در لغت، به معانی بالاخانه، قصر، صدر مجلس، جایگاه شیر، گردن چهارپا، تورفتگی دیوار در معابد و کاخ‌ها برای قراردادن هدایای گران‌بها و مجسّمه‌ها، مکانی در کنیسهٔ یهودیان برای جلوس و تبادل نظر در امور جنگ و مانند آن آمده است.[۱]

«محراب مسجد» طاق مسجد در سمت قبله و جای ایستادن پیش‌نماز است.[۲] محراب در بیان جهت قبله و نماز، جایگاه و شناسایی امام جماعت و صرفه جویی در استفادهٔ بیشتر از فضای مسجد نقش تعیین‌کننده و انحصاری دارد. *مفردات* راغب این واژه را از ریشهٔ «حرب» گرفته و در وجه تسمیه‌اش می‌نویسد: محراب محل نبرد نمازگزار با شیطان و هوای نفس به سبب حضور قلب است و برخی گفته‌اند: انسان باید در آنجا «حَریب» یعنی عاری از اشتغالات دنیوی و پریشانی فکر و اندیشه باشد.[۳]

در قرآن کریم، «محراب» در چهار مورد به صورت مفرد آمده[۴] که به معانی پرستشگاه، عبادتگاه، مسجد و محل نماز و عبادت استعمال شده،[۵] و یک مورد

---

۱. لغت‌نامه، ج ۱۲، ص ۱۷۹۸۶ / لسان العرب، ج ۳، ص ۱۰۲ ـ ۱۰۱ / النهایة، ج ۱، ص ۳۵۹ / مجمع البحرین، ص ۱۰۵ / قاموس اللغة، ج ۱، ص ۵۳ / فرهنگ عمید، ص ۱۰۹۴.

۲. مجمع البحرین، ص ۱۰۵.

۳. المفردات، مادهٔ «حرب» ص ۱۱۳ / مصباح المنیر، مادهٔ «حرب»، ج ۱، ص ۱۲۷.

۴. آل‌عمران: ۳۷ / آل‌عمران: ۳۹ / مریم: ۱۱.

۵. ر.ک. المیزان، ج ۳، ص ۱۷۴، ذیل آیهٔ ۳۷ آل‌عمران / مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۳۶، ذیل آیهٔ ۳۷ آل‌عمران و ج ۶، ص ۵۰۵، ذیل آیهٔ ۱۱ سورهٔ مریم.

به صورت جمع «محاریب»[۱] آمده که به معنای عبادتگاه‌ها، قصرها و مساجدی است که مردم در آن‌ها عبادت می‌کردند.[۲]

آنچه از برخی آیات قرآن مجید[۳] و تواریخ استفاده می‌شود این است که در ادیان پیشین نیز مکانی به نام «محراب» و محل عبادت وجود داشته است؛ مانند مکان‌هایی درکنیسه و معبد یهودیان و معابد و کلیساهای مسیحیان و محراب حضرت سلیمان، زکریا و مریم علیهم‌السلام؛ هر چند چگونگی این محراب‌ها به درستی برای ما روشن نیست.[۴]

در زمینهٔ ساخت اولین محراب در مساجد مسلمانان، اختلاف است. بیشتر مورّخان آن را به زمان ولید بن عبدالملک (بین سال‌های ۸۸ ـ ۹۱ ق) از سوی عمر بن عبدالعزیز نسبت داده و می‌نویسند: او اولین کسی است که محراب را به صورت معقّر و گود رفته وارد مسجد کرد.[۵] برخی دیگر مثل ابن‌بطوطه به نقل از تاریخ‌نگاران، محراب صحابه در مسجد «جامع اموی» در دمشق را اولین محراب ساخته شده در اسلام می‌دانند.[۶]

دکتر احمد فکری از محراب مسجد «قیروان» در تونس مصر، که توسط عَقَبَة بن نافع (در سال ۵۰ ق) ساخته شده، به عنوان قدیمی‌ترین محراب در مساجد یاد می‌کند.[۷] این دو محراب و محراب «جامع عمرو بن عاص» در فسطاط مصر،[۸] که در تأسیس و تعیین قبله‌اش هشتاد تن از صحابهٔ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حضور داشتند، از مشهورترین و قدیمی‌ترین محراب‌های تاریخی اسلام به‌شمار می‌روند.

برخی از مساجد نیز دارای چند محراب؛ همچون «مسجد النبی» صلی‌الله‌علیه‌وآله[۹]

---

۱. سبأ: ۱۳.

۲. ر.ک. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۶۳، ذیل آیهٔ ۱۳ سبأ / مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۸۲ / تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸.

۳. سبأ: ۱۳ / آل‌عمران: ۳۷ و ۳۹.

۴. سیمای مسجد، ج ۱، ص ۲۴۸.

۵. وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۳۷۰ ـ ۳۷۲ / خطط، ج ۲، ص ۲۴۷.

۶. رحله، ج ۱، ص ۱۷۰.

۷. مسجد القیروان، ص ۵۷ ـ ۵۹.

۸. معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۶۵، کلمهٔ «فسطاط».

۹. مرآة الحرمین‌اوالرحلات الحجازیة والحج و مشاعرة الدینیّة، ج ۱، ص ۴۶۸.

که در سال ۱۳۴۴ ق شش محراب داشت که عبارت بود از: محراب‌های نبوی، عثمانی، حنفی، تهجّد، فاطمه علیها السلام و محرابی در شمال اتاقک نگهبانان قبر شریف پیامبر صلی الله علیه و آله مساجد «جامع الازهر»، «جامع سلطان حسن» و «جامع مؤیّد شیخ»، که همگی در قاهره‌اند؛[۱] نیز محراب‌های متعدد دارند. مسجد «جامع اربعین» در کوه «قاسیون» در اطرافِ محراب گچی بزرگش، چهل محراب متعلّق به چهل تن برپاست.[۲] تعدّد محراب‌های این مساجد ناشی از پیدایش مذاهب اربعه و فِرَق متعدد در بین مسلمانان است.

آنچه از کتب فقهی با توجه به روایات موجود در ارتباط با محراب استفاده می‌شود این است که ساخت محراب به شکل متداول در زمان ما، به‌صورت کمی فرورفتگی در دیوار، کراهتی ندارد. بلکه برخی آن را مستحب دانسته‌اند.[۳] اما فقها ساختن «محرابِ داخل» برای مسجد را مکروه شمرده‌اند.[۴]

در اینکه مراد از «محراب داخل» چیست سه احتمال در کلمات فقها داده شده است:[۵]

الف . مراد محرابی است که زیاد در دیوار مسجد فرو رفته باشد، به گونه‌ای که میان مأمومان دو طرف امام جماعت با ایشان، حایل و فاصله ایجاد شود.

ب . منظور محراب‌های مستقلّی است که جدا از دیوار مسجد ساخته می‌شود.

ج . مقصود ساختن «مقصوره» (اتاق کوچک) است.

(ر.ک. مقصوره مسجد.)

محرّمات مسجد

محرّمات مسجد: اعمالی که بجا آوردن آن‌ها در مسجد حرام است و گناه دارد.

فقهای عظام احکامی را به عنوان

---

۱ . مجلهٔ مسجد، ش ۳۲ ، ص ۴۱ .

۲ . ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، ص ۱۶۰ .

۳ . جواهر الکلام، ج ۱۴ ، ص ۱۱۰ / الحدائق الناضرة، ج ۷ ، ص ۲۸۳ ـ ۲۸۲ .

۴ . المبسوط، ج ۱ ، ص ۱۶۰ / العروة الوثقی، ص ۲۰۳ / الحدائق الناضرة، ج ۷ ، ص ۲۸۲ ـ ۲۸۴ .

۵ . جواهر الکلام، ج ۱۴ ، ص ۱۱۰ .

«محرّمات مسجد» ذکر کرده‌اند. این احکام عبارتند از:

طلاکاری مسجد و همچنین نقاشی کردن و آراستن مسجد با تصاویر دارای روح مثل انسان و حیوان، فروش مسجد و فروش ابزار و آلات مسجد، اگرچه خراب شده باشد و آثار مسجد بر آنها باقی نمانده باشد، مگر در صورتی که بهره بردن از آن‌ها ممکن نباشد. در این صورت، باید آن‌ها را بفروشند و قیمت آن را در تعمیر همان مسجد یا مسجد دیگری صرف نمایند. همچنین است داخل کردن مسجد در ملک شخصی یا در راه.[۱] بنابراین، مکانی که مسجد باشد هیچ‌گاه از حالت مسجد بودن خارج نمی‌شود.[۲]

از دیگر محرّمات مسجد، نجس کردن مسجد و داخل کردن نجاست به آن است، چنانچه موجب هتک حرمت باشد. همچنین دفن میّت در مسجد نیز جایز نیست، در صورتی که احتمال آلوده شدن مسجد داده شود، بلکه بنابر احتیاط، در هیچ صورتی جایز نیست.[۳]

مراسم ترحیم در مسجد

مراسم ترحیم در مسجد: برگزاری مراسم فاتحه‌خوانی و عزاداری برای اموات در مسجد.

تشکیل جلسه و برگزاری مراسم فاتحه و ترحیم اموات در مسجد شایع است و هر روزه شاهد برگزاری چنین مجالسی در مساجد شهرها و روستاها هستیم.

کثرت افراد شرکت‌کننده در مجالس، بزرگداشت اشخاص فوت شده و نداشتن مکان کافی و مناسب، و مقدّس بودن مسجد در نظر مسلمانان، از عواملی است که سبب شده افراد مجالس ترحیم را در مسجد برگزار کنند و در قبال استفاده از اموال و وسایل مسجد در این مجالس، صاحبان

---

۱. از نظر برخی فقها، به خاطر مصلحت، می‌توان مسجد را تخریب نمود. از بین بردن مسجد یا جزئی از آن جایز نیست، مگر مصلحتی در کار باشد که نتوان از آن مصلحت چشم‌پوشی کرد. (ر.ک. أجوبة الأستفتائات، ج ۱، ص ۱۲۴، س ۴۱۴.)

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۸.

۳. همان / تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۸۹، م ۸ / امام خمینی قدس سره، رساله توضیح المسائل، م ۹۰۶.

عزا، هزینه‌ای را به متولّیان مسجد پرداخت می‌کنند که با نظر متولّی و امام جماعت مسجد صرف فعالیت‌ها و کارهای مربوط به مسجد می‌شود.

اگرچه تشکیل چنین جلساتی در مسجد، معمول شده است، ولی اگر از اهداف اولیهٔ وضع و تأسیس مسجد جلوگیری کند و مزاحمتی برای افراد نمازگزار داشته باشد، اشکال دارد. در پاسخ به این سؤال که تشکیل مجلس فاتحه و ترحیم در مسجد چه صورت دارد، فرموده‌اند: «اگر مانع از نماز نباشد، مانعی ندارد.»[۱]

شایسته است که از سوی متولّیان و مسئولان مساجد، برای جلوگیری از ایجاد مزاحمت برای نمازگزاران و اهداف عبادی در مسجد، برای تشکیل چنین جلساتی، برنامه‌ریزی‌های دقیق و لازم انجام شود.

مستحبّات مسجد

مستحبّات مسجد: اعمالی که بجا آوردن آن‌ها در مسجد ثواب دارد، ولی بر ترک آن‌ها گناه و عقابی مترتّب نیست.

فقها با استفاده از متون و منابع روایی، برای مسجد اعمالی را به عنوان «مستحبّات مسجد» ذکر کرده‌اند. آنان ابتدا بنای ساختمان مسجد و همچنین تعمیر مسجدی را که نزدیک به خرابی است، از مستحبّات اکیدی به شمار آورده‌اند که دارای فضیلت بسیار است.[۲] دیگر مستحبات عبارت است از: وضو گرفتن، استفاده از بوی خوش، پوشیدن بهترین لباس‌ها، وارسی کردن کفش‌ها پیش از ورود، سبقت گرفتن مسلمانان بر یکدیگر هنگام ورود به مسجد و تأخیر در خروج، وارد شدن با پای راست و خارج شدن با پای چپ، خواندن نماز تحیّت یا دیگر نمازهای واجب یا مستحب پیش از نشستن، نشستن رو به قبله، دعا کردن، حمد و ستایش خداوند، صلوات فرستادن بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، روشن کردن چراغ مسجد، جارو کردن و غبارروبی مسجد.

مستحب است دست‌شویی‌های مساجد

---

۱. مجمع‌المسائل، ج ۱، ص ۱۳۷، س ۴۰ / احکام مسجد، ص ۱۱۲، س ۱۸۸.

۲. تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۱۵۲، م ۱۸ / امام خمینی قدس‌سره، رساله توضیح‌المسائل، م ۹۱۱.

را نزدیک در و بیرون از فضای مسجد بسازند.[۱] همچنین مستحب است انسان نماز را در مکان‌های گوناگون مسجد اقامه کند. رفت و آمد زیاد به مساجد نیز از مستحبّات است.[۲]

مَست در مسجد

مَست در مسجد: حضور افرادی که بر اثر نوشیدن مواد الکلی از حالت طبیعی خارج شده‌اند در مسجد.

ورود شخص مست به مسجد اگر به گونه‌ای باشد که مستلزم هتک حرمت خانهٔ خدا (مسجد) شود حرام بوده و بر مؤمنان لازم است که از حریم مسجد محافظت نمایند و مانع ورود این افراد به مسجد شوند. (ر.ک. حفظ حریم مسجد.)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **﴿لاٰ تَقْرَبُوا الصَّلاةَ وَ اَنْتُمْ سُكٰارى حَتّٰى تَعْلَمُوْا مَا تَقُوْلُوْنَ وَلاَجُنُباً اِلاَّ عٰابِرِىْ سَبِيْلٍ حَتّٰى تَغْتَسِلُوْا...﴾**؛[۳] در حال مستی، به نماز نزدیک نشوید، مگر اینکه بدانید چه می‌گویید، و نیز با حالت جنابت، جز به صورت عبور (به مسجد وارد نشوید)، مگر اینکه غسل کنید.

برخی از مفسّران در ذیل آیهٔ شریفه، گفته‌اند: مراد از «الصلاة» محلِّ بجای آوردن نماز ـ یعنی مسجد ـ است و مؤیّد این قول ادامهٔ آیهٔ شریفه است که می‌فرماید: **﴿ الاّ عابری سبیلٍ ﴾**؛ زیرا عبور در مورد محل و جایگاه نماز معنا پیدا می‌کند و نه خود نماز.[۴] بر این اساس، آیهٔ شریفه متضمّن این نکته است که ورود اشخاص مست به مسجد جایز نیست و باید از آن‌ها جلوگیری شود.

در برخی روایات، از ورود مست به مسجد و بی‌اعتنایی مردم نسبت به این گناه به عنوان یک انحراف در امّت اسلامی و از نشانه‌های ظهور امام زمان(عج) یاد شده است. در حدیثی طولانی از امام صادق علیه‌السلام در میان نشانه‌های ظهور امام عصر(عج)

---

۱. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰ «فصل فی بعض احکام المساجد».

۲. همان، ص ۵۹۶ و ۵۹۷، م ۶ و ۹.

۳. نساء: ۴۳.

۴. التبیان، ج ۳، ص ۲۰۶ / مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۹۲.

آمده است: می‌بینی که مساجد پر شده از افرادی که ترسی از خدا ندارند؛ مردم برای غیبت کردن و خوردن گوشت اهل حق در مساجد جمع می‌شوند و دربارهٔ نوشیدن مسکرات و مست‌کننده‌ها سخن می‌گویند؛ و می‌بینی که مست در حالی که عقل ندارد امام مردم در نماز جماعت می‌شود و مردم مستی و مِی‌خوارگی را سرزنش نمی‌کنند.[۱]

بنابراین، ورود مست به مسجد جایز نیست و در صورتی که موجب هتک حرمت مسجد شود ورودش حرام است و بر مؤمنان لازم است با این پدیدهٔ زشت مقابله کنند.

مسجد

مسجد: جایگاه نماز و عبادت مسلمانان.

«مسجد» در اصل، اسم مکان از فعل «سَجَدَ یَسجُد» است. «مسجد» مفرد مساجد است و به کسر جیم خوانده می‌شود، اگرچه واژه‌شناسان و لغویان بزرگی همچون فرّاء برآنند که به فتح جیم نیز جایز است، اما با این تلفظ تاکنون استعمال نشده است.[۲]

«مسجد» در معاجم و فرهنگ‌های لغت، تعاریف گوناگونی دارد که همگی به یک معنا بازگشت می‌کند. زجّاج می‌گوید: «کلُّ مَوضعٍ یُتَعَبَّدُ فیه فهو مسجدٌ»؛[۳] هر جایگاهی که در آن عبادت شود مسجد است.

اما اگر «مسجد» به فتح جیم خوانده شود به معنای جایگاه عبادت در خانه‌ها و جایگاه نماز جماعت است. ابن‌اعرابی گفته است: «مسجد بفتح الجیم محراب البیوت و مصلّی الجماعات.»[۴] در *مفردات راغب* آمده است: «المسجدُ موضِعُ الصَّلاة اعتباراً بالسُّجُودِ»؛[۵] مسجد جایگاه نماز است، به اعتبار سجده که در نماز حاصل می‌شود.

نتیجه آنکه «مسجد» در زبان عربی، اسم مکان، مشتق و از ریشهٔ ثلاثی مجرّد

---

۱. الکافی، ج ۸، ص ۴۱.

۲. و قال الفرّاء: «کلّ ما کان علی فَعَل یَفعَلُ مثل دخل یدخل فالمفعل منه بالفتح، اسماً کان أو مصدراً و لایقع فیه الفرق.» (الصحاح، ج ۲، ص ۴۸۴.)

۳. لسان‌العرب، ج ۳، ص ۲۰۴ ـ ۲۰۶.

۴. تاج العروس، ج ۲، ص ۳۷۱.

۵. المفردات فی الفاظ القرآن، ص ۲۷۱.

«سجد»، و در زبان فارسی، به معنای جایگاه نماز و محلّ عبادت به کار رفته است.[۱]

اما اینکه چرا کلمهٔ «مسجد» برای مکان عبادت و محل نماز استعمال شده، گفته‌اند: به دلیل آنکه سجده شریف‌ترین و مهم‌ترین رکن نماز است و مظهر بندگی و کرنش در برابر خداوند، و در آن بیش از دیگر افعال نماز، انسان به خداوند نزدیک می‌شود. از این رو، اسم مکان از این فعل اتخاذ و به محل عبادت و نماز اطلاق شده است.[۲]

اگرچه امروزه از واژهٔ «مسجد» عبادتگاه خاص مسلمانان به ذهن متبادر می‌شود، اما در قرآن کریم، این واژه بر معابد ملل سابق نیز اطلاق شده است: ﴿**قالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِداً**﴾؛[۳] آنان که به معجزه و داستان اصحاب کهف برخوردند، گفتند: بر بالای غارشان مسجدی می‌سازیم. به دلیل آنکه ماجرای اصحاب کهف پیش از نزول قرآن بوده، پس مراد از «مسجد» در آیهٔ مزبور، کلیسا است.

اما در اصطلاح شرعی، «مسجد» به مکان معیّن و موقوف برای نماز اطلاق شده است. صاحب *جواهر* می‌فرماید: «والمرادُ بالمسجدِ شرعاً المكانُ الموقوف على كافّةِ المسلمينَ للصّلاة»؛[۴] مقصود از مسجد در اصطلاح شرعی، مکانی است که برای اقامهٔ نماز تمام مسلمانان وقف شده است.

در فرهنگ دینی، گاه از مسجد به عنوان «بیت‌الله»، یعنی خانهٔ خدا نیز یاد می‌شود.[۵] شاید این بدان دلیل است که انسان‌ها در این مکان، به سوی خداوند متعال تقرّب می‌جویند. پس خانهٔ خدا در حقیقت، خانهٔ بندگان او و جایگاه پرستش و بندگی حق تعالی است و به همین دلیل، قرآن کریم کعبه را، که برترین خانهٔ خدا در زمین است، خانه‌ای برای مردم به شمار می‌آورد: ﴿**إِنَّ**

---

۱. فرهنگ عمید / لغت‌نامه.

۲. اعلام الساجد باحکام المساجد، ص ۱۸ / سیمای مسجد، ج ۲، ص ۳۰.

۳. کهف: ۲۱.

۴. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۶۹، «خاتمة فیما یتعلّق بالمساجد».

۵. نور: ۳۶.

اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَكَّةَ﴾؛[۱] همانا اولین خانه‌ای که برای مردم بنا شده، در مکّه است... (ر.ک. کعبه و مکّه.)

واژهٔ «مسجد» در قرآن کریم، جمعاً ۲۸ بار ذکر شده که ۲۲ بار به صورت مفرد[۲] و ۶ بار دیگر به صورت جمع آمده است.[۳] این آیات در مقام بیان، اهمیت مسجد و جایگاه آن در اسلام، احکام مسجد، مسجدالحرام، مسجد الأقصی و مسجد اصحاب کهف است.

(ر.ک. آیات مسجد / آیات مسجدالحرام و آیات احکام مسجد.)

مسجد در عصر ظهور

مسجددر عصر ظهور: سیمای مسجد در عصرظهوروبرنامه‌های حضرت‌مهدی علیه‌السلام درخصوص مسجد.

مسجد در عصر ظهور، از جایگاه مهمی برخوردار خواهد بود؛ چنان‌که محلّ ظهور و ندای جهانی و اجتماع یاران حضرت مهدی علیه‌السلام در مسجدالحرام[۴] با فضیلت‌ترین مساجد است. (ر.ک. مسجدالحرام.)

همچنین بنابر وجود روایات گوناگون، پایتخت حکومت حضرت مهدی «عج» شهر کوفه است و ایشان مسجد «سهله» را محل سکونت و مسجد «کوفه» را محل تشکیل ستاد فرماندهی خود قرار خواهند داد:

زمانی که مفضّل بن عمر از حضرت صادق علیه‌السلام دربارهٔ محلّ حکومت مهدی سؤال کرد، آن حضرت فرمود: مقرّ سلطنت ایشان (امام زمان) شهر کوفه است و محلّ حکومتش مسجد جامع کوفه و محلّ بیت‌المال و تقسیم غنایم مسجد سهله.[۵]

---

۱. آل‌عمران: ۹۶.

۲. بقره: ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۱۷ / مائده: ۲ / اعراف: ۲۹ و ۳۱ / انفال: ۳۴ / توبه: ۷ / اسراء: ۱ / کهف: ۲۱ / حج: ۲۵ / عنکبوت: ۶۷ / فتح: ۲۵ ـ ۲۷.

۳. بقره: ۱۱۴ ـ ۱۸۷ / توبه: ۱۷ ـ ۱۸ / حج: ۴۰ / جن: ۱۸.

۴. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵۹، ح ۵۶ / ج ۵۲، ص ۲۸۶، ح ۱۹ و ص ۳۶۹، ح ۱۵۵ / حدیث مسجد، ص ۳۵۷، ح ۶۲۲.

۵. مهدی موعود، (ترجمهٔ ج ۱۳ / بحارالانوار)، ص ۱۱۵۹.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: آن مسجد (مسجد سهله) منزل صاحب ماست، هنگامی که با اهل خویش به شهر کوفه وارد شود.[۱] در این‌باره، روایات متعددی وجود دارد.[۲]

با توجه به مجموعه روایات و مآخذ دینی درخصوص برنامه‌های حضرت مهدی علیه السلام نسبت به مساجد، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱ . توسعهٔ فیزیکی مساجد: از اولین برنامه‌های حضرت مهدی علیه السلام، توسعهٔ بسیار مساجد، بخصوص توسعهٔ مسجد کوفه، است که تحت تأثیر تشکیل حکومت در این شهر قرار می‌گیرد.

روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده است که فرمودند: روزی برسد که «کوفه» به «حیره» وصل شود و (زمین‌های آن) چنان مرغوبیتی پیدا کند که یک ذراع زمین آن به چند اشرفی فروخته شود و مسجدی در حیره بنا شود که دارای ۵۰۰ در باشد و نمایندهٔ قائم در آن نماز بگزارد؛ زیرا مسجد کوفه برای آن‌ها تنگ خواهد بود و ۱۲ پیش‌نماز عادل در آنجا نماز می‌گزارند.

روای می‌گوید: عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! آیا مسجد کوفه در آن روز گنجایش این همه جمعیت را دارد؟ حضرت فرمودند: چهار مسجد برای قائم ساخته می‌شود که مسجد کوفه کوچک‌ترین آن‌هاست؛ مسجد (کنونی) کوفه و دو مسجد دیگر در آن روز، در این دو طرف کوفه واقع است و با دست مبارک، به نهر اهل بصره و کوفه و نجف اشاره کرد.[۳]

همچنین در روایت مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السلام چنین نقل نمود: هنگامی که قائم آل‌محمّد علیه السلام قیام کند، در پشت شهر کوفه مسجدی بنا کند که دارای هزار در باشد

---

۱ . بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱، ح ۵۴ و ج ۵۳، ص ۱۴۸، ح ۸ / الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۵ / الکافی، ج ۳، ص ۴۹۵ / تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۲ / حدیث مسجد، ص ۳۵۹، ح ۶۲۶.

۲ . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶، ح ۱۷۷ و ج ۱۰۰، ص ۴۳۶، ح ۷ / دلائل‌الامامة، ص ۲۴۳ / الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۰.

۳ . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴، ح ۱۷۳ / حدیث مسجد، ص ۳۶۰، ح ۶۲۸.

و خانه‌های کوفه به نهر کربلا متصل شود.[۱]

۲ . دستور عدم تخریب مساجد به اصحاب خویش: امام به هیچ‌وجه به‌مردم اجازهٔ تخریب مسجدی را بدون علت و به طور خودسرانه نمی‌دهند. از امیرمؤمنان علیه‌السلام روایت شده است که فرمودند: مهدی از اصحابش پیمان می‌گیرد بر اینکه دست به سرقت نزنند و... مسجدی را خراب نکنند.[۲] اما اگر مصالح نظام اسلامی و نیاز عمومی ایجاب نماید، آن حضرت مجوّز تخریبش را صادر می‌فرمایند.

۳ . انهدام و نابود کردن بدعت‌های موجود در مساجد: پاک‌سازی قسمت‌هایی از مساجد که خارج از سنّت نبوی ساخته شده از دیگر برنامه‌های حکومتی آن حضرت است. در این‌باره، حدیث ذیل مؤیّد است:

ابوهاشم جعفری گفت: نزد امام حسن عسکری علیه‌السلام بودم که فرمودند: هرگاه حضرت قائم علیه‌السلام قیام کند، به انهدام مناره‌ها و مقصوره‌هایی که در مساجد است، فرمان می‌دهد. راوی گوید: با خود گفتم: این کار به چه معنایی است؟! امام علیه‌السلام رو به من نمود و فرمود: به معنای بدعت‌گزاری در دین است که هیچ پیامبر و حجّت خدا به ساخت آن اقدام ننموده است.[۳] (ر.ک. مناره / مقصوره / بدعت در مسجد.)

نیز امام باقر علیه‌السلام فرمودند: اولین کاری که قائم ما انجام می‌دهد آن است که سقف مساجد را خراب می‌کند و دستور می‌دهد خیمه‌ای همانند خیمهٔ موسی برپا دارند.[۴] (ر.ک. سقف مسجد.)

۴ . تخریب مساجد ملعونه و مساجدی که بدون قصد قربت ساخته شده‌اند: حضرت حجّت علیه‌السلام دستور تخریب مساجدی را که قصد قربت در آن‌ها نیست

---

۱ . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۶ / الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۰ / حدیث مسجد، ص ۳۶۰، ح ۶۲۸.

۲ . منتخب‌الاثر، ص ۴۶۹.

۳ . بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۵۰، ح ۳، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ح ۳۲ و ج ۸۳، ص ۳۶۹، ح ۲۸ / حدیث مسجد، ص ۲۵۸، ح ۶۲۳.

۴ . بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶، ح ۲۰۰ / من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۷۰۶ / حدیث مسجد، ص ۳۶۴، ح ۶۳۸.

صادر می‌نمایند، بخصوص دستور تخریب چهار مسجد کوفه که با انگیزهٔ شادمانی از شهادت حضرت حسین‌بن علی علیه‌السلام پس از فاجعهٔ کربلا بنا شدند.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: قائم علیه‌السلام، پس از اینکه شرق و غرب زمین را طی نمود، به کوفه و مسجد کوفه می‌آید و مسجدی را که یزید بن معاویه پس از قتل امام حسین علیه‌السلام بنا کرد، منهدم می‌کند؛ آن مسجدی نیست که برای خدا ساخته شده باشد و سازندهٔ آن ملعون است.[۱]

حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند: وقتی قائم علیه‌السلام قیام کند، داخل کوفه می‌شود و دستور انهدام مساجد چهارگانه را صادر می‌فرماید و آن‌ها را مانند سایبان حضرت موسی علیه‌السلام قرار می‌دهد و همهٔ مساجد را به صورتی که در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند، ساده و بدون اشراف و تجمّل تغییر شکل می‌دهد، شاه راه را حدود ۲۰ ذراع تعریض می‌کند (کنایه از وسعت راه‌ها) و هر مسجدی را که در مسیر توسعهٔ (شهری) قرار گیرد، خراب می‌کند و تمام ایوان (بالکن)ها و ناودان‌هایی را که مشرف بر راه‌ها باشند، از بین می‌برد.[۲]

۵. بازگرداندن مسجدالحرام و مسجدالنبی و مسجد کوفه به شکل و جایگاه اصلی خود: ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است که فرمودند: هنگامی که قائم علیه‌السلام قیام نماید، بیت‌الحرام و مسجد رسول خدا و مسجد کوفه را به جایگاه اصلی خود بازگرداند.[۳]

۶. مسجد؛ جایگاه دانشگاه علوم قرآنی در عصر ظهور: مسجد در عصر نبوی تنها محل عبادت نبود، بلکه در مسجد به امور گوناگون اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی رسیدگی می‌شد و تشکیل حلقه‌های آموزشی از جمله نمونه‌های بارز بهره‌برداری فرهنگی از مسجد به شمار می‌آمد. آن‌گونه که از احادیث برمی‌آید،

---

۱. بحارالأنوار، ج ۵۳، ح ۳۴، ص ۱۰۴، ح ۱۳۱ / حدیث مسجد، ص ۳۶۲، ح ۶۳۴.

۲. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹، ح ۸۴ / الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۹ / مستدرک‌الوسائل، ج ۱۷، ح ۱۷۱.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۳، ح ۸۰۸۶ / تهذیب‌الأحکام، ج ۵، ص ۴۵۲، ح ۲۲۲ / حدیث مسجد، ص ۳۶۴، ح ۶۳۷.

مساجد عصر ظهور نیز دارای چنین کارکردهایی خواهند بود و آموزش علوم اسلامی و قرآن در آن‌ها جریان خواهد داشت و برای قرآن‌آموزی، خیمه‌گاه مسلمانان، اعم از عرب و عجم خواهند شد.

ابن‌نباته از امام علی علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمودند: گویا غیر عرب را می‌بینیم که خیمه‌هایشان در مسجد کوفه برپاست و به مردم قرآن را همان‌گونه که نازل شده، یاد می‌دهند.[۱]

امام صادق علیه‌السلام نیز فرمودند: چگونه خواهید بود اگر اصحاب قائم خیمه‌ها را در مسجد کوفه نصب کنند؟ آن‌گاه (امام) به سوی کوفیان آید و کاری نو از سر گیرد که بر عرب گران آید![۲]

۷. مسجد؛ مرکز قضاوت و دادرسی: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: مرکز حکومت مهدی علیه‌السلام در کوفه و مرکز قضاوت و دادرسی او مسجد اعظم کوفه است.[۳] (ر.ک. کارکرد قضائی مسجد.)

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: مهدی علیه‌السلام وارد کوفه می‌شود و سه گروهِ درگیر، در یک صف بر وی گرد می‌آیند. او بر فراز منبر می‌رود، خطبه می‌خواند و مردم آن‌قدر اشک شوق می‌ریزند که متوجه سخنان او نمی‌شوند.[۴]

در مجموع، آنچه از احادیث گوناگون برمی‌آید رعایت اصل سادگی در تأسیس مساجد، اجتناب از تجمّل‌گرایی و پاک‌سازی مساجد از ظواهر ابداعی و غیراسلامی، احیای ارزش‌های اصیل اسلامی در ساختمان مساجد، و اولویت درون‌گرایی بر ظاهرآرایی، سیمای کلی مساجد عصر ظهور خواهد بود.

طبق روایتی به نقل جابر از امام باقر علیه‌السلام هنگامهٔ ظهور، بخشی از بنای سمت راست مسجد دمشق فرومی‌ریزد.[۵]

---

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴، ح ۱۴۱ / حدیث مسجد، ص ۳۶۰، ح ۶۳۰.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۴ / حدیث مسجد، ص ۳۶۱، ح ۶۳۱.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱ / فرهنگ‌نامهٔ مهدویت، ص ۳۵۶.

۴. کتاب‌الغیبة، ص ۴۶۸ / فرهنگ‌نامهٔ مهدویت، ص ۳۵۷.

۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷، ح ۱۰۵ / حدیث مسجد، ص ۳۵۸، ح ۶۲۴.

مسجد ضرار

مسجد ضرار: تاریخ ساخت و علت تخریب آن.

در تاریخ مسجد، در صدر اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله با بنای مسجد «ضرار» مخالفت کرد و بنا به فرمان خداوند، ایشان دستور تخریب و انهدام آن را صادر فرمود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُواْ مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللّهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلَيَحْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلاَّ الْحُسْنَى وَاللّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * لاَ تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْ وَاللّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ﴾؛[1] گروهی دیگر از آنان (منافقان) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن به اسلام و مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود. آنان سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی نظری نداشته‌ایم! اما خداوند شهادت می‌دهد که آن‌ها دروغگویند. هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست. آن مسجدی که از روز نخست بر پایهٔ تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن به عبادت بایستی. در آن مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

در تفاسیر، در شأن نزول آیهٔ شریفهٔ مزبور چنین آمده است: پس از آنکه «بنی عمرو بن عوف» و جماعتی دیگر مسجد «قبا» را ساختند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله دعوت کردند تا تبرّکاً در آنجا نماز بخوانند. حضرت نیز قبول نمودند و مسجد را افتتاح کردند. عدّه‌ای از منافقان به دستور «بنی غنم بن عوف» از روی حسد و انگیزه‌های غلط و باطل، اقدام به ساختن مسجدی درکنار مسجد «قبا» نمودند تا از آن به عنوان پایگاهی علیه مسلمانان استفاده کنند. سپس نزد حضرت آمدند و درخواست کردند که در آنجا نماز بگزارد، ولی چون حضرت عازم «تبوک» بود، وعده داد که هنگام بازگشت، به آنجا خواهد رفت. پس از مراجعت به مدینه،

---

۱. توبه: ۱۰۷ و ۱۰۸.

آیات مزبور نازل شد. از این‌رو، حضرت به دو تن از اصحاب خود (عاصم بن عوف عجلانی و مالک بن دخشم که از قبیلهٔ «بنی‌عمرو بن عوف» بودند یا عمّار یاسر و وحشی) دستور دادند بروند و مسجد مزبور را، که مردمی ظالم ساخته‌اند، خراب کنند و آن را به آتش بکشند.[۱]

در روایتی هم آمده است که جای آن را زباله‌دان کردند تا کثافات محل را در آنجا بریزند.[۲]

دشمنان اسلام دلیل ساختن این مسجد را نزد پیامبر، کوتاه شدن مسیر برای بیماران و کسانی که کارشان زیاد است و نیز برای شب‌های بارانی و زمستانی مطرح کردند.[۳] ولی در واقع، طبق آیات مذکور و بعضی از روایات، اهداف دیگری دنبال می‌کردند که عوامل ذیل را می‌توان نام برد:

۱. ضرر وارد آوردن به مسلمانان و جامعهٔ اسلامی؛

۲. کفرورزیدن و زمینه‌سازی برای بازگشت به مبانی و اندیشه‌های جاهلی و کتمان حقیقت؛

۳. تفرقه‌افکنی در بین مؤمنان؛

۴. ایجاد پایگاه و کمینگاهی برای دشمنان خدا و پیامبر و کمک به دشمنان؛

مسئول تصمیم‌گیری دربارهٔ مسجد ضرار و تخریب آن، شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که به عنوان رئیس حکومت اسلامی، چنین فرمانی صادر کرد. بنابراین، در زمان حاضر، اگر مسجدی ویژگی‌های مسجد ضرار را داشته باشد، حاکم اسلامی و ولیّ فقیه می‌تواند چنان فرمانی صادر کند.[۴]

امام خمینی قدس سره می‌فرماید: «حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند.»[۵]

نهی از اقامه و خواندن نماز در مسجد «ضرار»، که در آیهٔ مزبور آمده بود، دلیل بر حرمت و بطلان نماز در مسجد «ضرار»

---

۱. مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۷۲.

۲. همان، ص ۷۳ / تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۰۵ / سیمای مسجد، ج ۲، ص ۲۷۶ و ۲۷۷.

۳. تفاسیر مجمع‌البیان، نورالثقلین در ذیل آیات شریفهٔ ۱۰۷ و ۱۰۸ سورهٔ توبه.

۴. صحیفهٔ نور، ج ۲۰، ص ۴۵۲.

۵. همان، ص ۱۷۰.

و مساجدی است که ویژگی‌های آن مسجد را دارند.

نکتهٔ مهم آن است که نفاق و دورویی در جامعه، گاهی در قالب نمادهای دینی مثل مسجد ظهور می‌کند و چنین برخوردی از سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد مسجد «ضرار» مانع تکرار این حادثهٔ تلخ در طول تاریخ اسلام و سوءاستفادهٔ دشمنان از مسجد گردید.

مشاهد مشرّفه

مشاهد مشرّفه: مساجد و خانه‌ها و قبور انبیا و اولیا و ائمّهٔ اطهار علیهم السلام.

«مشاهد مشرّفه» یعنی قبرهای مطهّر پیامبران و ائمّهٔ اطهار علیهم السلام و ذریّهٔ پاک آنان و خانه‌ها و مساجد آن‌ها که از ارجمندترین و گرامی‌ترین مکان‌های روی زمین هستند.

صاحب *العروة‌الوثقی* در این زمینه می‌فرماید: نماز خواندن در مشاهد ائمّهٔ اطهار علیهم السلام (محل قبور مطهّر آنان) مستحب است. این مشاهد همان خانه‌هایی است که خداوند متعال تعظیم و ذکر نام خود را در آن‌ها رخصت داده، بلکه مشاهد مشرّفه از مساجد افضل است. در حدیث وارد شده که یک رکعت نماز در مشهد امیرالمؤمنین علیه السلام مساوی با دویست هزار رکعت است، همچنین نماز در روضهٔ انبیا و جایگاه اولیا و صالحان و علما و عبّاد، بلکه در محلّ زندگانی آنان مستحب است.[1]

قرآن کریم از خانه‌هایی سخن به میان آورده که خداوند، خود به تعظیم و بزرگداشت آن‌ها فرمان داده و مؤمنان را فرموده است تا در آن‌ها به ذکر و ثنای خداوند بپردازند؛ ﴿**فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیها اسْمُهُ**﴾؛[2] در خانه‌هایی که خداوند به بزرگداشت آن‌ها فرمان داده و ذکرنام خود را در آن‌ها رخصت داده است.

اعتقاد بعضی از مفسران مانند ابن‌عبّاس و مجاهد بر آن است که مراد از «بیوت»، مساجد است.

---

۱. العروة‌الوثقی، همراه با حواشی امام خمینی قدس سره، ص ۲۱۱، م ۵۵ / سیمای مسجد، ج ۱، ص ۹۲.

۲. نور: ۳۶.

برخی گفته‌اند: مراد از «بیوت»، چهار مسجدی است که پیامبران آن‌ها را بنا نموده‌اند؛ یعنی «کعبه» که توسط حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بنا شده؛ «بیت‌المقدس» که به دست حضرت سلیمان علیه السلام درست شده و مسجد «مدینه» و مسجد «قبا» که توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله ساخته شده است.

برخی از مفسّران معتقدند: مراد از «بیوت»، خانه‌های پیامبران است.[۱]

تردیدی نیست که واژهٔ «بیوت»، که در این آیه آمده و به معنای «خانه‌ها» است، مساجد خدا را دربرمی‌گیرد، ولی از روایات استفاده می‌شود که این کلمه در آیهٔ مزبور، دارای معنایی گسترده است و خانهٔ حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام و تربت پاک پیامبران و امامان و ذریّهٔ پاک آنان را نیز دربرمی‌گیرد؛ زیرا مفسّرانی که قایل به معنای سوم بودند، در ذیل آیه، این روایت را نقل می‌کنند: هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت نمودند، از آن حضرت سؤال شد: مراد از بیوت چیست؟ فرمودند: مراد «خانه‌های پیامبران» است. آن‌گاه ابوبکر برخاست و گفت: ای رسول خدا! آیا خانهٔ علی و فاطمه نیز از همین خانه‌هاست؟ پیامبر فرمودند: آری، از برترین این خانه‌هاست.

این روایت در واقع، درصدد بیان مصداقی از مصادیق «بیوت» است؛ یعنی این کلمه، هم مساجد و هم خانه‌های پیامبران علیهم السلام را شامل می‌شود.[۲]

در فضیلت مشاهد مشرّفه همین بس که قرآن مجید به زائران خانهٔ خدا فرمان می‌دهد که نماز طواف خویش را در جایگاه و محل اقامت حضرت ابراهیم علیه السلام بجای آورند، آنجا که می‌فرماید: ﴿**وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ ابراهیمَ مُصَلّی**﴾[۳] و جایگاه ابراهیم را محل نماز خویش قرار دهید.

با همین نگرش قرآنی است که امام صادق علیه السلام جای پای پیامبر صلی الله علیه و آله را بس بزرگ می‌شمرد؛ چنانکه در حدیث وارد شده است: امام صادق علیه السلام هنگام عبور

---

۱. مجمع‌البیان، ذیل آیهٔ شریفه.

۲. المیزان، ج ۱۵، ص ۱۴۲.

۳. بقره: ۱۲۵.

از مسجد «غدیر»، نگاهی به سمت چپ مسجد کردند و فرمودند: اینجا جای پای رسول خداست، و آنگاه که فرمودند: هرکس من مولای اویم، این علی مولای اوست؛ خداوندا! دوستدار علی را دوست بدار و دشمنانش را دشمن باش.[۱]

روایات رسیده در فضیلت خانه و جایگاه انبیا و اولیا و مشاهد مشرّفهٔ آنان فراوان است،[۲] بلکه از روایات به خوبی استفاده می‌شود که شرافت فوق‌العادهٔ مسجد بافضیلت به برکت قدوم مبارک انبیا و اولیا علیهم‌السلام و یا واقع شدن قبور مطهّر آنان در این مکان‌هاست؛[۳] مانند مسجد «سهله»، مسجد «کوفه»، مسجد «براثا»، مسجد «خیف» در منا و «مسجد الحرام».

البته بر ما لازم است مشاهد مشرّفهٔ اولیای خدا را همان‌گونه که آن بزرگواران خود دستور داده‌اند زیارت کنیم.[۴]

احکامی که در مورد مشاهد مشرّفه وجود دارد دلیل دیگری بر فضیلت آن‌هاست. «انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علیه‌السلام نماز نخواند و چنانچه نماز خواندن بی‌احترامی به صاحب قبر باشد، حرام است، ولی نماز باطل نیست.»[۵]

«برای رفتن به حرم امامان و حتی امامزادگان، مستحب است انسان وضو بگیرد.»[۶] «بنابر احتیاط واجب، جنب و حائض و نفساء نباید در حرم امامان علیهم‌السلام توقف کند، ولی در حرم امامزادگان اشکال ندارد.»[۷]

---

۱. وسائل‌الشیعة، ج ۳، ص ۵۴۸، ب ۶۱، ح ۱ و ح ۳.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۴۳، ب ۵۷، از ابواب احکام‌المساجد، ح ۴؛ ص ۵۴۷، ب ۵۹، ح ۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۵۴۸، ب ۶۱، ح ۱ / ج ۳، ب ۴۴، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۶۲ از ابواب «احکام‌المساجد».

۴. در کتاب مفاتیح‌الجنان کیفیت زیارت ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام و برخی از امامزاده‌ها وارد شده است.

۵. امام خمینی قدس‌سره، رساله توضیح‌المسائل، م ۸۸۴ / احکام مسجد، ص ۱۳۴، م ۲۱۹.

۶. همان، م ۳۲۲ / احکام مسجد، ص ۱۳۴، م ۲۱۹.

۷. همان، م ۳۵۵ / احکام مسجد، ص ۱۳۴، م ۲۲۲.

مصلاّ[۱]

مصلاّ: نمازگاه یا عیدگاه که برای برگزاری نماز جمعه و جماعات استفاده می‌شود.

«مصلّی» ابتدا به معنای بوریا یا سجّاده بوده که به مرور زمان، به فضای باز و وسیله‌ای برای نماز جماعت تغییر معنا داده است. اصل تأسیس محلّی به نام مصلاّ به زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برمی‌گردد که نمازهای عید و مراسم عبادی را در فضاهای باز اطراف شهر برگزار می‌کردند. برای مثال، روایت شده است که پیامبر مراسم و جشن‌های عبادی را در مصلاّی قبیلهٔ «بنی‌سلیم» برپا می‌کردند.[۲] البته مکان‌هایی که پیامبر در آن زمان به عنوان مصلاّ از آنها استفاده می‌کردند، اکنون به «مسجد» تبدیل شده‌اند. نام این مساجد در کتب تاریخی ذکر شده است.[۳]

ساخت مصلاّ در طول تاریخ اسلام و در تمامی سرزمین‌های اسلامی، متداول بوده و بعضی از آنها تا به حال نیز پابرجا مانده است. معروف‌ترین مصلاّها، که از زمان‌های قبل باقی مانده، عبارت است از: مصلاّی «نیسا» مربوط به قرن دهم تا قرن چهاردهم میلادی، مصلاّی تربت جام مربوط به اواسط قرن پانزدهم میلادی، مصلاّی مشهد مربوط به قرن هفدهم میلادی (۱۶۷۶ م) که از کاشی‌کاری‌های زیبایی برخوردار است، مصلاّی کاشان مربوط به قرن نوزدهم میلادی، شش مصلاّ در سمرقند مربوط به قرن هفدهم میلادی، و هشت نمونه در «تاشکند» مربوط به قرن نوزدهم میلادی.

معامله در مسجد

معامله در مسجد: خرید و فروش و انجام سایر عقود و ایقاعات در مسجد.

در روایات موجود در کتب شیعه

---

۱. لغت‌نامه.

۲. فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳، مقاله: «مساجد در سرزمین‌های مرکزی عرب».

۳. ر.ک. تاریخ‌المدینة‌المنورة / فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳، مقالهٔ «مسجد ایران و آسیای مرکزی»، اثر برنارد اوکین، ترجمهٔ عبدالله برادران.

و اهل‌سنّت، از معامله و خرید و فروش در مساجد نهی شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: مساجد خویش را محل خرید و فروش قرار ندهید.[۱]

در روایت دیگری آمده است: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از خرید و فروش در مسجد نهی فرمودند[۲] و در وصیت خود به ابوذر فرمودند: از نشانه‌های آبادانی مساجد آن است که در آن خرید و فروش نشود.[۳]

مشهور فقها براساس این روایات و روایاتی که دستور می‌دهند کرامت و حرمت مساجد باید حفظ شود و مساجد برای عبادت بنا شده‌اند، فتوا به کراهت هرگونه خرید و فروش در مساجد داده‌اند.[۴] صاحب *جواهر* پس از ذکر روایات این باب و اینکه بهتر است در باب معامله در مسجد، حکم به کراهت شود، دربارهٔ عقود و معاوضات[۵] می‌فرماید: انجام عقود معاوضی، که در آن‌ها نقل و انتقال انجام می‌گیرد، در مسجد مکروه است، ولی آن دسته از عقود و ایقاعاتی[۶] که صرفاً جنبهٔ قربی و عبادی دارد ـ مثل برگزاری عقد ازدواج و وقف و نذر و امثال این‌ها ـ انجامشان در مسجد بلامانع است.[۷]

برخی از فقها نیز معتقدند: چنانچه معامله و خرید و فروش برای نمازگزاران ایجاد مزاحمت کند یا موجب شود که شکل و هیأت مسجد تغییر کند و از عبادی بودن خارج گردد، بعید نیست که حرام باشد. جماعتی هم در این فرض، قطع به حرمت پیدا کرده‌اند.[۸]

---

۱. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۴۹.

۲. سنن‌نسائی، ج ۲، ص ۴۷ / سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۳، ح ۶۴۲۱.

۴. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰ / نهایة‌الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۶ / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۳.

۵. «عقود معاوضی» عقودی است که در آن‌ها داد و ستد وجود دارد و محتوای آن‌ها دریافت چیزی در مقابل چیز دیگر است.

۶. «ایقاع» آن دسته از حقوق یک طرفه است که قبول در آن‌ها شرط نیست؛ مثل وقف.

۷. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۸. الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۸۵.

معماری مسجد

معماری مسجد: ساختمان ظاهری مسجد.

در یک نگاه کلی به آیات و روایاتی که دربارهٔ مسجد رسیده است، می‌توان استفاده کرد که بنای شارع مقدّس بر آن است که مسجد در عین شکوه معنوی و عظمت و قداست خویش، از نظر ظاهری ساده و از پیرایش‌های مادی به دور باشد. براساس متون دینی، برای معماری مسجد شروطی ذکر شده که اطلاع از آن‌ها برای طرّاحی ساختمان و بنای ظاهری مسجد لازم است. بر اساس متون فقهی، سه حکم الزامی برای معماری مسجد ذکر شده است:

الف. طلاکاری مسجد که در روایات از آن به «زخرف» تعبیر شده است و مشهور فقها آن را حرام و برخی نیز احتیاط واجب را در ترک طلاکاری مسجد می‌دانند. (ر.ک. تزیین مسجد.)

ب. نقش تصویر انسان و حیوان که مشهور فقها حکم به حرمت آن داده‌اند و برخی احتیاط را در ترک آن دانسته‌اند. (ر.ک. نقاشی کردن مسجد.)

ج. وضوخانهٔ مسجد که جایز نیست محل آن در مسجد باشد. بنابراین، جایی که زمین وقف مسجد شده و یا قبلاً مسجد بوده است، نمی‌توان در طبقهٔ زیرین و یا فوقانی آن وضوخانه ساخت، دلیل آن اجماع فقها بر حرمت نجس کردن مسجد است. (ر.ک. وضوخانهٔ مسجد / طهارت مسجد / نجاست مسجد.)

این سه از احکام و دستوراتی است که شارع مقدّس الزاماً آن را درخواست نموده. در نظام معماری، هدف از بنای یک ساختمان، در طرّاحی آن نقش اساسی دارد. به طور کلی، می‌توان سه هدف کلی در بنای مسجد ذکر کرد:

۱. توجه به ذات مقدّس حق تعالی و فراهم شدن مکانی برای پرستش یگانهٔ معبود عالم آفرینش؛ (ر.ک. کارکرد عبادی مسجد / ذکر در مسجد.)

۲. ایجاد فضای مناسب برای تلاوت قرآن و تدبّر در آن؛ (ر.ک. قرآن در مسجد.)

۳. فراگیری دانش دینی و درک حقایق. (ر.ک. کارکرد آموزشی و تربیتی مسجد.)

این اهداف اقتضا می‌کند که مسجد دارای محیطی آرام و هوایی مطبوع باشد تا انسان بتواند از راه سکوت و تفکّر و مطالعه، حقایق را درک کند و یا از طریق سؤال کردن، مطالبی را فراگیرد. از این‌رو، مکان مسجد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین از احکام مستحب و مکروه در باب نماز جماعت و مسجد، مواردی استفاده می‌شود که می‌توان گفت: در طرّاحی و معماری مساجد نقش دارد. این موارد عبارت است از:

الف . از استحباب ویژهٔ اقامهٔ نماز در صف اول جماعت،[۱] می‌توان استفاده کرد که بهتر است مساجد به صورت مستطیل طرّاحی شود، به گونه‌ای که طول آن‌ها هم‌جهت با قبله باشد.

ب . استحباب منظّم بودن صفوف جماعت و به هم پیوسته بودن صف‌ها[۲] اقتضا دارد بنای مسجد به گونه‌ای باشد که اشکالی برای تنظیم صفوف ایجاد نشود؛ مثلاً، حتی‌الامکان مسجد بدون ستون داخلی طرّاحی و ساخته شود و یا در صورت ناچاری، اولاً، قطر ستون‌ها محدود باشد و ثانیاً، به صورتی طرّاحی شود که صف‌ها شکسته نشوند.

ج . از استحباب ایستادن امام در وسط صف مأمومان،[۳] استفاده می‌شود که بهتر است محراب مسجد در قسمت میانی مسجد قرار بگیرد.

د . استحباب نماز زیر آسمان اقتضا دارد که در مناطق معتدل، بخشی از مسجد به صورت فضای باز برای اقامهٔ نماز اختصاص داده شود؛ همچنان‌که اصلِ بدون سقف بودن مسجد از مستحبات است.[۴]

هـ . از کراهت نماز در مقابل آتش[۵] چنین استفاده می‌شود که نباید بخاری در جهت قبله باشد، بخصوص در مواردی که شعلهٔ آن نیز دیده می‌شود.

---

۱ . الکافی، ج ۳، ص ۳۷۲، ح ۷ / مستدرک‌الوسائل، ج ۶، ص ۴۶۱، ح ۷.

۲ . همان، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۴ / امام خمینی‌ﷺ، رساله توضیح‌المسائل: ص ۱۹۸، م ۱۴۸۳.

۳ . امام خمینی‌ﷺ، رساله توضیح‌المسائل، م ۱۴۸۲.

۴ . «یستجب أن یکون المساجد مکشوفةً غیر مسقفةً.» جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۷۵.

۵ . امام خمینی‌ﷺ، رساله توضیح‌المسائل: م ۸۹۸.

و . از کراهت تصویر در مسجد، چنین استفاده می‌شود که نقش و نگار در مسجد، بخصوص در جهت قبله، مطلوب نیست، ولی نوشتن آیات و روایات و ادعیهٔ رسیده اشکالی ندارد. (ر.ک. کتیبه‌های مسجد.)

ز . از کراهت برهنه کردن شمشیر و تراشیدن تیر نیزه در مسجد و اینکه فرموده‌اند: مسجد را برای غیر این امور بنا کرده‌اند،[۱] به دست می‌آید که پایگاه‌های بسیج و کانون‌های فرهنگی باید خارج از ساختمان مسجد باشد.

ح . از روایتی که می‌فرماید: امیرالمؤمنین علیه السلام به تخریب منارهٔ طولانی مسجد امر کرد و فرمود: نباید مناره از سطح مسجد بالاتر باشد،[۲] چنین استفاده می‌شود که مناره نباید از سطح مسجد بالاتر باشد، بلکه همتراز گنبد باشد.

ط . از روایاتی که ساختن کنگره بر مسجد را نهی می‌کند[۳] استفاده می‌شود که مساجد در عین شکوه و عظمت، باید از نظر ظاهری، ساده و بی‌آلایش باشد.

ی . از روایتی که فلسفهٔ جعل نماز جماعت را بیان می‌کند، چنین استفاده می‌شود که مسجد شیشه‌ای و یا پایین بودن پنجره‌ها و ساده بودن شیشه‌ها در غیر جهت قبله به گونه‌ای که نمازگزاران از بیرون دیده شوند، مانعی ندارد، بلکه مطلوب هم هست.

شخصی از امام رضا علیه السلام پرسید: فلسفهٔ جعل نماز جماعت چیست؟ حضرت فرمود: برای اینکه اخلاص و توحید و دین اسلام و عبادت برای خداوند آشکار و در معرض همهٔ دیدگان باشد و این وضوح و آشکار حجت بر مشرق و مغرب عالم خواهد بود.[۴]

در عمده مساجد ایران، از دو طرح معماری، یعنی سبک عربی و سبک ایرانی استفاده شده که این دو طرح توسط اعراب یا مسلمانان ابداع نشده، بلکه پیش از ظهور اسلام نیز مورد استعمال بوده، ولی چون در دوران اسلامی، زیاد استفاده شده و تحوّل

---

۱ . تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۸ ـ ۲۵۹، ح ۴۴.
۲ . من لایحضره‌الفقیه، ج ۳، ص ۲۳۹، ح ۷۲۲.
۳ . تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۱۷ / وسائل‌الشیعة، ج ۲۵، ص ۴۳۶، ح ۳۲۲۹۵.
۴ . علل‌الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۲.

یافته است، به آن‌ها «عربی» و «اسلامی» می‌گویند. این دو طرح با پیچ و خم خود، خطوط عمود و افقی حاشیه‌ها و صفحات تزیینی را متعادل و در بین کل اجزا، هماهنگی ایجاد می‌کند.

معماری مساجد در صدر اسلام، چهار رکن اصلی داشت که عبارت است از:

۱. محراب یا مقصوره؛ (ر.ک. محراب مسجد / مقصورهٔ مسجد.)

۲. مناره یا گل‌دسته؛ (ر.ک. مأذنه.)

۳. گنبد؛ (ر.ک. گنبد.)

۴. وضوخانه. (ر.ک. وضوخانهٔ مسجد.)

با توجه به کثرت جمعیت در طول قرون و اعصار و نیازمندی‌های هر عصر و زمان، بر امکانات مسجد و طبعاً معماری آن افزوده شده است. امروزه در طرّاحی مساجد، علاوه بر چهار رکن مزبور، موارد ذیل نیز مدّنظر قرار می‌گیرد:

۱. ورودی‌ها؛ ۲. سر درِ مسجد؛ ۳. شبستان؛ ۴. کفش‌داری؛ ۵. آب‌دارخانه؛ ۶. دفتر امام جماعت و دفتر مسجد؛ ۷. محیط پیرامونی (خیابان‌ها، فضای سبز، پارکینگ)؛ ۸. نماسازی داخل و خارج از مسجد؛ ۹. آشپزخانه؛ ۱۰. انباری؛ ۱۱. محل زندگی خادم؛ ۱۲. غذاخوری؛ ۱۳. صحن مسجد؛ ۱۴. خانهٔ امام جماعت؛ ۱۵. کتاب‌خانه؛ ۱۶. پایگاه بسیج؛ ۱۷. کانون فرهنگی؛ ۱۸. تأسیسات گرمایشی، سرمایشی، آب، برق، گاز دستگاه‌های صوتی و مانند آن.

معماری مسجد در طول تاریخ، در مناطق گوناگون جهان اسلام، به‌خاطر عوامل متعددی همچون شرایط اقلیمی و آداب و سنن حاکم بر هر منطقه و روی‌کار آمدن حکومت‌های مختلف، دست‌خوش تغییرات و تحوّلاتی شده است و این تحوّلات موجب پیدایش سبک‌هایی در معماری مسجد گردیده که در ذیل، به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. سبک عربی در معماری مسجد در سرزمین‌های عرب

تا پس از وفات پیامبر اکرمﷺ ویژگی

معماری مسجد جز به‌کارگیری ویژگی‌های سادهٔ معماری بومی نبود و نمادگرایی ظاهری به عنوان یک ویژگی در طرّاحی و ساخت مسجد به‌کار برده نمی‌شد. به‌دنبال فتوحات مسلمانان، که موجب سرازیر شدن دانش و فرهنگ عظیم مشرق‌زمین به این مرز و بوم گردید، تصویر جدیدی از معماری جایگزین معماری بومی و سادهٔ شبه‌جزیرهٔ عربستان شد. در فتوحات به عمل آمده در سرزمین بین‌النهرین و سوریه، در ابتدا مسلمانان یا از معابد و کلیساها، با اندکی تغییر به عنوان مسجد استفاده می‌کردند و یا مساجدی را در بعضی از شهرها مثل کوفه و بصره ـ که خود شهرهای تازه‌تأسیس بودند ـ به همان سبک سادهٔ مسجد نبوی می‌ساختند؛ یعنی مساجدی مستطیل‌شکل که با شاخه و تنهٔ درخت خرما مسقّف شده بود.[۱]

از مساجد اولیهٔ ساخته شده توسط مسلمانان، می‌توان به مسجد «کوفه» اشاره کرد که در سال ۵۰ هـ / ۶۷۰ م، که توسط زیاد بن ابیه، حاکم بنی‌امیّه، ساخته شد. بدین روی، سبک عربی در معماری مسجد به وجود آمد.

ویژگی‌های سبک عربی عبارت بود از: مسجد شامل یک محوطهٔ مرکزی همراه با ایوان‌ها و رواق‌هایی در اطراف که بزرگ‌ترین رواق رو به قبله بنا نهاده می‌شد. ایوان‌ها و رواق‌ها با ستون‌های مرتفع فراوان، برای محافظت سقف بنا می‌شد و فضای باز مرکزی را احاطه می‌کرد و به همین دلیل، به آن سبک «ستوندار» نیز می‌گفتند.

سبک ستوندار مسجدالنبی در مدینه، بالغ بر چهار قرن در تمام سرزمین‌های اسلامی رونق داشت. این سبک در سرزمین‌های خاوری قلمرو اسلام نیز نفوذ پیدا کرد؛ مانند: مسجد «قوّة الاسلام» در دهلی (هند) و مسجد «عجمر (اجمر)» در ایالت راجستان.[۲]

این سبک در ایران، در طول دوران عبّاسی تا زمان پیدایش سبک مستقل ایرانی

---

۱. فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳، مقالهٔ «معماری مسجد در سرزمین‌های مرکزی عرب».

۲. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۰۳۸، مقالهٔ «اقدامات عملی فرمانروایان سلجوقی».

(در دوران سلجوقی) رواج داشته است. مسجد تاریخانهٔ دامغان و مساجد اولیهٔ شهر یزد از این نمونه است.

۱ . سبک عربی در دوران بنی‌امیّه

دوران بنی‌امیّه سرآغاز معماری بناهای بزرگ اسلامی به شمار می‌آید. در این دوران، با توجه به ویژگی دنیادوستی خلفای اموی، به سرعت الگوی سادهٔ مساجد اولیه جای خود را به مساجد جدید و بزرگی داد که بر همان سبک ستوندار ساخته می‌شد، ولی از تزیینات و زیبایی فراوان برخوردار بود. در ساخت این مساجد، با توجه به نزدیکی مرکز حکومت اموی (شام) به تمدن دوم روم باستان و بیزانس، از این تمدن به صورگوناگون الگوبرداری شد.[۱]

توسعهٔ این سبک، که در دوران اموی به الگو و سبکی جهانی تبدیل شده بود، در تمامی مناطق و کشورهای اسلامی پذیرفته شد.

یکی از ابداعات حاکمان اموی ایجاد مکانی مجزّا در مسجد برای تأمین جان حاکم و اطرافیان او بود که به آن «مقصوره» می‌گفتند. در این‌باره، می‌توان به مقصورهٔ مسجد «کوفه» و «بصره» ـ که البته اکنون این دو مسجد وجود ندارد ـ اشاره کرد. (ر.ک. مقصورهٔ مسجد.)

از دیگر ابداعات دوران اموی، تأسیس «مناره» است. اولین مناره‌های ساخته شده در این زمان، چهار منارهٔ اطراف مسجد «عمر» در مصر است که به نظر می‌رسد این طرح از چهار برج اطراف کلیسای سوریه الگوبرداری شده باشد. در ادوار بعدی، ساخت مناره‌ها به سبک‌ها و شکل‌های گوناگون به عنوان یکی از قسمت‌های اصلی مساجد ادامه یافت.[۲]

مسجد «جامع دمشق»، که توسط الولید در سال ۷۰۹ـ۷۱۵م ساخته شد، بزرگ‌ترین مسجد اموی است که تاکنون باقی مانده. بیشتر مساجد بزرگی که در این دوران ساخته می‌شد، به سبک این مسجد بود؛[۳]

---

۱ . همان، ج ۲، ص ۱۰۳۴ / هنر اسلامی، ص ۱۱ .

۲ . فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳ ، مقالهٔ: «معماری مسجد در سرزمین‌های مرکزی عرب».

۳ . هنر اسلامی، ص ۱۱ / مساجد در تمدن اسلامی، ص ۳۱۷ .

مثل مسجد جامع «آلپو» که توسط خلیفه سلیمان در سال ۷۱۵ ـ ۷۱۷ م بناگردید.

در مساجد بزرگ زمان اموی، برای تزیین، از ستون‌های مرمری، نقاشی‌های تذهیب‌کاری‌شده، جای‌گزینی موزائیک به جای ریگ فرش، طلانوشته‌های قرآنی و مانند آن استفاده می‌شد. نمونهٔ آن در مسجد «جامع دمشق» وجود دارد.

۲ . سبک عربی در دوران بنی‌عبّاس

در این دوران، با تغییر مرکز قدرت از دمشق به بغداد، در سبک معماری عربی و سبک ستوندار هم تغییراتی به وجود آمد. در این زمان، در معماری مسجد، الگوی عربی، ولی در مایه‌های سبک و فن ایرانی، دنبال می‌شد و این تغییر به خاطر نزدیکی مرکز قدرت به تمدن کهن و غنی ایران بود.

در این زمان، به تدریج، از ساخت حصار چهارگوش صرف‌نظر شد و به جای آن، به ساخت دالان‌های متعدد متناسب با اندازهٔ حصار پرداختند و در جوانب طولی حیاط، ایوان‌هایی در چهار ردیف قرار داده شد. این در حالی بود که در جانب ورودی بیشتر فضا برای ساخت درهای ورودی استفاده می‌شد.

برای هنر تزیینی مساجد، در این دوران سبک جدیدی ایجادگردید و آن استفاده از گچ‌بری وکنده کاری چوبی بودکه نمونه‌های اولیهٔ آن در مساجد سامرّاء مانند مسجد «جامع المتوکّلیه» وجود دارد. به همین دلیل، این سبک گچ‌بری و تزیین به سبک «سامرّائی» معروف شده است.[۱]

در زمان عبّاسیان نیز اهمیت فراوانی به ساخت مقصوره در مسجد می‌دادند، تا جایی‌که در زمان قدرت ترک‌ها، مقصوره مهم‌ترین مکان درونی مسجد را تشکیل می‌داد.

مهم‌ترین مساجد ساخته شده در دوران عبّاسی عبارت است از:

ـ مسجد «جامع قایروان» که توسط عقبی بن نامی، فرمانده عبّاسی فاتح شمال آفریقا، بناگردید. این مسجد در سال ۸۳۶ م بازسازی شد.

ـ مسجد «جامع المتوکّلیه» در شهر سامرّاء، که در سال ۸۴۸/۴۹ ـ ۸۵۲ م توسط

۱ . معماری مسجد «در سرزمین‌های مرکزی عرب».

المتوکّل در ابعاد (۲۳۵×۱۵۲) و با آجر ساخته شد.[۱]

ـ مسجد «ابودولاف» در شهر سامرّاء که توسط المتوکّل ساخته شد.[۲]

۳. سبک عربی در دوران حکومت فاطمیان و مملوک‌ها[۳]

فاطمیان یک حکومت شیعی در منطقه تشکیل داده بودند و در زمان آن‌ها، سبک عربی تغییر چندانی نداشت، اما می‌توان آن‌ها را پایه‌گذاران سبک معماری ویژهٔ مصر دانست.

یکی از ویژگی‌های معماری آن‌ها، که از ابداعات این دوران است و بعدها در زمان مملوک‌ها برجسته و کامل گردید، این بود که مدخل و سردر مسجد را خارج از نمای اصلی مسجد می‌ساختند و در دو انتهایش، مناره‌ای قرار می‌دادند. نمونهٔ اولیهٔ آن در مسجد «الحکیم» ۹۹۰ـ۱۰۱۳ م وجود دارد.

عناصر تزیینی در این دوران، که با دوران مملوک‌ها نیز مشترک بود، عبارت است از: تزیینات گچ‌کاری، مقرنس‌کاری طاق‌ها، استفادهٔ وسیع و فراوان از خط کوفی و اشکال هندسی و نقوش و طرح‌های اسلیمی (گلدار) در سطح گنبد و طرح‌های سطحی شامل طاقچه‌ها، طاق‌ها و سطوح تزیینی.

مساجد مهم این دوران عبارت است از:

ـ مسجد «الازهر» که اولین مسجد فاطمی‌ها بود و درقاهره در سال ۹۷۰ـ۹۷۲ م ساخته شد.[۴]

ـ مسجد «الحکیم» که در زمان فاطمیان در سال ۹۹۰ـ۱۰۱۳ م در قاهره ساخته شد.

ـ مسجد بزرگ «سلطان بایبارس اول» که در سال ۱۲۶۷ـ۱۲۶۹ م در قاهره ساخته شد و اولین مسجد مملوک‌ها بود.

---

۱. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۰۳۷، مقالهٔ «اقدامات عملی فرمانروایان سلجوقی» / «معماری مسجد در سرزمین‌های مرکزی عرب» / هنر اسلامی، ص ۹۹ / مساجد در تمدن اسلامی، ص ۳۵۸.

۲. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۱۰۳.

۳. این دو گروه در کشورهای عراق، سوریه و مصر حکومت می‌کردند.

۴. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۰۳۷ / هنر اسلامی، ص ۹۹.

ب . معماری مسجد در اسپانیا و شمال آفریقا

معماری اسلامی از قرن هشتم تا چهاردهم میلادی در شبه‌جزیرهٔ ایبریا (اسپانیا و پرتغال)، نیز مراکش، الجزایر و تونس کنونی (شمال آفریقا) دوره‌های گوناگون هنری و سیاسی را دربرمی‌گیرد:

اول. دورهٔ خلافت امویان ۷۵۶ـ۱۰۳۱ م در اندلس؛

دوم. دورهٔ انحطاط و تجزیه به حکومت‌های کوچک‌تر و طایفه‌ای (۱۰۸۶ـ ۱۰۳۱م)؛

سوم. دورهٔ حکمرانی «المرابطون» و «الموحّدون» (۱۰۸۶ ـ ۱۲۶۲ م) که اندلس تحت حکم‌فرمایی شمال آفریقا قرار گرفت.

چهارم. تقسیم خلافت اسلامی به سه حکومت «نصیریان» در غرناطه، «مرینیان» در شمال مراکش و «عبدالوادیان» در الجزایر.

سیر تحوّل معماری اسلامی و گسترش و شکوفایی آن در این سرزمین، در دورهٔ حکومت امویان و حکومت «المرابطون» و «الموحّدون» از همه برجسته‌تر است.

۱ . دورهٔ خلافت امویان

در دوران خلافت امویان بر اندلس، که با خلافت عبدالرحمان اول،[۱] ملقّب به «الدخیل» (پناهنده) در قرطبه شروع شد، هنر معماری اسلامی در این منطقه قوام پیدا کرد. در این زمان، مساجد متعدّدی در این منطقه ساخته شد که مهم‌ترین آنها مسجد «جامع قرطبه»[۲] است که هم‌اکنون نیز یکی از آثار شکوهمند جهان اسلام به شمار می‌آید.

برخی از ویژگی‌های به‌کار رفته در این مساجد عبارت است از:

الف. با توجه به سبک معماری به‌کار رفته در مساجد و نماهای به‌کار رفته در آنها، به این نتیجه می‌رسیم که سبک معماری

---

۱ . عبدالرحمان پس از انقراض حکومت اموی در سال ۷۵۰ توسط عبّاسیان، از قتل‌عام‌ها جان سالم به در برد و از جنوب اسپانیا وارد شبه‌جزیرهٔ ایبریا شد و دوباره حکومت اموی را در قرطبه تأسیس کرد.

۲ . هنر و معماری مساجد، ج ۲ ، ص ۱۰۷۴ .

عربی دنبال شده است.

ب. در جاهای گوناگون بعضی از این مساجد، مانند ستون‌ها و سرستون‌ها، از نقوش نمادین استفاده شده که از هنر به جا مانده از معماری بیزانس است که با فرهنگ و هنر معماری اسلامی ممزوج و تطبیق داده شده است.

ج. منارهای ساخته شده در قرن نهم در «ایربیا» دارای نقشهٔ مربع‌شکل همراه با پله‌خانه‌ای استوانه‌ای ـ حلزونی است که این نوع مناره در ورودی‌های مسجد بناگردیده. از دیگر نمونه‌های این نوع مناره، منارهای «سن‌خوان» و «سانتیاگو» در قرطبه، منارهٔ «السالوادور» در اشبیلیه، منارهٔ «سویل» (Sevill) و نیز مناره‌ای در «نیبلا» واقع در استان «هولوا» است.

تزیینات به‌کار رفته در معماری مساجد این دوران، ایجاد نقوش و عناصر نمادین برگرفته از طبیعت است؛ همچون تزیینات فراوان گیاهان که با سنگ مرمر، گچ‌بری، کاشی‌کاری و سقف‌های چوبی، منبّت‌کاری شده است. علت این نوآوری بزرگ در فراوانی و شکوهمندی تزیینات در معماری آن زمان را می‌توان ممنوعیت استفاده از تصویر و تمثال در مسجد دانست که موجب خلق تزیینات نمادین و نقوش انتزاعی گردیده و این موضوع به شکل قابل توجهی در طاق‌های جلوی محراب‌ها به کار گرفته شده است.

طرح نقوش نمادین اسلامی ابتدا در هنر اولیهٔ امویان در شرق نزدیک به صورت ساده‌تری در کاشی‌کاری‌های «قبّةالصخرة» فلسطین و در مسجد دمشق وجود داشت، ولی در اوایل قرن دهم میلادی، در هنر معماری این سرزمین توسعه داده شد.[۱] البته ساخت مسجدهای بزرگ در پایتخت، موجب محدودکردن ساخت و ساز مساجد در پایتخت نبود؛ زیرا مسجد کوچک «بابُالمُرُدُم» در طلیعه (تولدو) (۹۹۹ـ۱۰۰۰ م)، که امروز به کلیسایی تبدیل شده، به همّت و هزینهٔ مردم ساخته شده است.

---

۱. فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳، مقالهٔ: مساجد اسپانیا و شمال آفریقا.

۲ . دورهٔ ملوک‌الطوایفی

در این دوره نیز معماری و ساخت مسجد متوقّف نبوده و مساجد گوناگونی ساخته شده که بهترین بنای به جا مانده نمازخانه و محراب «قصرالجعفریه» است که ویژگی مهم آن نقوش و تزییناتی از گیاهان بهشتی است که می‌توان گفت: این محراب نمونهٔ مینیاتوری محراب «الحکم» روم در مسجد «جامع قرطبه» است.[۱]

از دیگر مساجد این دوره، می‌توان به مسجد اعظم «قلم سن»، که در سال‌های ۱۰۸۲ ـ ۱۱۳۶ و مسجد اعظم «قیروان»، که در سال (؟) ساخته شده است، اشاره کرد.[۲]

۳ . دورهٔ المرابطون[۳]

معماری مسجد در این زمان، به خاطر دیدگاه اعتقادی و بنیادگرایانهٔ «المرابطون»، سادگی در معماری و پرهیز از تزیینات را در پی داشت؛ ستون‌ها آجری‌شده و بیشتر سطوح دیوار با اندود آهک و گچ، شکلی ساده و سفید به خودگرفته‌اند. البته تزیینات گیاهی به شکل‌های گوناگون در اطراف محراب انجام می‌شد. فقط در زمان علی بن یوسف، ستون‌ها به عنوان عناصری ارزشمند در اطراف محراب شکل گرفتند.

مساجد در دورهٔ «المرابطون»، بسیار پهن‌تر و همراه با قوس‌های خاص ساخته می‌شد. رواق‌ها نیز تنها در بخش شرقی و غربی صحن حیاط ساخته می‌شد. همچنین در اتاق‌ها تزیینات مقرنس به کار می‌رفت که نوآوری زمان «المرابطون» است. در مساجد این دوران، برای تأمین نور و همچنین استفاده از نور برای زیبا نشان دادن نقش محراب، در داخل طاق‌های جلوی محراب، روزنه‌هایی قرار می‌دادند.

از مهم‌ترین مساجد این دوران، مسجد «ندرومه» و «الجزایر» در زمان یوسف بن تاشفین، مسجد «تلمسن» الجزایر در زمان امیر علی بن یوسف در سال ۱۱۳۵ ـ ۱۱۳۶ م و تغییر در مسجد «غرویین» فاس (Faz) در سال ۱۱۳۶ ـ ۱۱۳۷ م

---

۱ . ر. ک. فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳ ، مقالهٔ: «مساجد اسپانیا و شمال آفریقا».

۲ . هنر اسلامی، ص ۹۲ .

۳ . المرابطون: اقوام بربر نژاد «صنهاجه» از مرکز مراکش بودندکه حکومت خود رادرسال ۱۰۸۶ ـ ۱۱۴۷ م با فتح اندلس تشکیل دادند.

و «قبّة بهاء الدین» است که باقی‌ماندهٔ مسجد «علی» در مراکش بوده که در حدود سال ۱۱۲۰ م ساخته شده است.[۱]

۴ . دورهٔ الموحّدون[۲]

ویژگی خاص معماری مسجد در این زمان، بیشتر به بزرگی فضا و یادمان‌گونگی منارهایش است. برای تزیینات و به جای استفاده از نمونه‌های اسلیمی گیاهان، از عناصر معماری و نقوش هندسی و خطی استفاده می‌شد. در معماری «الموحّدون» تلفیق و گره‌خوردن قوس‌های طاق آن، ترکیبی از شکل‌های خطی است که با مقرنس پر شده. تزیینات اصلی مسجد را با کتیبه‌های خطی آیات قرآن انجام می‌دادند. از دیگر مشخصه‌های معماری مسجد در این دوران، که از نوآوری‌های برجستهٔ آن به شمار می‌رود، توسعه و تکمیل نقشه‌ها به شکل T و U است که جایگزین نقشه‌های ساده‌تر سبک عربی و دوران امویان گشته بود.

از مساجد مهمّ این دوران، مسجد یادبود ابن‌نومرت (۱۱۵۳ـ ۱۱۵۴ م)؛ ساخت مجدّد مسجد «کُتُبیه» در مراکش؛ منارهٔ بزرگ «جیرالدولة» که باقی‌ماندهٔ مساجد «شبیلیه» (اسویل) است که در سال (۱۱۵۸ـ ۱۱۹۸ م) ساخته شد، ولی برای ساخت کلیساهای جامع «گوتیک» تخریب گردید؛ مسجد «قصبه» در مراکش؛ و مسجد وسیع «جمعه» در رباط است که بزرگ‌تر از مسجد «قرطبه» ساخته شد. همچنین مسجد «حسن» در رباط و سه منارهٔ بزرگ این دوران، یعنی «کُتُبیه» و «جیرالدولة» و «حسن»، از مهم‌ترین آثار معماری اسلامی در این دوران به شمار می‌آید.

۵ . دورهٔ سلطان‌نشینان (نصریه، مرینی و عبدالوادی)[۳]

معماری مساجد در این زمان، تا حدّی از

---

۱ . ر.ک. فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳ ، مقالهٔ: «مساجد اسپانیا و شمال آفریقا».

۲ . الموحّدون: اقوام بربر نژاد «مصموده» از کوه‌های جنوب مراکش بودند که در مقابل «المرابطون» قیام کردند و در سال ۱۱۴۷ م مراکش را تسخیر کردند.

۳ . پس از فروپاشی سلطنت «الموحّدون»، حکم‌رانی شبه جزیرهٔ ایبریا به سه حکومت کوچک «نصریه» در غرناطه (گرانادا)، «مرینی» در مراکش و «عبدالوالد» در الجزایر تقسیم گشت.

سبک معماری دوران قبل تأثیر می‌گرفت و قدری تحت‌تأثیر معماری ایرانی و معماری مملوکی در مصر بود. همچنین در این دوران سعی می‌شد در کنار مساجد، مدارسی بنا کنند. از مهم‌ترین مساجد به جامانده از آن دوران، مسجد «المنصور» (ح ۱۳۰۳ ـ ۱۳۳۶ م) است که در دورهٔ پادشاهی ابویعقوب و برادرزاده‌اش ابوالحسن بنا گشت؛ مسجد و مدرسهٔ «سید بودرین»[۱] در «تلمسن»؛ که توسط ابوالحسن ساخته شد (۱۳۸۸ م)؛ مدرسهٔ «ابوعنانیه» (۱۳۴۵) در فاس (Faz)؛ و منارهٔ «سن‌خوان» همچنین حیاط مسجد «الباشیه» در غرناطه (گرانادا)، که اکنون به کلیسای «السالوادور» تبدیل شده است، نیز از جمله آثار معماری این دوره به شمار می‌آید. از دیگر آثار به جا مانده، که جزو زیباترین آثار معماری به حساب می‌آید، می‌توان به مسجد «الحلویه» اشاره کرد که در سال ۱۳۵۳ م و مسجد «ابوالحسن» که در سال ۱۲۹۸ م ساخته شده است.[۲]

ج . معماری مسجد در آفریقا

در آفریقا برای ساخت مسجد، از اصول معماری بومی و سنّتی که با اصول و مبانی اسلامی تطبیق داده شده باشد، پی‌روی می‌کنند؛ مانند سنّت قدیمی استفاده از خاک که به طور گسترده در معماری مساجد آفریقا مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای شناخت سبک معماری در غرب آفریقا، سبک معماری منطقهٔ وسیع غنا، که از مهم‌ترین کشورهای اسلامی غرب آفریقا به شمار می‌آید، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مساجد غنا به دو سبک ساخته می‌شود: سبک سودانی، سبک جنّی.

۱ . معماری به سبک سودانی

مساجد از گل و خشت‌های خام خشک شده در آفتاب ساخته می‌شود و ستون‌های گلی توپُری در زیر سقف‌ها قرار می‌گیرد. این سقف‌ها ترکیبی از اسکلت چوبی همراه با روپوشی از گل است. به علت فرسودگی و تجزیهٔ سریع پوستهٔ خارجی بنا در اثر شرایط جوّی، ساختمان مسجد نیاز

---

۱ . مساجد در تمدن اسلامی، ص ۳۳۴ .

۲ . همان، ص ۲۶۲ .

بـه بـازسازی مـداوم دارد.[۱] در بـالای دیـوارهـای کـوتاه مسـجد، دو مـناره، که معمولاً یکی را بـالای مـحراب قـرار می‌دهند، ساخته می‌شود. در بالای سـردر ورودی، تـرکیباتی بـا شکـل‌های تـزیینی و بادگیرهای سه بُعدی قرار می‌دهند. از این نوع مساجد، می‌توان به مسجد «لازبـانگا» اشاره کرد[۲] که در قرن سیزدهم میلادی در غنا به وسیلهٔ بازرگانان ساخته شده است.

۲ . معماری به سبک جنّه

ایـن سـبک از مسـجدی بـه نـام «جـنّه» (Djenne)، کـه در مـالی قـرار دارد، الگوبرداری شده و با نوآوری مقرون گشته است.

ویژگی‌های عمدهٔ این سبک: مساجد را چهار بُعدی طراحی می‌کردند و سـقف‌ها و دیـوارهـا راکـلاً از گـل مـی‌ساختند. ورودی اصلی مسجد در سمت چپ قرار داشت و مقابل محراب ساخته شد. در داخل شبستان مساجد، سـتون‌هایی تـزیینی قـرار می‌دادند که در انتها به وسیلهٔ طاق‌هایی به هم متصل می‌شود، ولی کاربرد نگـه‌دارنـدگی کمی دارد. در این سـبک، مسـاجد فـقط یک مناره دارند که معمولاً بالای محراب ساخته می‌شود. بـیرون آمـدن سـتون‌های چوبی نخل که هم جنبهٔ تزیینی دارد و هم برای استحکام مسجد مفید است، از جمله ویـژگی‌های مـعماری ایـن مسـاجد است. این سبک بیشتر در کشور مالی رواج دارد؛ مانند مسجد «نیونو» (Niono) که در سال ۱۹۷۳ م ساخته شده است.

بعضی از نمونه‌های این سبک در مناطق دیگر، عـبارت است از: مسـجدی کـه در ورودی «یانگا» در نزدیکی (گارو) در منطقه «باوکو» قرار دارد و مسجد «یاما» (Yama) در کشور نیجریه که در سال ۱۹۶۲ ساخته شده است.[۳]

در بـین مسـاجد غـرب آفـریقا، بـاید به مساجد کوچک و بعضاً روستایی اشاره کرد که در کنار راه‌های تجاری از نیجریه تا جنگل‌های سواحل امتداد دارد. پیش از

---

۱ . ر.ک. فصل‌نامهٔ هنر، ش ۳۳ ، مقالهٔ «معماری مساجد در صحرای بزرگ آفریقا».

۲ . هنر و معماری مساجد، ج ۲ ، ص ۱۴۸۷ .

۳ . همان، ج ۲ ، ص ۱۴۸۸ .

نفوذ اسلام بـه آن مـناطق، زیـارتگاه‌هایی تک‌ستونی یـا مـجموعه‌ای از سـتون‌های مخروطی شکل می‌ساختند. ایـن سـتون‌ها بنابر عقیدهٔ مردم آن مناطق، نماد حـضور مستمر ارواح اجدادشان در بین آنها بـود. اما پس از ظهور اسـلام، ایـن زیـارتگاه‌ها به همان شکل، همراه با ساخت محرابی در سمت قبله، تبدیل به مساجد آن مناطق شده است.[۱]

در شرق آفریقا نیز رسوم و سبک‌های معماری سنّتی و بومی در معماری مساجد آنجا نقش مهمی ایفاکرده که با آداب و سنن اسلامی منطبق شده است.

برخی از ویـژگی‌های سـبک مـعماری مسجد در شرق آفریقا عبارت است از: عدم وجود تالارهای بزرگ به عـنوان شـبستان مسجد، گنبدهای کم‌ارتفاع، استفاده از مواد اولیه و طبیعی در ساخت مسجد مانند مواد مـــرجـانی و گـــیاهی، و تـــزیین مســـجد با چوب‌های کنده‌کاری شدهٔ درخت ساج جاوه و سنگ‌های مرمر و سرامیک لعابدار هـــندی. وجـــود مـــقبره‌های سـتوندار در مساجد، که تقریباً در همه جای آفریقا دیده می‌شود، نیز از ویژگی‌های بـیشتر مسـاجد آفریقا است.[۲]

د . معماری مساجد در ایران

مـــعماری و ســـاخت مسـجد در ایـران را می‌توان در سه مرحله مورد بررسی قرار داد:

مرحلهٔ اول: مساجدی که مسلمانان پس از فتح ایران از تغییر عملکرد و بـازسازی بناهای مذهبی پیشین (آتشکده‌ها) به وجود آوردند. این روال از صدر اسلام تا اوایل حکومت بنی‌عبّاس (اوایل قرن دوم هجری قمری) رواج داشت؛[۳] مانند: «چهارطاقی ساسانی یزد خـواست» و «مسـجد جـمعهٔ» نیریز.

مرحلهٔ دوم: مساجدی در دوران اموی و عبّاسی در ایران ساخته شدند. بیشتر این

---

۱ . ر.ک. فصل‌نامهٔ هنر، ش ۳۳ ، مقالهٔ «معماری مسجد در صحرای بزرگ آفریقا».

۲ . فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳، مقالهٔ: «مساجدآفریقای شرقی» / مجله مسجد، ش ۳۳ .

۳ . مجلهٔ مسجد، ش ۴۶، ص ۵۵، مقالهٔ «مبانی نظری مکان‌یابی مساجد ایرانی در ادوار مختلف» / همان، ش ۴۴ ، ص ۷۱ ـ ۸۱ مقالهٔ «معماری مساجد ایران و آسیای مرکزی».

مساجد در دوران عبّاسی، به دلیل نزدیکی پایتخت به ایران، ساخته شده‌اند. این مساجد به سبک عربی با سبک ستوندار برگرفته از معماری مسجدالنبی و با سادگی تمام، ارتفاع کم، دیوارهای حجیم و شبستانی پرستون ساخته شده‌اند. برای نمونه، می‌توان به مسجد «تاریخانه» دامغان و مساجد اولیهٔ شهرهای یزد، ری، شوشتر و اردستان اشاره کرد.[۱] این سبک وارداتی، که در دوران عبّاسی در کل ایران رواج یافت، نتوانست در ایران، که خود از تمدن غنی و معماری سنّتی خوبی برخوردار بود، ماندگار باشد و به مرور، از بین رفت.

مرحلهٔ سوم: در این بخش، معماران ایرانی با ادامهٔ سبک متداول ساسانیان و ادغام آن در فرهنگ و سنّت و هنر اسلامی، سبک ایرانی را ایجاد کردند. این سبک، که در دوره‌های گوناگون توسعه داده شده، از زمان حکومت سلجوقیان آغاز و تاکنون ادامه داشته است.

در ذیل، به ترتیب، این دوره‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. سبک ایرانی در دورهٔ سلجوقیان

دورهٔ فرمان‌روایی سلجوقیان نقطهٔ عطفی برای هنر معماری اسلامی در ایران است. در این دوران، معماران ایرانی با آمیختن سبک سنّتی ایرانی با هنر اسلامی، سبک معماری «ستوندار» (عربی) را به سبک «ایواندار» (ایرانی) مبدّل کردند.

در سبک «ایواندار»، با ایجاد گنبدی بر فراز نوعی چهارطاقی در صحن شبستان ـ که از آتشکده‌های زمان ساسانیان اقتباس کرده بودند ـ و قرار دادن ایوان‌هایی در اطراف حیاط و مرکز مسجد و استفادهٔ کم و ضروری از ستون‌ها، مساجد را بنا کردند.[۲]

این دوران را می‌توان شروع ارتباط جدیدی بین مساجد و گنبدها در معماری مسجد دانست؛ زیرا در این دوران، نگرش جدیدی به ساخت گنبد و توسعهٔ آن

---

۱. مجلهٔ مسجد، ش ۴۶، ص ۵۵، مقالهٔ «مبانی نظری مکان‌یابی مساجد ایرانی در ادوار مختلف» / هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۰۳۸.

۲. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۰۳۴، مقالهٔ «اقدامات عملی فرمانروایان سلجوقی».

ایجاد شد؛ بخصوص بر ساخت گنبدهای سه کنجی تأکید بیشتری وجود داشت. سبک ساخت گنبد در زمان سلجوقیان به جاهای دیگر نیز منتقل شد؛ مثل گنبد مرکزی مسجد اعظم «قرطبه» که شبیه سبک گنبد مسجد جامع اصفهان است.[۱]

در این دوران، برای تزیین مسجد، از گچ‌بری‌هایی در جلوی محراب استفاده شد؛ ولی ویژگی خاص این سبک در تزیین تمامی مساجد این دوران، استفاده از آجرهای پخته و ظریف برای نمای خارجی و داخلی گنبد و ایوان‌هاست. قریب چهل مناره از زمان سلجوقیان باقی‌مانده که بیشتر حاوی آجرکاری‌های پرنقش و نگار است.[۲]

بی‌شک، مسجد «جامع اصفهان» تجّلی زیبای معماری این دوران به شمار می‌رود.[۳] از دیگر مساجد این دوران، می‌توان به مسجد جامع بروجرد، گلپایگان، زواره و اردستان اشاره کرد.[۴]

۲. سبک ایرانی در دورهٔ ایلخانی

معماری مغولان ایلخانی با پیشینیان همبستگی نزدیکی دارد؛ در واقع، همشکل با سبک دوران سلجوقی است. تنها نقطهٔ تمایز و ویژگی خاص معماری این دوران با سلجوقیان، در نگرش به تزیین و نمای مسجد است.

در این دوران، برای تزیین و نمای مسجد، به تذهیب، ظرافت‌کاری و پیچیده کردن جزئیات، کاربرد تدریجی موزائیک سفالی، تأکید بر استفاده از کاشی‌های شفّاف و گچ‌بری‌های زیبا و ظریف همراه با کتیبه‌نویسی روی آوردند.[۵] نگرش سلجوقیان برای تزیین مساجد به گونه‌ای بود که با اجزای سازندهٔ ساختمان منطبق باشد (استفاده از آجرهای ظریف)، در حالی‌که ایلخانان برای تزیین

---

۱. همان، ج ۲، ص ۱۰۳۴ / هنر اسلامی، ص ۸۶.

۲. هنز و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۰۳۴ / مجلهٔ مسجد، ش ۴۴، ص ۷۱ ـ ۸۱ مقالهٔ «مساجد ایران و آسیای مرکزی».

۳. مساجد در تمدن اسلامی، ص ۸۰.

۴. معماری ایرانی، ص ۱۰۶ ـ ۱۰۷.

۵. هنز و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۴۳۳، مقالهٔ «معماری اسلامی ایران».

مسجد، جایگاه خاصی جدای از اجزای سازندهٔ ساختمان در نظر داشتند.

از مساجد زیبای این دوران، مسجد «علی‌شاه» تبریز و مسجد و محراب «الجایتو» را می‌توان نام برد که در سال (۷۱۰ ق) در مسجد «جامع اصفهان» ساخته شده است. محراب مزبور در بالاترین درجهٔ استادی و مهارت در گچ‌بری قرار دارد.[۱]

۳. سبک ایرانی در دورهٔ تیموری

معماری ایرانی در سدهٔ چهاردهم بر پایهٔ معماری سلجوقی بود، ولی در سایهٔ مغول‌ها زیبایی و عظمت تازه‌ای یافت و بعدها در سدهٔ پانزدهم، در زمان حکومت تیموریان، سبک‌ها و شکل‌های مغولی با مهارت بیشتری پی‌گیری شد.[۲] اوج زیبایی و شاه‌کارهای معماری سبک تیموری بیشتر در شهرهای هرات و سمرقند است که پایتخت‌های سلطنت تیموری بود؛ مانند مسجد «بی‌بی خاتون» که ایوانی به ارتفاع ۴۰ متر و پهنای ۱۷ متر دارد و تمام بنا و از جمله هشت‌مناره و سه گنبدش از آجرهای مذهّب پوشیده شده است.[۳]

از ویژگی‌های معماری این دوران، می‌توان به توسعه و رشد ساخت گنبد و ایوان‌ها اشاره کرد، به‌گونه‌ای که ساقهٔ گنبد تا ارتفاع بی‌سابقه‌ای برافراشته می‌شود و نیز گنبدهای کلّه‌قندی در این دوران رایج شد؛ مانند آثار شهرهای سمرقند، هرات، بلخ و کرمان.

در این دوران، کاشی معرّق تا آن حد رشد پیدا کرد که در تزیینات معماری همتایی نداشت. بهترین کاشی‌های معرّق در مسجد «گوهرشاد» مشهد و مسجد «کبود» تبریز، که در سدهٔ پانزدهم بنا شده‌اند، وجود دارد.[۴]

۴. سبک ایرانی در دورهٔ صفویه

معماری مسجد در دوران صفویه به‌طور

---

۱. مجلهٔ مسجد، ش ۶۵، ص ۵۰، مقالهٔ «مسجد و محراب الجاتیو» / معماری ایرانی، ص ۱۵۶ و ۱۸۸.

۲. هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۴۴۱ / معماری ایرانی، ص ۱۶۵، ۱۶۷و ۱۹۷ / مساجد در تمدن اسلامی، ص ۹۰.

۳. همان.

۴. همان.

گسترده‌ای از طرح‌های چهارایوانهٔ زمان تیموری تقلید می‌شد، ولی در برخی شهرهای کوچک، مساجد کوچکی مثل مسجد «بلارستم» مراغه یا مسجد «میدان» و «مهرآباد» در شهر بناب، از نوع مساجد زیبای دارای سقف چوبی و تیرریزی شده است.[۱]

بیشتر آثار معماری صفوی، که در زمان شاه طهماسب اول ساخته شده، به علت استفادهٔ فراوان از خشت خام ـ که ماده‌ای بی‌دوام است ـ به مرور زمان و یا در اثر حوادث از بین رفته است؛ مانند مسجد بزرگ «شاه» در قزوین که گفته می‌شود بزرگ‌ترین مسجد ایران بوده، ولی در اثر زلزله از بین رفته است.[۲]

زمان شاه عبّاس عصر زرّین معماری صفوی است که مسجد «امام خمینی قدس سره» (مسجد شاه سابق) و مسجد «شیخ لطف‌الله» از آثار این دوران است. از دیگر آثار به‌جا ماندهٔ معماری صفوی، ایوان شاه عبّاس دوم است که در سال ۱۶۴۹ م ساخته شده و نیز «شبستان الله وردی‌خان» که هر دو در حرم امام رضا علیه السلام قرار دارد.

معماری صفوی پس از مرگ شاه‌عبّاس در سال ۱۶۲۷ م به مرور رو به افول گذاشت و بناهایی که بعداً ساخته شد بیانگر معماری رو به پیشرفت نبود. معماری دورهٔ صفویه در ساختار و تزیینات، اصالت کمتری داشت و به جای حمایت و تشویق برای نوآوری، به شدت بر گذشته تکیه می‌کرد. هنر کاشی‌کاری با اینکه در آثار معماری صفوی جایگاه خاصی دارد، ولی معماران صفوی از بین اشکال قدیمی، بهترین‌ها را انتخاب می‌کردند، هرچند کیفیت کاشی‌های به کار رفته از کاشی‌های اعصار گذشته پایین‌تر نیز هست.[۳] اوج هنر معماری دورهٔ صفوی در دو مسجد با شکوه «شیخ لطف‌الله» و مسجد «امام» اصفهان ظهور پیدا کرده است.[۴]

---

۱. مجلهٔ مسجد، ش ۴۰، مقالهٔ «مساجد ایران و آسیای مرکزی» / فصل‌نامهٔ هنر، ش ۳۳، مقالهٔ «مساجد ایران و آسیای مرکزی».

۲. معماری ایرانی، ص ۲۰۶، ۲۲۵ و ۲۳۱.

۳. معماری ایرانی، ص ۲۲۱ / هنر و معماری مساجد، ج ۲، ص ۱۴۵۷.

۴. مساجد در تمدن اسلامی، ص ۹۶.

۵ . سبک ایرانی در دورهٔ قاجاریه

معماری مسجد در دوران نادریه و زندیه، که پس از پادشاهان صفوی روی‌کار آمدند، از رکود محسوسی برخوردار بود، ولی در زمان حکومت قاجاریه، این هنر دوباره رونق گرفت. فتح‌علی‌شاه قاجار را می‌توان حامی بعدی معماری مسجد در ایران دانست که مساجد بزرگی در سراسر ایران با طرح «چهارایوانه» بنا کرد.[۱]

در این دوران، در بسیاری از موارد، به توسعهٔ بناهای صفوی پرداخته‌اند (مثل قم و ماهان) و از سبک صفوی هم در جاهایی تقلید شده است؛ مانند گنبدها و ایوان‌های طلا در مشهد، قم و ری. در برخی موارد هم از سبک جدیدی، که به سبک «دوران قاجاریه» مشهور است، استفاده کرده‌اند؛ همانند مسجد «آقابزرگ» کاشان و برخی گنبدهای پیازی در شیراز. در این دوران، توجه خاصی به محوّطه و حیاط مسجد داشتند. مهم‌ترین مسجدی که در این دوران بنا شد مسجد و مدرسهٔ «سپهسالار» تهران است که در سال‌های ۱۸۷۸ ـ ۱۸۹۰ م / ۱۲۹۵ ـ ۱۳۰۸ ش ساخته شد.

سبک تزیینی این دوران سبکی متمایز و شناخته شده است که از عناصری همچون طرح‌های سادهٔ هندسی کاشی‌کاری شده، خطوط خیزرانی، طرح‌های کتیبه‌ای و پلکانی در آجرهای کوچک لعابدار، پنجره‌های تزیینی، و ستون‌ها و سرستون‌های سنّتی استفاده گردیده است. اما بهترین تزیین این دوره، که شهرت خاصی به آن بخشیده، استفادهٔ زیبا و هنرمندانه از آیینه‌کاری است؛ مانند آیینه‌کاری در حرم امام رضا علیه‌السلام.[۲]

هـ . معماری مسجد در منطقهٔ آناتولیا (آسیای صغیر)

معماری مسجد در منطقهٔ «آناتولیا» (آسیای صغیر) را باید در سه دورهٔ مشخص مورد بررسی قرار داد:

---

۱ . هنز و معماری مساجد، ج ۲ ، ص ۱۴۵۹ ، مقالهٔ «معماری اسلامی ایران».

۲ . همان.

۱ . دورهٔ سلطنت سلجوقیان روم (۱۰۷۷ ـ ۱۳۰۸ م)

در این دوران، برای ساخت مساجد، از الگوهایی که از قلب کشورهای مسلمان برمی‌خاست، پی‌روی می‌کردند.

مساجد سلجوقیان آناتولیا را باید در دو منطقهٔ جغرافیایی مورد بررسی قرار داد:

منطقهٔ اول: منطقهٔ شرق و شمال شرقی آناتولیا، که از طریق آذربایجان با سبک معماری ایران و آسیای مرکزی ارتباط داشت و این سبک ایرانی با سنّت ساخت بناهای سنگی مردم ارامنه و گرجستان تلفیق شده بود.

این منطقه معمولاً با حکومت مرکزی سلجوقیان (روم) اختلاف داشت و به همین دلیل، حاکمان سلجوقی و سبک معماری آن‌ها در این منطقه تأثیر چندانی نداشت. کاربرد سنگ به عنوان مهم‌ترین مصالح ساختمانی در این منطقه، باعث شده است که در ساخت مساجد، بیشتر از سنگ استفاده شود که شامل طبقات فوقانی بنا نیز می‌شد؛ مانند طاق‌قوس‌های سنگی که نوعاً با حجّاری‌های زیبایی تزیین می‌شد.

از دیگر ویژگی‌های مساجد این منطقه، می‌توان به دارا بودن نقشهٔ وسیع و مستطیل شکل آن‌ها، فقدان صحن و حیاط و منارهٔ استوانه‌ای شکلِ مرسوم در دوران سلجوقی اشاره کرد.[۱]

منطقهٔ دوم: این منطقه شامل آناتولیای مرکزی می‌شود که مستقیماً زیرنظر سلجوقیان (روم) اداره می‌شد. معماران این منطقه به دلیل آنکه از یک‌سو، با شهر بیزانیوم (قسمتی از روم شرقی) تماس داشتند و از سوی دیگر، با روش و سبک معماری سوریه و جزیرةالعرب آشنا بودند، در نیمهٔ قرن سیزدهم میلادی شیوهٔ معماری همگونی را در این منطقه رواج دادند.

برخی از مشخصات معماری مساجد این منطقه عبارت است از: استفاده از گنبدهای منحنی‌شکل، قرار دادن سنگ آهک، آجر و کاشی‌های معرّق به عنوان مهم‌ترین مصالح ساختمانی، سنگ‌چین کردن دیوارهای مساجد و استفاده از

---

۱ . مجلهٔ مسجد، ش ۴۵، ص ۵۵ / فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳، مقالهٔ: «مساجد آناتولیا و میراث عثمانی».

ستون‌هایی که با آجر و قبّه‌های سنگی علامت‌گذاری می‌شد.

از مهم‌ترین ویژگی‌های تزیین مساجد در دوران سلجوقیان (روم) عبارت است از: استفاده از کاشی‌های معرّق و جلادارِ ستاره‌ای شکل و شش‌گوش، به کار بردن حجّاری‌های زیبا و غنی، عدم محدودیت در زمینهٔ رنگ‌آمیزی و زینت دیوارهای مساجد.[۱]

از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مساجدی که در دوران سلطنت سلجوقیان در منطقهٔ آناتولیا ساخته شد، مسجد «علاءالدّین» است که در سال ۱۱۵۵ م ساخت آن شروع شد و در سال ۱۲۲۰ م کار آن به اتمام رسید.

۲ . دورهٔ حکومت امرای تُرک (۱۳۰۸ ـ ۱۴۵۳ م)

پس از حملهٔ مغول، مناطق تحت نفوذ حکومت سلجوقیان (روم) به مناطق کوچک و بزرگی تقسیم شد که هرکدام تحت حکومت امرای ترک اداره می‌شد. از بین این حکومت‌های کوچک، گروهی از ترک‌ها به نام «عثمانی‌ها» توانستند با مغلوب کردن دیگر حکومت‌های منطقه، تقریباً بر بیشتر آناتولیا حکومت کنند.

معماری مسجد در این دوران نیز متوقّف نبوده و از مهم‌ترین فعالیت‌های امرای ترک در این زمینه، ساخت مساجد کوچک است. یکی از اصیل‌ترین نوع مساجد کوچک، که بیشتر در منطقهٔ عثمانی به چشم می‌خورد، مساجدی است که نقشهٔ آنها به شکل «T» معکوس طرّاحی شده و شامل دو فضای گنبدی شکل مرکزی بود که از دو سو، به دو راهروی کوچک‌تر، که همان بازوان حرف «T» باشد، متصل می‌شد.[۲] این مساجد از جلو به پنج سرسرا راه داشت و معمولاً از گنبدهای متعدد و تک‌مناره‌ای (که گاهی به دو مناره هم می‌رسید) تشکیل می‌شد. مساجد مزبور در ساختار اولیه، به سبک معماری سلجوقی ساخته می‌شد، ولی در بعضی از آن‌ها، گاهی از شیوه‌ای مثل سنگ‌کاری

۱. هنر اسلامی، ص ۲۱۲ / مجلهٔ مسجد، ش ۴۵، ص ۵۷، مقالهٔ «مساجد آناتولیا و میراث عُثمانی».

۲. مجلهٔ مسجد، ش ۴۴، ص ۵۹ / فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳، مقالهٔ: «مساجد آناتولیا و میراث عثمانی».

و آجـرچـینی بـه روش مـعماری بـیزانس استفاده می‌کردند.

مسجد «اولو جـامع» در شـهر بـورسا، که در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۵۸ـ۱۴۲۰ م ساخته شد، الگوی مهمی برای مساجد این دوران به شمار می‌آمد.

مسجد «بایزید اول»، که با روکار سنگ در سال ۱۳۹۰ـ ۱۳۹۵ م در شـهر «بـورسا» ساخته شده و مسجد نیمه‌تمام «سیسیل» در این شهر، که در سال ۱۴۱۲ـ۱۴۱۹ م ساخته شده، نمونه‌هایی از مساجد به شکـل «T» معکوس است.[۱]

۳. دورهٔ اقتدار عثمانی‌ها (۱۴۵۳ ـ ۱۹۲۳ م)

حکومت عثمانی به سبب هجوم تیمور در سـال ۱۴۰۲ م ضـعیف شـد و دوبـاره حکومت‌های کـوچک و مسـتقل پـدیدار شدند، تا آنکه در حـدود سـال ۸۷۸ هـ / ۱۵۰۰ م، دولت عـثمانی بـا تـجدید قـوا توانست «قسطنطیه» را فتح و دوباره بر تمامی منطقهٔ آناتولیا حکمرانی کند.

در ایـن دوران، مـعماری مسـجد در آناتولیا سبک نوینی پیدا کرد. مجری این سبک شخصی به نـام مـعمار سـنان بـود. او یونانی‌الاصل و معمار اعظم دربار عثمانی به شمار می‌رفت و توانست در طول عمر خود، قریب ۸۱ مسجد بنا کند.

سبک نوین معماری عـثمانی بـر پـایهٔ معماری بیزانس شکل گرفته بود و شکلی سنگین و موقّر و سخت‌تر و جدّی‌تر نسبت به سبک دوران سلجوقیان (روم) داشت.[۲] در این سبک، گنبد عـظیم مـرکزی نـقطهٔ اصلی بنا بود و بنا را از آن نقطه به اطراف توسعه می‌دادند و در اطراف این گنبد عظیم، گـنبدهای کـوچک‌تری قـرار مـی‌گرفت. در اطراف مسجد، چهارمناره ـ دو مناره در ابتدای مسجد و دو مناره در انتهای مسجد ـ بنا می‌کردند.

در مساجد این دوران، از تزیینات ملایم و متین، همراه با نقش‌های برجستهٔ بسیار کم استفاده می‌کردند. بعضی از عوامل تزیینی هم ـ که قبلاً متداول بود ـ کنار گـذاشـتند؛

---

۱. مجلهٔ مسـجد، ش ۴۴، ص ۶۰، مقالهٔ «مساجد آناتولیا و میراث عثمانی».

۲. هنر اسلامی، ص ۲۳۰.

مثل حجّاری‌های مسرفانه و پر خرج. به جای آن، از کاشی‌های معرّق و چهارگوش (مربع یا مستطیل شکل) استفاده کردند.[۱]

بدین‌روی، هنر کاشی‌کاری با سبک جدیدی نسبت به دوران سلجوقی، به کار گرفته شد؛ بدین‌صورت که به جای استفاده از کاشی‌های ستاره‌ای و شش گوش، از کاشی‌های چهارگوش مربع یا مستطیل شکل استفاده می‌کردند.

زیباترین کاشی‌کاری‌های این دوران در مساجد «رستم پاشا» (۱۵۵۰ م / ۹۲۸ هـ) و «سوکولو محمّد پاشا» (۱۵۷۱ م / ۹۴۹ هـ) در استانبول و مسجد «سلطان محمّد» (۱۶۰۹ م) به کار رفته است.[۲]

برخی از مهم‌ترین مساجد سبک نوین عثمانی عبارت است از: مسجد «سلطان سلیم دوم» در شهر «ادِرنه» که در سال ۱۵۷۰ ـ ۱۵۷۵ م ساخته شد، مسجد «سلیمانیه» در استانبول که در سال ۱۵۵۵ ـ ۱۵۵۷ م بنا گردید و مسجد «سلطان احمد» در استانبول که در سال ۱۶۰۹ م بر مبنای الگوی سبک معمار سنیان و پس از او بنا نهاده شد.[۳]

شایان ذکر است که مساجد ساخته شده بر مبنای سبک نوین، همه الگوگرفته از مسجد «ایاصوفیه» است که قبلاً کلیسا بود.[۴]

و . معماری مسجد در شبه قارهٔ هند

معماری اولیهٔ اسلامی در هند متأثّر از معماری پرتجمّل و پرزینت سنّتی هند همچون معابد هند، چین و آسیای جنوب شرقی بود و تمایل وسیعی در به‌کارگیری تزیین با استفاده از نقوش هندسی، گیاهی و کتیبه‌نویسی وجود داشت.

مراحل ساخت مسجد در هند را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد:

مرحلهٔ اول: زمانی که حاکمان اسلامی به خاطر مصالح سیاسی، معابد هندوها را

---

۱. هنر اسلامی، ص ۲۰۳.

۲. همان، ص ۲۱۲ و ۲۱۷.

۳. مجلهٔ مسجد، ش ۴۴، ص ۶۴، مقالهٔ «مساجد آناتولیا و میراث عثمانی» / مساجد در تمدن اسلامی، ص ۲۴۴.

۴. همان.

تخریب می‌نمودند و از مصالح و سنگ‌های آن برای ساخت مسجد استفاده می‌کردند؛ مانند استفاده از بقایای معابد «جین و ویشنو» در ساخت مسجد «قوّةالاسلام» و منارهٔ آن توسط سردار قطب‌الدّین ایبک در شهر دهلی.[۱]

مرحلهٔ دوم: زمانی که حاکمان اسلامی به طور کامل در منطقه مستقر بودند و نفوذ کاملی در منطقه داشتند. در این زمان، برای تهیهٔ مصالح ساختمانی از امکاناتی که خود فراهم می‌آوردند، استفاده می‌کردند و از مصالحی که قبلاً به کار رفته بود، استفاده نمی‌کردند، مگر در مواقع ضروری.

معماری اسلامی هند را می‌توان به سبک‌های گوناگونی تقسیم کرد که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. سبک دهلی (سبک شاهی)

این سبک در اواخر قرن دوازدهم شروع شد و در اواسط قرن شانزدهم به اتمام رسید. این سبک در معماری دهلی و همچنین ایالات به کار گرفته می‌شد و در برخی ایالات، سبک محلّی همان ایالات تأثیر فراوانی بر سبک شاهی برجای گذاشت؛ مثل سبک ایالت پنجاب به مرکزیت لاهور و مولتان.

۲. سبک ایالتی

این سبک در بین ایالات و نواحی گوناگون، پس از استقلال آنها ترویج و به کار گرفته می‌شد. این سبک توسط هنرمندان و صنعتگران محلّی از بطن سبک‌های متداول در بین معابد و خانه‌های محلّی به وجود می‌آمد که خود این هم تابع اقلیم آب و هوایی و مصالح طبیعی منطقه بود؛ مانند سبک «تَغْلَقِی» که بعضی آن را اولین سبک معماری در هند می‌دانند. در این سبک، برخی عوامل بومی مانند ستون‌ها، شاه‌تیرها و سگ‌دست‌ها و فنونی همچون تنظیم دما با آب را با دیگر مشخصه‌های معماری اسلامی همچون طاق و گنبد و قوس درهم می‌ریختند.[۲]

---

۱. مساجد در تمدن اسلامی، ص ۱۰۴.

۲. همان، ص ۱۰۱.

۳. سبک مغولی

این سبک آخرین و کامل‌ترین سبک معماری هند و اسلامی است که بیشتر در مراکز امپراتوری‌هایی همچون دهلی، اگرا، و فاتح پورسیکری در قرن شانزدهم به کار گرفته می‌شد. این سبک دارای عمومیت فراوانی در تمام مناطق و ایالات بوده و یکی از ویژگی‌های آن نقشه و راستای شرقی ـ غربی در تمامی مساجد است که قبله درسمت‌غرب وورودی‌های‌اصلی‌دربخش شرقی واقع شده. مسجد «شاه نعمت‌الله» در جنوب غربی مقبره، نمونه‌ای از مساجد مغولی است. مسجد «موتی / مروارید» ۱۶۴۶ـ۱۹۵۳ م هم نوعی از عمارات سه گانه دورهٔ مغول است.[۱]

مساجد مهم هند:

ـ مسجد «بارگنبد» که در سال ۱۴۹۴ م به سبک ایالتی ساخته شد.

ـ مسجد و مجموعهٔ «قوّةالاسلام» که در سال ۱۱۹۹ م در دهلی به سبک «شاهی» بنا گردید.

ـ مسجد «جامع دهلی» از دوران گورکانی و مسجد «بدشاهی» در لاهور که در سال ۱۶۷۳ـ ۱۶۷۴ م در دوران گورکانیان به سبک «مغولی» ساخته شد.

ـ مسجد «تاج محل» که مربوط به سبک «گنبدی مغولی» است.

ـ مسجد «پادشاهی» (۱۶۷۳ـ ۱۶۷۴ م) در لاهور پاکستان که به سبک معماری مغولی بناگردیده است.

ـ مسجد «جامی» (۱۵۷۱ م) در فاتح پورسیکری که به سبک معماری «مغولی» ساخته شده و ویژگی‌های سنّتی و بومی هندوها در آن به‌کار رفته و به دست اکبرشاه بناگردیده است.

مسجد جامع «فتح‌پور» که در سال ۱۵۷۳ ـ ۱۵۷۴ م ساخته شد و از بزرگ‌ترین مساجد هند به شمار می‌رود.[۲] و مسجد «تاج محل»، که مروارید معماری اسلامی است و در سال ۱۶۴۸ ـ ۱۶۳۱ م بنا گردیده.[۳]

البته باید به این نکته توجه داشت که در

---

۱. ر.ک. فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳، مقالهٔ: «مساجد شبه قارهٔ هند».

۲. مساجد در تمدن اسلامی، ص ۱۱۰.

۳. همان، ص ۱۱۳.

معماری اسلامی مساجد هند، در همهٔ سبک‌ها و دوران‌های گوناگون، نفوذ سبک ایرانی و معماران ایرانی را در بیشتر آثار معماری این کشور می‌بینیم؛ مثل مسجد «گلبارگا» که توسط رافع بن شمس بن منصور قزوینی ساخته شد.[۱] نوع تزیین مسجد «قوّةالاسلام» نیز از سبک ایرانی گرفته شده است.[۲] این نفوذ در دوران حکومت گورکانیان به اوج خود رسید؛ زیراگورکانیان وارث مستقیم تیموری‌ها بودند و عناصر پایدار معماری آنها بیش از دورهٔ نخست تیموری‌ها مورد استفاده واقع می‌شد.[۳]

ز . معماری مسجد در بنگلادش

در جهان اسلام، بیشترین شمار مساجد در کشور بنگلادش وجود دارد و به همین دلیل، معماری مساجد در آنجا از تنوّع خاصی برخوردار است. به دلیل آنکه مسجد در بنگلادش در دوران پیش از اسلام معماری سبک بومی و سنّتی خود را داشته و پس از اسلام توسط مسلمانان مهاجر از آسیای میانه و غربی، سبک معماری اسلامی با عناصر خاص خودش ـ مثل گنبد، مناره، محراب ـ وارد آنجا شده، بین این سبک ادغام و امتزاج به وجود آمده و سبک «معماری اسلامی ـ بنگالی» را به وجود آورده‌اند.

معماری مساجد بنگلادش باید در سه مرحله مورد بررسی قرار گیرد:

مرحلهٔ اول: مربوط به زمان فتح این منطقه به دست مسلمانان است که از قرن سیزده میلادی تا چند قرن بعد تا سال ۱۵۷۶ میلادی ادامه دارد. بعضی از ویژگی‌های معماری این دوران عبارت است از: ادامه دادن سبک سنّتی و استفاده از مصالح قدیمی؛ مانند آجر، گل رس و گل آبرفتی در نمای مسجد؛ همچون مساجد «گائو»، «باغا» و «گوآلوی»، استفاده از کاشی‌های بی‌لعاب در برخی مساجد؛ مانند مساجد «چوته سُنه» و «کوسو سومبا». مهم‌ترین ویژگی معماری مسجد در این دوران، به وجود آمدن سقف‌های مستدیر یا خمیده خط در

۱. همان، ص ۱۰۶.
۲. همان، ص ۱۰۲.
۳. معماری هند در دورهٔ گورکانیان، ص ۱۴.

مساجد بنگلادش است.

مرحلهٔ دوم: مربوط به زمانی است که بنگلادش تحت قلمرو مغول‌ها قرار گرفت. برخی از ویژگی‌های معماری مسجد در این دوران عبارت است از: طاق‌های نوک‌تیز دو محور جای خود را به طاق‌های چهارمحور داد؛ تزیینات نماکاری از جنس گل و سفال جای خود را به سطوح گچ‌کاری شده داد؛ سقف‌های مستدیر شکل کنار گذاشته شد و جای خود را به سقف‌های مستقیم و افقی داد.

مرحلهٔ سوم: مربوط به زمان استقرار اروپایی‌ها و به تبع آن، زوال قدرت سیاسی مسلمانان در این منطقه است. در این دوران، مساجد به تعداد زیاد، ولی در اندازه‌های کوچک‌تر، با حالتی غیردلپذیر و فاقد جنبهٔ زیباشناختی ساخته شد. یکی از مصالح تزیینی مساجد بنگلادش استفاده از خرده‌چینی شکسته است که در این دوران، مورد استفاده قرار می‌گرفت و تاکنون هم ادامه دارد.

از ویژگی‌های کلی معماری مساجد بنگلادش، می‌توان به فقدان صحن و حیاط در بیشتر مساجد اشاره کرد و این به خاطر شرایط اقلیمی و وجود باران‌های سیل‌آسا در این کشور است. از دیگر ویژگی‌های معماری مسجد در این کشور، آزادی عمل معماران در ساخت مساجد است و به همین دلیل، مساجد زیادی در نقشه‌های مربع و مستطیل شکل وجود دارد که دارای گنبدهای الحاقی متعددی است، که از یک گنبد تا ۲۸ گنبد در بین آنها دیده می‌شود.[۱]

ح . معماری مسجد در جنوب شرقی آسیا

مردم شبه جزیرهٔ مالزی و جماعت ساحل‌نشین سوماترا، جاوه، مجمع‌الجزایر سولو، بورنئی، کالیمانتان، سولاری جنوبی و مالوکو طی قرون ۱۳، ۱۴ و ۱۵، با تعالیم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آشنا شدند و برای بجا آوردن فرایض مذهبی، مساجد گوناگونی در این مناطق ساخته‌اند.

مسجدهای آسیای جنوب شرقی، از هر

---

۱ . مجلهٔ مسجد، ش ۴۱ ، ص ۴۸ ، مقالهٔ «معماری مساجد بنگلادش».

جنبه ـ که شرح و پیدایش آن‌ها بررسی شود ـ در زمرهٔ شبستان‌های مرتفع، چند سقفی و محوطه‌ای باز همراه ستون‌های چوبی، به عنوان ساختمان‌های متعلّق به سبک معماری جاوه قرار دارد، و این سبک معماری همانند سبک‌های محلّی مناطق دیگر، با ورود اسلام و معماری خاص خود به آن سرزمین، مورد تحوّل و دگرگونی قرار گرفته و عناصری که در جاهای دیگر با معماری اسلامی عجین است، در معماری این منطقه نمایان نیست؛ همچون گنبد وتزیین مساجد باتزیینات سطحی و هندسی.

در این منطقه، به خاطر اقلیم و آب و هوای خاص، ساختمان مساجد را چوبی بنا می‌کردند. از مهم‌ترین این بناهای چوبی، می‌توان به مسجد بزرگ «آگانگ»، که در مرکز سلطنتی اسلامی جاوه قرار دارد، اشاره کرد. این مسجد در قرن ۱۵ میلادی با الگو گرفتن از عمارت‌های باز «جوگو» در قصرهای «کراتون» حاکمان پیش از اسلام ساخته شده است.

از دیگر مساجد این منطقه، مسجد بزرگ «گوپیا گارتا» در امیرنشین‌های مرکز جاوه است که در قرن هجدهم ساخته شد. از این نوع، مسجد «آسه» است که در سال ۱۸۷۹ م بناگردید و دارای یک گنبد از جنس توفان بود. در قرن بیستم، چهارگنبد و دو منارهٔ دیگر به آن افزوده شد.[۱]

کابرد ستون‌ها در مساجد آسیای جنوب شرقی به دو صورت است:

اول . ستون‌هایی که از لحاظ معماری، محافظی برای سقف‌ها به شمار می‌آید.

دوم . ستون‌هایی که محوریت عمودی قدرتمندی ایجاد کرده و نشان‌دهندهٔ جهت قبله است. این ستون‌ها معمولاً یک یا چهار و یا شش ستون هستند.[۲]

از دیگر ویژگی‌های معماری مسجد در این منطقه، ساخت عمارتی در قسمت جلویی مسجد است که در آن طبلی قرار می‌دهند که بنا بر رسم محلّی این منطقه، پیش از اذان بر این طبل استوانه‌ای کوبیده می‌شود.

---

۱ . فصل‌نامهٔ هنر، ش ۳۳ ، مقالهٔ «مساجد جنوب شرقی آسیا».

۲ . همان.

سبک معماری مساجد چین

در مساجد چین، دو معماری دیده می‌شود:

اول . معماری به سبک خاور نزدیک و سبکی برگرفته از سبک عربی که در منطقهٔ شمال غربی چین مثل «گزین ژیانگ» ـ که اقلّیت‌های مسلمانان در آن زندگی می‌کنند ـ وجود دارد.

دوم . معماری دیگری بر پایهٔ معماری سنّتی چین که با عقاید و عبادات اسلامی تطبیق داده شده و این نوع معماری در بیشتر مساجد مورد استفاده قرارگرفته است؛ مانند مساجد شهرهای شین کیانگ، کونمینگ و شهرهای سرحدی شانگهای.[۱]

در مساجد سبک چینی، با مهارت زیادی سبک مساجد خاور نزدیک با سبک محلّی ادغام شده و سبک کاملاً مشخص و مستقلی پدید آورده است. از جمله علایم ادغام این دو سبک، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف . چرخش محور بنا و درِ اصلی ورودی شبستان: در سنّت چینی، بناهای مهم معمولاً رو به جنوب ساخته می‌شدند و محور اصلی ساختمان از جنوب به شمال امتداد می‌یافت و درِ ورودی به سمت شمال قرار می‌گرفت. این در حالی است که درِ مساجد به علت استحباب استقبال در مسجد و خواندن نماز رو به قبله، ایجاب می‌کرد درِ ورودی شبستان معمولاً در طرف شرق بنا شود. و همین موجب چرخش محور اصلی ساختمان شده است؛ مانند مساجدِ «هوایی سُنگ‌سی» و «تنگ یوسی».

البته باید گفت: در تعداد کمی از مساجد، علاوه بر قرار دادن ورودی اصلی در اطراف (غیر از جنوب) مسجد، ورودی دیگری را هم در سمت جنوب ساخته‌اند.

ب . مناره و اتاقک‌های رؤیت هلال: این مکان و بدنهٔ صاف پلکان‌های آن در معماری چینی سابقه ندارد؛ مانند مناره و مسجد «هوایی شنگ». ولی بعدها به صورت مستقل مناره‌هایی بلند و به سبک عبادتگاه‌های چینی و ظریف ساخته شد. معمولاً مناره‌ها در چین سه منظوره ساخته می‌شده است: مأذنه، اتاق رؤیت هلال و سر در بزرگ مسجد؛ مانند: سر در مجلّل

---

۱ . ر.ک. فصل‌نامهٔ هنر، ش ۳۳ ، مقالهٔ «مساجد چین».

«ژن جیا اوسی».

ج . محراب وگنبد: این دو مکان قبلاً در معماری چینی سابقه و جایی نداشت و در ابتدا طوری ساخته می‌شد که با معماری سنّتی چین مأنوس نبود؛ چون نوع سقف این دو مکان معلوم نبود، ولی بعدها بنابر سنّت محلّی چینی ساخته شد؛ مثل سقف محراب مسجد «سونگ جیانگ» که ابتدا با مصالح بنّایی ساخته شد و بعد روی آن الوارهای چوبی قرار دارند؛ ابتدا شش‌ضلعی و هرمی شکل و بعد به شکل سقف با سراشیبی دو طرفه؛ چون این نوع سقف‌ها از یک‌سو، به خاطر آب و هوای مرطوب منطقه این طور ساخته می‌شود و از سوی دیگر، چنین سقف‌هایی مظهر معماری سنّتی چین بوده و شاخص بودن آنها از لحاظ شکل آن است.

در معماری سنّتی مساجد چین، برای تزیین مساجد، از مواردی همچون طاقچه‌ها و دیوارکول‌ها، (مثل مسجد «جین کوان») و نیز هلال‌های جناغی، که بعدا به اشکال گوناگون درآمد (مانند مسجد، حجانان)، استفاده می‌شود.

از دیگر ویژگی‌های معماری اسلامی در چین، که به سبک معماری شباهت دارد، عبارت است از: آثار و مساجد به جا مانده که تماماً از سنگ و آجر ساخته شده (نه از چوب)، و اینکه شبستان مساجد چهارضلعی و دارای منبر است.[۱]

مساجد مهم چین

۱ . مسجد «خوآنگ شینگ» که در سلسلهٔ تانگ ساخته شده و قدیمی‌ترین مسجد چین است.[۲]

۲ . مسجد «هوایی شنگ‌سی» (یادبود رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله) واقع در کوانگ زو (کانتون) و ایالت گوانگ دونگ که توسط سعد بن ابی‌وقّاص و به احتمال قوی، در قرن نهم تا دهم میلادی بنا نهاده شده است.[۳]

۳ . مسجد «شنگ یوسی» (حبیب خدا) در ایالت فوجی یمان که در سال ۱۰۰۹ ـ ۱۰۱۰ م و مسجد «سونگ جیانگ»

---

۱ . معماری اسلامی در چین، ص ۱۵ و ۱۹ .

۲ . همان.

۳ . فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳ ، مقالهٔ: «مساجد چین».

در شانگهای در نیمهٔ قرن ۱۴ م ساخته شده است.

۴ . مسجد بزرگ «گزیان» که به نام مسجد خیابان «هوجو» نیز شناخته می‌شود، این مسجد، که بزرگ‌ترین و سالم‌ترین مسجد قدیمی در چین است، در دوران سلسلهٔ «مینگ» (۱۳۹۲ م) بنا شده.

۵ . مسجد «نیوجی» واقع در شهر «بئی جینگ» که در حدود سال‌های ۱۲۸۰ ـ ۱۲۸۳ م ساخته شده است.

۶. مسجد «سن‌شن جبه» در (نن جینگ) از سلسلهٔ مینگ؛

۷ . مسجد «دونگ سی» در پکن از سلسلهٔ مینگ؛

۸ . مسجد «کاشفر» در مین‌کیانگ.[۱]

مقصورهٔ مسجد

مقصورهٔ مسجد: حجاب و حفاظ اطراف محراب.

«مقصوره» (به فتح یا کسرهٔ راء) در لغت، به معنای اتاق کوچک است. «مقصورهٔ مسجد» اتاق کوچک محصور در جلوی مسجد، دارای یک دریچهٔ مشبّک و محراب که امام یا خلیفه در آن می‌ایستاد و نمازگزاران تنها از آن دریچه امام جماعت را می‌دیدند.[۲]

در زمینهٔ تاریخ بنای اولین مقصوره در مسجد، برخی از مورّخان آن را به عثمان بن عفّان نسبت داده و علتش را ترس وی از تکرار حادثه و قتل خلیفهٔ دوم دانسته‌اند.[۳] برخی دیگر معتقدند: توسط مروان‌بن حکم ساخته شده[۴] و بعضی آن را به معاویه در سال ۴۳ ق پس از ضربهٔ برک بن عبدالله به وی نسبت داده‌اند.[۵]

در روایات، از ساخت مقصوره در مسجد نهی شده و آن را بدعت خلفای جبّار

---

۱ . معماری اسلامی در چین، ص ۱۴ .

۲ . لسان‌العرب، ج ۵، ص ۱۰۰ / لغت‌نامه، ص ۱۸۸۴۸ / فرهنگ عمید، ص ۱۱۴۹ / قاموس‌اللغة، ج ۲، ص ۱۷۸ / فرهنگ واژه‌های معماری سنّتی ایران، واژهٔ «مقصوره» .

۳ . تاریخ‌المدینةالمنوّره، ج ۱، ص ۶ / وفاءالوفاء باخبار دار المصطفی، ج ۲، ص ۵۱۰ / مساجدالکوفة، ص ۱۵ ـ ۱۶ / فوائدالفوائد، ص ۳۸ .

۴ . اصلاح المساجد من‌البدع و العوائد، ص ۱۰۴ / فوائدالفوائد، ص ۳۸ / مساجدالکوفة، ص ۱۵ .

۵ . همان.

برشمرده‌اند.[۱]

فقها نیز ایجاد آن را مکروه دانسته و نماز مأموم دو طرف امام جماعت را باطل دانسته‌اند.[۲]

(ر.ک. محراب مسجد.)

مکان مسجد

مکان مسجد: فضایی که در آن ساختمان مسجد بنا می‌شود.

درصدر اسلام، با ورود پیامبر به مدینهٔ منوّره و ساخت مسجدالنبی ﷺ، نیاز تمام شهر به مکان نماز تأمین می‌شد. مسجدی که به شکلی کاملاً ساده بنا شده بود، جوابگوی تمام نیازهای عبادی، سیاسی، اجتماعی و آموزشی آن روز مدینه بود. با گسترش جمعیت شهر مدینه و در قرون بعدی، بخصوص در عصر فتوحات، یکی از اولین کارهایی که توسط فرماندهان جنگ پس از فتح هر شهر انجام می‌شد، ساخت مسجد در میانه و بدنهٔ اصلی شهر بود.

بصره در آغاز کار، به یک دهکده بیشتر شباهت داشت. نخست در آنجا، مسجدی ساختند و در جنب آن، «دارالأماره» و در اطراف آن، هر ناحیه به قبیله‌ای اختصاص یافت.[۳] در بارهٔ شهر کوفه آمده است. ابوالهیاج بن مالک اسدی نقشهٔ خیابان‌ها و کوچه‌ها را کشید و مسجد جامع را پی‌افکند و جلوی آن سایبانی برستون‌های سنگی ساخت. مسجد را وسط شهر قرار دادند و کوچه‌ها از آن آغاز می‌شدند.[۴]

مساجدی را که از گذشته تا به امروز ساخته شده‌اند ـ به استثنای برخی مساجد ـ می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف. مساجدی که عملکرد آن‌ها صرفاً برگزاری نماز و آیین‌های عبادی بوده است. این‌گونه مساجد معمولاً در مناطق مسکونی کوچه‌ها و روستاها و گذر بازار ساخته شده‌اند.

ب. مساجدی که عملکردی در مقیاس شهر داشته و نه تنها محل برگزاری نماز

---

۱. وسائل‌الشیعة، ج ۸، ص ۴۰۷، ب ۵۹ از ابواب «صلاةالجماعة»، ح ۱.

۲. جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۱۵۶؛ ج ۱۴، ص ۱۱۰ / البیان، ص ۱۳۷ / الذکری، ص ۱۵۸.

۳. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۴۷۶.

۴. همان، ص ۴۷۷.

و آیین‌های عبادی، بلکه محل انجام امور حکومتی، قضائی، سیاسی و اجتماعی نیز بوده‌اند. این مساجد عمدتاً مسجد «جامع» نامیده می‌شوند و در بدنهٔ اصلی شهر واقع‌اند.

اما امروز مکانی که برای مسجد در نظر گرفته می‌شود باید براساس رسالت و نقش آن در عرصه‌های گوناگون و با توجه به توصیه‌های شرع مقدّس ساخته شود. مکان مسجد باید به عنوان یک نشانهٔ مهم در شهر و در بدنهٔ اصلی آن تعبیه گردد، به نحوی که افراد بیشتری بتوانند از آن استفاده نمایند و به صورت یک مجتمع ساخته شود تا بتوان از فضای اطراف آن استفاده‌های گوناگون کرد.

در کتب روایی، هفت روایت در خصوص مکان مسجد وارد شده که فقها با استناد به این روایات، مباحث ذیل را مطرح ساخته‌اند: ساخت مسجد در مکان غصبی و معابر عمومی و قبرستان جایز نیست و بلکه حرام است.[۱] ساخت مسجد در زمین نجس جایز نیست، مگر آنکه با پاشیدن خاک بر روی نجاست، آن را خشک و بوی آن را از بین ببرند.[۲] تبدیل معابد یهودیان و مسیحیان به مسجد جایز است.[۳]

مکروهات مسجد

مکروهات مسجد: مجموعه اعمالی که ترک آن‌ها در مسجد بهتر است، ولی بر انجامش گناه و عقابی مترتّب نیست.

فقها با استفاده از منابع و متون روایی، برای مسجد مکروهاتی را ذکر کرده‌اند. برخی از این مکروهات مربوط به معماری مسجد بوده که عبارت است از: بالا بردن گل‌دسته‌ها و مناره‌ها بیش از پشت‌بام مسجد؛ ساخت کنگره برای دیوار مسجد، ساخت محراب داخلی، نقاشی کردن چیزهایی که روح ندارد بر دیوار داخل

---

۱. التذکرة، ص ۱۵۷.

۲. همان / تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۴۲۲؛ الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۱۹۷ ـ ۱۹۸.

۳. همان.

مسجد؛ مثل گل و بوته.[۱] دیگر مکروهات مسجد عبارت است از: عبور کردن از مسجد بدون خواندن نماز، انداختن آن دهان و بینی و اخلاط سینه، خوابیدن مگر در حال ضرورت و ناچاری، فریاد زدن و بلند کردن صدا مگر برای اذان، سخن گفتن از امور دنیا، خرید و فروش، اعلان گم‌شده، پرتاب سنگ، قرائت اشعاری که در آن‌ها پند و نصیحتی نیست، کشتن حشرات، اجرای حدود، قضاوت کردن، بردن سلاح به مسجد و آویزان کردن آن در جهت قبله، راه دادن کودکان (غیر ممیّز) و دیوانگان، صنعتگری، برهنه کردن پاها،[۲] خواندن نماز میّت (مگر در مسجدالحرام)،[۳] قصه گویی،[۴] ساخت مسجد بر روی قبور[۵] و آرایش کردن.[۶]

منبر

منبر: جایگاه ویژهٔ خطیب و واعظ در مسجد.

خطبا و سخنرانان پیش از اسلام از منبر استفاده نمی‌کردند، بلکه بر نیزه‌ای تکیه می‌دادند و سخنرانی می‌نمودند. در سالیان اول ظهور اسلام، پیامبر اکرمﷺ تا چند سال مانده به آخر عمر شریفشان، ایستاده و با تکیه بر درختی خطبه ایراد می‌نمود، تا اینکه برای ایشان منبری با سه یا چهار پایه ساختند. در اینکه چه کسی منبر رسول خداﷺ را ساخت، در منابع شیعی ذکری به میان نیامده، ولی آنچه مسلّم است اینکه منبر در عصر رسول خداﷺ ساخته شد و حضرت برآن به ایراد سخن می‌پرداخت. در روایات متعددی از منابع شیعی به این امر اشاره شده است.[۷]

---

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰ «فی بعض احکام المسجد».

۲. همان، «فی بعض احکام المسجد» (الحادی عشر).

۳. امام خمینی، رساله توضیح المسائل، م ۶۱۲.

۴. الکافی، ج ۷، ص ۲۶۲، ح ۲۰.

۵. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۹۳ / سنن نسائی، ج ۴، ص ۹۵ و ۹۶.

۶. سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۱۱۳۳.

۷. «صعد رسول اللهﷺ المنبر ذات یوم...» (الکافی، ج ۴، ص ۳۵)؛ «فصعد رسول اللهﷺ المنبر فحمدالله و اثنی علیه...» (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸ و ۴۶۳)؛ و عنهﷺ: «ما بین منبری و بیتی روضةٌ...» (الکافی، ج ۴، ص ۵۵۳).

در روایتی وارد شده است که معاویه در سال چهل و یکم هجری تصمیم گرفت منبر پیامبر را به شام منتقل کند و به نمایندهٔ خود نوشت که این کار را برایش انجام دهد. اما وقتی خواستند کار را شروع کنند خورشید گرفت و زمین شروع به لرزیدن کرد و آنان از کار خود منصرف شدند.[۱]

در منابع اهل‌سنّت، در اینکه چه کسی منبر پیامبر را ساخت، اختلاف است بین اینکه سازندهٔ منبر غلام زنی از انصار،[۲] غلام زنی از مهاجران به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله،[۳] مردی از اصحاب پیامبر،[۴] یا مردی رومی[۵] بوده. شاید علت این اختلاف از آن روست که همگی این‌ها در ساخت منبر پیامبر نقش داشته‌اند.

منبر در درجهٔ اول، جایگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، محل موعظهٔ حضرت برای مؤمنان و جایگاه تجلّی کلام خدا بر زبان پیامبر بود. پس از آن حضرت، در مساجد جامع شهرهای گوناگون، منبر قرار داده شد و به تدریج، در قرون بعدی تا به امروز، این سنّت به همهٔ مساجد شهرها و روستاها گسترش یافت. منبر در طول تاریخ، از کارآمدترین اجزای مسجد بوده است؛ در ابتدا، تریبون حکومت اسلامی بود و از آن برای ایراد خطبه و موعظه و اعلام مواضع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌شد. با گذشت زمان، مبلّغان و واعظان از آن برای تبلیغ دین، فقها و علما برای بیان احکام دین و تدریس معارف اسلامی، مفسّران در تبیین نکات قرآنی، محدّثان برای بیان و املای احادیث، و حاکمان و نمایندگان آن‌ها برای خط‌دهی‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه استفاده کرده‌اند.

میراث فرهنگی مسجد

میراث فرهنگی: فرهنگ ایرانی و اسلامی باقی مانده از گذشته در مساجد.

«میراث فرهنگی» یعنی: آنچه از

---

۱. همان، ج ۴، ص ۵۵۴، ح ۲.
۲. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۱۶.
۳. همان، ج ۳، ص ۱۲۹.
۴. سنن الدارمی، ج ۱، ص ۱۷.
۵. همان، ص ۱۸.

فـرهنگ بـه مـا بـه ارث رسـیده است. مـیراث‌هـای فـرهنگی چـندگونه است؛ برخی مثل کاخ‌ها، نهاد ستم شاهان بر مردم سرزمین‌هاست؛ برخی هم مثل آب انبارها و کاروان‌سراها نهاد خدمات مردمی است. اما مساجد میراث فرهنگ ماست کـه هـم حافظ دین این سرزمین ـ از بدو ورود اسلام تا کنون ـ بوده است و هم نگهبان علم و دانش و پرورش دهندهٔ عالمان و دانشـمندان در دامن خود. مساجد کشور ما همچنین آینهٔ تمام نمای هنرهای ایرانی و اسلامی همچون کاشی‌کاری، منبّت‌کاری و خـطاطی بـوده و یکی از میراث‌های مهمی است که تا کنون گردشگران زیادی را به خود جذب کرده؛ زیرا علاوه بر زیبایی‌ها، تـنوّع و تـاریخی که این میراث عظیم دارد، بسیاری از آن‌ها امکاناتی مثل خوابگاه، پارکینگ، آب انبار و حمّام برای گردشگران داشته است.[۱]

۱ . برای مطالعهٔ بیشتر ر.ک. مسجد در سفرنامه‌ها.

« ن »

نام‌گذاری مسجد

نام‌گذاری مسجد: انتخاب نام مناسب برای مسجد و تأثیر آن بر فعالیت‌های مسجد.

یکی از نکات مهم در بارهٔ مسجد، نام آن است که در قرآن کریم هم در برخی موارد با نام یاد شده است؛ مثل: «مسجدالحرام» و «مسجد الاقصی». پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مساجد را برخی به نام قبایل (مثل بنی‌النجار، بنی‌سالم، بنی‌نظیر) برخی را به نام اماکن (مثل قبا، غدیر و اُحُد) برخی را هم به نام اشخاص (مثل ابراهیم علیه‌السلام، علی علیه‌السلام، زهرا علیهاالسلام، بلال و سلمان) نام‌گذاری کرده‌اند که این نام‌گذاری‌ها از تنوّع خاصی برخوردار است.[۱]

طبق تحقیقات میدانی انجام گرفته، نام «مسجد» برکاربری‌های آن از ابتدای ساخت تا فعالیت‌های پس از آن مؤثر است؛ مثلاً، مساجدی که به نام حضرت ابوالفضل علیه‌السلام نامیده شده، پشتیبانان مالی بهتری داشته است. تاکنون قریب ۴۰۰ مسجد به نام حضرت ابوالفضل علیه‌السلام در جنوب شرق کشور توسط مردم ساخته شده است.[۲] همچنین تغییر نام مسجد پس از ساخت، موجب کاهش ساخت مساجد جدید و روی آوردن افراد خیّر به ساخت مراکزی همچون حسینیه و تکیه شده است. از این‌رو، با توجه به آنکه نام مسجد جزو مسجد نیست، که از اختیارات بانی خارج باشد، بهتر است انتخاب نام مسجد به بانی واگذار شود.

---

۱. السیرة النبویة، ج ۴، ص ۱۷۴ ـ ۱۷۵.

۲. فضاهای فرهنگی ایران: فهرستگان مساجد، ج ۱، ص ۱۵.

نجس کردن مسجد

نجس کردن مسجد: آلوده کردن فضای داخل مسجد یا اموال موقوفهٔ آن از قبیل فرش.

نجس کردن مسجد به هرگونه نجاستی حرام است[۱] و از مصادیق هتک حرمت مسجد به شمار می‌آید. (ر.ک. هتک حرمت مسجد.) از این‌رو، هر یک از مؤمنان که اطلاع پیدا کند مسجد نجس شده است، باید فوراً آن را تطهیر کند. اهمیت پاک کردن مسجد تا به آن حد است که گاهی بر اقامهٔ نماز هم مقدّم می‌شود.[۲] (ر.ک. طهارت مسجد.) گاهی هم بر خراب کردن قسمتی از مسجد یا حفر کردن و کندن زمین آن مقدّم است.[۳] (ر.ک. تخریب مسجد.)

نذر برای مسجد

نذر برای مسجد: یکی از منابع تأمین مخارج مسجد.

تنها نذری که در قرآن بدان اشاره شده نذر خدمت به مسجد است که در سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۳۵ از زبان مادر حضرت مریم خطاب به خداوند می‌فرماید: ﴿رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّراً﴾.[۴]

نذر یکی از منابع عمده برای تأمین مخارج مساجد به شمار می‌رود که با سامان‌دهی آن، می‌توان بسیاری از مشکلات مالی مساجد مثل ساخت، تعمیر، هزینه‌های روشنایی، نظافت، بهداشت، و امامت و مدیریت مسجد را تأمین کرد؛ چنان که بخش عمده‌ای از مساجد بزرگ و حرم‌های شریف با نذورات ساخته و یا تعمیر می‌شود.

نشستن در مسجد

نشستن در مسجد: آداب و آثار خاصی که برای نشستن در مسجد، بدان سفارش شده است.

آثار نشستن در مسجد

در متون روایی، سفارش‌های فراوانی

---

۱. امام خمینی‌ﷺ، رساله توضیح‌المسائل، م ۹۰۰، ۹۰۵ و ۹۰۶.

۲. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۸۵، م ۴.

۳. همان، ص ۸۶، م ۷ و ۸.

۴. آل‌عمران: ۳۵.

به احیای مساجد شده است. یکی از راه‌های احیای مسجد، نشستن در آن است.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: مسجد در روز قیامت، از امّت او شکایت می‌کند.[۱] (ر.ک. شکایت مسجد.) بنابر روایت دیگری، امیر مؤمنان علیه السلام نشستن در مسجد را برتر از نشستن در بهشت می‌دانند؛ زیرا نشستن در مسجد مورد رضایت خداوند است، در حالی که نشستن در بهشت رضایت بنده را به دنبال دارد.[۲]

مستحبات نشستن در مسجد

نشستن با وضو،[۳] نشستن رو به قبله،[۴] طولانی نشستن،[۵] اقامهٔ نماز،[۶] ذکر خدا در هنگام نشستن[۷] و بیان مسائل علمی[۸] از جملهٔ این مستحبات است.

موارد مستحب خاص نشستن در مسجد

برخی موارد به عنوان خاص در زمینهٔ نشستن در مسجد ذکر شده است:

الف . نشستن در مسجد به انتظار نماز؛

ب . نشستن در مسجد بین دو نماز؛

ج . نشستن در مسجد هنگام بین‌الطلوعین.

در روایات، برای این عمل پاداش‌هایی ذکر شده که عبارت است از:

ـ ثواب حج عمره دارد.[۹]

ـ از درجهٔ بالایی برخوردار است.[۱۰]

ـ گنجی از گنج‌های بهشت است.[۱۱]

ـ مصداق رهبانیت مورد تأیید اسلام است.[۱۲]

---

۱. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۲، ح ۶۳۳۰.
۲. همان، ج ۵، ص ۱۹۹، ح ۶۳۲۵.
۳. همان، ج ۵، ص ۱۹۹، ح ۶۳۲۴.
۴. بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۸۰، ح ۴۸.
۵. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۸، ح ۶۳۲۴.
۶. وسائل‌الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۱۱۱۶۸.
۷. همان.
۸. همان.
۹. وسائل‌الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۵، ب «استحباب الجلوس فی المسجد».
۱۰. همان.
۱۱. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۳۷.
۱۲. همان، ج ۴، ص ۱۹۰.

ـ باعث وسعت رزق می‌شود.[۱]

ـ به او در بهشت هفتاد درجه عطا می‌گردد که فاصلهٔ هر درجهٔ آن به اندازهٔ دویدن اسب تیزپایی است که به مدت هفتاد سال از دشمنش فرار کند.[۲]

ـ خداوند در روز قیامت آن‌ها را خالص می‌گرداند.[۳]

ـ آنان زائر خداوندند و خدا ایشان را اکرام می‌کند و حاجاتشان را روا می‌دارد.[۴]

ـ جزو علّیین به شمار می‌آیند.[۵]

مکروهات نشستن در مسجد

افراط بر نشستن در مسجد[۶] و بیهوده‌نشینی در مسجد از جمله مکروهات ذکر شده است.

در روایتی، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پرهیز از لغو و بیهوده نشستن در مسجد را «روش آباد کردن مساجد» معرفی[۷] نموده‌اند.

آثار نشستن در مسجد

در متون روایی پاداش‌های فراوانی برای نشستن در مسجد بیان کرده‌اند.

در این‌باره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به ابوذر می‌فرمایند:

«ای ابوذر! تا وقتی در مسجد نشسته‌ای، خداوند به ازای هر نفسی که می‌کشی، درجه‌ای در بهشت به تو عطا می‌کند؛ ملائکه بر تو درود می‌فرستند؛ ده حسنه برایت نوشته می‌شود و ده سیئه از تو محو می‌گردد.[۸]

نیز در روایتی می‌فرمایند: خداوند برای کسی که در مسجد بنشیند و در آن بیتوته نماید خانه‌ای در بهشت بنا می‌کند.[۹]

متون روایی اهل تسنّن نیز پاداش‌هایی

---

۱. وسائل‌الشیعة، ج ۶، ص ۴۶۱، ح ۸۴۴۷.

۲. همان، ج ۶، ص ۴۶۰، ح ۸۴۴۵.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۴۹، ح ۶۸۴ / نهایة‌الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۹/ جامع‌المقاصد، ج ۲، ص ۱۵۲/ کنز‌العمّال، ج ۱۵، ص ۳۰۷.

۷. وسائل‌الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۱۱۶۸ / بحار‌الانوار، ج ۷۴، ص ۸۸.

۸. همان.

۹. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۷، ح ۶۳۲۱.

برای این عمل ذکر کرده‌اند که عبارتند از: جواز عبور از پل صراط،[۱] و اینکه روز قیامت در بهشت خداوند[۲] کفیل کسی می‌شود که در مسجد می‌نشیند.

نظافت مسجد

نظافت مسجد: تنظیف مسجد و غبارروبی از آن.

«نظافت» در لغت، به معنای پاک و پاکیزه کردن آمده است.[۳]

فقها با استفاده از روایات، استحباب «کنس المسجد» را مطرح کرده‌اند که به معنای جاروکردن و جمع کردن خاکروبه و خارج کردن آن از مسجد است.[۴]

در منابع روایی شیعه و سنّی، پاداش‌هایی برای این عمل ذکر شده است؛ همچون ثواب آزاد کردن بنده،[۵] برخورداری از رحمت مضاعف خداوند،[۶] اشتیاق بهشت و حوریان برای ملاقات با آنان،[۷] سالم ماندن جسد پس از مرگ،[۸] قرار دادن بالاترین اجر برای این عمل،[۹] و نیز اینکه خاکروبه‌ها را مهریهٔ حورالعین بیان کرده‌اند.[۱۰]

سیرهٔ عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بیانگر اهمیت نظافت مسجد است. براساس روایات، ایشان پس از مطّلع شدن مرگ شخصی که به نظافت مسجد، مبادرت داشت، بر سر قبرش رفتند و بر آن نماز خواندند.[۱۱] همچنین انجام این عمل در روز پنجشنبه[۱۲] و شب جمعه مورد تأکید

---

۱. کشف‌الخفاء، ج ۲، ص ۲۹۷ / کنزالعمّال، ج ۷، ص ۵۷۹.

۲. الکامل، ج ۲، ص ۱۵۸.

۳. لغت‌نامه، ج ۱۳، ص ۱۹۹۴۸.

۴. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۷ / روض‌الجنان، ص ۲۳۵ / مدارک‌الاحکام، ج ۴، ص ۳۹۷.

۵. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۹، ح ۶۴۳۸.

۶. همان.

۷. مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۴، ح ۳۸۴۶.

۸. همان، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۳۸۴۷.

۹. سنن ابی‌داود، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۴۶۱.

۱۰. معهود محمدیه، ص ۵۴.

۱۱. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۱۸ / عون‌المعبود، ج ۲، ص ۹۱.

۱۲. برای مطالعهٔ اختلاف فقهاء (در معنای «واو» عاطفه در متن حدیث «یوم‌الخمیس و لیلة‌الجمعة» ر.ک: جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۷ / مدارک‌الاحکام، ج ۴، ص ۳۹۸ / مسالک‌الافهام، ج ۱، ص ۳۲۶ / مجمع‌الفائدة، ج ۲، ص ۱۵۱.

واقع شده است.[۱]

فقها دلیل استحباب این عمل را تعظیم شعائرالله؛ مراعات، ترغیب و تشویق مردم، برای رفت و آمد به مسجد؛ و جلوگیری از خراب شدن مسجد دانسته‌اند.[۲]

از مباحث مربوط به نظافت مسجد، که در روایات به آن‌ها اشاره شده، رسیدگی به نظافت پاها و کفش‌ها پیش از ورود به مسجد است.[۳] (ر.ک. نظافت در مسجد.)

در متون روایی به خوش‌بو کردن مساجد نیز سفارش شده است.[۴]

نقاشی مسجد

نقاشی مسجد: کشیدن تصویر بر دیوارهای مسجد.

مساجد صدر اسلام ساده و بی‌آلایش بود، ولی بعدها در برخی از مساجد تصاویری نقش گردید. از این‌رو، عمرو بن جمیع می‌گوید: از امام باقر علیه‌السلام دربارهٔ مساجد تصویردار پرسیدم، حضرت فرمود: «**أکره ذلك**»؛[۵] این کار را مکروه می‌شمارم.

برخی از فقها با استدلال به اینکه نقاشی کردن مسجد در زمان پیامبر معمول نبوده و پس از آن حضرت ایجاد شده، این عمل را بدعت دانسته و با استناد به روایت مزبور، مطلق تصویر را در مسجد منع کرده و این عمل را حرام می‌دانند.[۶]

برخی دیگر قایل به کراهت شده و با استناد به قسمت دوم روایت که می‌گوید: «**ولکن لایضرّکم ذلك الیوم**» (ولی این امر امروزه به شما ضرری نمی‌زند)، معتقدند که این کراهت مخصوص زمان حضور معصوم است، ولی در زمان غیبت اشکالی ندارد.[۷]

برخی هم بین تصاویر دارای روح

---

۱. وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۸، ح ۶۴۳۷.

۲. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۸۷ / المعتبر، ج ۲، ص ۴۵ / نهایة‌الاحکام، ج ۱، ص ۳۵۶ / مدارك‌الاحکام، ج ۴، ص ۳۹۷.

۳. تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۵، ح ۲۹.

۴. مستدرك‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۱.

۵. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹، ح ۶.

۶. المعتبر، ج ۲، ص ۴۵۱ / منتهی‌المطلب، ج ۱، ص ۳۸۸ / تذکرة‌الفقهاء، ج ۱، ص ۹۱.

۷. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۱۵۵.

همانند انسان و حیوان، و تصاویر بدون روح مثل درخت و گیاه قایل به تفصیل شده‌اند.

صاحب *جواهر* و آیة‌الله خوئی در این‌باره معتقدند: اگر مقصود از تصاویر، که مطلق فقها آن را نهی کرده‌اند، تصاویر ذی‌روح باشد، تحریم اختصاص به مساجد ندارد، بلکه قول به حرمت در مساجد اولیٰ است. ولی اگر مقصود غیر ذی‌الروح مثل گیاه و درخت باشد، دلیلی بر تحریم نداریم، بلکه از قسمت دوم این روایت عدم‌منع هم استفاده می‌شود.[۱]

امام خمینی‌ﷺ معتقد است: بنابر احتیاط واجب، نباید از چیزهایی مثل انسان و حیوان، که روح دارد، در مسجد نقش کنند و نقاشی چیزهایی که روح ندارد مثل گل و بوته، مکروه است.[۲]

نقاشی مسجد غیر از نوشتن آیات قرآن و برخی ادعیه بر در و دیوارهای مسجد است. (ر.ک. کتیبه‌های مسجد.)

نماز جماعت در مسجد

نماز جماعت در مسجد: آثار و فضایل نماز جماعت در مسجد.

نماز جماعت از جمله احکامی است که در دین اسلام مورد تأکید و سفارش فراوان قرار گرفته است. قرآن کریم در آیات متعددی سفارش به اقامهٔ نماز جماعت، بخصوص در مسجد، کرده است: ﴿**وَ ارْكَعُوا مَعَ الراكِعينَ**﴾؛[۳] ﴿**وَاسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَع الرّاكِعِينَ**﴾؛[۴] ﴿**و أقِيمُوا وجوهَكم عندَ كلِّ مسجدٍ**﴾.[۵]

مفسّران در تفسیر این آیات، نظرات گوناگونی ذکر کرده‌اند؛ از جمله آنکه این آیات به اقامهٔ نماز جماعت، بخصوص در مسجد، اشاره دارد.[۶] در متون روایی نیز تأکید فراوانی بر اقامهٔ نماز جماعت در مسجد شده است. از اولین کارهای تبلیغی پیامبر اکرمﷺ پس از ظهور اسلام، اقامهٔ

---

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۹۱ ـ ۹۲ / سیدابوالقاسم خوئی، کتاب‌الصلاة، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲. امام خمینی‌ﷺ، رساله توضیح‌المسائل، م ۹۰۸.

۳. بقره: ۴۳.

۴. آل‌عمران: ۴۳.

۵. اعراف: ۲۹.

۶. مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۱۹۰ و ج ۲، ص ۲۹۱ و ج ۴، ص ۲۴۱ / تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۴۳.

نماز جماعت در مسجدالحرام بود.

امام صادق علیه‌السلام در مورد اولین نماز جماعت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به همراه امام علی علیه‌السلام مشغول اقامهٔ نماز جماعت بودند. در این هنگام، ابوطالب همراه فرزندش جعفر از آنجا عبور می‌کردند. ابوطالب به جعفرفرمود: در کنار پسرعمویت نماز بخوان. پیامبر متوجه شد که آن دو مسلمان شده‌اند و ابوطالب از این قضیه خوش‌حال شد.[۱]

اقامهٔ نماز جماعت توسط پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اصحابش در مسجدالحرام، نوعی اعلانِ ظهور و نزول دین مبین اسلام بود و همین کار باعث می‌شد که مردم مکّه و یا مسافران به اسلام راغب گشته، مسلمان شوند.[۲]

امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ فلسفهٔ تشریع نماز جماعت، می‌فرماید: اگر از شما پرسیده شد: چرا نماز جماعت در دین اسلام قرار داده شده است، بگویید: برای اینکه اخلاص و توحید و اسلام و عبادت خداوند، ظاهر و مشهود باشد. در این اظهار کردن، حجت و دلیل خداوند بر اهل شرق و غرب تمام می‌شود، و موجب می‌گردد منافق و کسی که عبادات را خفیف می‌شمارد از دیگر مؤمنان شناسایی گردد، و مؤمنان بتوانند بر اسلام یکدیگر شهادت دهند و موجب می‌شود که نمازگزاران در کارهای نیک و کسب تقوا، همدیگر را یاری کنند و از ارتکاب بسیاری از گناهان، رویگردان شوند.[۳]

در روایات متعددی سفارش شده است: نمازهای یومیه، بخصوص نماز مغرب و عشا و صبح را به جماعت در مسجد اقامه کنید و بر آن‌ها محافظت نمایید و نمی‌توان بدون عذر آن‌ها را ترک کرد. تأکید بیشتر

---

۱. بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۳.

۲. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۹۷ و ۹۸.

۳. تهذیب‌الاحکام، ج ۳، ص ۲۴، ب «فضل‌الجماعة» / من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۵، ب «الجماعةوفضلها» / وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۳۷۰، ابواب «صلاةالجماعة» / بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱، فصل «الجماعة و عللها» / دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۳، ب «ذکرالجماعةوالصفوف» / صحیح ابن‌حبّان، ج ۵، ص ۳۸۲، ب «الامامة والجماعة» / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۵۸، ب ۱۶ و ۱۷ / سنن‌الترمذی، ج ۱، ص ۱۳۸، ب «ما جاء فی فضل‌الجماعة.

بـر کسـانی است کـه هـمسایهٔ مسـجدند و یا صدای اذان مسجد را می‌شنوند.[۱]

نماز جماعت در مسجد، جزو خصال هفت‌گانه‌ای است که خداوند آن‌ها را فقط بـه پـیامبر خـاتم صلی الله علیه و آله و امّـتش عـطا کـرده است.[۲] در سـیرهٔ عـملی رسـول اکـرم و ائمّهٔ اطهار علیهم السلام دیده می‌شود: با افرادی که از شـرکت در نـماز جـماعت در مسـجد کوتاهی و یا آن را ترک می‌کردند، به سختی بـرخـورد مـی‌شد و آن‌هـا را سـرزنش می‌کردند.[۳] مستحب است با کسی که در مسـجد حـاضر نـمی‌شود، غـذا نـخورند، در کارها با او مشورت نکنند و همسایهٔ او نشوند، از او زن نگیرند و به او زن ندهند.[۴]

در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیرمردی را که به عذر نابینا بودن، می‌خواست در نماز جماعت شرکت نکـند، مـعذور نـدانسـتند و فرمودند: ریسمانی را از خانه‌ات به مسجد وصل کن و با کمک آن، در نماز جماعت حاضر شو.[۵]

در مـتون روایـی شـیعه و سـنّی، آثـار و فضایل متعددی برای نماز جـماعت در مسجد و محافظت بر آن بیان شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس به خاطر نماز جماعت بـه مسـجد بـرود، خـداونـد به ازای هر قدم، به او هفتاد حسنه عطا می‌کند و درجاتش را به همان اندازه بالا مـی‌برد، و اگر تا وقت مرگش بر این عمل محافظت نماید، خداوند هفتاد هزار فرشته را وکـیل می‌کند که او را تشییع جنازه کنند و در موقع تـنهایی قـبر، مـونس و هـمنشین او بـاشند و برایش استغفار کنند تا زمانی که محشور

---

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. امام خمینی قدس سره، رساله توضیح‌المسائل: م ۸۹۷.

۵. تهذیب‌الاحکام، ج ۳، ص ۲۴، ب «فضل‌الجماعة» / من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۵، ب «الجماعة‌وفضلها» / وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۳۷۰، ابواب «صلاة‌الجماعة» / بحار‌الانوار، ج ۸۵، ص ۱، فصل «الجماعة و عللها» / دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۳، ب «ذکر‌الجماعة‌والضعوف» / صحیح ابن‌حبّان، ج ۵، ص ۳۸۲، ب «الامامة والجماعة» / المساجد والجماعات، به نقل از: سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۵۸، ب ۱۶ و ۱۷ / سنن‌الترمذی، ج ۱، ص ۱۳۸، ب «ما جاء فی فضل الجماعة».

می‌شود.[۱]

ثواب هر نمازی که به جماعت خوانده شود، معادل ۲۵ یا ۲۷ نماز فُرادا است، و اگر این نماز جماعت در مسجد اقامه شود ثوابش دو برابر محاسبه می‌شود. این ثواب در بعضی از مساجد خاص، مثل «مسجدالحرام»، «مسجدالنبی» و مسجد جامع بیشتر است.[۲] همچنین تعداد نفرات در نماز جماعت و شخص امام جماعت در میزان ثواب نماز جماعت مؤثرند.[۳]

برای کسی که بر نماز جماعت مغرب و عشا و صبح محافظت نماید، فضایلی بیان شده که عبارت است از: داشتن ثواب احیای یک شب کامل، تعهد خدا در قبال چنین شخصی، ظلم به او ظلم به خدا به شمار آمده، تحقیر او تحقیر خدا ذکر شده، و شرکت در این نمازها سخت‌ترین کار برای منافقان دانسته شده است.[۴]

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: هر کس نماز صبح را به جماعت اقامه کند نمازش درکنار نماز ابرار بالا می‌رود و جزو متقین به شمار می‌آید.[۵] فضایل دیگری که در روایات برای نماز جماعت ـ به طور کلی ـ بیان شده، به طریق اولیٰ، شامل نماز جماعت در مسجد می‌شوند. بعضی از این فضایل عبارت است از: سریع و راحت گذشتن از پل صراط، نورانیت چهره، استجابت دعا و داشتن پاداشی برابر پاداش شهیدان.[۶]

فقهای شیعه و سنّی، با استناد به روایات مزبور، اقامهٔ نماز جماعت در مسجد را مستحب مؤکّد دانسته‌اند.[۷]

نماز جمعه در مسجد

نماز جمعه در مسجد: سفارش به اقامهٔ نماز جمعه در مسجد و فضایل آن در کلام معصومان علیهم‌السلام.

نماز جمعه در اسلام، فریضه‌ای مهم

---

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. الخلاف، ج ۱، ص ۵۴۱ / المعتبر، ج ۲، ص ۴۱۴ / جواهرالکلام، ج ۱۳، ص ۱۳۷ / فتح‌العزیز، ج ۴، ص ۲۵۵ / مغنی‌المحتاج، ج ۱، ص ۲۲۹.

و عبادتی بزرگ به شمار می‌آید که برای آن فضایل و آثار متعددی بیان کرده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اولین نماز جمعه را در محلی نزدیک «قبا» به نام «وادی رانوناء» بجا آوردند و پس از ساخت مسجد در مدینه (مسجدالنبی صلی الله علیه و آله)، از آن به بعد نماز جمعه را در آنجا اقامه می‌کردند.[۱]

رسول اکرم صلی الله علیه و آله دربارهٔ فضیلت اقامهٔ نماز جمعه در مسجد فرموده‌اند: زمانی که روز جمعه فرا می‌رسد، خداوند ملائکه را به مساجدی که در آن‌ها نماز جمعه اقامه می‌شود می‌فرستد، در حالی که با آن‌ها قلم‌هایی از طلا و دفترهایی از نقره است و آن‌ها بر در مساجد می‌ایستند و اسامی کسانی را که به مسجد می‌آیند، به ترتیب می‌نویسند. زمانی که تعداد آن‌ها به هفتاد نفر برسد، می‌گویند: این افراد به اندازهٔ آن هفتاد نفری هستند که حضرت موسی علیه السلام از بین امّتش اختیار کرد. سپس در بین صفوف می‌گردند و از حال کسانی که در نمازهای قبل شرکت کرده و اکنون غایبند سؤال می‌کنند و می‌گویند: فلانی کجاست؟ گفته می‌شود: او مریض است. پس برایش دعا کرده، می‌گویند: خداوندا! او را شفا بده تا نماز جمعه را بپا دارد. دو باره می‌پرسند: فلانی کجاست؟ گفته می‌شود: او به مسافرت رفته است. پس برایش دعا کرده، می‌گویند: خداوندا! او را سالم برگردان. او دوست و همراه نماز جمعه است. مجدداً می‌پرسند: فلانی کجاست؟ گفته می‌شود: او مرده است. پس برایش دعا می‌کنند و می‌گویند: خداوندا! او را ببخش. او برپاکنندهٔ نماز جمعه بود.[۲]

همچنین سفارش شده است که برای رفتن به نماز جمعه، زمانی حرکت کنند که پیش از شروع خطبه به مسجد برسند؛ چنان‌که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: خداوند ملائکه را در روز جمعه برای مساجد می‌فرستد که به ترتیب، نام افرادی را که در نماز جمعه شرکت کرده‌اند، بنویسند. هرگاه امام جماعت به منبر رفت، دفاتر بسته می‌شود.[۳]

---

۱. سیرة‌النبی، ج ۲، ص ۳۴۳.
۲. مستدرک‌الوسائل، ج ۶، ص ۳۸، ح ۶۳۶۷.
۳. کنزالعمّال، ج ۷، ص ۶، ح ۲۱۰۵۴.

فقها اقامهٔ نماز جمعه در زمان حضور امام معصوم را واجب عینی و در زمان غیبت او، واجب تخییری می‌دانند.[۱]

نمازخانه

نمازخانه: مکانی که برای نماز خواندن اختصاص داده می‌شود، ولی حکم مسجد را ندارد.

مکانی است که برای نماز خواندن اختصاص داده می‌شود، بخصوص در دو دههٔ اخیر، در بین راه‌ها، مدارس و ادارات. چنین مکان‌هایی که برای خواندن نماز ساخته‌اند قداست مکانی، آداب، ثواب و حکم مسجد را ندارند.

نماز در مسجد

نماز در مسجد: نمازهایی که در مسجد خوانده می‌شود.

نمازهای واجب چند دسته است. در این بین، تنها نسبت به خواندن نمازهای یومیه و جمعه به صورت جماعت در مسجد سفارش و تأکید زیادی شده است. (ر.ک. نماز جماعت.) خواندن نماز میّت هم در مسجد کراهت دارد. (ر.ک. نماز میّت.) نماز طواف هم، که از جمله نمازهای واجب است، مخصوص «مسجدالحرام» است. در نماز آیات، چون وجوب فوری دارد، گاهی برای رفتن به مسجد فرصتی نمی‌ماند. نماز نذری هم وجوبش حقوقی است، نه عبادی؛ یعنی وفای به نذر واجب است، به هرصورت که باشد. پس در این میان، فقط نمازهای یومیه است که به خواندن آن در مسجد توصیه شده است، چه جماعت و چه فرادا؛ حتی فرادا نمازهای یومیه در مسجد ثوابش بیش از آن است که در بیرون مسجد خوانده شود.[۲]

اما نمازهای مستحب بهتر است در خانه خوانده شود و معصومان علیهم‌السلام توصیه کرده‌اند مؤمنان مکانی را در خانهٔ خود به این امر اختصاص دهند. امام صادق علیه‌السلام در نامه‌ای به یکی از اصحابشان نوشتند: دوست دارم در خانه، اتاقی را به عنوان

---

۱. امام خمینی قدس‌سره، رساله توضیح‌المسائل، مسائل مربوط به نماز جمعه، م ۱.

۲. بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۱.

مسجد قرار دهی.[۱] البته این مکان حکم مسجد ندارد و می‌توان آن را تبدیل کرد؛ چنان‌که حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام در مورد مسجدی که در خانه ساخته می‌شود، سؤال کردم: آیا جایز است مقداری از آن را جزوخانه نمایند یا جای آن را بکلی تغییر دهند؟ امام علی علیه‌السلام فرمود: مانعی ندارد.[۲]

بنابراین، شایسته است مؤمنان به عنوان یک سنّت دینی، هنگام ساخت خانه، قسمتی از آن را برای نماز اختصاص دهند.

نماز میّت در مسجد

نماز میّت در مسجد: اقامهٔ نماز میّت بر بدن مسلمان در مسجد.

بجای آوردن نماز میّت در مساجد، بجز «مسجدالحرام»، مکروه است.[۳] مستند این حکم از سوی فقها روایتی است از امام کاظم علیه‌السلام که در آن از اقامهٔ نماز میّت در مسجد نهی شده است.[۴] ولی به دلیل آنکه روایات دیگری بر جواز خواندن نماز میّت در مسجد وارد شده،[۵] فقها در جمع بین این دو دسته، به کراهت نماز میّت در مسجد فتوا داده‌اند.[۶] برخی از فقها نیز قایلند که دلیل محکم و قابل قبولی بر استثنا کردن مکّهٔ مکرّمه از این حکم وجود ندارد.[۷]

---

۱. وسائل‌الشیعة، ج ۳، ص ۵۸۴، ب ۲۱، ح ۶.
۲. همان، ج ۳، ص ۴۸۸، ب ۱۰، ابواب احکام المساجد.
۳. امام خمینی قدس‌سره، رساله توضیح المسائل، م ۶۱۲.
۴. تهذیب‌الاحکام، ج ۳، ص ۳۲۶، ح ۱۰۱۶.
۵. همان، ص ۳۲۵، ح ۱۰۱۳ ـ ۱۰۱۵ / سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۴۸۶، ح ۱۰۱۷ و ۱۵۱۸.
۶. الذکری، ص ۶۲ / الحدائق‌الناضرة، ج ۱۰، ص ۴۴۸ / ذخیرة‌المعاد، ج ۲، ص ۳۳۲.
۷. مصباح‌الفقیه، ج ۲، ص ۵۰۹.

« و »

ورود به مسجد

ورود به مسجد: نحوهٔ ورود به مسجد.

طبق روایات رسیده در باب ورود به مسجد، پسندیده‌ترین شیوه آن است که هنگام ورود، با پای راست وارد شوند.[۱] از این‌رو، فقها و علمای اخلاق داخل شدن به مسجد با پای راست را از آداب و مستحبّات مسجد ذکر کرده[۲] و اذکاری هم برای هنگام ورود به مسجد ذکر کرده‌اند.[۳] (ر.ک. دعای ورود به مسجد.)

در روایات، برای این عمل آثار و برکاتی ذکر شده است. در سخنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شده است که حضرت می‌فرمود: هنگام ورود به مسجد، با پای راست وارد شوید و بگویید: «**بِسمِ‌الله وَ عَلَی‌اللهِ تَوَکَّلْتُ وَ لاحَوْلَ وَ لاقُوَّةَ اِلّا بِالله**». آن‌گاه به امام علی علیه‌السلام فرمودند: یا علی! کسی که این‌گونه وارد مسجد شود، خداوند متعال نماز او را قبول می‌کند و در برابر هر رکعت نمازی که بجای آورده است، فضیلت صد رکعت نماز به وی عطا می‌کند.[۴]

در روایت دیگری وارد شده است که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ملائکه برای مؤمنی که هنگام ورود به مسجد پای راست را مقدّم دارد طلب آمرزش می‌کنند.[۵]

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۸، ح ۱ / الهدایة، ص ۱۳۳ / من‌لایحضره‌الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۰.

۲. العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰ / المقنع، ص ۸۸.

۳. جمال‌الأسبوع، ص ۱۴۹ / مکارم‌الأخلاق، ص ۲۹۸ / مفتاح‌الفلاح، ص ۲۴.

۴. جامع‌الأخبار، ص ۶۸.

۵. همان، ص ۶۹.

وضوخانهٔ مسجد

وضوخانهٔ مسجد: ساختن مستراح و دست‌شویی در کنار مسجد.

یکی از مستحبّات مربوط به معماری مسجد این است که وضوخانهٔ آن را در کنار در ورودی بسازند.

امام موسی کاظم علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کنند که حضرت فرمود: محل تطهیر را در کنار مسجد بسازید.[۱] دو روایت دیگر نیز با همین مضمون در منابع روایی وارد شده است.[۲]

فقها براساس این روایات، فتوا داده‌اند که وضوخانه باید در کنار مسجد قرار گیرد.[۳] برخی همچون صاحب *جواهر* در تعلیل این مطلب نوشته‌اند: این عمل به مصلحت افرادی است که به مسجد رفت وآمد می‌کنند و موجب می‌شود نمازگزاران به خاطر بوی بد محل تطهیر، اذیت نشوند و با این کار، مسجد در معرض نجس شدن قرار نگیرد؛ با احترام و منزّه بودن مسجد نیز سازگار است.[۴]

روشن است که وضوخانه باید در فضاهای جانبی، که عنوان مسجد ندارد، ساخته شود؛ زیرا اگر مکانی به عنوان مسجد وقف شود و در آن نماز گزارده شود، آن مکان مسجد به شمار می‌آید و نجس کردن آن حرام است و نمی‌توان در آنجا یا زیرزمین آن وضوخانه ساخت. (ر.ک. وقف مسجد.)

وقف بر مسجد

وقف بر مسجد: حبس ملک و هر چیزی که صلاحیت وقف دارد بر مسجد.

وقف املاک و زمین‌های زراعی، باغ و بوستان و آنچه صلاحیت وقف کردن داشته باشد، بر مسجد صحیح است؛ زیرا در روایات، به طور عام نسبت به وقف و صدقه تأکید و تشویق شده است. در روایات

---

۱. تهذیب‌الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۷۰۲.

۲. الجعفریات، ص ۵۱ / مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۰، ح ۳۸۳۳ و ۳۸۳۴ / بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۸۳.

۳. تذکرة‌الفقها، ج ۱، ص ۹۰ / روض‌الجنان، ص ۲۳۴ / الحدائق‌الناضره، ج ۷، ص ۲۶۸ / العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰ / النهایة، ص ۱۰۹ / المعتبر، ج ۲، ص ۴۴۹.

۴. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۷۷ ـ ۷۸ / منتهی‌المطلب، ج ۱، ص ۳۸۷.

فراوانی از «وقف» به «صدقه» تعبیر شده است.[۱]

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: (آثار) سه چیز پس از مرگ به انسان می‌رسد. دربارهٔ یکی از آن‌ها می‌فرماید: «**صَدَقَةٌ أجراها لِلّهِ فی حَیاتِه فَهی تَجری له بعدَ وفاته.**»[۲] یکی از آن سه، صدقهٔ جاریه‌ای است که شخص در زمان حیاتش برای خداوند انجام داده است.

وقف نمودن بر مسجد بدون شک، از مصادیق صدقات جاریه است؛ زیرا سبب می‌شود که هزینه‌های مسجد تأمین گردد و مسجد با رونق و آباد گردد. از این‌رو، برخی از فقها عمران و آبادی و رونق خانهٔ خدا را دلیلی بر مشروعیت «وقف بر مسجد» به حساب آورده‌اند.[۳]

بر پایهٔ قاعدهٔ فقهی «**الوقوفُ حسبِ ما یوقفها اهلُها**»، موقوفات بر همان اساسی که واقف قرار داده است، اداره و مصرف می‌شود. کلیهٔ اختیارات مربوط به موقوفات و اموال و رقبات مسجد بر عهدهٔ واقف است و او می‌تواند به هر نحوی که می‌خواهد، موارد مصرف را در هنگام انشای وقف مشخص کند. همچنین واقف می‌تواند سرپرستی و ادارهٔ وقف یا نظارت بر آن را برای همیشه یا به مدت معیّنی برای خود به طور مستقل یا مشترک با دیگری قرار دهد، یا به دیگری واگذار نماید و نیز مجاز است تعیین سرپرست وقف را به دیگری ـ مثلاً، امام جماعت مسجد ـ واگذارد. البته این حق برای واقف تنها در هنگام انشای وقف ثابت است و چنانچه این تصمیمات را نگیرد پس از انجام وقف نمی‌تواند در ادارهٔ امور آن دخالت کند و یا متولّی تعیین شده را عزل نماید. بنابراین، در اموال و رقبات مسجد، که وقف بر مسجد شده، جعل تولیت جایز است و تصرف در آن‌ها و مصرف آن‌ها طبق نظر متولّی است.[۴] حال اگر اموال و رقباتی که بر یک

---

۱. تهذیب‌الاحکام، ج ۹، ص ۱۲۹، کتاب «الوقوف والصدقات» / المقنعة، ص ۶۵۲، ب «الوقوف والصداقت» / الأستبصار، ج ۴، ص ۹۷، کتاب «الوقوف و الصدقات» / وسائل‌الشیعة، ج ۱۹، ص ۱۷۱.

۲. الکافی، ج ۷، ص ۵۶ و ۵۷، روایت ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵.

۳. جواهرالکلام، ج ۲۸، ص ۳۰.

۴. استفتائات، ج ۲، ص ۳۹۷، س ۱۴۸ / مجمع‌المسائل، ج ۱، ص ۱۵۳، س ۹۹.

مسجد وقف شده در خود همان مسجد مورد مصرف نداشته باشد، یا به هر دلیلی امکان مصرف آن‌ها نباشد، می‌توان آن‌ها را در مساجد دیگری که مورد احتیاج باشد، صرف کرد.[۱]

صاحب *جواهر* در تعلیل این مطلب، می‌نویسد:

اولاً، اصل در هر مسئله‌ای جواز است، مادام که دلیلی بر منع نباشد و در اینجا دلیلی بر منع نیست.

ثانیاً، مساجد از آن خدایند. پس همهٔ مساجد همچون یک مسجدند. و هرچه برای خدا باشد در اختیار ولیّ اوست. در عصر غیبت، در اختیار فقیه جامع‌الشرائط است. او می‌تواند در صورت اضافه آمدن موقوفات و اموال یک مسجد، به حسب مصلحت، آن‌ها را در مسجد دیگر صرف نماید.

ثالثاً، غرض از مساجد برپایی و تقویت شعائر دین و بجای آوردن عبادت است و این غرض در همهٔ مساجد حاصل است.

رابعاً، این کار از مصادیق احسان و از مواردی است که مطمئن هستیم مالک و واقف اوّلی نسبت به آن رضایت دارد، بخصوص در صورتی که احتمال تلف شدن موقوفات و اموال داده شود. بدین‌روی، این مسئله اجماعی علماست که می‌توان اموال و رقبات مسجدی را در مسجد دیگر صرف کرد و در این مسئله، اختلافی بین علما دیده نمی‌شود.[۲]

وقف مسجد

وقف مسجد: حبس عین ملک برای خداوند و مسجد قرار دادن آن.

«وقف» در لغت، عبارت است از: آنچه در ملک کسی نباشد و در راه خدا آزاد گذاشته شود.

وقف بر دو قسم است:

الف. «وقف عام» که مقصود از آن امور خیریه است و مخصوص دسته و طبقهٔ معیّنی نیست؛ مانند وقف بر مساجد؛

---

۱. المختصر النافع، ص ۴۹ / تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۹۱ / مسالک الأفهام، ج ۱، ص ۳۲۶ / النهایة، ص ۱۰۹ / السرائر، ج ۱، ص ۲۷۹ / المهذّب، ج ۱، ص ۷۸.

۲. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۸۴.

ب . «وقف خاص»؛ یعنی وقف برای افرادی معیّن.[۱]

در اصطلاح فقهی، «وقف» عبارت است از: «تحبیس الأصل و تسبیلُ الثمرة»؛[۲] یعنی حبس کردن اصل مال و در راه خدا قرار دادن ثمرهٔ آن. علت اشتهار این تعریف، سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که خطاب به خلیفهٔ دوم، که قصد داشت سهام خودش از اراضی خیبر را وقف کند، فرمود: «حَبِّسِ الأصلَ وَ سَبِلِ الثَّمَرة.»[۳]

البته از دیدگاه بسیاری از فقها، وقف در باب مسجد با وقف در دیگر مقوله‌ها متفاوت است. علاّمه حلّی در *قواعدالاحکام* و *تذکرةالفقهاء* می‌نویسد: هرگاه مراحل وقف انجام شود ملکیّت واقف از مال وقف شده زایل می‌شود و اگر مورد وقف مسجد باشد، در این صورت مانند آزاد کردن بنده وگسستن رابطهٔ مالکیّت است و قبول در آن شرط نیست.[۴] از معاصران، حضرت امام خمینی قدس سره و مرحوم آیة الله خوئی و برخی دیگر همین نظر را دارند.[۵]

ابن‌قدامه در *المغنی*، هنگام ذکر دلیل بر این مطلب، که فروش مسجد در هیچ فرضی جایز نیست، می‌نویسد: «انّ المسجدَ أشبه الأشیاءِ بالمعتق»؛ مسجد شبیه‌ترین چیز به بنده‌ای است که آزاد شده (و آزادکننده حق هیچ تصرفی در آن ندارد.)[۶]

براین اساس، هرگاه انسان زمین یا بنایی را مسجد قرار داد دیگر سلطنت و حاکمیتی بر آن نخواهد داشت. روشن است که اگر این مبنا را بپذیریم جعل تولیت برای مسجد توسط بانی و واقف لغو و بی‌اثر خواهد بود. (ر.ک. متولّی مسجد.)

بنابراین، چنانچه زمین و یا ساختمانی وقف مسجد شود، همین که واقف قصد عنوان مسجدیت برای زمین بکند وگروهی به نیّت مسجد شدن، بر آن نماز بگزارند،

---

۱ . لغت‌نامه / فرهنگ عمید / فرهنگ معین، واژهٔ «وقف».

۲ . المختصر النافع، ص ۱۵۶ / مسالك الأفهام، ج ۵ ، ص ۳۰۹ / جواهر الکلام، ج ۲۸ ، ص ۲ .

۳ . عوالی اللئالی، ج ۲ ، ص ۲۶۰ / المسند، ص ۳۰۸ / السنن الکبری، ج ۶ ، ص ۱۶۲ .

۴ . قواعد الأحکام، ج ۲ ، ص ۳۸۸ / تذکرة الفقهاء، ج ۲ ، ص ۴۲۷ .

۵ . کتاب البیع، ج ۳ ، ص ۸۲ / التنقیح، ج ۹ ، ص ۱۸۰ .

۶ . المغنی، ج ۶ ، ص ۲۲۶ .

کافی است، اگرچه احتیاط آن است که واقف بگوید: «وَقَفْتُه مسجداً» یا «عَلٰی أنْ یکون مسجداً» و یا الفاظی دیگر که همین معنا و مفهوم را برساند.

اگر صرفاً مکانی را برای نماز وقف نماید و مسلمانان در آنجا به عبادت بپردازند وقف صحیح است، ولی مادام که واقف قصد مسجدیت مکانی را نکرده باشد، مسجد نمی‌شود و احکام آن را ندارد.[۱]

۱. تحریرالوسیلة، ج ۲، ص ۶۲، م ۲ / جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۶۹ ـ ۷۰ / هدایةالعباد، ج ۲، ص ۱۳۹، م ۴۵۴ / الذکری، ص ۱۵۸.

«هـ»

هتک حرمت مسجد

هتک حرمت مسجد: بی‌اعتبار کردن و بی‌احترامی به شأن مسجد.

«هتک» واژه‌ای عربی است و در لغت، به معنای پرده دریدن، کشیدن و کندن پرده از جای خودش و به معنای مفتضح ساختن و رسوا کردن آمده است.[۱]

«حرمت» نیز به معنای چیزی است که احترامش لازم و بی‌احترامی به آن جایز نیست.[۲]

از این‌رو، مسجد، که مقدّس‌ترین مکان بر روی زمین است، از مواردی به شمار آمده که هتک آن جایز نیست. برخی از علما هتک حرمت مسجد را از گناهان کبیره به شمار آورده‌اند: «اهانت به مسجد و هتک حرمت آن بدون شک، از گناهان کبیره است.»[۳] (ر.ک. حفظ حرمت مسجد.)

از مصادیق هتک حرمت مسجد بر اساس آیات و روایات، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف . خراب کردن؛ (ر.ک. تخریب مسجد.)

ب . نجس کردن؛ (ر.ک. طهارت مسجد.)

ج . ورود کفّار و مشرکان؛ (ر.ک. غیرمسلمان در مسجد.)

د . توقّف جنب و حائض و نفساء. (ر.ک. جنب در مسجد / حائض و نفساء در مسجد.)

---

۱ . العین، ج ۳، ص ۳۷۴ / لسان‌العرب، ج ۱۰، ص ۵۰۲ / لغت‌نامه .

۲ . قاموس‌المحیط، ج ۴، ص ۹۵ .

۳ . گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۸۵ .

هشتی ورودی

هشتی ورودی: راهروی سقفدار هشت ضلعی یا مدوّر که در جلوی ورودی خانه ساخته می‌شود.[۱]

فضای هشتی ورودی مسجد معمولاً بین درِ ورودی و شبستان قرار می‌گیرد و در راه‌های گوناگون در آن قرار می‌گیرد؛ مانند درِ ورودی ساختمان مسجد، درِ ورودی شبستان و در ورودی به صحن مسجد. به دلیل آنکه «هشتی» فضایی است که پیش از شبستان قرار می‌گیرد، می‌تواند انحراف قبله به وسیلهٔ آن برطرف گردد؛[۲] مانند هشتی ورودی مسجد «شیخ لطف‌الله» اصفهان.

در ساختِ هشتی ورودی، باید موارد ذیل را رعایت کرد:

الف . بهتر است فضای هشتی طوری ساخته شود که هنر زیبای معماری و عناصر تزیینی در آن به خوبی به کار رود.

ب . درب ورودی هشتی از بیرون بلند و هلالی شکل و درب ورود به شبستان کوتاه‌تر است تا هوای داخل شبستان سریع خارج نگردد.

ج . در بدنهٔ هشتی، قاب‌هایی در نظر گرفته می‌شود تا شناسنامهٔ مسجد و یا آیات و روایات و اخبار مسجد در آن نوشته شود.[۳]

همسایهٔ مسجد

همسایهٔ مسجد: کسی که در نزدیکی مسجد زندگی می‌کند.

در لغت، «همسایه» و «همجَوار» کسی است که با دیگری در یک منزل یا در خانهٔ پهلوی او زندگی می‌کند.[۴]

در شرع مقدّس اسلام، در روایات رسیده، سه معیار برای همسایه و به‌طور ویژه «همسایهٔ مسجد» ذکر شده است:

الف . همسایهٔ مسجد کسی است که صدای اذان مسجد را بشنود.[۵]

ب . همسایه مسجد هر کسی است که

---

۱ . فرهنگ عمید، ص ۱۲۰۴ .

۲ . مجلهٔ مسجد، ش ۵۶ ، ص ۶ ـ ۳۵ .

۳ . راهنمای ساخت مسجد، ص ۱۳۲ .

۴ . فرهنگ عمید، ص ۱۲۶۷ .

۵ . دعائم الاسلام، ج ۲ ، ص ۱۴۸ .

خانه‌اش تا فاصلهٔ چهل ذراع[۱] از هر طرف مسجد واقع شده است.[۲]

ج . همسایهٔ مسجد تا چهل خانه از هرطرف است.[۳]

با توجه به اختلاف روایات، فقها نیز در تعیین همسایه اختلاف‌نظر دارند، ولی مشهور فقها معیار در تعیین همسایه را رجوع به عرف می‌دانند. صاحب *جواهر* این قول را از بسیاری نقل کرده است و خود نیز در پایان، همین نتیجه را می‌گیرد.[۴]

اگرچه شرع مقدّس برحضور همهٔ مسلمانان در مساجد تأکید کرده، اما این حضور در مورد همسایگان به نحو جدی‌تری مورد تأکید واقع شده است، به گونه‌ای که در روایات رسیده، از اقامهٔ نماز واجب در منزل به صورت فرادا نهی شده، مگر برای افرادی که دارای عذر هستند.[۵] این تأکید تا به آن حد است که فقها ترک نماز در مسجد توسط همسایه را مکروه شمرده‌اند.[۶]

فقها روایاتی که نماز همسایه در منزل را مردود می‌شمارد به وجوهی توجیه کرده‌اند؛ از قبیل اینکه:

ـ روایات موجود درصدد بیان نفی کمال از نماز همسایهٔ مسجد است، در صورتی که در منزل خوانده شود.[۷]

این روایات در بیان استحباب تأکیدی این عمل است.[۸]

مقصود مبالغه در ثواب نماز جماعت و نقصان آن به صورت فرادا می‌باشد.[۹]

---

۱ . مقدار هر ذراع ۲۴ انگشت و یا از آرنج تا سرانگشت وسط دست می‌باشد. (جواهرالکلام، ج ۲۸ ، ص ۴۱ ـ ۴۲).

۲ . الکافی، ج ۲ ، ص ۶۶۹ ، ح ۲ .

۳ . همان، ح ۱ .

۴ . جواهرالکلام، ج ۲۸ ، ص ۴۱ ـ ۴۲ .

۵ . تهذیب، ج ۱ ، ص ۹۲ ، ح ۹۳ / قرب الاسناد، ص ۶۸ / من لایحضره الفقیه، ج ۱ ، ص ۳۷۶، ح ۱۰۹۱، شیخ صدوق، الأمالی، ص ۴۸۵ / المحاسن، ج ۱ ، ص ۸۵ .

۶ . العروة الوثقی، ج ۱ ، ص ۵۹۶ «یکره لجار المسجد أن یصلّی فی غیره لغیر علّة کالمطر...» تحریرالوسیله، ج ۱ ، ص ۱۵۱ ، م ۱۶ .

۷ . تذکرة الفقهاء، ج ۴ ، ص ۲۳۳ ـ ۲۳۲ / الذکری، ص ۲۶۷ .

۸ . مستندالشیعة، ج ۸ ، ص ۱۱ ـ ۱۲ .

۹ . المعتبر، ج ۲ ، ص ۴۱۵ .

از دیگر مباحث مطرح در بارهٔ همسایهٔ مسجد، رعایت حقوق همسایگان از طرف متولّیان مسجد است. اذان از شعائر جامعهٔ اسلامی است و مخالفت با پخش آن جایز نیست، اما در مورد سایر مراسم مذهبی، متولّیان مسجد باید رعایت حال همسایگان را بنمایند؛ زیرا گاه ممکن است انجام این اعمال مستحب سبب اذیّت همسایگان شود. حضرت امام خمینی قدس سره هشدار می‌دهند که انجام این امور گاه به جای آنکه «عبادت» باشد، «معصیت کبیره» است.[۱]

هیأت امنای مسجد

هیأت امنای مسجد: افرادی امین که از سوی نمازگزاران مسئولیت ادارهٔ مسجد را بر عهده می‌گیرند.

مؤمنان و نمازگزاران در مسجد، برای سمت و سو دادن به فعالیت‌های مسجد، اداره و اجرای دقیق برنامه‌های آن، «هیأت امنا» را با نظارت امام جماعت، از میان افرادی که شروط لازم را داشته باشند، انتخاب می‌کنند. غالباً رئیس هیأت امنای مسجد امام جماعت آن مسجد است.

طبق آیهٔ قرآن، کسی می‌تواند در اداره مسجد نقش داشته باشد که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشد؛ خودش اهل نماز باشد و زکات بپردازد؛ و جز از خدا، از کسی ترس و هراسی نداشته باشد.[۲]

همچنین برای اعضای هیأت امنای مسجد، سلامتی جسمی و روانی، زمان کافی برای انجام امور مسجد و مقبولیت اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد تا نسبت به مدیریت امور مسجد و تصمیم‌گیری‌های صحیح در جلسات هفتگی یا ماهانهٔ هیأت امنا شرکت فعّال داشته باشند. اعضای هیأت امنای مسجد باید رابطهٔ جذّاب و خوبی با جوانان مسجد و اهل محل داشته باشند تا سبب جذب آنها به مسجد گردند.

اختلافات مدیریتی و ناهماهنگی بین اعضای هیأت امنا، نداشتن نشاط و توان کافی برای مدیریت و برخورد تند و زنندهٔ اعضای هیأت امنای مسجد با جوانان و نوجوانان اسباب اختلال در امور مسجد

---

۱. ر.ک. صحیفهٔ امام، ج ۱۶، ص ۴۱۱.

۲. توبه: ۱۹.

و کم‌رونقی آن می‌شود.

در زمینهٔ انتخاب هیأت امنای مسجد، دو نکته قابل ذکر است: اولاً، سرپرستی و ادارهٔ امور مساجد در وهلهٔ اول، بر عهدهٔ حاکم اسلامی است[۱] و در صورت عدم دست‌رسی، مؤمنان ادارهٔ مساجد را بر عهده می‌گیرند. ثانیاً، اگر مسجد واقفی داشته باشد، واقف می‌تواند در املاک و موقوفات و متعلّقاتی که برای تأمین مخارج مسجد در نظر گرفته شده است، جعل تولیت کند و فرد یا افرادی امین و مورد اعتماد برای رسیدگی به این امور، مشخص نمایند. ولی در خصوص استفادهٔ شرعی عموم مسلمانان، واقف یا هیأت امنا یا دیگران نمی‌توانند تولیتی بر مسجد داشته باشند؛[۲] زیرا عزل و نصب متولّی یا متولّیان مسجد در این‌گونه امور، اثری ندارد.[۳] (ر.ک. وقف مسجد / متولّی مسجد.)

---

۱. صحیفهٔ نور، ج ۲۰، ص ۱۷۰.

۲. ر.ک. تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب «الوقف»، ص ۸۲، م ۷۸ و ۷۹ / استفتائات، ج ۲، ص ۳۹۶، س ۱۴۶ و ۱۴۷.

۳. استفتائات، ج ۲، ص ۳۹۶، س ۱۴۶.

فهرست منابع و مآخذ

۱ ـ قرآن کریم.

۲ ـ آیات الاحکام، کاظم مدیر شانه‌چی، تهران، سمت.

۳ ـ آیین مسجد، محمدعلی موظف رستمی، گویه، تهران، ۱۳۸۱ .

۴ ـ احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ابوعبدالله المقدسی، ترجمهٔ علی‌نقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ .

۵ ـ احکام‌القرآن، ابی‌بکر احمد بن علی‌الرازی الجصاص، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ هـ .

۶ ـ احکام مسجد، محمدحسین فلاح‌زاده، قم، چاپخانهٔ اسوه، ۱۳۷۸ .

۷ ـ الآداب الطبیّة فی الإسلام، جعفر مرتضی عاملی، قم، جامعة المدرّسین، ۱۳۶۲ .

۸ ـ الإرشاد، شیخ مفید، قم، کنکرهٔ شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق .

۹ ـ الإستبصار، شیخ طوسی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ ق .

۱۰ ـ الأمالی، شیخ طوسی، چ اول، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ هـ .

۱۱ ـ الأمالی، شیخ صدوق، کتابخانهٔ اسلامیه، ۱۳۶۲ .

۱۲ ـ الأمالی، شیخ مفید، قم، کنگرهٔ شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق .

۱۳ ـ استفتاءات، امام خمینی، چ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ .

۱۴ ـ اصلاح المساجد من البدع و العوائد، محمّد جمال الدین قاسمی الدمشقی الحنبلی، چاپ چهارم، بیروت، المکتب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ .

۱۵ ـ اعلام الساجد بأحکام المساجد، محمّد بن عبدالله زرکشی، قاهره، ۱۳۸۴ ق .

۱۶ ـ اعترافات مستشرقان در بارهٔ پیامبر اعظم، محمود مطهری‌نیا، روزنامه رسالت ۲۶ تیر ۱۳۸۵، شماره ۵۹۱۴ .

۱۷ ـ أجوبة الاستفتاءات، سید علی خامنه‌ای، دارالنباء، ۱۴۱۵ ق .

۱۸ ـ بحار الأنوار، محمّد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق .

۱۹ ـ البیان، الشهید الاول، قم، مجمع الذخائر الاسلامیة، چ سنگی.

۲۰ ـ بیت‌المقدّس شهر پیامبران، عبدالله ناصری طاهری، سروش، ۱۳۶۷ .

۲۱ ـ تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی الزبیدی، بیروت، المکتبة الحیاة.
۲۲ ـ تاریخ آموزش در اسلام، شبلی احمد، ترجمهٔ محمدحسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ .
۲۳ ـ تاریخ المدینة المنورّة، ابن‌شبه، بیروت دارالتراث، بی‌تا.
۲۴ ـ تاریخ پیامبر اسلامﷺ، محمّدابراهیم آیتی، چ پنجم، تهران، دانشگاه تهران.
۲۵ ـ تاریخ تحلیلی اسلام، سید جعفر شهیدی، تهران، چ یازدهم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰ .
۲۶ ـ تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، عبدالرحیم غنیمه، ترجمهٔ نورالله کسایی، تهران، انتشارات دانشگاه.
۲۷ ـ تاریخ سیاسی‌اسلام، حسن ابراهیم حسن، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۷۶ .
۲۸ ـ تاریخ فقه و فقها، ابوالقاسم گرجی، تهران، سمت، ۱۳۸۱ .
۲۹ ـ تاریخ کتابخانه‌های مساجد، محمّد مکّی سباعی، ترجمه محمد عباسپور و محمّد جواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ .
۳۰ ـ تاریخچه دائرة المعارف نگاری در جهان، محمدحسین قرشی، کیهان فرهنگی، ش ۱۲۷، خرداد و تیرماه ۱۳۷۵ .
۳۱ ـ التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن الحسن الطوسی، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق .
۳۲ ـ تجلیّات حکمت معنوی در هنر اسلامی، محمّد مددپور، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴ .
۳۳ ـ تحریر الاحکام‌الشرعیة علی مذهب‌الأمامیة، علامه حلّیؒ، مؤسسة آل‌البیت، چ سنگی / مؤسسة الامام الصادقؑ، ۱۴۲۰ ق .
۳۴ ـ تحریر الوسیلة، امام خمینیؒ، قم، اسماعیلیان.
۳۵ ـ تذکرة الفقهاء، علامه حلّیؒ، قم، مؤسسة آل‌البیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق .
۳۶ ـ تفسیر ابن‌کثیر (تفسیر القرآن الکریم)، اسماعیل بن کثیر، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۳۷ ـ تفسیر الامام العسکریؑ، قم، مدرسة الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۳۸ ـ تفسیر العیّاشی، محمّد بن مسعود عیّاشی، تهران، علمیه، ۱۳۸۰ ق .
۳۹ ـ تفسیر القرطبی (الجامع لأحکام القرآن)، محمّد بن احمد انصاری قرطبی، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۰۵ ق .
۴۰ ـ تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، چ سوم، قم، مؤسسة دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۴۱ ـ تفسیر المنار، محمّد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفة.
۴۲ ـ تفسیر بیضاوی، (انوار التنزیل و اسرار التأویل، عبدالله بن عمر «بیضاوی»)، مصر، قاهره، المکتبة التجاریة الکبری.
۴۳ ـ تفسیر روح الجِنان و رُوح الجنان، ابوالفتوح رازی، تهران، اسلامیة، ۱۳۵۶ ش.
۴۴ ـ تفسیر فخر الرازی، محمد بن عمر (التفسیر الکبیر)، مصر، قاهره، عبدالرحمن محمد، ۱۳۵۷ ق.
۴۵ ـ تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از دانشمندان، چ چهل و یکم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ .
۴۶ ـ تکملة العروة الوثقی، السید الیزدی، قم، مکتبة الداوری.
۴۷ ـ تمدّن اسلام و عرب، گوستاولوبون، ترجمهٔ فخر داعی، تهران، بنگاه مطبوعاتی اعلمی.

۴۸ ـ التنقیح فی شرح العروة (کتاب الطهارة)، سید الخوئی، چ سوم، قم، دارالهادی، ۱۴۱۰ ق .
۴۹ ـ التهذیب، شیخ طوسی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ .
۵۰ ـ ثمار المقاصد فی ذکر المساجد، یوسف بن عبدالهادی، مکتبة لبنان.
۵۱ ـ جامع الأخبار، تاج‌الدین شعیری، قم، رضی، ۱۳۶۳ .
۵۲ ـ جامع المسائل، محمّد فاضل لنکرانی.
۵۳ ـ جامع المقاصد، محقق کرکی، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق .
۵۴ ـ الجعفریات، محمّد بن محمّد بن أشعث کوفی، طهران، مکتبة نینوی الحدیثة.
۵۵ ـ جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، سید بن طاووس، اختر شمال، ۱۳۷۱ .
۵۶ ـ جواهر الکلام، محمّدحسن نجفی، قم، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷ .
۵۷ ـ جوامع الجامع، فضل بن حسن طبرسی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۸ ق.
۵۸ ـ الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، یوسف بن احمد بحرانی، قم، جامعةالمدرّسین.
۵۹ ـ حدیث مسجد، گردآوری، سیدرضا شاکری، حیدر محمدی، تهران، ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، ۱۳۸۱ .
۶۰ ـ حواشی الثروانی، عبدالحمید الثروانی و ابن‌قاسم العبادی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۶۱ ـ الخصال، شیخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفّاری، قم، جماعة المدرّسین.
۶۲ ـ خطط، ابن‌تغردی بردی، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا.
۶۳ ـ الخلاف، محمّد بن حسن طوسی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ ق .
۶۴ ـ دائرة المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، تهران، کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۶ .
۶۵ ـ الدرّ المنثور، جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق .
۶۶ ـ الدروس الشرعیة، شهید اول، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق .
۶۷ ـ دروس فی معرفة الوقت و القبلة، حسن حسن‌زاده آملی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۶۸ ـ دعائم الأسلام، نعمان بن محمّد تمیمی مغربی، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ ق.
۶۹ ـ الدعوات، قطب‌الدین راوندی، قم، مدرسة الامام المهدی «عج»، ۱۴۰۷ ق .
۷۰ ـ دلائل الامامة، محمّد بن جریر بن رستم طبری، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ ق.
۷۱ ـ دین و دولت در ایران، حامد الگار، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، طوس، تهران، ۱۳۶۵ .
۷۲ ـ ذخیرة المعاد، محقق سبزواری، مؤسسة آل‌البیت، چ سنگی.
۷۳ ـ الذکری، شهید اول، چ سنگی، خط کرمانی، ۱۲۷۲ .
۷۴ ـ راهنمای انسانیت (سیری دیگر در نهج‌الفصاحة)، مرتضی فرید تنکابنی، چ نهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱ .
۷۵ ـ راهنمای ساخت مسجد، علی باباشاهی و محمّدرضا محتشمی، تهران، مؤسسهٔ عمران مسجد، ۱۳۸۰ .

۷۶ ـ رجال الکشی، محمّد بن عمر کشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ .
۷۷ ـ رحله، ابن‌بطوطه، مصر، مطبعة العادة، ۱۳۲۶ ق / ۱۹۰۸ م .
۷۸ ـ رساله توضیح المسائل، ناصرمکارم‌شیرازی، چ دوازدهم، قم، مدرسة الأمام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۳۸۳ .
۷۹ ـ رساله توضیح المسائل، امام خمینی قدس‌سره.
۸۰ ـ رساله توضیح المسائل، محمّد تقی بهجت.
۸۱ ـ رساله توضیح المسائل، محمّد فاضل لنکرانی، چ شصت‌ونهم، ۱۳۸۰ .
۸۲ ـ رساله توضیح المسائل، سیدمحمّدرضا گلپایگانی، چ هفتاد و دوم، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۱ .
۸۳ ـ روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، شهید ثانی قدس‌سره، مؤسسة آل‌البیت، ۱۴۰۴ ق .
۸۴ ـ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، شهید ثانی، قم، داوری، ۱۴۱۰ ق .
۸۵ ـ روضة الواعظین، محمّد بن حسن فتال نیشابوری، قم، رضی.
۸۶ ـ ریاض المسائل، سید علی طباطبائی، قم، مؤسسة آل‌البیت، ۱۴۰۴ ق.
۸۷ ـ السرائر، ابن‌ادریس حلّی، چ دوم، قم، جامعة المدرّسین، ۱۴۱۰ ق .
۸۸ ـ سفرنامهٔ ابن‌جبیر، ابن‌جبیر، ترجمهٔ پرویز اتابکی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ .
۸۹ ـ سفینة البحار، عبّاس قمی، چ سوم، دارالاسوه، ۱۳۸۰ .
۹۰ ـ سنن ابن‌ماجه، محمّد بن یزید القزوینی، بیروت، دارالفکر.
۹۱ ـ سنن ابی‌داود، سلیمان بن الأشعث السجستانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
۹۲ ـ سنن الترمذی، محمّد بن عیسی ترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق .
۹۳ ـ سنن الدارمی، عبدالله بن بهرام الدرامی، دمشق، الأعتدال.
۹۴ ـ السنن الکبریٰ، احمد بن الحسین بن علی البیهقی، بیروت، دارالفکر.
۹۵ ـ السنن النسائی، احمد بن شعیب النسائی، بیروت، دارالفکر، ۱۳۴۸ ق/ ۱۹۳۰ م.
۹۶ ـ السیرة النبویة، ابن‌هشام، بیروت، دارالتعلم.
۹۷ ـ سیرة النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله، (سیرة ابن‌هشام)، محمّد بن اسحاق بن یسار المطلبی، مکتبة محمدعلی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ ق .
۹۸ ـ سیمای مسجد، رحیم نوبهار، چ دوم، قم، نشر مؤلف، ۱۳۷۳ .
۹۹ ـ ۱۱۰ سؤال پیرامون مسجد، مرتضی رستگار، قم، مؤسسهٔ فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۴ .
۱۰۰ ـ شرائع الاسلام، علاّمه حلّی قدس‌سره، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة.
۱۰۱ ـ الشرح الکبیر، عبدالرحمن بن قدامه، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۰۲ ـ شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن ابی‌الحدید، قم، کتابخانه آیةالله مرعشی‌النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۰۳ ـ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، اسماعیل بن حماد الجوهری، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ .

۱۰۴ ـ صحیح ابن‌حبّان بترتیب ابن بلبان، علاءالدین علی بن بلبان الفارسی، چ دوم، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۴ ق .
۱۰۵ ـ صحیح البخاری، محمّد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر.
۱۰۶ ـ صحیح المسلم، محمّد بن مسلم النیشابوری، بیروت، دارالفکر.
۱۰۷ ـ صحیفهٔ نور، امام خمینی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسهٔ تنظیم نشر و آثار امام خمینی‌ﷺ.
۱۰۸ ـ الضوابط الشرعیة لبناء المسجد، یوسف القرضاوی، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق .
۱۰۹ ـ الطبقات الکبری، محمّد بن سعد، بیروت، دارصادر.
۱۱۰ ـ العترة والقرآن، علی کریمی جهرمی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق .
۱۱۱ ـ عدّة الداعی، ابن‌فهد حلّی، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۰۷ ق .
۱۱۲ ـ العروة الوثقی، السید الیزدی، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۹ ق .
۱۱۳ ـ علل الشرائع، شیخ صدوق‌ﷺ، نجف، المکتبة الحیدریه، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
۱۱۴ ـ علم در اسلام، سید حسین نصر.
۱۱۵ ـ عوالی اللئالی، ابن ابی‌جمهور الاحسائی، قم، مطبعة سیدالشهداء، ۱۴۰۳ ق .
۱۱۶ ـ عون المعبود شرح سنن ابی‌داود، محمّد شمس الحق العظیم آبادی، چ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق .
۱۱۷ ـ العهود المحمدیة، عبدالوهاب الشعرانی، ط الثانیه، مصر، المصطفی البابی الحلبی و اولاده، ۱۳۹۳ ق .
۱۱۸ ـ عیون اخبار الرضاعليه‌السلام، شیخ صدوق‌ﷺ، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق .
۱۱۹ ـ العین، لابی عبدالرحمن‌الخلیل بن‌احمدالفراهیدی، ط الثانیة،مؤسسةدارالهجرة،۱۴۰۹ هـ .
۱۲۰ ـ الغارات، ابراهیم بن محمّد الثقفی الکوفی، چاپخانه بهمن.
۱۲۱ ـ غنائم الأیام فی مسائل الحلال والحرام، میرزا ابوالقاسم القمی، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۲۲ ـ غنیة النزوع الی‌علمی الاصول والفروع، ابن‌زهرة حلبی، مؤسسة الامام الصادق‌عليه‌السلام، ۱۴۱۷ ق .
۱۲۳ ـ فتح العزیز فی شرح الوجیز، عبدالکریم بن محمّد رافعی، دارالفکر.
۱۲۴ ـ فتح الوهّاب بشرح منهج الطلاب، زکریا بن محمّد بن احمد بن زکریّا انصاری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق .
۱۲۵ ـ فوائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد، محمّد زمان بن لکبعلی تبریزی، به کوشش رسول جعفریان، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۳ .
۱۲۶ ـ فرازهایی از تاریخ اسلام، جعفر سبحانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بعثه مقام رهبری «دام‌عزه»، ۱۳۷۱ ش .
۱۲۷ ـ فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، نشر دانش اسلامی، ۱۳۷۰ .
۱۲۸ ـ فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، مترجم احمد سیاح، اسلام، ۱۳۷۳ .
۱۲۹ ـ فرهنگ عمید، حسن عمید، تهران، امیرکبیر.
۱۳۰ ـ فرهنگ فارسی، محمّد معین، تهران، امیرکبیر.

۱۳۱ ـ فرهنگ فقه (مطابق مذهب اهل‌البیت علیهم‌السلام)، مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۳ .
۱۳۲ ـ فرهنگ‌نامهٔ قرآن، با نظارت محمّد جعفر یاحقی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۳۳ ـ فرهنگ‌نامهٔ مهدویت، خدامراد سلیمیان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۳ .
۱۳۴ ـ فرهنگ واژه‌های سنّتی ایران، سعید فلاح‌فر، کامیاب، ۱۳۷۹ .
۱۳۵ ـ فرهنگ واژه‌های معماری سنّتی ایران، حسین سلطان‌زاده، تهران، شهرداری تهران، ۱۳۷۲ .
۱۳۶ ـ فرهنگ‌های فارسی، سعید نفیسی، لغت‌نامهٔ دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ .
۱۳۷ ـ فضاهای فرهنگی ایران: فهرستگان مساجد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۳۸ ـ فقه القرآن، قطب‌الدین راوندی، قم، مکتبة السید مرعشی النجفی، ۱۴۰۵ ق.
۱۳۹ ـ قاموس المحیط (اللغة)، الشیخ نصر الهورینی (الفیروزآبادی).
۱۴۰ ـ قرب الأسناد، عبدالله بن جعفر حمیری قمی، تهران، نینوی.
۱۴۱ ـ قواعد الاحکام، علاّمه حلّی، قم، منشورات الرضی.
۱۴۲ ـ القواعد الفقهیه، سید محمّدحسین بجنوردی، قم، الهادی، ۱۴۱۹ ق .
۱۴۳ ـ کارکرد مساجد، ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، رسا نشر، ۱۳۸۴ ش، تهران.
۱۴۴ ـ الکافی، محمّد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ .
۱۴۵ ـ الکامل فی ضعفاء الرجال، ابی‌احمد عبدالله بن عدی الجرجانی، ط الثالثة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق .
۱۴۶ ـ کتاب البیع، امام خمینی قدس‌سره، چ چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.
۱۴۷ ـ کتاب الصلاة، سید ابوالقاسم خوئی قدس‌سره، چ سوم، قم، دارالهادی، ۱۴۱۰ ق .
۱۴۸ ـ کتاب الطهارة، سید محمّدرضا گلپایگانی، قم، دارالقرآن الکریم.
۱۴۹ ـ کتاب الغیبة، محمّد بن ابراهیم نعمانی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبة الصدوق.
۱۵۰ ـ کتابشناسی فرهنگ‌های فارسی ـ اروپائی، ایرج افشار، مقدمهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا.
۱۵۱ ـ الکشّاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، محمود بن عمر زمخشری.
۱۵۲ ـ کشف الخفاء، اسماعیل بن محمّد عجلونی جراحی، چ دوم، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق .
۱۵۳ ـ کشف الغطاء، جعفر الغطاء، اصفهان، مهدوی.
۱۵۴ ـ کشف اللثام، فاضل هندی، قم، مکتبة آیةالله مرعشی النجفی، ۱۴۰۵ ق .
۱۵۵ ـ کنز العرفان فی فقه القرآن، جمال‌الدین المقداد بن عبدالله السیوری، تهران، مکتبةالمرتضویة، ۱۳۸۴ ق .
۱۵۶ ـ کنزالعمّال فی سنن‌الأقوال والافعال، متقی‌هندی، بیروت، مؤسسةالرسالة، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.
۱۵۷ ـ کوفه پیدایش شهر اسلامی، هشام جعیط، ترجمهٔ ابوالحسن سروقدمقدّم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ .

۱۵۸ ـ گناهان کبیره، سید عبدالحسین دستغیب، چ ششم، ۱۳۶۳ .
۱۵۹ ـ لسان العرب، ابن‌منظور، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م .
۱۶۰ ـ لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا.
۱۶۱ ـ المبسوط فی فقه الامامیة، شیخ طوسی، طهران، المکتبة المرتضویة، ۱۳۸۷ .
۱۶۲ ـ المجموع فی شرح المهذب، محیی‌الدین بن النووی، دارالفکر.
۱۶۳ ـ المحاسن، احمد بن محمّد بن خالد برقی، قم، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ق .
۱۶۴ ـ المحجة البیضاء، مولی محسن فیض کاشانی، قم، انتشارات‌اسلامی، ۱۳۸۳ ق .
۱۶۵ ـ المختصر النافع فی فقه الامامیة، محقق حلّی، طهران، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۰ ق .
۱۶۶ ـ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، دارالمعرفه / بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۶۷ ـ مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین هیثمی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق .
۱۶۸ ـ مجمع الفائدة والبرهان، محقق اردبیلی، قم، جامعة المدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۱۶۹ ـ مجمع المسائل، سید محمّدرضا گلپایگانی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۶۴ .
۱۷۰ ـ مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، مکتب نشر الثقافة الاسلامیة، چ دوم، ۱۴۰۸ هـ .
۱۷۱ ـ مختلف الشیعة، علاّمه حلّی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق .
۱۷۲ ـ مدارك الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، سیدمحمّد عاملی، قم، مؤسسة آل‌البیت، ۱۴۱۰ ق.
۱۷۳ ـ مرآة‌الحرمین اوالرحلات‌الحجازیة و الحج و مشاعرة الدینیة، ابراهیم رفعت پاشا، قاهره، دارالکتب المصریة، ۱۳۲۴ ق / ۱۹۲۵ م .
۱۷۴ ـ مسائل علی بن جعفر، علی بن الامام جعفر الصادق، المؤتمر العالمی للامام الرضا، قم، مؤسسة آل‌البیت.
۱۷۵ ـ مساجد الکوفة، کامل سلمان البجوری، نجف اشرف، النعمان.
۱۷۶ ـ مساجد در تمدن اسلامی، دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، تهران، رسانش، ۱۳۸۴ .
۱۷۷ ـ مسالك الأفهام، شهید ثانی، مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۴ ق .
۱۷۸ ـ مستدرك الوسائل، محدّث نوری، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق .
۱۷۹ ـ مستمسك العروة، سید حکیم، قم، مکتبة آیةالله مرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۸۰ ـ مستند الشیعة، محقق نراقی، قم، مؤسسة آل‌البیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۵ ق .
۱۸۱ ـ مجلهٔ مسجد، سال سوم، ش ۱۵ ، مرداد و شهریور ۱۳۷۳ ، «پیدایش مناره در اسلام»، محمود فاضل.
۱۸۲ ـ مجلهٔ مسجد، سال ششم، ش ۳۲ ، خرداد و تیر ۱۳۷۶ .
۱۸۳ ـ مجلهٔ مسجد، سال ششم، ش ۳۳، مرداد و شهریور ۱۳۷۶ ، «اذان و مأذنه»، طه ولی، ترجمهٔ سید سعید سیدحسینی.
۱۸۴ ـ مجلهٔ مسجد، ش ۳۳، «المسجد فی الإسلام»، طه ولی، ترجمهٔ سید سعید حسینی.

۱۸۵ ـ مجلهٔ مسجد، سال هفتم، ش ۳۹ ، مرداد و شهریور ۱۳۷۷ .
۱۸۶ ـ مجلهٔ مسجد، سال هفتم، ش ۴۰ ، مهر و آبان ۱۳۷۷ .
۱۸۷ ـ مجلهٔ مسجد، ش ۴۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸ .
۱۸۸ ـ مجلهٔ مسجد، سال هشتم، ش ۴۴ ، خرداد و تیر ۱۳۷۸ .
۱۸۹ ـ مجلهٔ مسجد، سال هشتم، ش ۴۵ ، مرداد و شهریور ۱۳۷۸ .
۱۹۰ ـ مجلهٔ مسجد، سال هشتم، ش ۴۶، مهر و آبان ۱۳۷۸ .
۱۹۱ ـ مجلهٔ مسجد، سال دهم، ش ۵۶، خرداد و تیر ۱۳۸۰ .
۱۹۲ ـ مجلهٔ مسجد، سال نهم، ش ۴۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹ .
۱۹۳ ـ مجلهٔ مسجد، سال یازدهم، ش ۶۵ ، آذر و دی ۱۳۸۱ .
۱۹۴ ـ مجلهٔ مسجد، سال دوازدهم، ش ۶۹ ، مرداد و شهریور ۱۳۸۲ .
۱۹۵ ـ مجلهٔ مسجد، سال دوازدهم، ش ۷۰ ، مهر ۱۳۸۲ .
۱۹۶ ـ مسجد، محسن محمّدی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳ .
۱۹۷ ـ مسجد القیروان، احمد فکری، مصر، المعارف، ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م.
۱۹۸ ـ مسجد ایران و آسیای مرکزی، برنارد اوکین، ترجمهٔ عبدالله برادران.
۱۹۹ ـ مسجد در سفرنامه‌ها، دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی بر کانون‌های فرهنگی ـ هنری مساجد، تهران، چ اول، رسانش، ۱۳۸۴.
۲۰۰ ـ مسجد قلب جامعه، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی.
۲۰۱ ـ مسجد و انقلاب اسلامی، رضا شریف‌پور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ .
۲۰۲ ـ مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعهٔ اسلامی، عباسعلی فراهتی، تهران، ستاد عالی کانون‌های فرهنگی ـ هنری مساجد، ۱۳۸۲ .
۲۰۳ ـ المسند، امام احمد حنبل، بیروت، دارصادر.
۲۰۴ ـ مشکوة الأنوار فی غرر الأخبار، علی طبرسی، ط الثانیة، نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
۲۰۵ ـ مصباح الشریعة، المنسوب الی الامام جعفر الصادق علیه السلام ،بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۰ق.
۲۰۶ ـ مصباح الفقیه، آقارضا همدانی، مکتبة الصدر، چ سنگی.
۲۰۷ ـ مصباح المتهجد، شیخ طوسی، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق .
۲۰۸ ـ مصباح المنیر، الفیومی.
۲۰۹ ـ معانی الأخبار، شیخ صدوق، قم، جامعهٔ مدرسین، ۱۳۶۱ .
۲۱۰ ـ المعتبر فی شرح المختصر، محقق حلّی رحمه الله، قم، مؤسسة سید الشهداء، ۱۳۶۴ .
۲۱۱ ـ معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م.

۲۱۲ ـ المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، محمّد فؤاد عبدالباقی، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۲۰ ق .
۲۱۳ ـ معجم مقائیس اللغة، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، قم، مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ هـ ق .
۲۱۴ ـ معماری اسلامی در چین، لیوجی پنیگ، ترجمهٔ مریم خرّم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ .
۲۱۵ ـ معماری‌ایرانی، آ. پوپ، ترجمهٔ غلامحسین صدری‌افشار، چ سوم، تهران،فرهنگان،۱۳۷۳ .
۲۱۶ ـ معماری هند در دورهٔ گورکانیان، إبا کُخ، ترجمهٔ حسین سلطان‌زاده، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۳ .
۲۱۷ ـ المغازی، محمّد بن عمر واقدی، قم، دانش اسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۲۱۸ ـ المغنی، عبدالله بن قدامه، بیروت، دارالکتاب العربی.
۲۱۹ ـ مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج، محمّد الشربینی الخطیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ ق / ۱۹۵۸ م.
۲۲۰ ـ مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
۲۲۱ ـ مفتاح الفلاح، شیخ بهائی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۲۲۲ ـ المفردات فی الفاظ القرآن، راغب اصفهانی.
۲۲۳ ـ المقابر، رابرت هیلن براند، ترجمهٔ قدامت‌الله افسر، تهران، بی‌تا.
۲۲۴ ـ المقنع، محمّدبن‌علی‌بن‌الحسین‌بن‌بابویه قمی، قم، مؤسسة الامام المهدی «عج»، ۱۴۱۵ ق.
۲۲۵ ـ مکارم الأخلاق، حسن بن فضل الطبرسی، چ ششم، الشریف الرضی، ۱۳۹۲ ق .
۲۲۶ ـ منتخب الأثر، لطف‌الله صافی گلپایگانی، قم، چ هفتم، حضرت معصومه علیهاالسلام .
۲۲۷ ـ منتهی المطلب، علامة حلّی قدس‌سره، تبریز، حاج احمد، ۱۳۳۳ .
۲۲۸ ـ من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم، جامعهٔ مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۲۲۹ ـ منیة المرید، شهید ثانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۳۰ ـ مواهب الجلیل، خطاب رعینی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
۲۳۱ ـ مهدی موعود، (ترجمهٔ جلد ۱۳ بحارالأنوار)، علی دوانی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چ ۱۹ .
۲۳۲ ـ المهذب، قاضی ابن‌براج، قم، جامعة المدرّسین، ۱۴۰۶ ق .
۲۳۳ ـ میزان الحکمة، محمّد محمّدی ری‌شهری، ترجمهٔ حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
۲۳۴ ـ المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمّدحسین طباطبائی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۳۵ ـ ناسخ التواریخ زندگانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، محمّدتقی لسان الملک سپهر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ .
۲۳۶ ـ نتائج الأفکار، سید محمّدرضا گلپایگانی قدس‌سره، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق .
۲۳۷ ـ النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، ابن‌تغردی بردی، قاهره، دارالکتب المصریة، ۱۳۴۸ ق.
۲۳۸ ـ نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، محمّد مّکی السباعی، ترجمهٔ علی شکویی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳ .

۲۳۹ ـ نقش مسجد در جامعهٔ اسلامی، غلامحسین محرّمی، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی بهمن، ۱۳۷۹ .

۲۴۰ ـ نهایة الإحکام فی معرفة الأحکام، علامهٔ حلّی، چ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.

۲۴۱ ـ النهایة فی المجرّد الفقه و الفتاوی، محمّد بن حسن طوسی، بیروت، دارالاندلس.

۲۴۲ ـ النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ابن‌اثیر.

۲۴۳ ـ نهج السعادة فی مستدرك نهج‌البلاغة، محمّدباقر المحمودی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۶ ق .

۲۴۴ ـ نهج الفصاحة، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، جاویدان.

۲۴۵ ـ نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه العروسی الحویزی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.

۲۴۶ ـ نیل الأوطار من أحادیث سید الاخیار شرح منتقی الاخبار، محمّد بن علی بن محمّد شوکانی، بیروت، دارالجیل، بی‌تا.

۲۴۷ ـ وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی رحمه الله، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق / بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۲۴۸ ـ وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفی، نورالدین علی بن احمد المصری السمهودی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۲۴۹ ـ وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، یحیی محمود ساعاتی، ترجمهٔ احمد امیری شادمهری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ .

۲۵۰ ـ هاشمی رفسنجانی دوران مبارزه، محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶ .

۲۵۱ ـ الهدایة، شیخ صدوق، قم، مؤسسة الامام الهادی علیه السلام، ۱۴۱۸ ق .

۲۵۲ ـ هدایة العباد، سید محمّدرضا گلپایگانی رحمه الله، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق .

۲۵۳ ـ فصلنامهٔ هنر، ش ۳۳ .

۲۵۴ ـ هنر معنویت اسلامی، سید حسین نصر، ترجمهٔ رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵ .

۲۵۵ ـ هنر مقدّس، اصول و روش‌ها، تیهوس بورکهارت، ترجمهٔ جلال ستاری، تهران، نشر سروش.

۲۵۶ ـ هنر و معماری مساجد، به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، چ دوم، تهران، ۱۳۸۴ .

۲۵۷ ـ هنر اسلامی، دیوید تالبوت رایس، ترجمهٔ ماه ملک‌بهار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ ش .